

سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران

## راهبرد فرهنگ

سال هفدهم، شماره شصت و پنج، بهار ۱۴۰۳

۶۵

## شرایط چاپ مقالات

- پذیرش اولیه مقالات صرفاً زمانی صورت می‌گیرد که ذیل یکی از محورهای موضوعی نشریه به شرح زیر باشد:
  - رصد و مهندسی فرهنگی کشور
  - آسیب‌شناسی و ساماندهی فرهنگ عمومی
  - هنجارها، ارزش‌ها و باورهای معیار و چگونگی تحقق آن
  - حفاظت از دستاوردهای فرهنگی انقلاب در مقابل هجوم بیگانه
  - جایگاه و عملکرد رسانه‌ها و دستگاه‌های فرهنگی کشور
  - پیش‌نیازها، ملزومات و عوامل مؤثر بر ارتقاء علمی و فرهنگی کشور
  - نقشه جامع علمی کشور
  - تحول و نوسازی نظام آموزش و تربیت کشور: خانواده، مدرسه، دانشگاه و حوزه
  - تحول و ارتقاء علوم انسانی
  - پیش‌نیازهای فرهنگی تحقق چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور
  - چگونگی تعامل با ادیان، فرق و قومیت‌ها
  - بررسی روندها و جهت‌گیری‌ها در تولید آثار و مصنوعات فرهنگی و هنری
- مقالات ارسالی نباید برای هیچ نشریه داخلی یا خارجی ارسال و یا در آنها چاپ شده باشد.
- مقالات الزاماً باید مطابق با راهنمای تنظیم مقالات فصلنامه «راهبرد فرهنگ» تنظیم شود.
- آثار ارسال‌شده صرفاً پس از ارزیابی و تأیید داوران به چاپ خواهد رسید.
- فصلنامه در ویرایش مطالب و تغییر عناوین آزاد است.

- مطالب مندرج در فصلنامه، لزوماً بیانگر دیدگاه‌های شورای عالی انقلاب فرهنگی نیست.
- اقتباس و نقل مطالب با ذکر مأخذ آزاد است.



دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
۳/۱۱/۱۳۵۲  
۱۳۸۸/۸/۱۷

### هیئت تحریریه:

(به ترتیب الفبا)

#### مسعود آذربایجانی

استاد پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

#### اصغر افتخاری

استاد دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

#### رضا داوری اردکانی

استاد گروه فلسفه دانشگاه تهران

#### محمدسعید ذکایی

استاد دانشگاه علامه طباطبائی

#### اعظم راودراد

استاد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

#### علیرضا شجاعی‌زند

دانشیار دانشگاه تربیت مدرس

#### موسی عنبری

دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

#### حسین کچویان

دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

#### محمدرضا مخبر دزفولی

استاد دانشگاه تهران

#### محمدعلی مظاهری

دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه شهید بهشتی

#### احمد واعظی

استاد دانشگاه باقرالعلوم علیه‌السلام

تذکر:

- ۱- چنانچه نویسندگان محترم در به ثمر رساندن مقاله از مؤسسه و یا سازمان، حمایت مالی دریافت کرده است، در صفحه اول مقاله در قسمت پی‌نوشت به آن اشاره نماید.
  - ۲- چنانچه مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد و رساله دکتری است، نویسندگان محترم در صفحه اول مقاله به آن اشاره نمایند.
- شرایط و ضوابط پذیرش و انتشار مقاله:**
- \* مقالات ناظر به یافته‌های جدید پژوهشی، نظریه یا روش جدید در حل مسائل (اعم از پژوهش‌های بنیادی، کاربردی و...) باشد.
  - \* مقالات قبلاً در نشریه یا مجموعه مقالات سمینارها چاپ نشده یا در دست بررسی و چاپ نباشد.
  - \* مقاله در قالب حداکثر ۷ هزار کلمه و در محیط word تنظیم شده باشد.
  - \* معادل لاتین اسامی، مفاهیم و اصطلاحات مهم در پانویست هر صفحه درج شود.
  - \* ویراستاری مقالات به عهده مؤلف بوده و لازم است به جدیدترین روش، ویراستاری گردد.
  - برای ارجاع به منابع در داخل متن به صورت (نام مؤلف، سال انتشار: شماره صفحه) و (نام مؤلف، سال انتشار، ج ۱، ص ۱) عمل شود.
  - \* فهرست منابع در آخر مقاله بر حسب حروف الفبایی نام خانوادگی نویسنده و سبک استنادی (APA) به صورت ذیل تنظیم شود:

#### کتاب

نام خانوادگی، نام (سال انتشار). عنوان کتاب (با قلم ایتالیک)، نام و نام خانوادگی مترجم، محل نشر، ناشر، تعداد جلد، احیاناً شماره جلد مورد استناد.

#### مقاله

##### مقاله با یک نویسنده

- بنی اسدی، نازنین (۱۳۸۳). مدیریت مشارکتی معلمان و ارتباط آن با رفتار جامعه مدنی دانش آموزان. روان شناسی و علوم تربیتی، ۳۴(۲)، ۱۹۸-۱۷۵.

-Fukugawa, N. (2022). Effects of the quality of science on the initial public offering of university spinoffs: evidence from Japan. *Scientometrics*, 127(8), 4439-4455.

##### مقاله با دو نویسنده

- شجاعی، حسین، و ثقفیان، علی (۱۳۹۶). تاثیر شناخت تحولات تاریخی زبان عربی بر گستره ی پژوهش‌های ریشه شناسی. مطالعات قرآن و حدیث، ۱۱(۲۱)، ۲۸-۵.

-Haunschild, R., & Bormann, L. (2022). Relevance of document types in the scores' calculation of a specific field-normalized indicator: Are the scores strongly dependent on or nearly independent of the document type handling?. *Scientometrics*, 127(8), 4419-4438.

##### مقاله با سه نویسنده

- وزیری، اسماعیل، نقشینه، نادر، و نوروزی چاکلی، عبدالرضا (۱۳۹۸). موانع و چالش‌های اشتراک گذاری داده‌های پژوهشی. پژوهشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۹(۲).

-Vakkari, P., Chang, Y. W., & Järvelin, K. (2022). Largest contribution to LIS by external disciplines as measured by the characteristics of research articles. *Scientometrics*, 127(8), 4499-4522.

##### مقاله با بیش از سه نویسنده

- ریاحی نیا، نصرت، رحیمی، فروغ، لطیفی، معصومه، و الله بخشیان، لیلی. (۱۳۹۴). بررسی میزان انطباق ربط سیستمی و ربط کاربرمدارانه در پایگاه‌های اطلاعاتی Scholar Google-ISC-SID. تعامل انسان و اطلاعات، ۲(۱)، ۱-۱.

-Wheeler, J., Pham, N. M., Arlitsch, K., & Shanks, J. D. (2022). Impact factions: assessing the citation impact of different types of open access repositories. *Scientometrics*, 127(8), 4977-5003.

\* ضروری است شناسه منحصر به فرد DoI یا DOR یا هر دو در انتهای ارجاعات هر مقاله به شرح زیر درج گردد.

- رجب‌زاده، محسن، الهی، شعبان، حسن‌زاده، علیرضا، مهرآیین، محمد. (۱۴۰۱). اینترنت اشیا در مدیریت زنجیره تأمین: مروری نظام‌مند با استفاده از رویکرد کیف پارادایمی. پژوهشنامه پردازش و مدیریت اطلاعات، ۳۷(۱)، ۸۲-۵۹. doi: 10.52547/jipm.37.1

-Rajabzadeh, M., Elahi, S., Hasanzadeh, A., & Mehraeen, M. (2022). Internet of Things in Supply Chain Management: A Systematic Review Using the Paradigm Funnel Approach. *Iranian Journal of Information Processing and Management*, 37(1), 59-82. doi: 10.52547/jipm.37.1.59.

- کبیری، ابوالحسن (۱۳۹۹). سیاست خارجی برگرفته از منظومه فکری امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) و تأثیر آن بر امنیت ملی ج.ا.ایران. مطالعات دفاع مقدس، ۶(۴)، ۷۵-۵۵. doi: 20.1001.1.2588367.1399.6.4.3.8

-Akbari, A. (2022). Exploring the factors of the organizational structure of knowledge management in the libraries of medical universities. *Health Information Management Journal*, 18(6), 286-290. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.17357853.1400.18.6.8.2> [In Persian]

#### پایان نامه

نام خانوادگی، نام، عنوان پایان‌نامه (مقطع پایان‌نامه و رشته تحصیلی)، به راهنمایی (نام استاد راهنما)، (شهر، نام دانشگاه، نام دانشکده، سال).

#### منابع اینترنتی

نام خانوادگی، نام، (تاریخ اخذ مطلب): نشانی کامل سایت

\* چاپ مقاله در فصلنامه منوط به تأیید داوران بوده و فصلنامه در ویرایش مطالب آزاد است.

\* نویسنده یا نویسندگان محترم موظفند فرم تعارض منافع و تعهدنامه نویسندگان را همراه با ارسال مقاله تکمیل و بارگذاری نمایند.

## ۹

نظریه حکمرانی «مدرن»، «ولایی» و «حکمی» بر اساس ادبیات معاصر، هوش مصنوعی و سوره مائده  
عبدالحسین خسروپناه دزفولی

## ۵۱

فرایند تأثیرگذاری مبانی دینی در سیاست پژوهی با رویکرد عقلانی  
مسعود فیاضی

## ۷۷

الگوی ترکیب سرمایه‌های نامشهود «ستاد نانو» در پیشرفت نانو در ایران  
میثم مهدیار، زهرا ابوالحسنی

## ۱۱۱

بررسی پدیدارشناسانه عوامل مداخله‌گر در اجرای دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران  
محمد تابش، علی رشیدپور، سید رضا صالحی امیری، رضا ابراهیم‌زاده دستجردی

## ۱۳۵

برساخت معنایی پدیده کالایی شدن آموزش (مورد مطالعه: مدارس متوسطه دوم شهر مشهد)  
حسین میرزایی، عبدالخالق پیرزهی کهن کریم

## ۱۶۱

طراحی مدل توانمندسازی کاربران شبکه‌های اجتماعی در حوزه امنیت فرهنگی  
علی میربیک سبزواری، فائزه تقی‌پور، عباس زمانی

## ۱۸۷

تبیین مبانی روش‌شناسی در نظریه اجتماعی-تاریخی علامه طباطبایی (ره): چگونگی جمع میان اعتبار و اصالت امورات اجتماعی  
علی قربانی حصاری، شهین ایروانی، مرضیه عالی، مهدی سپهری

#### چکیده

حکمرانسی حکمی، نظریه‌ای مبتنی بر عقل نظری، عقل عملی، عقل معاش، عقل معاد و وحی الهی در راستای پرورش بینش، منش و کنش فرد و جامعه است. این نوع حکمرانی، شیوه حل مسئله‌های عمومی را به شکلی توانمند در اختیار حکمرانان قرار می‌دهد. این پژوهش، ضمن ارائه تعاریف حکمرانی مدرن و هوش مصنوعی به تبیین حکمرانی ولایی در سوره مائده و حکمرانی مردمی در بیانات مقام معظم رهبری با استفاده از روش تحلیل مضمون پرداخته و در نهایت نظریه «حکمرانی حکمی» پیشنهاد شده است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، حکمرانی حکمی مشتمل بر نه رکن ۱- هویت حکمرانی، ۲- مأموریت حکمرانی، ۳- قلمرو حکمرانی، ۴- مبانی حکمرانی، ۵- منابع حکمرانی، ۶- الگوی حکمرانی، ۷- اصول حکمرانی، ۸- اهداف حکمرانی ۹- ویژگی حکمرانان است. همچنین در پایان، چستی سیاست‌گذاری حکمی و فرایند آن و تنظیم‌گری حکمی و نیز مقایسه تطبیقی حکمرانی مدرن و حکمرانی حکمی ارائه گردید.

■ واژگان کلیدی

حکمرانسی مدرن، حکمرانسی ولایی، حکمرانی حکمی، سیاست‌گذاری حکمی، تنظیم‌گری حکمی، هوش مصنوعی، سوره مائده.

## نظریه حکمرانی

### «مدرن»، «ولایی» و «حکمی»

بر اساس ادبیات معاصر، هوش مصنوعی و سوره مائده

عبدالحسین خسروپناه دزفولی

استاد فلسفه پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و مدرس خارج فقه حکمرانی، تهران، ایران  
(khosropanahdezfuli@gmail.com)

## ۱- مقدمه و بیان مسئله

پس از جنگ جهانی دوم، تحولات شگرفی در منطقه و جهان رخ داد که هم اکنون نیز با شدت بیشتری در حال پیشروی است. در این میان تغییرات گسترده در علم و فناوری‌های نوین، به ویژه تئوری‌های علوم اجتماعی و نظریه‌های دولت - ملت و ساخت تراشه و سلول اتمی و فناوری‌های کوانتومی بر نظم بین‌المللی تأثیر چشمگیری گذاشته است. این تحولات جهانی، ناکارآمدی ایدئولوژی‌های مدرن را آشکار ساخت و از یک سو ابرقدرت شوروی را به فروپاشی کشاند و از سوی دیگر ابرقدرت امپریالیسم آمریکا با ظهور چین و روسیه و هند و برزیل و ایران قدرتمند، تزلزل یافت.

جهانی‌شدن به مثابه یک ایدئولوژی به معنای بین‌المللی شدن یا باز بودن مرزها، به جهت کاهش حاکمیت دولت‌ها و محدودیت دموکراسی ملت‌ها، گرفتار چالش جدی گشت. دیدگاه پایان تاریخ و انسان فوکویاما در ۱۹۹۲ و برخورد تمدن‌های هانتینگتون در ۱۹۹۶ و بازگشت به دوران فئودالی کوربین در ۱۹۹۶ به انزوا رفتند. اکنون نیز شکست و بی‌اعتباری جهانی رژیم صهیونیستی در منطقه به ویژه بعد از «طوفان الاقصی» بر همگان آشکار شده است. همچنین قدرت اقتصادی چین و هند و روسیه در مقابل قدرت اقتصادی آمریکا به طرز نوبینی در حال شکل‌گیری است؛ هر چند شرکت‌های جهانی و چندملیتی و فرادولتی با حکمرانی فراملی در چارچوب منطق سرمایه‌داری، ناکامانه به دنبال بی‌اهمیت‌سازی بلکه پایان دولت‌ها هستند.

قدرت تمدنی ایران اسلامی در منطقه با بنیان‌های فکری و فرهنگی انقلاب اسلامی و شکل‌گیری جریان مقاومت افزایش چشم‌گیری یافت. دغدغه اصلی آمریکا برای سلطه بر انرژی خاورمیانه و حضورش در افغانستان و عراق و خلیج فارس تغییر کرده و قدرت استراتژی چین اولویت نخست آمریکا شده است. این تغییر دکتترین و راهبردی آمریکا بعد از کووید<sup>۱</sup> نوزده شدت بیشتری پیدا کرد.

در این میان زیست‌جهان گروه‌های نوجوان و جوان در دنیا، مسئله دیگری است که تحول عجیب و سریعی پیدا کرده و با گسترش فضای مجازی و انقلاب پلتفرم‌ها، نسبی‌گرایی معرفتی و ابتدال‌گرایی رفتاری در بینش و منش و کنش آنها، مستقر گشته است.

حال پرسش مهم این است که در این وضعیت تحولی گوهری، چگونه باید حکمرانی کرد و حکمرانی توانمند در حل مسئله‌های خانوادگی و ملی و منطقه و بین‌المللی چیست؟ حکمرانی و مؤلفه‌های آن چیست؟ روش‌شناسی کشف حکمرانی صحیح چیست؟ سیاست‌گذاری و تنظیم‌گذاری چیست؟ الگوهای حکمرانی اجتماعی چیست؟ لازم به ذکر است نگارنده در این مقاله تنها به چیستی حکمرانی و چیستی سیاست‌گذاری و تنظیم‌گری حکمی پرداخته است.

## ۲- حکمرانی مدرن در ادبیات معاصر

در ابتدای بحث ضروری است که به چند نکته مهم درباره حکمرانی پرداخته شود. حکمرانی، مفهومی بسیار پیچیده با ابعاد متنوعی است؛ به گونه‌ای که پژوهشگران مختلف با مبانی و رویکردهای متفاوت اعم از فلسفه و علوم اجتماعی و علوم اسلامی در کشف و خلق آن نقش داشته و به آن پرداخته‌اند. لذا داشتن نگاه بین‌رشته‌ای در بررسی این مفهوم امری ضروری است.

همچنین در فهم حکمرانی، نباید به تعریف لغت‌نامه و معنای صدور فرمان و امر کردن و قضاوت نمودن بسنده کرد و «حکم» را به معنای امر، داوری، منشور و «رانی» را به معنای صفت فاعلی حاصل مصدر و به معنای راندن و سوق دادن گرفت.<sup>۱</sup> پس باید به تعریف اصطلاحی حکمرانی توجه داشت؛ هر چند ارتباطی با معنای لغوی خواهد داشت. نکته مهم دیگر این که باید بین مفهوم حکومت و مفهوم دولت و مفهوم حکمرانی فرق نهاد. در ترجمه‌های موجود واژه (State) و (Government) به معنای حکومت و دولت و یا بر عکس ترجمه شده است. به نظر نگارنده، واژه اول به معنای اقتدار سیاسی در مرز جغرافیایی مشخص و بدون محدودیت زمانی و مأموریت هدایت و راهبری جامعه و در بردارنده قوای سه‌گان‌هاست و واژه دوم به معنای اقتدار سیاسی در مرز جغرافیایی مشخص و دارای محدودیت زمانی و مأموریت هدایت و راهبری جامعه است و تنها شامل دستگاه‌های اجرایی قوه مجریه می‌گردد. واژه (Governance) به معنای حکمرانی است و نوعی اقتدار راهبری و هدایت‌گری جامعه در نهادهای دولتی، بخش خصوصی، نهادهای بین‌المللی و بخش مردم‌نهاد و تعاونی‌های مردمی به شمار می‌آید. تعریف‌های متعددی

۱. علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۷ و محمد معین، فرهنگ فارسی معین، مؤسسه انتشاراتی امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۸

در خصوص مفهوم «حکمرانی» در ادبیات شخصیت‌های غربی و شرقی گسترش یافته است که در این بخش مهم‌ترین تعریف‌های تخصصی با رویکردها و رهیافت‌های مختلف و در زمینه اندیشه مدرن به شرح ذیل بیان می‌شود.

**تعریف نفیس‌گرایی مارک بیور<sup>۱</sup>:** حکمرانی به طور خلاصه می‌تواند به معنای تمامی فرآیندهای حکومت کردن باشد. در این معنا، حکمرانی دربرگیرنده الگوهایی از حاکمیت است که گروه‌هایی در بخش خصوصی و داوطلبانه آنها را مورد استفاده قرار می‌دهند.<sup>۲</sup>

**تعریف نهادگرایی گای پیترز<sup>۳</sup>:** حکمرانی به مفهوم راهبری اقتصاد و جامعه به سمت اهداف جمعی بوده و خط‌مشی‌های عمومی ابزارهای تحقق آن است.<sup>۴</sup>

**تعریف نهادگرایی جان پیر<sup>۵</sup>:** حکمرانی به طور کلی بیشتر به ترکیب منابع عمومی و خصوصی می‌پردازد تا رقابت در بخش عمومی. با این حال، حکمرانی یک راه جایگزین برای تولید و ارائه خدمات است و بنابراین از رقابت بین ابتکارات عمومی و خصوصی استقبال می‌کند.<sup>۶</sup>

**تعریف شبکه‌ای ژوپ کوپنجان<sup>۷</sup>:** حکمرانی فرایندی است که داخل شبکه‌های حکمرانی شکل می‌گیرد. اگر چه شبکه‌های حکمرانی به شیوه‌های مختلفی مفهوم‌سازی شده‌اند، اما بیشتر تعاریف موجود دارای این مختصات هستند. ویژگی شبکه‌ها، مسائل پیچیده‌سیاستی است که یک کنشگر به تنهایی نمی‌تواند آن را حل کند؛ بلکه نیازمند اقدام جمعی چندین

۱. فیلسوف تاریخ بریتانیایی و استاد علوم سیاسی و مدیر مرکز مطالعات بریتانیا در دانشگاه کالیفرنیا (Mark Bevir)

2. Governance can refer abstractly to all processes of governing. Governance here echoes the ways in which patterns of rule operate in and through groups in the voluntary and private sectors. (Bevir, 2012).

۳. استاد دولتی آمریکایی در دانشگاه پیتسبورگ و استاد حکمرانی تطبیقی در دانشگاه زپلین (آلمان) و استادیار دانشگاه سیتی هنگ کنگ (Guy Peters)

4. We have conceptualized governance as steering the economy and society toward collective goals, and public policies are the means through which that steering occurs (Peters, et al. 2022, pp. 1-16)

۵. استاد پژوهشگر سوئدی در بخش علوم سیاسی دانشگاه گوتنبرگ و استاد مدیریت عمومی در دانشکده دولت ملبورن، دانشگاه ملبورن و استادیار دانشگاه پیتسبورگ (Jon Pierre)

6. Governance is generally more concerned with blending public and private resources than with competition in the public sector. That said, governance represents an alternative way to produce and deliver services, and therefore it welcomes competition among public and private initiatives (Peters and Pierr, 1998. Pp:223-243)

۷. دانشمند علوم سیاسی هلندی و استاد مدیریت دولتی در بخش مدیریت دولتی در دانشگاه آراسموس روتردام (Joop Koppenjan)

کنشگر است. به این دلیل که منابع لازم برای حل مسائل متعلق به کنشگران متفاوتی است؛ لذا معمولاً در شبکه‌ها وابستگی متقابل بسیار زیادی میان کنشگران وجود دارد. این وابستگی متقابل سطح بالایی از پیچیدگی راهبردی و خط‌مشی‌های پیش‌بینی‌ناپذیر را ایجاد می‌کند؛ چرا که کنش‌های یک کنشگر بر منافع و راهبردهای دیگر کنشگران اثر می‌گذارد. در شبکه‌ها کنشگران مختلفی حضور دارند که هر یک دارای ذهنیت خود از مسائل، راه‌کارها و راهبردها هستند که سبب می‌شود تا تعاملات پیچیده‌ای در این شبکه‌ها شکل بگیرد. این مهم تفاوت‌های قابل توجهی در ذهنیت‌ها، اختلاف ارزش‌ها و مخالفت‌ها در رابطه با سیاست‌هایی که باید اجرا شده و خدماتی که باید ارائه شوند، ایجاد می‌کند. تعاملات شبکه‌ای در طول زمان، پایدارند.<sup>۱</sup>

**تعریف فراحکمرانی باب جزوپ<sup>۲</sup>:** فراحکمرانی برای توصیف یک گرایش متضاد به تغییر از حکومت به حکمرانی، یعنی تغییر از حکمرانی به فراحکمرانی، یعنی «سازمان‌دهی شرایط برای خودسازمان‌دهی» معرفی شد.<sup>۳</sup>

**تعریف حکمرانی سالم علی فرازمنند<sup>۴</sup>:** در برابر ایده حکمرانی خوب، بنده ایده حکمرانی سالم را از حکومت ایران باستان و حکومت داریوش اخذ نمودم. از نظر من، حکمرانی سالم همهٔ مشخصات حکمرانی خوب را دارد. حکمرانی خوب در بن خود یک دیکتاتوری پنهان دارد؛ به نحوی که کشورهایی که در مسیر جهانی‌شدن حرکت نکنند از سوی کشورهای

1. Governance is the process that takes place within governance networks. Although governance networks are conceptualized in a variety of ways, most definitions have certain common characteristics: Networks are characterized by complex policy problems that cannot be solved by one actor alone, but require the collective actions of several actors. Networks have relatively high interdependencies between actors because resources necessary to solve problems are owned by different actors. These interdependencies cause a high degree of strategic complexity and an unpredictable course of (inter)actions as actions of one actor affect the interests and strategies of other actors. Networks have complex interactions because each of the actors is autonomous and has its own perception of problems, solutions, and strategies. This leads to substantial differences in perceptions, value conflicts, and disagreement about policies to be implemented and services to be delivered. Network interactions show some durability over time (Klijn & Koppenjan, 2015).

۲. پژوهشگر و استاد دانشگاه بریتانیایی در زمینهٔ دولت و اقتصاد سیاسی حکومت و استاد بازنشسته و ممتاز دانشگاه لنکستر (Bob Jessop)

3. Metagovernance was introduced to describe a counter-tendency to the shift from government to governance, namely, the shift from government to metagovernance, i.e. the 'organization of the conditions of self-organization' (Jessop, 1997).

۴. استاد ایرانی دانشکدهٔ مدیریت دولتی در دانشگاه آتلانتیک فلوریدا (Ali Farazmand)

قدرتمند مورد تهدید قرار می‌گیرند. شما نمونه‌های برخورد کشورهای ابرقدرت با کوبا، ایران و غیره را می‌بینید. استقلال کشور به عنوان مهم‌ترین شاخص حکمرانی سالم است.<sup>۱</sup>  
**تعریف حکمرانی محلی محمد اسدالزمان<sup>۲</sup>:** حکمرانی به عنوان مسئولیت هر حکومتی شامل ایجاد، انجام و اجرای فعالیت‌هایی با پشتوانه اهداف مشترک شهروندان و سازمان‌هایی است که ممکن است دارای اختیارات رسمی و قدرت پلیسی باشند یا نباشند.<sup>۳</sup>  
**تعریف حکمرانی اسلامی مزلی مالک<sup>۴</sup>:** حکمرانی اسلامی همان‌طور که در اصول بیان می‌شود، یک فلسفه اخلاقی کل‌نگر را هدف قرار می‌دهد که در نهایت با تأکید بر وحدت، صلح و انسجام به «بهبودی بشر» منجر می‌شود.<sup>۵</sup>

**تعریف حکمرانی شبکه‌ای یا کوب تورفینگ<sup>۶</sup>:** فرآیندهای تعاملی که از طریق آن جامعه و اقتصاد به سمت اهداف مورد مذاکره جمعی راهبری می‌شوند.<sup>۷</sup>

**تعریف حکمرانی همیارانه کریس آنسل<sup>۸</sup>:** حکمرانی عبارت است از نظام‌های قوانین، مقررات، تصمیمات قضایی و شیوه‌های اداری که تأمین کالا و خدمات عمومی را ملزم، معین و ممکن می‌کنند. به عنوان یک تعریف مبنا می‌توان در نظر گرفت که حکمرانی به قوانین و اشکال مربوط به ایجاد تصمیم‌گیری جمعی اشاره دارد. اینکه تمرکز بر تصمیم‌گیری به صورت جمعی است، دلالت بر این دارد که حکمرانی مربوط به تصمیم‌گیری یک فرد نیست؛ بلکه در مورد گروه‌هایی از افراد یا سازمان‌ها یا سیستم‌هایی از سازمان‌هاست که

تصمیم می‌گیرند. حکمرانی به توسعه سبک‌های اداره کردن اشاره دارد که در آن مرزها بین بخش‌های عمومی و خصوصی محو می‌شود. حکمرانی همچنین در مورد تصمیم‌گیری جمعی است و به طور خاص در مورد تصمیم‌گیری جمعی هم‌کنشگران دولتی و هم خصوصی را شامل می‌شود.<sup>۱</sup>

**تعریف حکمرانی سیاست‌گذاری لارنس ای. لین جونیور<sup>۲</sup>:** حکمرانی، جهت‌دهی، راهنمایی، قاعده‌گذاری یا راهبری کردن است. نهادهای حکمرانی «حکومت» نامیده می‌شوند. وقتی فردی «حکمرانی» می‌کند یا تحت حکمرانی فردی قرار می‌گیرد، فرد یا خود حکمرانی می‌کند یا تابع اقدام یا فرآیند «حکمرانی» فرد دیگر است.<sup>۳</sup>

**تعریف حکمرانی غیرمتمرکز رودریک آرتور ویلیام رودز<sup>۴</sup>:** حکمرانی به فرآیند جدید اداره کردن، یا یک وضعیت تغییر یافته از قانون نظام‌مند؛ یا روش جدیدی که از طریق آن جامعه اداره می‌شود، اشاره دارد. البته هیچ چیز در علوم اجتماعی هرگز ساده نیست.<sup>۵</sup>  
**تعریف حکمرانی پایداری و فراحکمرانی لوئیس میولمن<sup>۶</sup>:** حکمرانی بیش از یک نظریه در مورد روابط بین بازیگران دولتی و غیردولتی است. حکمرانی در مورد کیفیت نهادها، فرآیندها، ابزارها، مهارت‌ها و غیره است که می‌تواند سیاست‌گذاری و اجرای سیاست‌گذاری مؤثر را ممکن کند.<sup>۷</sup>

1. Regimes of laws, rules, judicial decisions, and administrative practices that constrain, prescribe, and enable the provision of publicly supported goods and services. As a baseline definition it can be taken that governance refers to the rules and forms that guide collective decision-making. That the focus is on decision-making in the collective implies that governance is not about one individual making a decision but rather about groups of individuals or organisations or systems of organisations making decisions (Ansell & Gash, 2008, pp: 543-571.).

۲. استاد آمریکایی فقید پژوهشی سید ریچاردسون در دانشکده روابط عمومی لیندون بی. جانسون، دانشگاه

تگزاس در آستین و استاد مدیریت عمومی در دانشکده بازرگانی دانشگاه منچستر (Laurence Lynn Jr)

3. To “govern” is to direct, guide, rule, or steer. Institutions for governing may be termed “government”. When one is “governing”, or being governed, one is engaged in, or being subjected to, the act or process of “governance”. (Lynn et al. 2010, pp: 1-3).

۴. استاد بریتانیایی علوم سیاسی و استاد دانشگاه ساوتهمپتون و مدیر مرکز قوم‌نگاری سیاسی و استاد بازنشسته

سیاست در دانشگاه نیوکاسل (Roderick Arthur William Rhodes)

5. governance refers to: a new process of governing; or a changed condition of ordered rule; or the new method by which society is governed. Of course, nothing in the social sciences is ever that simple. (Rhodes, 2007, pp: 1243-1264).

۶. دکترای مدیریت دولتی و کارشناسی ارشد زیست‌شناسی محیطی (Louis Meuleman)

7. Governance is more than a theory about the relations between government and non-governmental actors. Governance is about the quality of the institutions, processes, tools, skills, etc. which should enable effective policy making and policy implementation (Meuleman, 2021).

1. Farazmand, Ali (2004) Sound Governance Policy and Administrative Innovations edited. greenwood publishing group

۲. استاد مدیریت دولتی در دانشگاه اسلامی کوشتیا در بنگلادش و رئیس گروه سیاسی و مدیریت دولتی دانشگاه اسلامی (Mohammed Asaduzzaman)

3. Asaduzzaman and Virtanen (2016, p. 2) refer to governance as the responsibility of every government which includes the ‘creation, execution, and implementation of activities backed by the shared goals of citizens and organizations, who may or may not have formal authority or policing power’. (Asaduzzaman & Virtanen, 2016, pp. 5947-5958)

۴. سیاستمدار مالزیایی و رئیس مؤسسه بین‌المللی مطالعات پیشرفته اسلامی (IAIS) و استاد دانشکده روانشناسی و علوم اجتماعی در دانشگاه سبیرجایا (Maszlee Malik)

5. Islamic governance as articulated by the axioms aims for a holistic moral laden philosophy that will eventually lead to ‘human well-being’ with the emphasis on unity, peace and cohesion (Malik, 2017).

۶. استاد دانمارکی سیاست و نهادها و مدیر تحقیقات دانشکده حکمرانی (Roskilde (Jacob Torfing)

7. The interactive processes through which society and the economy are steered towards collectively negotiated objectives (Ansell & Torfing, 2016).

۸. استاد آمریکایی مدعو در دانشگاه اویسالا، École des hautes études en sciences sociales و دانشگاه هنگ‌کنگ (Chris Ansell)



**تعریف سازمان ملل متحد:** حکمرانی به اعمال اختیارات سیاسی و اداری در تمام سطوح برای اداره امور یک کشور اشاره دارد. این شامل سازوکارها، فرآیندها و نهادهایی است که از طریق آنها شهروندان و گروه‌ها منافع خود را بیان می‌کنند، حقوق قانونی خود را اعمال می‌کنند، به تعهدات خود عمل می‌کنند و اختلافات خود را میانجی می‌کنند (UNDP, 2012).<sup>۱</sup>

حکمرانی خوب به قطعنامه شماره (۲۰۰۰/۶) کمیسیون حقوقی سازمان ملل و همچنین طرح کمیسیون اقتصادی و اجتماعی ملل متحد برای آسیا و اقیانوسیه باز می‌گردد. ایده حکمرانی خوب و مؤثر، در مجموع حدود هشت ویژگی را برای یک حکومت خوب مطرح کرد. این هشت ویژگی عبارت بودند از: ۱. مشارکت؛ ۲. اجماع‌محوری؛ ۳. مسئولیت‌پذیری؛ ۴. شفافیت؛ ۵. پاسخگویی؛ ۶. مؤثریت و اثربخشی؛ ۷. عادلانه بودن؛ ۸. دارای شمول (Matt, 2008).<sup>۲</sup>

**تعریف بانک جهانی:** روشی که در آن قدرت در مدیریت منابع اقتصادی و اجتماعی یک کشور برای توسعه کشور اعمال می‌شود (The World Bank, 1994).<sup>۳</sup>

### ۳- حکمرانی مدرن در هوش مصنوعی

تعاریف پیش‌گفته از مهم‌ترین دیدگاه‌ها درباره چپستی حکمرانی از سوی شخصیت‌ها و نهادهای جهانی به شمار می‌آید.<sup>۴</sup> دویست تعریف توسط محققان مدرسه حکمرانی شهید بهشتی تهیه و تدوین شده که از بیان آنها در این مقاله به جهت اختصار صرف‌نظر می‌کنیم.<sup>۵</sup> در این مقاله کلیدواژه‌هایی بر اساس روش پژوهش کیفی از این دویست تعریف، استخراج و سپس به چت‌بات‌های هوش مصنوعی جهت درخواست تعریف حکمرانی ارائه شد. مفاهیم کلیدی برگرفته از دویست تعریف حکمرانی عبارت‌اند از:

1. Governance refers to the exercise of political and administrative authority at all levels to manage a country's affairs. It comprises the mechanisms, processes and institutions, through which citizens and groups articulate their interests, exercise their legal rights, meet their obligations and mediate their differences (UNDP, 2012)
2. Andrews, Matt (2008): The Good Governance Agenda: Beyond Indicators without Theory. In Oxford Development Studies 36 (4), pp. 379-407
3. The manner in which. power is exercised in the management of a country's economic and social resources for development (The World Bank, 1994).

۴. از دکتر غلامرضا سلیمی جهت مساعدت به نگارنده در این تعاریف سپاسگزارم.

۵. از دکتر محمدباقر عالی جهت در اختیار گذاشتن این تعاریف سپاسگزارم. همه دویست تعریف در درس خارج فقه حکمرانی نگارنده در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳، بحث و نقادی شده است.

روش اعمال قدرت، فرآیند تصمیم‌گیری مشارکتی، راهبری فرآیندهای حکم، مکانیسم‌های فعالیت‌های اجتماعی، فرآیند خط‌مشی‌ها، هدایت و کنترل، مشارکت شهروندان و ذی‌نفعان در فرآیندها، فرآیند تنظیم‌گری، دستیابی به اهداف عدالت، خدمات عمومی پایدار و امنیتی، تضمین مسئولیت‌پذیری، شفافیت، باز توزیع، تسهیل‌گری، قوانین عملیات و هنجارها و رویه‌ها، ایجاد ساختار سازمانی، مکانیسم منابع، فرآیند نظارت و کنترل، نظارت بر اثربخشی، فرآیند راهبری، مدیریت فرآیندها، ارزیابی فرآیندها، روش پیاده‌سازی خط‌مشی‌ها، نهادها و ساختارهای اقتدار، تخصیص منابع، کنترل فعالیت در جامعه، توزیع مسئولیت‌ها، مکانیسم و فنون تصمیم‌گیری جمعی برای منافع عمومی، تعامل شهروندان در بخش عمومی، کنترل فشار، حاکمیت قانون، اثربخشی دولت، فرآیندهای دولت یا بازار یا شبکه، مشارکت کنشگران دولتی و خصوصی در خط‌مشی‌های عمومی، تضمین پاسخگویی، شفافیت، حاکمیت قانون، ثبات و برابری و فراگیر بودن، توانمندسازی و مشارکت گسترده، فرآیندهای شفاف و مشارکتی، خط‌مشی‌گذاری و نظارت بر اجرای آن، تمرکززدایی و اشتراک‌گذاری قدرت، سطوح محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی، فرآیندها و مکانیسم‌های تعیین و تحقق اهداف جمعی، مدیریت دولتی نوین، فرآیندهای تصمیم‌گیری و فرمانروایی، حکومت در سلسله‌مراتب و بوروکراسی و حکمرانی در مورد بازار و شبکه‌های غیرمتمرکز، نظم سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و اموری از این دست، یک ساختار، یک فرآیند، یک مکانیسم و یک استراتژی، راهبری از طریق جمع‌آوری مالیات، توزیع و باز توزیع و ارائه خدمات، اشکال تعاملی حکمرانی مانند مشارکتی‌ها، شبه‌بازارها، شبکه‌ها، راهنمایی و هدایت و راهبری یا تنظیم‌گری افراد و سازمان‌ها و ملت‌ها و انجمن‌های عمومی و خصوصی در رفتار و کنش‌ها، مشارکت شهروندان و سازمان‌های جامعه مدنی در خط‌مشی‌ها، فرمانروایی ضابطه‌مند، سیستم اجتماعی سایبرنتیک، فرآیند انتخاب افراد صاحب‌منصب و دارای اقتدار حاکمیتی.

### ۳-۱- پاسخ هوش مصنوعی نسخه چهار (GPT)

حکمرانی را می‌توان به عنوان فرآیند جامع و چندبعدی تعریف کرد که شامل تدوین، اجرا و نظارت بر خط‌مشی‌ها و تصمیمات در سطوح مختلف (محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی) با هدف دستیابی به اهداف عمومی مانند عدالت، امنیت و پایداری است. این فرآیند از طریق مشارکت، همکاری و تعامل بین شهروندان، دولت‌ها، بازارها و سازمان‌های

جامعه مدنی انجام می‌شود و بر اساس اصولی چون شفافیت، مسئولیت‌پذیری، حاکمیت قانون و تمرکززدایی استوار است. حکمرانی همچنین شامل مکانیسم‌های نظارت و ارزیابی برای تضمین اثربخشی و پاسخگویی است و از طریق ساختارها، فرآیندها و استراتژی‌های متنوع برای مدیریت منابع، تخصیص مسئولیت‌ها و تسهیل تصمیم‌گیری‌های جمعی به منظور رفع نیازها و حل چالش‌های جامعه به اجرا درمی‌آید.

### ۳-۲- پاسخ هوش مصنوعی (Gemini)

این تعریف بر اساس جامعیت، وضوح، ایجاز، مناسبت و مبتنی بر عناصر کلیدی هدایت و راهبری، مشارکت، مسئولیت‌پذیری، عدالت و انصاف و اثربخشی عبارت است از: حکمرانی، یک فرآیند پیچیده و چندوجهی است که شامل مجموعه‌ای از ساختارها، نهادها، فرآیندها و مکانیزم‌ها برای هدایت و راهبری جامعه به سوی اهداف مشترک در سطوح محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی است. این فرآیند مبتنی بر مشارکت طیف وسیعی از کنشگران از جمله دولت، بخش خصوصی، جامعه مدنی و شهروندان است و پاسخگویی، شفافیت، عدالت، انصاف و اثربخشی را در نظر می‌گیرد.

### ۳-۳- پاسخ هوش مصنوعی (ai.Cloud)

حکمرانی شیوه‌ای است که در آن، کنشگران و ذی‌نفعان مختلف در یک جامعه، با هم تعامل و تصمیم‌گیری می‌کنند تا اهداف مشترک خود را به دست آورند. حکمرانی شامل اعمال اقتدار عمومی از طریق سازمان‌ها و نهادهای مختلف است که بر اساس قوانین، خط‌مشی‌ها، معیارها و فرایندهای شفاف و پاسخگو اداره می‌شوند. حکمرانی نیازمند ایجاد ساختار سازمانی، زیرساخت‌های فنی و فرایندهای یک سازمان برای راهبری، نظارت، کنترل و ممیزی عملیات است. حکمرانی همچنین شامل مشارکت شهروندان و جامعه مدنی در فرایندهای تعیین سرنوشت و ارائه خدمات عمومی است. حکمرانی می‌تواند بسته به محیط، فرهنگ، ارزش‌ها و هنجارهای هر جامعه، شکل‌ها و مدل‌های متفاوتی داشته باشد و شامل کنش، شیوه یا نظام حکومت‌داری باشد که نحوه تعامل شهروندان با محیط را تنظیم می‌کند. حکمرانی می‌تواند شامل راهبری و شیوه ارائه خدمات عمومی باشد که نحوه تولید و تحویل کالاها و خدمات مورد حمایت عمومی را مشخص می‌کند. حکمرانی می‌تواند شامل فرایندها، خط‌مشی‌ها، هنجارها و ساختارهای مدیریت باشد که نحوه هدایت، اداره یا کنترل بنگاه اقتصادی را مشخص می‌کند. حکمرانی می‌تواند

شامل فرایندها، روابط و سازوکارهای حاکم باشد که نحوه تصمیم‌گیری فراگیر به روش شفاف را مشخص می‌کند.

### ۴- حکمرانی مدرن در تفسیر نگارنده

به نظر نگارنده، مهم‌ترین نقد تعاریف مدرن این است که جزءنگرانه به حکمرانی نگریسته و هر مکتبی با رویکردی به تعریف حکمرانی پرداخته است؛ در حالی که هر یک از مفاهیم کلیدی در تعریف حکمرانی باید لحاظ شود. بر این اساس با استفاده از مفاهیم کلیدی مستخرج از تعاریف دویست‌گانه و نیز تعاریف چت بات‌های هوش مصنوعی می‌توان بهترین تعریف از حکمرانی در چارچوب نظری مدرن را به دست آورد.

برای تعریف و استکشاف حکمرانی مدرن از روش تحلیل مضمون که بر شناسایی (Thematic analysis)، تحلیل و گزارش الگوهای معانی داده‌های کیفی تمرکز دارد، استفاده شد. این روش، فرایندی برای مفهوم‌سازی و تحلیل داده‌های متنی است تا داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌های منسجم تبدیل کند. این فرایند اموری مانند دیدن متن، برداشت مناسب از اطلاعات به‌ظاهر غیرمرتبط، تبدیل داده‌های کیفی به کمی، تحلیل اطلاعات کیفی و مشاهده نظام‌مند آن پدیده یا اندیشه را شامل می‌شود. در نتیجه یک حکایت مختصر، کامل و منسجم، منطقی، غیرتکراری در قالب مضامین برگرفته از داده‌ها، از متن پدید می‌آید.

چپستی حکمرانی مدرن از نظر نگارنده با روش تحلیل مضمون و برگرفته از مفاهیم مستخرج از دویست تعریف نظریه‌پردازان و محققان و تعاریف هوش مصنوعی عبارت از: فرایند و مکانیسم‌های جامع و چندوجهی و هوشمند در تصمیم‌گیری مشارکتی در ساحت سیاست‌گذاری و خط‌مشی‌گذاری عمومی، تنظیم‌گری (۱- قانون‌گذاری و دستورالعمل‌ها و رویه‌ها؛ ۲- ساختارسازی و زیرساخت‌های فنی؛ ۳- سازمان‌دهی و تقسیم مسئولیت‌ها؛ ۴- گفتمان‌سازی)، راهبری و هدایت‌گری جامعه، تصدی‌گری به همراه نظارت (۱- رصد و پایش مسئله؛ ۲- ارزیابی و کنترل؛ ۳- ضمانت اجرای صحیح قوانین و دستورالعمل‌ها؛ ۴- اثربخشی) در سطوح مختلف محلی و ملی و منطقه‌ای و جهانی برای دستیابی به اهداف عمومی مانند رشد و توسعه، اجماع‌سازی، عدالت و برابری و فراگیر بودن، امنیت، رفاه، پایداری، حل تعارضات و مشکلات اجتماعی، برآوردن انتظارات شهروندان از طریق مشارکت و تعامل نهادهای دولتی و خصوصی و جامعه مدنی و شهروندان و ذی‌نفعان

با رویکرد باز توزیع انتقال اولیه ثروت و قدرت بین آحاد جامعه و مسئولیت‌ها و منافع و جمع‌آوری مالیات به صورت شفاف، تسهیلگری ناظر به توانمندسازی و ظرفیت‌سازی و ایجاد فرصت به شهروندان و تمرکززدایی دولتی و اشتراک‌گذاری در قدرت، کنترل فشار و کنترل فعالیت‌های اجتماعی و حفظ تعادل و مهار سوءاستفاده از بازار و اصلاح شکست‌های بازار، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، انصاف، حاکمیت قانون، پاسخگویی در کل سیستم حکمرانی، اثربخشی و با توجه به ایدئولوژی و فرهنگ و ارزش‌های و آداب و سنت‌ها و هنجارهای جامعه است.

#### ۴-۱- مؤلفه‌های کلیدی تعریف حکمرانی مدرن

در چارچوب اندیشه مدرن تعریف حکمرانی متشکل از ۱۲ مؤلفه به شرح ذیل است:

- ۱- هویت حکمرانی: فرایند و مکانیسم‌های تعاملی و هوشمند در تصمیم‌گیری و نظارت؛
- ۲- کارکرد حکمرانی: الف- فرایند سیاست‌گذاری و خط‌مشی‌گذاری عمومی (ساحت استراتژی)؛ ب- فرایند تنظیم‌گری (ساحت تاکتیک)؛ ج- فرایند راهبری و هدایت‌گری جامعه (ساحت تکنیک‌ها)؛ د- فرایند تصدی‌گری و خدمات و خیر عمومی (ساحت عملیات)؛ ه- فرایند نظارت؛
- ۳- اهداف حکمرانی: رشد و توسعه، اجماع‌سازی، عدالت و برابری و فراگیر بودن، امنیت، رفاه، پایداری، حل تعارضات و مشکلات اجتماعی، برآوردن انتظارات قانونی شهروندان؛
- ۴- کنشگران حکمرانی: مثلث کنشگران حکمرانی: الف- کنشگران دولتی و حکومت (در تنظیم‌گری داخلی) یا حکومت‌ها (در تنظیم‌گری بین‌المللی)؛ ب- بنگاه‌های انتفاعی و سازمان‌ها و شرکت‌های خصوصی و غیردولتی؛ ج- جامعه مدنی (بنگاه‌های غیرانتفاعی شهروندان، ذی‌نفعان، تعاونی‌ها، سازمان‌های غیردولتی، روحانیت محلی، انجمن‌های علمی و مشورتی، احزاب، سندیکاها)، به صورت تلاش مشترک؛
- ۵- رویکرد حکمرانی: باز توزیع قدرت و مسئولیت‌ها و منافع؛
- ۶- اصول حکمرانی: تسهیلگری و تمرکززدایی و اشتراک‌گذاری در قدرت و کنترل فشار و فعالیت‌های اجتماعی، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، انصاف، حاکمیت قانون، پاسخگویی در کل سیستم حکمرانی، مبارزه با فساد، اثربخشی؛
- ۷- سطوح و قلمرو حکمرانی: محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی؛

۸- الگوی حکمرانی: حکمرانی سنتی، حکمرانی نوین و مبتنی بر مدیریت دولتی نوین، حکمرانی خوب؛

۹- حوزه‌های حکمرانی: اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، صنعتی، امنیتی، سلامت و بهداشت، زیست‌محیطی، حقوقی و قضایی؛

۱۰- ایدئولوژی حکمرانی: لیبرالیسم، دموکراسی تعاملی، محافظه‌کاری، سوسیالیستی، مارکسیستی، فمینیستی؛

۱۱- سبک حکمرانی: الف- حکمرانی هرمی سلسله‌مراتبی دولتی بوروکراسی؛ ب- حکمرانی بازاری بنگاهی و کارآفرینی سلطه؛ ج- حکمرانی مردمی و جامعه مدنی؛ د- حکمرانی مشارکتی و شبکه‌ای بین دولت و بازار و مردم؛

۱۲- ارزش حکمرانی: توجه به ارزش‌ها و هنجارها، آداب، سنت‌ها، فرهنگ بومی و ملی.

#### ۵- حکمرانی ولایی در سوره مائده

منابع اسلامی به ویژه قرآن و نهج‌البلاغه بهترین منبع عقلانی و وحیانی برای کشف چیستی و فرایند حکمرانی است. نگارنده در تدریس حکمرانی قرآنی و علوی توفیق یافت تا مبانی و اصول حکمرانی را از نامه‌ها و بخشی از خطبه‌های نهج‌البلاغه علوی استنباط و استخراج کند.<sup>۱</sup> سوره مائده (که آن را به حق باید سوره ولایت و حکمرانی ولایی نامید) ظرفیت بالایی در کشف نظریه حکمرانی ولایی دارد.

این سوره مدنی، همچون سوره‌های ممتحنه و حجرات با خطاب «یا ایها الذین امنوا» آغاز شده و شانزده بار با این خطاب به بیان اصول حکمرانی مومنانه پرداخته است. این سوره، چهارمین سوره از سبع طوال و بنا بر نقل تفسیر التحریر و التنویر، نود و یکمین سوره قرآن و پس از سوره احزاب و پیش از سوره ممتحنه و هنگام بازگشت رسول‌الله از حدیبیه نازل شده<sup>۲</sup> و آیت‌الله معرفت این سوره را صد و سیزدهمین سوره قرآن دانسته<sup>۳</sup> و علامه طباطبایی این سوره را نازل شده در حجة‌الوداع بین مکه و مدینه معرفی کرده<sup>۴</sup> و نویسنده البرهان فی علوم القرآن، روز عرفه در عرفات را زمان و مکان نزول سوره مائده

۱. رک. نامه‌های نهج‌البلاغه به ویژه نامه ۵۳ و درس‌های حکمرانی علوی در کانال ایتا (@Khosropanah\_ir).

۲. ابن عاشور، محمدطاهر بن محمد، تفسیر التحریر و التنویر، ج ۵، ص ۷.

۳. رک. معرفت محمدهادی، التمهید فی علوم القرآن

۴. طباطبائی، سیدمحمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۵، ص ۲۸۴.

شمرده<sup>۱</sup> و نویسنده تفسیر المنار، روز غدیر خم را زمان نزول سوره معرفی کرده است.<sup>۲</sup> این سوره به روایت امام صادق (علیه السلام) یک جا به همراه هفتاد هزار فرشته نازل شده است. هدف سوره به تعبیر علامه طباطبایی، فراخواندن به وفای به عهد و حفظ پیمان‌های حق و نهی از پیمان‌شکنی و رحمت و آسان‌گیری بر متقیان و مجازات ستمگران و طغیانگران و پیمان‌شکنان و بیان حدود الهی بوده است.<sup>۳</sup> علامه جوادی آملی می‌فرماید: «خطوط کلی معارف سوره؛ توحید اسمای حسناى الهی، حکومت اسلامی و ولایت و تولی الهی و نفی تولی دشمنان دین است».<sup>۴</sup> به نظر نگارنده، عناصر حکمرانی ولایی با روش تحلیل مضمون در صدویست آیه سوره مائده به شرح ذیل است.

#### ۵-۱- چیستی حکمرانی ولایی

حکمرانی ولایی، فرایند تصمیم‌سازی و فرمانروایی مومنانه و ولایت‌مدارانه در ساحت فرد و خانواده و جامعه ملی و بین‌المللی را در برمی‌گیرد. این فرایند مبتنی بر خداشناسی توحیدی، ولایت مطلقه الهی (تولی)، نفی ولایت طاغوت (تبری)، راهنما شناسی نبوی و ولوی، جامعیت اسلام، انسان‌شناسی، آخرت‌گرایی و حکمروایی انحصاری الهی به عنوان مبانی حکمرانی، با بهره‌گیری از حکمت عقلانی و کتاب و حیانی (سنت‌های تکوینی، قواعد، قوانین و حدود الهی و حقایق تاریخی) به عنوان منابع حکمرانی، با رویکرد ولایت‌محوری (ولایت پیامبر و ائمه اطهار علیهم السلام) و مردم‌مداری (مشارکت مومنان) به عنوان الگوی حکمرانی، با اصولی همچون قیام برای خدا، تقوا و هدایت‌گری الهی، ارزش‌مداری اخلاقی، وفاداری به عهد، توکل به خدا، تبیین‌گری نسبت به معارف و ارزش‌های الهی، تبشیر و انذارگری جامعه، حفظ شعائر الهی، تمسک به وسیله الهی و دوری از امور شیطانی، دنیاسازی آخرت‌گرایانه، داشتن خشیت انحصاری به خداوند، دوری‌سازی از هوای نفس، اهتمام به حیات انسانی، تعاون به نیکی، عفو و آسان‌گیری عمومی و نفی حرج به عنوان اصول حکمرانی و خودسازی کنشگران (حکمرانان و مردم)، محقق نمودن جامعه اخلاقی، متقی، مهتدی و حزب‌اللهی دارای عدالت اجتماعی و امنیت مالی و جانی مردم در مسیر تقرب الهی به عنوان اهداف حکمرانی است.

#### ۵-۲- ارکان حکمرانی ولایی

در ادامه ارکان حکمرانی ولایی در پنج رکن شامل: «مبانی حکمرانی ولایی»، «منابع حکمرانی ولایی»، «الگوی حکمرانی ولایی با دو عنصر ولایت محوری و مردم‌مداری»، «اصول حکمرانی ولایی» و «اهداف حکمرانی ولایی» به شرح ذیل آمده است.

#### ۵-۲-۱- مبانی حکمرانی ولایی

مبنای اول - خداشناسی توحیدی: علم الهی به همه امور پنهان و آشکار و غیب و نهان و قدرت مطلقه خداوند و فرمانروایی و مالکیت او در همه جهان و هدایت مومنان و خالقیت مختارانه و حکمرانی ارادی و مشیت حکیمانه و سمیع و بصیر و رقیب و غفور و رحیم و عزیز و ذوانتقام و حکیم و حلیم و شهید و شدیدالعقاب بودن حق تعالی و تبیین‌گر آیات الهی و محبت الهی نسبت به محسنین و نفی شرک و الوهیت و مالکیت از غیر حق و عدم هدایت کافران و فاسقان و عدم محبت الهی نسبت به تجاوزگران.<sup>i</sup>

مبنای دوم - اسلام‌شناسی: جامعیت اسلام<sup>ii</sup>

مبنای سوم - پیامبر شناسی: شناساندن حقایق الهی و هدایت‌گری سبیل السلام و صراط مستقیم و خروج از ظلمات به نور و تبیین‌گری و بشارت و انذاردهندگی و مظهر عفو الهی با کمک کتاب و نور الهی.<sup>iii</sup>

مبنای چهارم - انسان‌شناسی: رام کردن نفس و حرمت نهادن به انسان.<sup>iv</sup>

مبنای پنجم - امامت‌شناسی و ولایت‌گرایی.<sup>v</sup>

مبنای ششم - معاد شناسی: بازگشت همه به سوی خداوند و بهشت مؤمنان و متقیان و عاملان به عمل صالح و عذاب کافران و منافقان و توبه‌پذیری نسبت به توبه‌کاران واقعی و مغفرت و عفو الهی و تأکید بر صدق صادقان.<sup>vi</sup>

مبنای هفتم - حکم‌شناسی: حکم انحصاری الهی.<sup>vii</sup>

#### ۵-۲-۲- منابع حکمرانی ولایی

منابع حکمرانی ولایی شامل حکمت عقلانی و کتاب و حیانی می‌شود که کتاب و حیانی خود مشتمل بر موارد ذیل است.

۱. زرکشی، محمدبن بهادر، البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۹۵.

۲. رشیدرضا، محمد، تفسیر المنار، ج ۶، ص ۹۵.

۳. طباطبائی، سیدمحمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۵، ص ۲۵۶.

۴. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم (تفسیر قرآن کریم)، ج ۲۱. تفسیر سوره مائده در جلد های ۲۱، ۲۲، ۲۳ و

۲۴ تسنیم آمده است.

الف- حکمت عقلانی.<sup>viii</sup>

ب- کتاب وحیانی: عبارت‌اند از: قواعد الهی<sup>ix</sup> و قوانین و حدود الهی<sup>x</sup> و سنت‌های الهی<sup>xi</sup> و حقایق تاریخی: بیان نعمت‌ها و نعمت‌های الهی و افشاگری از یهود و نصاری جهت نفی حکمرانی آنها.<sup>xii</sup>

۵-۲-۳- الگوی حکمرانی ولایی با دو عنصر ولایت‌محوری و مردم‌مداری<sup>xiii</sup>

## ۵-۲-۴- اصول حکمرانی ولایی

دنیاسازی آخرت‌گرایانه، عدم خشیت از مردم و خشیت انحصاری الهی در آیه سوم «فلا تخشوهم واخشون» و آیه چهل و چهارم «فلا تخشوا الناس واخشون»، دوری از هوای نفس و اهمیت حیات انسانی «من قتل نفسا بغير نفس أو فساد فی الارض فکأنما قتل الناس جميعا ومن أحیها فکأنما أحیا الناس جميعا»، دست آویختن به وسیله الهی و دوری از دست‌آویزهای شیطان «انما یرید الشیطان ان یوقع بینکم العداوه والبغضاء» و تبیین‌گری و تبشیر و انذار جامعه و اصول دیگر.

## ۵-۲-۵- اهداف حکمرانی ولایی

عدالت‌محوری و قیام‌لله و تقوای الهی جامعه «یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین لله شهداء بالقسط ولا یجرمنکم شنان قوم علی الا تعدلوا اعدلوا هو أقرب للتقوی واتقوا الله ان الله خبیر بما تعملون»، هدایت جامعه به راه‌های سلامت «یهدی به الله من اتبع رضوانه سبیل السلام ویخرجهم من الظلمات إلی النور باذنه و یهدیهم الی صراط مستقیم» و تحقق ارزش‌های اخلاقی (خویش‌تن‌مراقبی، پیمان‌مداری، حفظ شعائر، عفو و صفح، استباق خیرات، شکرگزاری، توکل الهی، احسان و صداقت) و حفظ امنیت مالی و جانی مردم «والسارق والسارقه فاقطعوا یدیهما جزاء بما کسبا نکالا من الله».

## ۶- حکمرانی مردمی نزد مقام معظم رهبری

آیت‌الله العظمی خامنه‌ای به بیانات مستقیم و غیرمستقیم درباره حکمرانی مردمی در قالب مردم‌سالاری دینی به تفصیل سخن گفته است که مجال بیان همه عبارت‌های ایشان در این مقال نیست. حکمرانی مردمی نزد مقام معظم رهبری همان حکمرانی ولایی است. شاید در مطالعه نخستین گمان رود که حکمرانی نزد رهبر انقلاب، همان حکومت‌داری است؛ لکن با بیان دو مفهوم کلیدی مستخرج از مجموعه سخنان معظم

له و منظومه فکری وی با روش تحلیل مضمون می‌توان حکمرانی اعم از حکومت‌داری را استفاده کرد.<sup>۱</sup>

مقوله‌های مرتبط با حکمرانی مردمی: حکمرانی حق و باطل، منبع و منشأ حکمرانی، حکمرانی در منطق اسلام، حکمرانی دیکتاتورانه و ظالمانه، حکمرانی مردمی، جنس حکمرانی انقلاب اسلامی و ضرورت تحول در همه بخش‌های حکمرانی.

مؤلفه‌های حکمرانی مردمی: ولایت‌مداری، سلامت اعتقادی، اخلاقی و عملکردی مسئولان، تعالی معنوی در کنار رفاه مردمی، قانون‌گرایی و حاکمیت اسلام، عدالت و انصاف، مشارکت مردم، کارایی و اثربخشی، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری و شفافیت.<sup>xiv</sup>

## ۷- نظریه برگزیده: حکمرانی حکمی

دیدگاه برگزیده با عنوان حکمرانی حکمی با بهره‌گیری از تعاریف متخصصان حکمرانی مدرن و حکمرانی اسلامی به ویژه سخنان مقام معظم رهبری و با استفاده از حکمرانی ولایی در سوره مائده و سوره‌های دیگر قرآن و نهج‌البلاغه امیرالمؤمنین علیه‌السلام و با توجه به مبانی حکمی از جمله مبانی معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی توحیدی<sup>۲</sup> به دست آمده است.

پس می‌توان ملاحظه کلی نگارنده بر تعاریف مدرن را در چند نکته دانست؛ نکته اول: حکمرانی مدرن فقط به عقل معاش و برنامه‌ریزی منحصر شده است؛ به عبارت دیگر، دکارت بر عقل نظری و کانت بر عقل عملی و از ماکس وبر تا هابرماس بر عقل معاش تأکید داشتند و لذا می‌توان منبع اصلی حکمرانی مدرن در چهار دهه اخیر را عقل معاش دانست و لکن حکمرانی حکمی به عقل نظری و عقل عملی و عقل معاش و عقل معاد توجه دارد؛ به عبارت دیگر عقلی که درک هست و نیست‌ها و باید و نبایدها می‌کند و عقل برنامه‌ریز آخرت‌ساز، منبع حکمرانی حکمی قرار دارد. نکته دوم: حکمرانی حکمی از فرایند حکمرانی یعنی سیاست‌گذاری تا نظارت در تجربه نگاری حکمرانی مدرن بهره می‌برد. نکته سوم: ولایت‌محوری و مردم‌سالاری برگرفته از قرآن و سنت نبوی و علوی

۱. این مطالب در تاریخ (۱۳۷۴/۷/۲۲)، (۱۳۷۴/۷/۲۵)، (۱۳۷۴/۷/۲۵)، (۱۳۷۴/۹/۲۹)، (۱۳۷۷/۲/۱۸)، (۱۳۸۹/۹/۴)، (۱۳۷۹/۱۲/۲۰)، (۱۳۹۴/۲/۲۶)، (۱۴۰۰/۱/۱)، (۱۴۰۰/۱۲/۱۰)، (۱۴۰۰/۱۲/۱۹)، (بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)

۲. مبانی و اصول حکمرانی حکمی در کتاب حکمت و فقه حکمرانی بیان شده است.

و ولوی را رکن رکین حکمرانی حکمی قرار می‌دهد. ولایت محوری در حکمرانی سکولار مدرن، مغفول واقع گردید.

بر این اساس حکمت نام‌گذاری این نظریه حکمرانی به «حکمرانی حکمی» این است که حکمت در قرآن شامل بینش و منش و کنش مبتنی بر عقل نظری و عملی و عقل معاش و معاد و وحی الهی می‌شود و از آنجا که نگارنده با استفاده از عقل جامع چهار ساحتی پیش‌گفته (به تعبیر قرآن «لب و الباب») و وحی الهی به تعریف ذیل دست‌یافته است، از این رو، نام این نظریه «حکمرانی حکمی» نهاده شد. حکمت در مقابل مدرن و سنت مسیحی قرار دارد. سنت مسیحی بر عقل معاد باور داشت و تا حدودی از عقل نظری بهره می‌برد و مدرن در آغاز بر عقل نظری و سپس عقل عملی و در دهه‌های اخیر بر عقل معاش منهای عقل معاد تأکید می‌کرد.

خوانندگان با دقت در تعریف و ارکان حکمرانی حکمی، متوجه کاربست چهار عقل نظری و عملی و معاش و معاد خواهند شد.

حکمرانی حکمی را نباید در عرض حکمرانی ولایی دانست و باید توجه داشت که حکمرانی ولایی مستخرج از سوره مائده، با استفاده از سوره‌های دیگر قرآن، کامل‌تر خواهد شد و حکمرانی حکمی علاوه بر استفاده از حکمرانی ولایی سوره مائده و سایر سوره‌های قرآن و آموزه‌های علوی و ولوی، از تعاریف و تجربه نگاری حکمرانی مدرن، بدون گرفتاری التقاط اندیشه‌ای و با روش تفسیر موضوعی شهید صدر بهره برده است. تعریف «حکمرانی حکمی» دارای نه رکن ذیل است که از هویت حکمرانی تا اهداف حکمرانی را شامل می‌شود.

۱. هویت حکمرانی: فرایند جامع، چندوجهی تصمیم‌سازی مشارکتی، اثربخش و حکمت بنیان و ولایت‌مدارانه به صورت هوشمند و شبکه‌ای بین امام و امت؛

۲. مأموریت حکمرانی: در ساحت‌های ۱- سیاست‌گذاری عمومی، ۲- تنظیم‌گری (قانون‌سازی، ساختارسازی و مسئولیت‌گذاری)، ۳- گفت‌وگو و اجماع‌سازی و راهبری جامعه، ۴- تصدی‌گری و اجرایی‌سازی، ۵- نظارت و ارزیابی و اثرسنجی؛

۳. قلمرو حکمرانی: در ساحت فردی، خانوادگی، محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی؛

۴. مبانی حکمرانی: مبتنی بر خداپاوری و آیت‌شناسی توحیدی، انسان‌شناسی فطری، ولایت‌گرایی الهی و نفی ولایت طاغوت (تولی و تبری)، راهنماشناسی نبوی و ولوی،

خاتمیت و جامعیت قرآن، معرفت‌شناسی حکمی و قرآنی و سنت معصومان، دنیاسازی آخرت‌گرایانه و حکمرانی انحصاری الهی؛

۵. منابع حکمرانی: با بهره‌گیری از حکمت عقلانی (خرد ناب: عقل نظری، عقل عملی، عقل معاش و عقل معاد) و شریعت و حیانی (سنت‌های تکوینی و قواعد و قوانین و حدود الهی و حقایق تاریخی برگرفته از کتاب الهی و روایات نبوی و ولوی)؛ شایان ذکر است که وقتی از خرد ناب استفاده می‌شود بی‌شک نباید از بهره‌گیری عرف زمانه در کشف موضوعات محروم شویم. عرف در حکمت و فقه از جایگاه مهمی برخوردار است و به همین جهت امام خمینی از دخالت عنصر زمان و مکان در اجتهاد فقه شیعه سخن گفته است.<sup>۱</sup>

۶. الگوی حکمرانی: با الگوی شبکه‌ای از حاکمیت و بخش خصوصی و تعاونی‌های مردم‌نهاد مبتنی بر حکمت و ولایت؛

۷. اصول حکمرانی: با تمسک به اصولی همچون قیام‌الله و خشیت انحصاری الهی، اخلاق و تقوا مداری، هدایتگری و تبشیر و انذار نسبت به حاکمیت و جامعه، حفظ شعائر الهی، اهتمام به حیات انسانی، حاکمیت قانون توحیدی، توجه به ایدئولوژی و فرهنگ و سنت و ارزش‌ها و احکام اسلامی، توازن مصلحت‌اندیش بین ارزش‌ها و اهداف در فرایند حکمرانی، امانت‌داری، صداقت در گفتار و عمل، احسان و ایثار و عفو، تعاون بر نیکی و سبقت گرفتن به خیر، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی در همه فرایند حکمرانی، تعامل سازنده بین نهادهای حاکمیتی و خصوصی و تعاونی مردم‌نهاد، شفافیت، تسهیلگری و نفی حرج، توانمندسازی و ظرفیت‌سازی منابع انسانی و طبیعی، تمرکززدایی دولتی در ساحت تصدی‌گری، مشارکت حداکثری در فرایند حکمرانی، کنترل فشارهای دولتی و تشکل‌های ذی‌نفع و رسانه‌ای، حفظ تعادل و مهار سوءاستفاده از بازار و تعاونی‌ها و اصلاح شکست بازار و تعاونی‌ها؛

۸. اهداف حکمرانی: با هدف تحقق جامعه توحیدی دارای حیات طیبه و دستیابی به تمدن اسلامی و تقرب الهی از طریق خودسازی و معنویت‌کنشگران، جامعه‌سازی اخلاقی و متقی و مهتدی و حزب‌اللهی، پیشرفت همه‌جانبه و متوازن و فراگیر و پایدار، عدالت اجتماعی و برابری فرصت‌ها و باز توزیع منابع ثروت و قدرت بین آحاد جامعه، امنیت مالی و جانی و روانی و معنوی جامعه، ارتقاء سطح رفاه همگانی و معیشت و معنویت مردم، پایداری و

۱. جعفر سبحانی، رساله فی تأثیر الزمان و المكان علی استنباط الاحکام، قم، موسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۱۸ قمری.

حفظ منابع طبیعی و محیط‌زیست، گسترش فرهنگ و صنعت حلال، برآوردن انتظارات قانونی شهروندان، حل تعارضات و مشکلات اجتماعی.

۹. ویژگی حکمرانان: حکمرانی علوی مولانا امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) در نهج‌البلاغه به ویژه در عهدنامه ۵۳ به مالک اشتر با دقت فراوان به ویژگی‌های حکمرانان پرداخته است که به اختصار بیان می‌گردد: ۱- حاکم باید با رسیدگی کامل به جمع‌آوری خراج، پیکار با دشمنان این سرزمین، اصلاح اهل آن و عمران و آبادی سرزمین بپردازد؛ ۲- رعایت تقوا؛ ۳- مبارزه با هوای نفس؛ ۴- آگاه یافتن از موقعیت محل مأموریت؛ ۵- ذخیره‌سازی عمل صالح و اجتناب از بخل؛ ۶- تلاش و کوشش برای جلب رضایت رعایا و توده‌های مردم؛ ۷- نهی از سرکشی در برابر فرمان‌های الهی؛ ۸- مبارزه با کبر و غرور ناشی از مقام؛ ۹- رعایت عدل و انصاف و پرهیز از هرگونه ظلم و ستم؛ ۱۰- رضایت عامه مردم نه لزوماً خواص که محبوب‌ترین امور در نزد خداوند است؛ ۱۱- بر حذر بودن از وسوسه‌های عیب‌جویان و سخن‌چینان و تلاش برای عیب‌پوشی مردم؛ ۱۲- لزوم مشورت در کارها و بر حذر داشتن از مشورت با افراد بخیل و ترسو و دنیاپرست؛ ۱۳- کنار گذاشتن سردمداران حکومت‌های ستمگر پیشین و به عکس ارتباط با اهل ورع و صداقت و ایمان؛ ۱۴- تشویق نیکوکاران و سرزنش و کیفر بدکاران؛ ۱۵- جلب حُسن ظن مردم از طریق احسان و نیکی و سبک کردن بار هزینه‌ها؛ ۱۶- احترام به آداب و رسوم نیک پیشین؛ ۱۷- تداوم نشست و مشورت با دانشمندان و خردمندان؛ ۱۸- تقسیم رعایا به گروه‌های مختلف و رسیدگی به هر کدام طبق نیازها و موقعیت‌ها؛ ۱۹- تأکید بر رعایت حال قشر محروم؛ ۲۰- ویژگی‌های فرماندهان نظامی و افسران لشکر؛ ۲۱- توجه خاص به سوابق اشخاص و خاندان‌های خوش‌نام و صالح؛ ۲۲- داشتن ویژگی‌های فرماندهان ارشد؛ ۲۳- تأکید بر عدالت‌سازی، مایه روشنی چشم زمامداران؛ ۲۴- ستایش کارهای خوب نیکوکاران؛ ۲۵- سنجش ارزش کار هر کس بدون توجه به موقعیت اجتماعی؛ ۲۶- مراجعه به کتاب و سنت در حل مشکلات و استنباط احکام؛ ۲۷- رعایت شرایط قضات و صفات لازم و زیر نظر داشتن احکام قضایی قضات و تأمین کامل هزینه‌های زندگی آن‌ها برای جلوگیری از ابتلا به رشوه‌خواری؛ ۲۸- بیان معیار در انتخاب فرمانداران بلاد و پرداختن حقوق کافی به آن‌ها و گماردن عیون (مأموران اطلاعاتی) بر کارهای ایشان؛ ۲۹- سامان بخشیدن به وضع خراج و مالیات و توجه به عمران

و آبادی بیش از توجه به جمع‌آوری خراج؛ ۳۰- ویژگی‌های مربوط به دبیران و مسئولان اسناد و منشیان خاص و تقسیم‌کار در میان آن‌ها؛ ۳۱- رسیدگی کامل به وضع تجار و صنعت‌گران؛ ۳۲- دوباره توجه بیشتر به قشر محروم و کم‌درآمد جامعه و لزوم رسیدگی مداوم به آن‌ها و خبر گرفتن از وضع آن‌ها؛ ۳۳- لزوم رسیدگی به وضع ایتام و کهنسالان؛ ۳۴- تعیین وقت مشخصی برای ملاقات عمومی و اجازه دادن برای تماس مستقیم مردم با زمامدارانشان؛ ۳۵- تعیین وقت خاص دیگری برای کارگزاران جهت حل مشکلات خاص آن‌ها؛ ۳۶- تنظیم برنامه دقیق برای کارهای مختلف روزانه؛ ۳۷- اهتمام به اقامه فرایض و اهمیت دادن به نماز جماعت و چگونگی برگزاری آن و تعیین وقت فراغتی برای ارتباط با پروردگار عالم؛ ۳۸- فاصله نگرفتن از مردم برای مدت طولانی؛ ۳۹- چگونگی برخورد با همکاران خاص و صاحبان اسرار کشور؛ ۴۰- رعایت دقیق حقوق همه اعم از افراد نزدیک و دور؛ ۴۱- اعلام عذر موجه در برابر کمبودها، مشکلات و سوءظن‌ها؛ ۴۲- پذیرش دعوت دشمنان به صلح در عین رعایت هوشیاری در برابر آن‌ها و احترام به قراردادهای؛ ۴۳- پرهیز شدید از خونریزی غیرمجاز؛ ۴۴- پرهیز از هرگونه عجب و خودبینی و خودپسندی؛ ۴۵- بر حذر بودن از منت گذاشتن بر رعایا؛ ۴۶- اجتناب از شتاب‌زدگی و عجله در کارها؛ ۴۷- پرهیز از رانت‌خواری و گرفتن حق اختصاصی؛ ۴۸- توجه به سیره رسول خدا و انبیای الهی در تمام امور مربوط به زمامداری.

امیرالمؤمنین علیه‌السلام در آخر منشور حکمرانی، درخواست رحمت و توفیق سعادت و شهادت را از پروردگار برای خود و مالک اشتر درخواست می‌کند.<sup>۱</sup>

#### ۸- چپستی سیاست‌گذاری حکمی

همان‌گونه که گفته شد مأموریت حکمرانی عبارت است از ۱- سیاست‌گذاری عمومی، ۲- تنظیم‌گری (قانون‌سازی، ساختارسازی و مسئولیت‌گذاری)، ۳- گفتمان و اجماع‌سازی و راهبری جامعه، ۴- تصدی‌گری و اجرایی‌سازی و ۵- نظارت و ارزیابی و اثرسنجی؛ هر یک از این پنج مأموریت نیاز به تعریف و فرایند دقیق دارند و لکن مهم‌ترین آنها، سیاست‌گذاری عمومی و تنظیم است که در این مقال به اختصار به این دو مقوله می‌پردازیم. شایان ذکر است که علاوه بر سیاست‌گذاری و تنظیم‌گری، مفاهیم زیادی در مبحث

حکمرانی وجود دارد که باید همه آنها توضیح داده شود؛ همچون راهبری جامعه، تسهیل گری، باز توزیع، تصدی گری، نظارت و ارزیابی، اثرسنجی و غیره؛ اما به جهت اهمیت و نیاز نهادهای سیاستی تنها به چیرستی مفهوم سیاست گذاری و تنظیم گری اشاره خواهد شد.<sup>۱</sup> ابتدا باید توجه داشت که همه امور روزمره زندگی از تولد تا مرگ و از نوزادی تا پیری و از دانش آموزی در مدرسه تا فارغ التحصیل دانشگاهی و از کارگری و کارمندی و بیمه آنها تا بازنشستگی و از بیماری تا سلامت و از روابط عادی تا روابط سیاسی و اقتصادی و امنیتی و فرهنگی و از جرم تا حکم قضایی و از روابط داخلی تا روابط بین المللی، جملگی در معرض تصمیمات سازمان های دولتی و بخش های خصوصی هستند. هر یک از این تصمیمات، زاینده سیاست های اجتماعی به معنای عام یعنی سیاست های آموزشی، سلامت و پزشکی، قضایی، زیست محیطی، رفاهی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی (به معنای خاص)، امنیتی، صنعتی، کشاورزی، انرژی و حمل و نقل است. این حوزه های سیاستی در فرایند سیاست گذاری عمومی<sup>۲</sup> شکل می گیرند.<sup>۳۷</sup> تبیین نظریه و فرایند سیاست گذاری، به مطالب نه گانه ذیل نیازمند است:

۱- تعریف سیاست: بین «سیاست» (politics) به معنای دانش کسب و حفظ و افزایش قدرت و «سیاست» (policy) به معنای تصمیم کلان دولت و نهادهای عمومی مربوط به ساحت عمل برای حل مسائل و مشکلات جهت بهبود وضعیت موجود، تفاوت وجود دارد. مقصود از «public» فراگیر بودن و همگانی بودن سیاست هایی است که از سوی دولت و نهادهای عمومی وضع می شوند و جمعیت فراوانی را مشمول خود می سازند.

۲- سیاست پژوهی: فرایند پژوهش سیاستی در سیاست گذاری عمومی عبارت است از: انتخاب موضوع پژوهش، انتخاب روش پژوهش (قیاسی یا استقرائی)، جمع آوری داده ها، پردازش داده ها و گزارش سیاستی. مهم ترین آسیب در سیاست گذاری عمومی، فاصله بین سیاست گذاران و سیاست مداران و تصدی گران است که باعث کم توجهی به بسته های سیاستی می شود.

۱. برای تبیین بیشتر مفاهیم حکمرانی ر. ک به عبدالحسین خسروپناه، حکمت و فقه حکمرانی، دانشگاه عالی دفاع ملی، مرکز انتشارات راهبردی و مفاهیم کلیدی حکمرانی، دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی و مارک بیور، حکمرانی درامدی بسیار کوتاه، ترجمه غلامرضا سلیمی و داود کریمی پور، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی

2. public policy-making

۳- سطوح سیاست گذاری: سیاست گذاری از سطح یکسانی برخوردار نیست. سیاست های کلان که شخص اول مملکت ابلاغ می کند، مانند سیاست های مقام معظم رهبری؛ سیاست های راهبردی و معطوف به اجرا و راهبری قرارگاهی که شوراهای عالی هر کشوری مصوب و اجرا می کند؛ مانند سیاست های شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ سیاست های راهبری تقنینی که مجلس شورا به تصویب می رساند؛ سیاست های راهبری اجرایی در آیین نامه ها که توسط قوه مجریه ابلاغ می شود؛ سیاست های راهبری قضایی که توسط قوه قضایی معین می گردد.

۴- چیرستی و ویژگی های سیاست گذاری: علوم سیاست گذاری توسط لرنر و لاسول در سال ۱۹۵۱ مطرح گردید و سپس با عنوان های مطالعات سیاست گذاری یا تجزیه و تحلیل سیاست با طی کردن سه نسل پیش رفت. نسل سوم سیاست گذاری از اندیشه فراعقلایی و انواع مختلف تفکر و پیش بینی همه جانبه و درازمدت و ظهور و سقوط ملت ها و توفیق و شکست شرکت های بزرگ و تجارب گذشته بدون محدود شدن در گذشته بهره می برد. خطمشی گذاری یا سیاست گذاری عمومی عبارت از فرایند تصمیم گیری آغازین و مستمر و فراگیر و کاربردی و زمینه سازی برای تصمیم های ثانوی تقنینی با ویژگی های ذیل: مبتنی بر مبانی و ارزش های جامعه، تحقق بخش اهداف (مانند عدالت، نظم، رفاه و...)، توجه به مسائل واقعی و متغیرهای آن در کنار آینده نگری، پاسخگویی نسبت به مسائل واقعی، کنترل پذیر و اثربخش، جهت دهنده ساختارها (قوانین، آیین نامه ها، رویه ها و تقسیم مسئولیت ها و تأثیر گذاری ساختارها بر نظام اداری و یکپارچگی و عملکرد و اثربخشی)، متناسب و جهت دهنده به توزیع و تخصیص منابع و امکانات و موانع، مشارکت مدیران و ذی نفعان، بهره گیری از فن آوری های هوشمند، به کارگیری مدل شبکه ایی ولایی مردمی.

۵- سه حوزه مطالعاتی خطمشی عمومی: مطالعات خطمشی عمومی متشکل از سه حوزه مطالعاتی اصلی است: ۱- فرایند خطمشی عمومی و اینکه خطمشی عمومی چگونه شکل می گیرد؛ ۲- تحلیل خطمشی عمومی برای برخورد با یک مسئله عمومی؛ ۳- ارزشیابی خطمشی عمومی و اینکه دولت چه کاری باید انجام بدهد.

۶- گام های تحلیل خطمشی: این گام ها عبارت اند از: ۱- باید مسئله خطمشی، مشخص و ساختاردهی شود؛ چون مسائل خطمشی دارای ساخت اجتماعی هستند؛ ۲- تحلیل گر خطمشی با حل مسئله چه دستاوردهایی را انتظار دارد؟؛ ۳- مسیرهای مرجح حل مسئله



خطمشی چیست؟؛ ۴- خطمشی‌های منتخب و مرجح چه دستاوردهای مشهودی بر جای خواهد گذاشت؟؛ ۵- مشخص کردن نظام اندازه‌گیری عملکرد خطمشی.<sup>۱</sup>

۷- رویکردهای سیاست‌گذاری عمومی: سه رویکرد در این زمینه مطرح شده است: ۱- خطمشی‌گذاری عینیت‌گرا و معطوف به حل مسئله از طریق بهره‌گیری از ابزارهای کمی و مراحل مشاهده و تحلیل مسئله و تبیین راه‌حل‌ها؛ ۲- خطمشی‌گذاری آرمان‌گرا و هدف‌گرا ناظر به تحقق وضع مطلوب و ایدئال در یکی از موضوعات عمومی شهروندان؛ ۳- خطمشی‌گذاری خیال‌پرداز و توهم‌گرا بر اساس ذهنیت مبهم و غیردقیق سیاست‌گذاران؛ به نظر نگارنده باید در خطمشی‌گذاری از رویکرد مسئله محورانه هدف‌گرا بهره برد.

۸- نظریه‌های سیاست‌گذاری عمومی: الف- فرایند سیاست‌گذاری عبارت است از: مسئله‌شناسی و شناخت معضل اجتماعی (به معنای عام)، شناسایی و تحلیل راه‌حل‌ها و انتخاب راه‌حل برتر، تدوین و ابلاغ سیاست، اجرای سیاست، ارزیابی و اصلاح سیاست. پس سیاست‌های عمومی، دستاورد فرایند سیاست‌گذاری است. ب- نظریه‌های سیاست‌گذاری عبارت‌اند از: خطمشی‌گذاری مبتنی بر گفتگو بر اساس دموکراسی مشارکتی (شبه‌الگوی دموکراسی یونان باستان که مردم در میدان‌ها جمع می‌شدند؛ البته با هدایت و نظارت و آموزش دولت و نشان دادن صداقت و اعتماد حاکمیت در راستای برقراری زمینه گفتگو و رسیدن به توافق جمعی و فرصت یافتن شهروندان برای تصمیم‌گیری و مشارکت فعالانه در ساحت خطمشی‌گذاری؛ این مدل در شعار، زیبا، اما در عمل بسیار پرهزینه و زمان‌بر و انرژی‌سوز است و همه مشارکت‌کنندگان از منابع دانشی و زمانی و مالی یکسانی برخوردار نیستند و برخورداران بیشتر تسلط بیشتری خواهند داشت)، خطمشی‌گذاری مبتنی بر شواهد تجربی (مقرون‌به‌صرفه نبودن خطمشی‌گذاری مبتنی بر گفتگو و نیز مکتب آمپریسم، خطمشی‌گذاری مبتنی بر شواهد تجربی یعنی گردآوری داده‌های تجربی با روش‌های کمی و کیفی و تحلیل آنها را پیشنهاد می‌دهد)، خطمشی‌گذاری مبتنی بر دموکراسی نمایندگی (شهروندان در الگوی دموکراسی نمایندگی، اعمال حکمرانی می‌کنند. گرایش نمایندگان به سمت منافع شخصی و گروهی، آفت این الگو است؛ مانند گرفتن مجوز پتروشیمی و فولاد نیازمند به آب برای حوزه نمایندگی که در راستای

۱. ر.ک به: ویلیام ان. دان، تحلیل خط مشی عمومی رویکرد یکپارچه، ترجمه: حسن دانایی فرد، انتشارات سمت، تهران، ۱۴۰۲، ص ۲۰-۲۱

منافع ملی و منطقه‌ای نیست)، نظریه گروهی (خطمشی‌گذاری عمومی نتیجه تعامل بین گروه‌های ذی‌نفع از طریق رقابت بین آنها، اما گروه‌های ذی‌نفع، منافع خود را با لابی‌گری و بسیج حمایت عمومی شکل می‌دهند)، مدل عقلایی (شناسایی مؤثرترین و کارآمدترین گزینه خطمشی‌گذاری بر اساس منطق و شواهد و داده‌های روشن و استدلال صحیح)، نظریه جزئی-تدریجی (خطمشی‌گذاری عمومی در راستای تغییرات کوچک و تدریجی به جای اصلاحات در مقیاس بزرگ تا زمینه برداشتن گام‌های بعدی و تصمیم‌گیری کارآمدتر در محیط‌های پیچیده و پویا را فراهم سازد. این مدل نیز با مشکلاتی مانند تضاد منافع شخصی و عدم توازن قدرت مواجه است)، مدل رضایت‌بخش (دستیابی به راه‌حل‌های رضایت‌بخش برای مسائل خطمشی‌گذاری عمومی که برای دستیابی به نتایج مطلوب ناکافی است)، نظریه سطل زباله (به عنوان مدل زباله‌دان خطمشی‌های عمومی، نتیجه رویدادهای تصادفی و ناهماهنگ نه یک فرایند با برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی دقیق فرایند تصمیم‌گیری چهار جریان متشکل از مشکلات و راه‌حل‌ها و خطمشی و مشارکت‌کنندگان و آفت آن، تصمیم‌های غیرمنطقی و بدون تحلیل خواهد بود)، نظریه نخبگان (این نظریه مبتنی بر توهم دانستن دموکراسی کثرت‌گرا است. تصمیم‌گیری در جامعه توسط منافع و قدرت گروه‌های کوچکی از نخبگان و رهبران شرکتی و سیاسی و نظامی؛ آفتش این است که در واقع حکمرانی در اختیار نخبگان نیست؛ بلکه در اختیار طیفی از بازیگران ذی‌نفع است)، نظریه بازی (خطمشی‌گذاری به مثابه یک بازی و تصمیم‌گیری با چند بازیگر با اهداف و ترجیحات مختلف و تأثیرگذاری یک بازیکن بر تصمیمات دیگران)، نظریه انتخاب عمومی (خطمشی‌گذاری به مثابه بازار و عرضه و تقاضا برای تخصیص بهینه منابع از طریق بازیگران دولتی و بخش خصوصی که دارای آفت لابی‌گری ذی‌نفعان است)، ائتلاف گروه‌های حامی (تعاملات بین گروه‌های مدافع چندگانه و تأثیر عقاید و اهداف مشترک بر خطمشی‌های عمومی که البته هر ائتلافی از طریق لابی‌گری و سازمان‌دهی مردمی و کمپین‌های رسانه‌ای شکل می‌گیرد)، نظریه سیستم‌ها (سامانه‌ای برای مجموعه پیچیده از اجزا و روابط پیچیده بین اجزا و اهداف معین و محور اصلی)، نظریه نهادگرایی (خطمشی‌گذاری مبتنی بر ساختارهای پذیرفته‌شده در دولت و بازار و جامعه مدنی یا مبتنی بر مقبولیت ذهنی جامعه)، نظریه برساخت‌گرایی اجتماعی (خطمشی‌گذاری تنها

مبتنی بر واقعیت‌های عینی و تحلیل عقلانی نیست و نتیجه روابط اجتماعی و ارزش‌های فرهنگی و پویایی قدرت است)، نظریه انتشار خط‌مشی (خط‌مشی بر اساس عواملی مانند یادگیری و تقلید و رقابت و اجبار اتخاذ و اقتباس می‌شود)، نظریه شبکه‌ها و حاکمیت مشارکتی (خط‌مشی‌گذاری فرایندی مشارکتی و شامل چندین ذی‌نفع و شبکه‌ای از بازیگران برای رسیدن به هدف مشترک)، نظریه پست‌مدرن (به چالش کشیدن نظریه‌های سنتی و نفی هر گونه تصمیم‌گیری مبتنی بر حقیقت عینی با رویکرد عقلانی واحد؛ بلکه خط‌مشی‌گذاری فرایندی از مذاکره و گفت‌وگو با شنیدن دیدگاه‌ها و ترکیب آنهاست)، نظریه انتقادی (عدم تعادل قدرت و نابرابری در خط‌مشی‌گذاری و اینکه خط‌مشی‌گذاری یک ساختار اجتماعی است که به جای نیازهای عموم مردم، منافع گروه‌های مسلط را منعکس می‌کند) و نظریه فمینیستی (تأثیر جنسیتی بر خط‌مشی‌گذاری و به چالش کشیدن ساختارهای مردانه مسلط در خط‌مشی‌گذاری و دفاع از خط‌مشی‌هایی که مروج برابری جنسیتی باشد).

آیا با کمک مبانی حکمی و اصول مکتبی و قواعد و احکام فقهی می‌توان به الگوی خط‌مشی‌گذاری عمومی مبتنی بر عقلانیت اسلامی رسید؟ به نظر نگارنده باید از الگوی خط‌مشی‌گذاری حکمی بهره برد؛ خط‌مشی‌گذاری مبتنی بر عقل نظری و عملی و معاش و معاد.

۹- فرایند سیاست‌گذاری: خط‌مشی‌گذاری یا سیاست‌گذاری فرایندی به شرح ذیل دارد.

**اول - مسئله‌شناسی:** اولین گام در فرایند سیاست‌گذاری، مسئله‌شناسی است؛ اما باید به شش نکته توجه داشت که عبارت‌اند از: یک- داشتن دغدغه، کفایت نمی‌کند، بلکه باید مسئله و معضل واقعی را کشف کرد؛ همان مسئله‌ای که باعث نارضایتی و محرومیت در جامعه شده و یا می‌شود؛ همان‌گونه که وقتی بیماری برای مداوای خود نزد طبیب می‌رود، طبیب باید مسئله او را درست تشخیص دهد تا بتواند درمان درستی داشته باشد؛ دو- یک مسئله سیاستی از یک نیاز واقعی در جامعه حکایت می‌کند و حکمران را به بازنگری در سیاست‌گذاری پیشین یا شکل‌دهی فرایند جدید سیاست‌گذاری می‌کشانند؛ سه- مسئله‌ای در دستور کار سیاست‌گذاری قرار می‌گیرد که نیاز فراگیر در جامعه و با مشروعیت حکومت و سازمان در ارتباط باشد و بی‌توجهی بدان ممکن نباشد؛ خواه مسئله پیشگیرانه یا در راستای حل درمان باشد؛ چهار- رسانه‌ها در شناسایی مسائل واقعی یا

معرفی مسائل دروغین، نقش مهمی دارند؛ پنج- پرداختن به انبوهی از مسائل به جهت منابع انسانی و مالی و زمانی ممکن نیست و به همین جهت باید اولویت و اولیت‌های مسائل را شناسایی کرد؛ شش- هر مسئله سیاستی را باید به مثابه یک جریان اولویت و اولیت داشتن مسئله، توصیف مشکل، چاره‌اندیشی و یافتن راه‌حل، بررسی امکانات و داشته‌ها، همسان‌سازی با ارزش‌ها، ارتباط با افکار عمومی، فعالیت ذی‌نفعان و زمینه‌های اجتماعی دید.

**دوم - تدوین سیاست:** بعد از مسئله‌شناسی، تدوین سیاست، دومین گام در فرایند سیاست‌گذاری عمومی است. تدوین سیاست، قالب‌بندی راه‌حل اندیشیده شده یک مشکل عمومی در چارچوب قانونی و لباس حقوقی به شمار می‌آید که توسط قوه مقننه و مجلس یا پارلمان و نیز قوه مجریه و قوه قضائیه و شوراهای عالی در جمهوری اسلامی ایران انجام می‌شود. تدوین‌گران سیاست به کمک علم و هنر باید بتوانند داده‌ها و اطلاعات ناظر به مشکل عمومی را جمع‌آوری کنند و با توجه به محدودیت زمانی و منابع انسانی و مالی و محیط‌شناسی سیاسی و اجتماعی و فرهنگی به راه‌حلی دست یابند که قابلیت تبدیل آن به قانون میسر باشد و پاسخ درست و مفید و کارآمدی را به مجریان تحویل دهند. نکته بسیار مهم و البته مغفول نزد سیاست‌گذاران این است که سیاست مبتنی بر دکتترین مبتنی بر فلسفه است؛ برای مثال، فلسفه «سرمایه‌داری» به دکتترین «آزادی انجام فعالیت‌ها» و سپس سیاست «عدم دخالت دولت در فعالیت‌های اقتصادی» می‌انجامد. متولیان سیاست‌گذاری باید فلسفه اسلامی یعنی مبانی اجتماعی اسلام و ایدئولوژی اسلامی یعنی اصول و اهداف اجتماعی اسلام را بدانند تا بر اساس مبانی حکمی و دکتترین اسلامی به تدوین سیاست بپردازند.

**سوم - اجراسازی سیاست:** سومین گام در فرایند سیاست‌گذاری، اجراسازی سیاست است. وقتی راه‌کارها و راه‌حل‌های مسئله‌ها و مشکلات اجتماعی به صورت قانونی درآمد، باید به اجرایی کردن آن اندیشید. بسیاری از سیاست‌ها تا زمان تدوین و تصویب، زیبا و جذاب و عالی هستند اما هنگامی که به مرحله اجرا می‌رسند فاسد می‌شوند. گاهی سیاست‌ها که قرار بود مشکلات را حل کنند، به مسئله جدیدی تبدیل می‌شوند. پس شکست و کامیابی یک سیاست به فرایند اجراسازی و عملی کردن در قالب برنامه‌نویسی آن برمی‌گردد. گاهی سیاستی اجرا می‌شود، اما ناکام می‌ماند و مشکل را حل نمی‌کند و یا حتی باعث بدتر شدن وضعیت می‌شود؛ بنابراین، بسیار مهم است که چرایی این

مسائل را بدانیم. پس ۱- اجرایی‌سازی را باید جدی گرفت و به اجرا، نگاه فرایندی داشت، یعنی اجرا آغاز و انجمنی دارد و در قالب قوانین و تصمیمات و آیین‌نامه‌ها توسط قوه مقننه و قوه مجریه درمی‌آید؛ سازمان‌های خصوصی و مردم‌نهاد نیز در اجرای سیاست‌ها نقش مهمی دارند؛ ۲- رویکردهای مختلفی برای اجراسازی سیاست‌ها بیان شده است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: یک- رویکرد از بالا به پایین<sup>۱</sup>؛ این رویکرد دارای مدل‌های مختلفی است؛ مانند مدل ون هورن و ون میتر؛ حکمرانان دولتی با این مدل، سیاست مصوب را با توجه به اهداف و استانداردها و منابع و شرایط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی و ویژگی‌های سازمان‌های اجرایی و آمادگی مجریان به مرحله اجرا می‌رسانند. دو- رویکرد پایین به بالا<sup>۲</sup>؛ این رویکرد نیز مدل‌های مختلفی دارد؛ مانند مدل ریچارد المور و مایکل لپسکی که بر شناسایی شبکه‌بازیگران محلی و منطقه‌ای و ملی در سطوح پایین اجرایی تمرکز دارند. سه- رویکرد ترکیبی؛ ریچارد المور و پل ساباتیر در بازبینی مدل‌های پیشین، ترکیب و سنتزی از دو مدل را با واقعیت سازگارتر دانستند. ۳- به عوامل داخلی ناکامی (نادرستی خود سیاست از حیث محتوا و شکل، ناهماهنگی اجزای درونی یک سیاست، بی‌توجهی یک سیاست با سیاست‌های پیرامونی، بی‌توجهی به زمان و مکان اجرای سیاست یا بومی‌نساختن سیاست در مقام اجرا مانند تبلیغ آب‌سردکن برای قطب شمال، نادرستی برنامه اجرایی، کاستی‌های مجریان از حیث نداشتن دانش و تجربه و انگیزه لازم و هوش مدیریتی) و عوامل خارجی ناکامی (نبود عزم کافی حکمرانان برای اجرای سیاست، فقدان حمایت عمومی، نبود حمایت رسانه‌ای، ائتلاف مخالفان اجرای سیاست، تغییرات امور سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی، کمبود منابع مالی) که در اجرای یک سیاست وجود دارند، باید توجه اساسی داشت.

**چهارم- ارزیابی سیاست:** چهارمین گام در فرایند سیاست‌گذاری، به ارزیابی سیاست اختصاص دارد که حاوی نکاتی است: ۱- هر سیاستی، تحلیلی قبل از تصویب و یک ارزیابی بعد از اجرا دارد. «تحلیل» عبارت از بررسی همه‌جانبه یک سیاست پیش از اجرا و نسبت آن با مسئله و هدف اصلی و «ارزیابی» عبارت است از سنجش تحقق سیاست با هدف اصلی و پیامدهای آن و قضاوت درباره آن ۲- فرایند ارزیابی عبارت است از: تعیین اهداف و مقاصد سیاست پیش از اجرا؛ شناسایی پیامدهای سیاست بر مسئله و معضل و

1. top-down approach  
2. bottom-up approach

هدف اصلی؛ ملاک‌ها و استانداردهای سنجش تأثیرات سیاست؛ قضاوت درباره ناکامی و کامیابی سیاست پس از اجرا. ۳- دو دسته از افراد در ارزیابی سیاست نقش دارند: یکی ارزیابان داخلی که ذی‌نفع هستند، اما به اطلاعات دقیق و قوت‌ها و ضعف‌ها دسترسی دارند. دوم ارزیابان خارج از سازمان که ذی‌نفع نیستند و امکان داوری دقیق‌تر را دارند، اما از مجموعه اطلاعات درون سازمان برخوردار نیستند. ۴- ارزیابی باید در سه ساحت انجام شود: ارزیابی برنامه تحقق سیاست؛ ارزیابی تأثیر سیاست بر مسئله و معضل اجتماعی؛ ارزیابی تأثیر سیاست بر هدف اصلی و ارزیابی سیاست بر مسائل دیگر. فرا ارزیابی نیز بررسی مجموعه همه ارزیابی‌های انجام‌شده است. ۵- ارزیابی با روش‌های کمی و آماری و روش‌های کیفی جهت سنجش تحقق سیاست با هدف اصلی و پیامدها و اثرسنجی آن. ۶- موانع ارزیابی؛ ارزیابی سیاست گاهی با موانعی از جمله موانع روشی و دانشی و سیاسی و مالی و اطلاعاتی مواجه می‌شود

**پنجم- تغییر سیاست:** پس از ارزیابی سیاست، در صورت موفقیت سیاست، تغییری اتفاق نمی‌افتد اما در صورت ناکامی یا کامیابی نسبی در رسیدن سیاست به هدف اصلی، گام پنجم فرایند سیاست‌گذاری یعنی توقف یا تغییر و تکمیل سیاست باید برداشته شود. پس ۱- پیچیدگی نظام‌های اجتماعی و تعاملات درونی و بیرونی آنها نشان می‌دهد که تغییر سیاست عمومی به صورت ناگهانی یا تدریجی، باید با احتیاط صورت پذیرد؛ ۲- تغییرات حداکثری سیاست‌های عمومی به مشروعیت جامعه‌شناختی حکومت آسیب می‌زند و ۳- ناموفق بودن سیاست در حل مسئله، ارتقای اثربخشی سیاست، تغییر مبانی و ایدئولوژی (اصول و اهداف کلان) و دکترین یک سیاست عمومی، کمبود منابع انسانی و مالی، پدید آمدن مشکلات ملی و فراملی جدید مانند جنگ یا تحریم، تحولات فناوری‌های نوین، فشار افکار عمومی و تشکل‌های مستقل مردمی می‌توانند از دلایل و علل تغییر سیاست به شمار آید.

**ششم- پایان سیاست:** ششمین گام فرایند سیاست‌گذاری، پایان سیاست است. عوامل پیش‌گفته در تغییر سیاست و نیز پایان مسئله اصلی یا ناتوانی سیاست یا پایان قانون و برنامه سیاستی یا پایان سازمان متولی سیاست می‌توانند چرایی پایان یک سیاست را تبیین کنند.<sup>۱</sup>

۱. ر.ک به: حمیدرضا ملک محمدی، مبانی و اصول سیاست‌گذاری عمومی، سازمان مطالعه و تدوین کتب درسی دانشگاهی در علوم اسلامی و انسانی و شورای عالی انقلاب فرهنگی، تهران ۱۴۰۱

۹- چابستی تنظیم گری حکمی

تنظیم گری، نوعی فرایند زمینه‌ساز برای اعمال حکمرانی است و شامل انواع مداخلات دولت و غیر دولت برای ایجاد کنترل عمومی و تحقق اهداف حاکمیت می‌شود. ابزار تنظیم گری، مقررات گذاری و ساختار سازی و داوری و حل منازعات با رویکرد تسهیل گری و هوشمند سازی و با استفاده از فن‌آوری‌های نوین به ویژه هوش مصنوعی خواهد بود.<sup>۱</sup> به نظر نگارنده، تنظیم گری حکمی، فرایندی شامل قانون‌سازی، ساختار سازی و مسئولیت‌گذاری در چارچوب عقل نظری و عملی و معاش و معاد است که باید مستخرج از سیاست‌های حکمی و بنیان‌ها و ارزش‌های حکمت بنیان باشد.

شایان ذکر است: اول: باید بین سیاست‌گذاری و تنظیم گری پیوند فرایندی باشد. وقتی بنا بر این باشد که مجلس شورای اسلامی با کمک شورای نگهبان و مجمع تشخیص نظام در جمهوری اسلامی، فرایند قانون‌گذاری را طی کند؛ باید به سیاست‌گذاری‌های شوراهای عالی کشور توجه بشود؛ نه اینکه برخی از نمایندگان مجلس بر خلاف مصوبات شوراهای عالی کشور نظر بدهند و مردم و ذی‌نفعان را دچار چالش در حکمرانی کنند. شوراهای سیاست‌گذاری نیز باید به سیاست‌های کلان کشور و قانون اساسی توجه ویژه‌ای داشته باشند. دوم: سیاست‌ها و مقررات، باید مبتنی بر مبانی بنیادین و ارزش‌های برگرفته از مکتب اسلام باشد. به همین جهت سیاست‌گذاران و مقررات‌سازان، باید آگاهی ویژه‌ای به منظومه فکری امامین انقلاب داشته باشند.

جدول شماره ۱: مقایسه تطبیقی حکمرانی مدرن و حکمی

ردیف	مفاهیم جنبه‌ها	حکمرانی مدرن	حکمرانی حکمی
۱	هویت	فرایند و مکانیسم‌های تعاملی و هوشمند در تصمیم‌گیری و نظارت	فرایند جامع و چندوجهی تصمیم‌سازی مشارکتی کارآمد و اثربخش و حکمروایی حکیمانه و مؤمنانه و ولایت‌مدارانه به صورت هوشمند و شبکه‌ای بین امام و امت
۲	مأموریت	فرایند سیاست‌گذاری و خط‌نگاری عمومی (ساحت استراتژی)؛ فرایند تنظیم‌گری (ساحت تاکتیک)؛ فرایند راهبری و هدایت‌گری جامعه (ساحت تکنیک‌ها)؛ فرایند تصدی‌گری و خدمات و خیر عمومی (ساحت عملیات)؛ فرایند نظارت	سیاست‌گذاری عمومی، تنظیم‌گری (قانون‌سازی، ساختار سازی و مسئولیت‌گذاری)، گفت‌وگو و اجماع‌سازی و راهبری جامعه، تصدی‌گری مشارکتی، نظارت و ارزیابی و اثرسنجی
۳	قلمرو	محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی	فردی، خانوادگی، محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی
۴	مبانی	لیبرالیسم، دموکراسی تعاملی، محافظه‌کاری، سوسیالیستی، مارکسیستی، فمینیستی	مبتنی بر خداپاوری و آیت‌شناسی توحیدی، انسان‌شناسی فطری، ولایت‌گرایی الهی و نفسی ولایت‌طاغوت (تولی و تبری)، راهنماشناسی نبوی و ولوی، خاتمیت و جامعیت قرآن، معرفت‌شناسی حکمی و قرآنی و سنت معصومان، دنیاسازی آخرت‌گرایانه و حکمرانی انحصاری الهی
۵	منابع	عقل و تجربه‌ی سکولار و منقطع از وحی بشری	حکمت عقلانی (خرد ناب: عقل نظری، عقل عملی، عقل معاش و عقل معاد) و شریعت و حیانی (سنت‌های تکوینی و قواعد و قوانین و حدود الهی و حقایق تاریخی برگرفته از کتاب الهی و روایات نبوی و ولوی)
۶	الگو	حکمرانی سنتی، حکمرانی نوین و مبتنی بر مدیریت دولتی نوین، حکمرانی خوب	الگوی شبکه‌ای از حاکمیت و بخش خصوصی و تعاونی‌های مردم‌نهاد مبتنی بر حکمت و ولایت

۱. ر.ک به عبدالحسین خسروپناه، حکمت و فقه حکمرانی، گفتار هشتم و امامیان و همکاران، نظام ملی تنظیم گری، انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تهران ۱۳۹۷

ردیف	مفاهیم جنبه‌ها	حکمرانی مدرن	حکمرانی حکمی
۷	اصول	تسهیلگری و تمرکززدایی و اشتراک‌گذاری در قدرت و کنترل فشار و فعالیت‌های اجتماعی، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، انصاف، حاکمیت قانون، پاسخگویی در کل سیستم حکمرانی، مبارزه با فساد، اثربخشی	قیام‌الله و خشیت انحصاری الهی، اخلاق و تقوا مداری، هدایتگری و تبشیر و انذار نسبت به حاکمیت و جامعه، حفظ شعائر الهی، اهتمام به حیات انسانی، حاکمیت قانون توحیدی، توجه به ایدئولوژی و فرهنگ و سنت و ارزش‌ها و احکام اسلامی، توازن مصلحت‌اندیش بین ارزش‌ها و اهداف در فرایند حکمرانی، امانت‌داری، صداقت در گفتار و عمل، احسان و ایثار و عفو، تعاون بر نیکی و سبقت گرفتن به خیر، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی در همه فرایندهای حکمرانی، تعامل سازنده بین نهادهای حاکمیتی و خصوصی و تعاونی مردم‌نهاد، شفافیت، تسهیلگری و نفی حرج، توانمندسازی و ظرفیت‌سازی منابع انسانی و طبیعی، تمرکززدایی دولتی در ساحت تصدی‌گری، مشارکت حداکثری در فرایند حکمرانی، کنترل فشارهای دولتی و تشکلهای ذی‌نفع و رسانه‌ای، حفظ تعادل و مهار سوءاستفاده از بازار و تعاونی‌ها و اصلاح شکست بازار و تعاونی‌ها
۸	اهداف	رشد و توسعه، اجماع‌سازی، عدالت و برابری و فراگیر بودن، امنیت، رفاه، پایداری، حل تعارضات و مشکلات اجتماعی، برآوردن انتظارات قانونی شهروندان	تحقق جامعه توحیدی دارای حیات طیبه و دستیابی به تمدن اسلامی و تقرب الهی از طریق خودسازی و معنویت‌کنشگران، جامعه‌سازی اخلاقی و متقی و مهتدی و حزب‌اللهی، پیشرفت همه‌جانبه و متوازن و فراگیر و پایدار، عدالت اجتماعی و برابری فرصت‌ها و باز توزیع منابع ثروت و قدرت بین آحاد جامعه، امنیت مالی و جانی و روانی و معنوی جامعه، ارتقاء سطح رفاه همگانی و معیشت و معنویت مردم، پایداری و حفظ منابع طبیعی و محیط‌زیست، گسترش فرهنگ و صنعت حلال، برآوردن انتظارات قانونی شهروندان، حل تعارضات و مشکلات اجتماعی.

### ۱۰- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این پژوهش تلاش شد به مهم‌ترین تعریف‌های تخصصی در خصوص مفهوم «حکمرانی مدرن» با رویکردها و رهیافت‌های مختلف پرداخته شود. در این راستا با استفاده از روش کیفی و تحلیل مضمون کلیدواژه‌ها و تعاریف مفهوم حکمرانی استخراج و به هوش مصنوعی داده شد که در نهایت سه پاسخ درباره حکمرانی به وسیله هوش مصنوعی تدوین گردید. سپس نگارنده با استفاده از تعاریف مدرن و هوش مصنوعی از حکمرانی تعریف خود از حکمرانی مدرن را با دوازده مؤلفه مرتبط با آن تفسیر و ارائه نمود. همچنین حکمرانی ولایی برگرفته از سوره مائده و حکمرانی مردمی از دیدگاه مقام معظم رهبری معرفی شد. سپس نظریه حکمرانی حکمی با نه رکن هویت، مأموریت، قلمرو، مبانی، منابع، الگو، اصول، اهداف حکمرانی و ویژگی حکمرانان بیان گردید و به سیاست‌گذاری حکمی و تنظیم‌گری حکمی به عنوان دو مؤلفه مهم حکمرانی پرداخته شد و در نهایت مقایسه تطبیقی حکمرانی مدرن و حکمرانی حکمی ارائه و تبیین شد. چند نکته جهت نتیجه‌گیری بیان می‌گردد:

- ۱- حکمرانی را نباید در عرض علوم اجتماعی دانست؛ بلکه حکمرانی، یک الگوی علمی فن‌آورانه مستخرج از علوم اجتماعی و مؤثر بر علوم اجتماعی است.
- ۲- حکمرانی، مترادف با حکومت‌داری نیست؛ بدین معنا که حکومتی می‌تواند دارای حکمرانی باشد یا نباشد و یا حکمرانی می‌تواند در حکومت تجلی کند یا نکند؛ چون رکن رکن حکمرانی، مشارکت حداکثری مردم در فرایند پیش‌گفته است که در هر نهاد غیردولتی نیز قابل‌تصور است.
- ۳- رکن مشارکت حداکثری مردم با رکن ولایت مداری تنها در حکمرانی ولایی و حکمرانی حکمی قابل جمع است و تعاریف مدرن با ایدئولوژی‌های لیبرالیستی و سوسیالیستی‌ها در این مسئله، گرفتار پارادوکسیکال خواهد بود.
- ۴- حکمرانی، اعم از حکمرانی خوب است و نباید حکمرانی را با حکمرانی خوب مترادف دانست؛ اما متأسفانه در ذهن برخی مدرسان دانشگاهی چنین مغالطه‌ای وجود دارد که باید برطرف بشود. حکمرانی سالم و سایر مکاتب حکمرانی در مقابل حکمرانی خوب قرار دارند.

۵- برای اداره کشور علاوه بر کشف نظریه‌های علم و فن‌آوری، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، سلامت و بهداشت، امنیتی، حقوقی؛ باید الگوی حکمرانی‌های فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و علم و فن‌آوری و غیره، کشف و تدوین گردد؛ آنگاه به تدوین اسناد راهبردی و راهبری در این مقوله‌ها پرداخت.

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. سخنان آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای درباره حکمرانی در تاریخ: (۱۳۷۴/۷/۲۲)، (۱۳۷۴/۷/۲۵)، (۱۳۷۴/۷/۲۶)، (۱۳۷۴/۷/۲۹)، (۱۳۷۷/۲/۱۸)، (۱۳۸۹/۹/۴)، (۱۳۷۹/۱۲/۲۰)، (۱۳۹۴/۲/۲۶)، (۱۳۹۴/۷/۲۵)، (۱۴۰۰/۱/۱)، (۱۴۰۰/۱۲/۱۹)، (۱۴۰۰/۱۲/۲۲)، (بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).
۴. ابراهیمی، سید عباس، و دانایی فرد، حسن (۱۳۹۶). خط‌مشی‌گذاری مبتنی بر شواهد، سمنان: انتشارات دانشگاه سمنان.
۵. ابن عاشور، محمدطاهر بن محمد (۱۴۲۰ق). تفسیر التحرير و التنوير، لبنان، بیروت: انتشارات مؤسسه التاريخ العربی.
۶. اسپیکر، پل (۱۳۹۲). موضوعات و رهیافت‌های سیاست‌گذاری اجتماعی، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۷. اسمیت، کوین بی، و دابلوی لاریمر، کریستوفر (۱۳۹۸). درآمدی بر نظریه خط‌مشی عمومی (تقابل نظری عقل‌گرایان و فرا تحصیل‌گرایان)، ترجمه حسن دانایی فرد، تهران: صفار.
۸. اشتریان، کیومرث (۱۴۰۲). نظریه‌های سیاست‌گذاری عمومی «کاربردها و تجربه‌ها در ایران»، تهران: نشر میزان.
۹. امامیان و همکاران (۱۳۹۷). نظام ملی تنظیم‌گری، تهران: انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۱۰. امانی، محمدرضا (۱۴۰۰). مفاهیم کلیدی حکمرانی، تهران: دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی.
۱۱. بیگی، وحید (۱۳۹۶). مروری جامع بر نظریه‌ها و مبانی خط‌مشی‌گذاری عمومی، تهران: نگاه دانش.
۱۲. پی‌یر، یان، و پیترز، گای (۱۳۹۳). حکمرانی، سیاست و دولت، ترجمه حسین قلجی، تهران: رهیافت خط اول.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). تسنیم (تفسیر قرآن کریم)، قم: اسراء، ج ۲۱.
۱۴. خسروپناه، عبدالحسین (۱۴۰۲). حکمت و فقه حکمرانی، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
۱۵. خسروپناه، عبدالحسین (۱۴۰۲-۱۴۰۳). درس خارج فقه حکمرانی، حوزه علمیه مشکات، مخطوط.
۱۶. خسروپناه، عبدالحسین (۱۴۰۲-۱۴۰۰). درس خارج حکمرانی علوی، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی، مخطوط.
۱۷. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۸. راجر، ای‌مکین (۱۳۹۲). نظریه‌بازی‌ها و سیاست‌گذاری عمومی، ترجمه علی بغیری، تهران.
۱۹. رشیدرضا، محمد (۱۹۹۰م). تفسیر المنار، الناشر: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
۲۰. زرکشسی، محمدبن بهادر (۱۴۲۸ق). البرهان فی علوم القرآن، قدم له و علق علیه و خرج احادیثه

مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه.

۲۱. سبحانی، جعفر (۱۴۱۸ق). رساله فی تأثیر الزمان و المكان علی استنباط الاحکام، قم: موسسه امام صادق (ع).
۲۲. شفریتز، جی ام (۱۳۹۸). دانشنامه سیاست‌گذاری عمومی و مدیریت دولتی، ترجمه نادر هوشمندیار، تهران: شورا فرین.
۲۳. طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۸۴). تفسیر المیزان، مترجم: سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۴. عقباتی جزنی، محمد (۱۳۹۶). اجرای خط‌مشی عمومی با رویکرد حکمرانی، تهران: سخنوران.
۲۵. بیور، مارک (۱۳۹۸). حکمرانی درامدی بسیار کوتاه، ترجمه غلامرضا سلیمی و داود کریمی پور، تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
۲۶. معرفت، محمدهادی (۱۴۲۸ق). التمهید فی علوم القرآن، قم: موسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.
۲۷. معین، محمد (۱۳۸۸). فرهنگ فارسی معین، تهران: مؤسسه انتشاراتی امیرکبیر.
۲۸. ملک‌محمدی، حمید رضا (۱۳۹۶). مبانی و اصول سیاست‌گذاری عمومی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
۲۹. مولر، پیر (۱۳۷۸). سیاست‌گذاری عمومی، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی، تهران: نشر دادگستر.
۳۰. وحید، مجید (۱۳۸۸). سیاست‌گذاری عمومی، تهران: میزان.
۳۱. ویلیام ان. دان، تحلیل خط‌مشی عمومی رویکرد یکپارچه، ترجمه: حسن دانایی فرد، انتشارات سمت، تهران، ۱۴۰۲.

32. Farazmand, Ali. (2004). Sound Governance Policy and Administrative Innovations. Greenwood Publishing Group.
33. Andrews, Matt. (2008). The Good Governance Agenda: Beyond Indicators without Theory. In *Oxford Development Studies*.
34. Kaufmann, D., & Kraay, A. (2023). Worldwide Governance Indicators, 2023 Update (www.govindicators.org), Accessed on 10/19/2023.
35. Bevir, M. (2012). Governance: A very short introduction.
36. Peters, B. Pierre, J. Sorensen, E. & Torfing, J. (2022). Foundations for thinking about governance. In *A research agenda for governance*. Edward Elgar Publishing.
37. Peters, B. G., & Pierre, J. (1998). Governance without government? Rethinking public administration. *Journal of public administration research and theory*, 8(2).
38. Klijn, E. H. & Koppenjan, J. (2015). Governance networks in the public sector. Routledge.
39. Jessop, B. (1997). The Governance of Complexity and the Complexity of Governance: Preliminary Remarks on Some Problems and Limits of Economic Guidance. *Beyond Market and Hierarchy: Interactive Governance and Social Complexity/Edward Elgar*.
40. Asadzaman, M., & Virtanen, P. (2016). Governance theories and models. In *Global encyclopedia of public administration, public policy, and governance*. Cham: Springer International Publishing.
41. Malik, M. (2016). *Foundations of Islamic Governance: A Southeast Asian Perspective*. Routledge.
42. Ansell, C. & Torfing, J. (Eds). (2022). *Handbook on theories of governance*. Edward Elgar Publishing.
43. Levi-Faur, D. (2010). Jerusalem papers in regulation & governance. Jerusalem Forum Working Paper.
44. Ansell, C. & Gash, A. (2008). Collaborative governance in theory and practice. *Journal of public administration research and theory*, 18(4).

45. Lynn Jr, L. E. (2010). Foundations of Public Administration, Governance. *ASPA*.
46. Rhodes, R. A. (2007). Understanding governance: Ten years on. *Organization studies*.
47. Meuleman, L. (2021). Public administration and governance for the SDGs: Navigating between change and stability. *Sustainability*.
48. <https://www.un.org>.
49. <https://documents1.worldbank.org>.
50. <https://khosropanah.ir>.

i. مستندات خداشناسی در سوره مائده: اصالت حکم ارادی الهی («إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ»); گستره علم الهی («إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ» و «إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ»); کفر خواندن الوهیت دانستن مسیح بن مریم («لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ»); فرمانروایی مطلق خداوند («وَاللَّهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا»); خالقیت مختارانه حق تعالی (يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ); قدرت مطلقه الهی (وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ); مشیت حکیمانه الهی در مغفرت و عذاب افراد (يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ); فاعلموا أن الله غفور رحيم، الله اعلم بما كانوا يكتُمون، و الله لا يحب المفسدين، ان الله لا يهدي القوم الكافرين، و الله بصير بما يعملون، و الله غفور رحيم، و الله هو السميع العليم، و الله غفور رحيم، قل أتعدون من دون الله ما لا يملك لكم ضرراً و لا نفعاً و الله هو السميع العليم، إن الله لا يحب المعتدين، يبين الله لكم آياته لعلكم تشكرون، و الله يحب المحسنين، و الله عزيز ذو انتقام، و أن الله غفور رحيم، و الله يعلم ما تبدون و ما تكتمون، و الله غفور حلیم، و الله لا يهدي القوم الفاسقين، أنت على كل شيء شهيد، فانك انت العزيز الحكيم، كنت انت الرقيب عليهم، إنك انت علام الغيوب، أن الله يعلم ما في السموات و ما في الارض، و أن الله بكل شيء عليم، أن الله شديد العقاب، لله ملك السموات و الارض و ما فيهن و هو على كل شيء قدير.

ii. مستندات خداشناسی در سوره مائده: اصالت حکم ارادی الهی («إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ»); گستره علم الهی («إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ» و «إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ»); کفر خواندن الوهیت دانستن مسیح بن مریم («لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ»); فرمانروایی مطلق خداوند («وَاللَّهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا»); خالقیت مختارانه حق تعالی (يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ); قدرت مطلقه الهی (وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ); مشیت حکیمانه الهی در مغفرت و عذاب افراد (يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ); فاعلموا أن الله غفور رحيم، الله اعلم بما كانوا يكتُمون، و الله لا يحب المفسدين، ان الله لا يهدي القوم الكافرين، و الله بصير بما يعملون، و الله غفور رحيم، و الله هو السميع العليم، و الله غفور رحيم، قل أتعدون من دون الله ما لا يملك لكم ضرراً و لا نفعاً و الله هو السميع العليم، إن الله لا يحب المعتدين، يبين الله لكم آياته لعلكم تشكرون، و الله يحب المحسنين، و الله عزيز ذو انتقام، و أن الله غفور رحيم، و الله يعلم ما تبدون و ما تكتمون، و الله غفور حلیم، و الله لا يهدي القوم الفاسقين، أنت على كل شيء شهيد، فانك انت العزيز الحكيم، كنت انت الرقيب عليهم، إنك انت علام الغيوب، أن الله يعلم ما في السموات و ما في الارض، و أن الله بكل شيء عليم، أن الله شديد العقاب، لله ملك السموات و الارض و ما فيهن و هو على كل شيء قدير.

iii. مستندات پیامبرشناسی در سوره مائده: بعثت پیامبران با بینه (لقد جائتهم رسلاً بالبينات); شناساندن حقایق الهی به اهل کتاب توسط پیامبر (يا اهل الكتاب قد جائتكم رسولنا بينين لكم كثيرا مما كنتم تخفون من الكتاب); پیامبر مظهر عفو الهی (و يعفو عن كثير); نورانیت کتاب الهی (قد جائتكم من الله نور و كتاب مبين); نقش هدایت پاداشی کتاب الهی به سوی سبیل السلام و صراط مستقیم و خروج از ظلمات به نور برای پیروان رضوان الهی به اذن الهی (یهدی به الله من أتبع رضوانه سبیل السلام و يخرجهم من الظلمات الى النور باذنه و یهدیهم الى صراط مستقیم); هلاکت پذیر مسیح و مریم و همه موجودات زمین و نفی مالکیت همه موجودات (قل فمن يملك من الله شيئا إن اراد أن يهلك المسيح ابن مريم و أمه و من في الارض جميعا)، نفی نژادپرستی و فرزندزی خداوند برای یهود و نصاری (قالت اليهود و النصاری نحن ابناء الله و احبواؤه قل فلم يعذبهم بل انتم بشر ممن خلق); تبیین گری و بشارت و انذار رسول الله برای اهل کتاب و اتمام حجت برای آنها بعد از فترت زمانی (يا اهل الكتاب قد جائتكم رسولنا بينين لكم على فتره من الرسل أن تقولوا ما جاءنا بنبی و نذیر.

iv. مستندات انسانشناسی در سوره مائده: نفی اختیاری نسبت به دیگران (انی لا املك إلا نفسي و

أخی); تطویع و رام کردن نفس با جلوه دادن برادرکشی و کشتن برادر (فطوعت له نفسه قتل أخيه فقتله); قتل هر انسانی در حکم قتل انسانیت و احیای هر انسانی در حکم احیای انسانیت است (من قتل نفسا بغير نفس أو فساد في الارض فكانما قتل الناس جميعا و من أحياها فكانما أحيا الناس جميعا); قیام برای مردم دانستن کعبه (جعل الله الكعبة البيت الحرام قیاما للناس و الشهر الحرام و الهدی و القلاند); عدم تساوی خبیث و طیب، خودسازی: علیکم انفسکم.

iv. مستندات امامتشناسی در سوره مائده: ولایت ائمه اطهار و لزوم تقرب به خدا با اتخاذ وسیله از جمله جهاد و تولی و توسل به اهل بیت و تبری از دشمنان آنها (وابتغوا الیه الوسیله) و (و من یتول الله و رسوله و الذین آمنوا فإن حزب الله هم الغالبون).

v. مستندات امامتشناسی در سوره مائده: ولایت ائمه اطهار و لزوم تقرب به خدا با اتخاذ وسیله از جمله جهاد و تولی و توسل به اهل بیت و تبری از دشمنان آنها (وابتغوا الیه الوسیله) و (و من یتول الله و رسوله و الذین آمنوا فإن حزب الله هم الغالبون).

vi. ناممکن بودن رهایی کافران از عذاب قیامت و عدم پذیرش فدیة همه امور زمین و همانند آن و عدم امکان خروج از آتش و عذاب دردناک و همیشگی آنها (ان الذین کفروا لو أن لهم ما فی الارض جمیعا و منته لیتخذوا به من عذاب یوم القیامه ما تقبل منهم و لهم عذاب الیم یریدون أن یرجوا من النار و ما هم بخارجین منها و لهم عذاب مقیم)، توبه پذیر توبه کاران واقعی (فمن تاب من بعد ظلمه و أصلح فإن الله یتوب علیه إن الله غفور رحیم); فرمانروایی و قدرت مطلق الهی و تنها عذاب و مغفرت به دست اوست (ألهم تعلم أن الله له ملک السموات و الارض یعذب من یشاء و یغفر لمن یشاء و الله علی كل شیء قدير)، بازگشت همه بسوی خداوند متعال و آگاهی سازی درباره اختلافات (الی الله مرجعکم جمیعا فیتنبکم بما كنتم فیه تختلفون); معاد (و الیه المصیر); اهل تقوا و ایمان و عمل صالح نسبت به خوردنی های حرام قبل از صدور حکم الهی، عقابی ندارند و قتی که مراتب بالاتر تقوا و ایمان و احسان را داشته باشند (لیس علی الذین آمنوا و عملوا الصالحات جناح فیما طعموا إذا ما اتقوا و امنوا و عملوا الصالحات ثم اتقوا و امنوا ثم اتقوا و أحسنوا و الله یحب المحسنین); یوم یجمع الله الرسل فیقول ماذا أجبتم قالوا لا علم لنا إنك أنت علام الغیوب، هذا یوم ینفع الصادقین صدقهم لهم جنات تجری من تحتها الانهار خالدین فیها أبدا رضی الله عنهم و رضوا عنه ذلك الفوز العظیم.

vii. کفر و فسق و ظلم خواندن پذیرش حکم غیر الهی و تقابل دانستن حکم الهی و تبعیت از هوای نفس و دوری از تبعیض سازی حکم الهی و حکم جاهلی خواندن احکام غیر الهی و من لم یحکم بما أنزل الله فاولئک هم الکافرون و من لم یحکم بما أنزل الله فاولئک هم الظالمون، و من لم یحکم بما أنزل الله فاولئک هم الفاسقون، فاحکم بینهم بما أنزل الله و لاتتبع أهواءهم، و أن احکم بینهم بما أنزل الله و لاتتبع أهواءهم و احذرهم أن یفتنوک عن بعض ما أنزل الله الیک، أفحکم الجاهلیه یتبعون و من أحسن من الله حکما لقوم یوقنون.

viii. مستند حکمت بنیانی در سوره مائده: «اذ علمتک الكتاب و الحکمه»

ix. مستندات قواعد الهی در سوره مائده: قاعده وفای به عقد تکوینی و تشریحی در احکام فردی و اجتماعی (او فوا بالعقود); قاعده حرمت نهادن به شعائر الهی (لاتحلوا شعائر الله); قاعده تعاون گرای بر بر و تقوا و دوری از اثم و عدوان (تعاونوا علی البر و التقوی و لاتعاونوا علی الاثم و العدوان); قاعده عدم خشیت کفار و لزوم خشیت الهی; قاعده اضطرار (فمن اضطر فی مخمضه غیر متجانف لإثم); قاعده حلیت طبیات; قاعده نفی حرج (مسا یرید الله لیجعل علیکم من حرج); قاعده یادآوری نعمت ها و میثاق های الهی (و اذکروا نعمه الله علیکم و میثاقه الذی و اتقتم به)، قاعده لزوم تقوای الهی; قاعده لزوم توکل الهی (و علی الله فلیتوکل المؤمنون); قاعده عفو و صفح (فاعف عنهم و اصفر ان الله یحب المحسنین); قاعده لزوم داوری به عدل (و إن حکمت فاحکم بینهم بالقسط إن الله یحب المقسطین); قاعده لزوم سبقت گیری در کارهای خیر (فاستبقوا الخیرات); عدم جواز پرسش از اموری که پاسخ ناگوار دارد. قاعده جهاد فی سبیل الله

x. مستندات قوانین و حدود الهی در سوره مائده: حلیت منافع انعام (احلت لكم بهیمه الانعام); حرمت میتة و دم و لحم خنزیر و ذبح بدون نام خدا و منخنقه و موقوذه و متردیه و نطیحه و نیمخورده درندگان و تقسیم با ازلام، احکام سگ شکاری، جواز نکاح با زنان مؤمن و اهل کتاب پاکدامن، حلیت ذبیحه اهل کتاب، احکام

وضو و تیمم، حرمت قتل ظالمانه نفس، حرمت فساد در زمین، حد مجارب با خدا و رسول و مفسد فی الارض عبارت از قتل، به دار آویختن، قطع دست راست و پای چپ، تبعید و نفی از سرزمین خود است و با توبه قبل از دستگیری، حد دنیوی و عذاب اخروی برداشته می شود و بعد از دستگیری تنها عذاب اخروی برداشته می شود، لزوم تقوای الهی و لزوم برگرفتن وسیله تقرب به خدا و لزوم جهاد در راه خدا (اتقوا الله و ابتغوا الیه الوسیله و جاهدوا فی سبیله)، حکم حد و قطع دستان سارق و سارقه(و السارق و السارقه فاقطعوا أیدهما)، قانون قصاص(و کتبنا علیهم فیها أنّ النفس بالنفس و العین بالین و الانف بالانف و الأذن بالأذن و السن بالسن و الجروح قصاص فمن تصدق به فهو کفاره له)، گناه و دشمنی و حرام خواری امور حرام است (و تری کثیرا منهم یسارعون فی الاثم و العدوان و اکلهم السحت لبئس ما كانوا یعملون)، نهی از منکر نکردن علما حرام است (لولا ینهاهم الربانیون و الاحبار عن قولهم الاثم و اکلهم السحت لبئس ما كانوا یصنعون)، حرام نسازی طبیات حلال (یا ایها الذین امنوا لا تحرموا طبیات ما أحل الله لکم)، حرمت تعدی از احکام الهی (و لا تعتدوا)، جواز خوردن چیزهای حلال و پاکیزه (و کلوا مما رزقکم الله حلالاً طیباً)، عدم مؤاخذه سوغندهای بیبوده، بازخواست کردن از سوغندهای با قصد و جدیت، کفاره شکستن سوغند جدی عبارت از طعام ده بینوا یا پوشاندن ده بینوا یا آزاد سازی یک بنده و در صورت نیافتن آن، گرفتن سه روز روزه، حرمت شراب و قمار و پرستش بت ها و قرعه های قمارگونه، حرمت صید خشکی در حال احرام و کفاره قتل عمد حیوانات با قربانی معادل آن حیوانات از جنس چهارپایان به حکم دو عادل یا روزه گرفتن، حلیت صید دریایی و خوراک آنها در حال احرام، عدم حرمت استفاده از بحیره و سائبه و وصیله و حام، حکم گواهی دو تن از مسلمانان یا غیرمسلمانان در هنگام وصیت و فرارسیدن مرگ و در صورت شک در گواهی دو شاهد غیرمسلمان می توان از شهادت خویشاوند میت بهره برد.

۱۰. مستندات سنت‌های الهی در سوره مائده: پیوند کفر و حبط عمل (من یکفر بالایمان فقد حبط عمله و هو فی الآخرة من الخاسرین)، پیوند ایمان و عمل صالح با مغفرت و اجر عظیم (وعده الله الذین آمنوا و عملوا الصالحات لهم مغفره و اجر عظیم)، پیوند کفر و تکذیب آیات الهی با جحیم بودن (و الذین کفروا و کذبوا بآیاتنا أولئک أصحاب الجحیم)، سنت جلوگیری خداوند از توطئه دشمنان در براندازی اسلام (إذ هم قومٌ أن یسطوا الیکم أیدیهم فکفأ یدیهم عنکم)، سنت معیت الهی در صورت اقامه نماز و ایتاء زکات و ایمان به رسل و تقویت آنها و قرض نیکو دادن و تکفیر سیئات و جنات دارای نهرهای جاری (قال الله انی معکم لئن اقمتم الصلوه و.... و لادخلنکم جنات تجری من تحتها الانهار)، سنت پیوند کفرورزی با گم کردن راه (فمن کفر بعد ذنبک منکم فقد ضلّ سواء السبیل)، سنت پیوند پیمان شکنی یعنی تحریف کلمات الهی و فراموشی معارف الهی و خیانت با لعنت الهی و سخت سازی قلوب (فیما نقضهم ميثاقهم لعناهم و جعلناهم قلوبهم قاسیه یحرفون الکلم عن مواضعه...)، سنت رابطه پیمان شکنی و عذاب دنیوی و دشمنی و کینه توزی و کفر اخروی (فاغربنا بینههم العداوه و البغضاء الی یوم القیامه و سوف ینبئهم بما كانوا یصنعون)، سنت پیوند خوف و توکل و نعمت الهی و قیام الهی با غلبه بر دشمن (قال رجلان من الذین یخافون انعم الله علیهما ادخلوا علیهم الباب فاذا دخلتموه فانکم غالبون و علی الله فتوکلوا ان کنتم مؤمنین)، سنت شریعت و منهاج داشتن هر امتی (لکل جعلنا منکم شرعاً و منهاجاً) و سنت امتحان الهی بر عدم جعل امت واحده (و لو شاء الله لجعلکم امه واحده و لکن لیبولکم فی ما اتاکم)، سنت من یتوکلهم فانه منهم، سنت رابطه ولایت پذیری یهود و نصاری با حبط عمل (إنهم لمعکم حبط أعمالهم فاصبحوا خاسرین)، سنت جایگزینی قومی (یحیبه و یحیونه أذله علی المؤمنین و أعزه علی الکافرین یجاهدون فی سبیل الله و لا یخافون لومه لائم ذلک فضل الله یؤتیه من یشاء و الله واسع علیم) به جای مرتدین از دین الهی، سنت رابطه ملعون الهی و مسخ شدن با پرستش طاغوت (من لعنه الله و غضب علیه و جعل منهم القرده و الخنازیر و عبد الطاغوت)، سنت دفاع الهی از آتش جنگ کافران (کلما أوقدوا ناراً للحرب أطفاها الله)، سنت رابطه ایمان و تقوا با تکفیر گناهان (و لو أن اهل الکتاب آمنوا و اتقوا لکفرنا عنهم سیئاتهم و لادخلناهم جنات النعیم)، سنت اقامه کتاب آسمانی و افزایش روزی (و لو أنهم أقاموا التوراه و الانجیل و ما أنزل الیهم من ربهم لأکلوها من فوقهم و من تحت أرجلهم)، سنت رابطه داشتن موقعیت مؤمنان با اقامه تورات و انجیل و قرآن (قل یا اهل الکتاب لستم علی شیء حتی تقیموا التوراه و الانجیل و ما أنزل الیکم من ربکم)، سنت رابطه ایمان

به خدا و قیامت و عمل صالح با دوری از ترس و اندوه (ان الذین آمنوا و الذین هادوا و الصابون و النصاری من آمن بالله و الیوم الآخر و عمل صالحاً فلاخوف علیهم و لا هم یحزنون)، سنت رابطه شرک و محرومیت از بهشت (إنه من یشرک بالله فقد حرم الله علیه الجنه و ماواه النار و ما للظالمین من أنصار)، سنت رابطه استمرار در کفر و رزی با عذاب الیم(و إن لم ینتهوا عما یقولون لیمسن الذین کفروا منهم عذاب الیم)، سنت رابطه توبه و استغفار با مغفرت الهی(افلا یتوبون الی الله و یتستغفرونه و الله غفور رحیم)، سنت رابطه ایمان و بهشت(فانابههم الله بما قالوا جنات تجری من تحتها الأنهار خالدین فیها و ذلک جزاء المحسنین)، سنت رابطه کفر و تکذیب آیات با جهنم(و الذین کفروا و کذبوا بآیاتنا أولئک أصحاب الجحیم)، رابطه شرب خمر و قمار با دشمنی و کینه توزی و بازداشتن از یاد خدا و نماز، سنت آزمون الهی از طریق دست رسی صید در حال احرام، سنت رابطه تعدی و عذاب الهی(فمن اعتدی بعد ذلک فله عذاب الیم).

xii. مستندات حقایق تاریخی در سوره مائده: پیمان شکنی یهودیان و پیامدهای آن (و لقد اخذ الله ميثاق بنی اسرائیل .... فیما نقضهم ميثاقهم)، پیمان شکنی نصاری و پیامدهای آن (و من الذین قالوا إنا نصاری أخذنا ميثاقهم فنسوا حظاً مما ذکروا به)، توصیه حضرت موسی علیه السلام به قومش درباره یادآوری نعمت های ویژه از جمله نبوت و حاکمیت و استقلال و آزادی (و إذ قال موسی لقومه یا قوم اذکروا نعمه الله علیکم إذ جعل فیکم انبیاء و جعلکم ملوکاً و آتاکم ما لم یؤت أحداً من العالمین)، دستور در آمدن بنی اسرائیل به سرزمین مقدس به شرط عدم ارتداد و سرپیچی بنی اسرائیل از دستور موسی و پیشنهاد دو مرد خدا ترس و دارای نعمت و توکل الهی برای قیام و غلبه بر دشمن و مخالفت بنی اسرائیل از این پیشنهاد و جسارت و رفاه طلبی و قعود بنی اسرائیل و اصرار بر جنگیدن موسی و رب موسی و درخواست موسی از خداوند برای جدایی بین جریان موسی و قوم فاسق و حرام سازی سرزمین مقدس تا چهل سال برای بنی اسرائیل و سرگردانی آنها در سینا (یاقوم ادخلوا الارض المقدسه التي کتب الله لکم و لاترتدوا علی أذبارکم فتنقلبوا خاسرین قالوا یا موسی إن فیها قوماً جبارین و إنا لن ندخلها حتی یخرجوا منها فان یرجوا منها فأننا داخلون .... فاذهب أنت و ربک إنا هاهنا قاعدون)، داستان واقعی دو پسر آدم در راستای تقرب جستن آن دو به خداوند سبحان و پذیرش از هابیل و عدم پذیرش از قابیل و تهدید به قتل هابیل توسط قابیل و سقوط معنوی و دوزخی شدن قابیل و آسان سازی قتل برادر توسط نفس سرکش قابیل و آموزش دفن برادر توسط کلاغ و سرانجام پشیمانی (وائل علیهم نبأ ابنی آدم بالحق .... فاصبح من النادمین)، توصیه به محزون نشدن پیامبر (ص) از شتابانی و مسارع عده ای در امتداد کفر همچون منافقان و اظهارکنندگان دروغین به ایمان و یهودیان و شنوندگان مطالب دروغ و تحریف گران کلمات الهی و فتنه انگیزی یهودیان و ناتوانی پیامبر از کاهش عذاب آنها و پاک نشدن قلوب و عذاب عظیم آنها، یهودیان، گوش می دهند برای دروغ سازی و حرام و ربا خواری می کنند و وقتی نزد تو آمدند یا بین آنها داوری کن یا اعراض کن و با اعراض از آنها، زبانی به تو نمی رسد و در صورت داوری، به عدالت داوری کن، چگونه یهودیان تو را داور قرار می دهند در حالیکه تورات دارای حکم الهی نزدشان است و بعد از داوری مطابق تورات از حکم خدا روی برمی گردانند و عدول یهودیان از تورات ریشه در بی ایمانی دارد، تورات، کتاب هدایت و نور و وسیله داوری پیامبران و یهودیان و ربانیون و احبار بوده است پس نباید از دیگران ترسید و تنها از خدا باید ترسید و آیات الهی را با بهایی ناچیز نفروشد و قوانین قصاص را در تورات بیان گردید و به دنبال پیامبران گذشته، عیسی بن مریم تصدیقگر تورات و دریافت کننده انجیل دارای نور و هدایت و مصدق تورات و هدایتگر و موعظه برای متقین فرستاده شد و باید اهل انجیل بدان حکم کنند و نزول قرآن تصدیق گر کتب آسمانی و مهیمن بر آنها و لزوم حکم به ما انزل الله و عدم تبعیت از هوای نفس، به اهل کتاب بگو: آیا جز این را بر ما عیب می گیرید که ما به خدا و ما انزل الله ایمان آوردیم و بگو: آیا شما را از کسانی کیفرشان نزد خدا بدتر است خبر دهم و کسانی هستند که خدا لعنتشان کرده و بر آنها خشم کرده و برخی به صورت خوک و بوزینه در آمدند به جهت بندگی طاغوت و نپذیرفتن ولایت الهی و بد جایگاهی دارند و گمراه از راه راست هستند. یهودیان منافقانه با ادعای ایمان نزد رسول الله می آیند در حالی که با کفر، داخل و خارج می شوند و خداوند به پنهان کاری آنها آگاه است. بسیاری از یهودیان با سرعت به سراغ گناه و دشمنی و حرام خواری می روند؛ چرا علمای نصاری و یهود آنها را از گفتار گناه آلود و حرام خواری باز



نمی دارند. یهود، دست خداوند را بسته دانستند در حالی که دست خودشان بسته است و دست خداوند باز است و به هر کسی بخواهد می بخشد و آنچه بر پیامبر نازل شده بر سرکنشی آنها می افزاید و ما تا روز قیامت بین آنها، دشمنی و کینه توزی قرار می دهیم و هر گاه آتش جنگ با مسلمانان افروختند؛ خدا آن را خاموش ساخت. اهل کتاب و مسلمانان دو دسته اند: برخی معتدل و درستکارند و بسیاری بد عمل می کنند. ای رسول خدا آنچه بر تو نازل شده به مردم ابلاغ کن اگر چنین نکنی هرگز رسالت او را نرساندی و خدا تو را نگه می دارد (یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک و ان لم تفعل فما بلغت رسالته و الله یعصمک من الناس ان الله لا یهدی القوم الکافرین)، بسیاری از اهل کتاب با نزول آیات بر پیامبر اکرم، گرفتار سرکنشی و کفر می شوند پس بر قوم کافر اندوه مدار (و لَیَزِیدَنَّ کَثِیرًا مِنْهُمْ مَا اُنزِلَ الَیْکَ مِنْ رَبِّکَ طَفِیَانًا وَ کَفَرًا فَلَا تُؤَسُّ عَلَی الْقَوْمِ الْکَافِرِیْنَ)، از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم و پیامبرانی فرستادیم و هر گاه مطالب پیامبران، دلخواهشان نبود گروهی را تکذیب و گروهی را کشتند. پنداشتند عذابی و بلایی در کار نیست پس کور و کر شدند سپس خداوند به آنها بازگشت و باز کور و کر شدند، گویندگان به ان الله هو المسیح ابن مریم کافر شدند؛ مسیح گفت: ای بنی اسرائیل الله ربی و ربکم را پیرستید؛ گفته مسیحان: ان الله ثالث ثلاثه کفر است و ما من اله الا اله واحد؛ حضرت مسیح فرزند مریم و تنها فرستاده است فرستادگان پیش از او بودند و درگذشتند و مادرش بانوی صدیقه بود و هر دو غذا می خوردند. بگو: ای اهل کتاب در دیتان به ناحق غلو نکنید و از هوس های قوم پیشین گمراه شده و گمراه کننده و منحرف، پیروی نکنید، کافران بنی اسرائیل به جهت نافرمانی و تعدی از زبان داود و عیسی لعنت شدند و آنها یکدیگر را کار ناشایسته باز نمی داشتند و بسیاری از آنها کافران را دوست خود می گیرند و اگر به خدا و پیامبر و ما انزل الیه ایمان می آوردند؛ کافران را ولی نمی گرفتند، یهود و مشرکان، سرسخت ترین مردم در دشمنی با مؤمنان و نصاری به جهت داشتن کشیشان و راهبان غیرمستکبر، نزدیک ترین آنان در دوستی با مؤمنان اند و وقتی آیات نازل بر پیامبر را می شوند، به خاطر شناخت حقیقت، اشک می بارند و می گویند: رَبَّنَا اَمَّا فَاکْتَبْنَا مَعَ الشَّاهِدِیْنَ وَ مَا لَنَا لَا نُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ مَا جَاءَنَا مِنَ الْحَقِّ وَ نَطَعُ اَنْ یُدْخِلَنَا رَبَّنَا مَعَ الْقَوْمِ الصَّالِحِیْنَ فَاتَّاهِبُهُمُ اللَّهُ بِمَا قَالُوا جَنَاتٍ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِیْنَ فِيهَا وَ ذَلِكُمْ جَزَاءُ الْمُحْسِنِیْنَ، وقتی به آنها گفته شد به ما انزل الله و الرسول بیابید، یافته های پدرانشان را کافی می دانند هر چند پدرانشان چیزی ندانند و هدایت نشوند، خداوند در خطاب به عیسی بن مریم به یادآوری نعمتهای بر عیسی و والده اش از جمله تأییدات روح القدس و تکلم در گهواره و بزرگسالی و تعلیم کتاب و حکمت و تورات و انجیل و خلقت از طین به شکل پرنده و دمیدن روح و شفای کور مادرزاد و پیسی و خروج مردگان به اذن الهی پرداخت و بنی اسرائیل جادو شمردند و خداوند به حواریون الهام کرد که به خداوند و رسول الهی ایمان بیاورند. حواریون به عیسی بن مریم گفت آیا خداوند مصلحت می داند مانده ای از آسمان بر ما نازل کند تا از آن بخوریم و اطمینان قلبی پیدا کنیم و عیسی بن مریم به خداوند عرض کرد: اللهم ربنا انزل علینا مائدة من السماء تکون لنا عییداً لا ولنا و آخرنا و آیه منک و ارزقنا و انت خیر الرازقین پس اگر کسی بعد از این معجزه، کفر بورزد گرفتار چنان عذابی می شود که هیچ یک از جهانیان گرفتارش نشدند و بعد خداوند از عیسی بن مریم پرسید آیا تو به مردم گفتی که تو و مادرت را به عنوان اله من دون الله اتخاذ کنند و عیسی فرمود: سبحانک ما یکون لی ان اقول ما لیس لی بحق و اگر گفته باشم تو می دانستی و تعلم ما فی نفسی و لا أعلم ما فی نفسک إنک أنت علام الغیوب و من تنها به آنچه امر فرمودی به مردم گفتم و اینکه الله ربی و ربکم را عبادت کنند و من بر آنها شاهدیم و بعد از مرگم تو مراقب آنها بودی و تو بر هر چیزی گواهی. اگر آنها را عذاب کنی بندگان تو هستند و اگر آنان را بیامیزی تو عزیز و حکیم هستی.

xiii. حکمرانی توحیدی در سوره مانده عبارت از حکمرانی ولایی است که دارای دو عنصر است: عنصر اول، دو ساخت سلبی و ایجابی یا تبری و تولی دارد. ساخت سلبی عدم اتخاذ یهود و نصاری به عنوان اولیا (پیوند ناگسستگی و اعم از محبت و نصرت و زمامداری) است چون خودشان اولیا یکدیگر هستند و هر کسی ولایت آنها را بپذیرد از آنها و قوم ظالم خواهد شد و بیماران قلبی از ترس آسیب دیدن و نیز مرتدین از دین الهی نسبت به ولایت پذیری آنها، سرعت می بخشند و نیز عدم اتخاذ ولایت اهل کتاب و کفار یعنی کسانی که دین الهی و نماز را مسخره می کنند و به بازیچه قرار می دهند و به ایمان مؤمنان عیب می گیرند و

ساحت ایجابی، پذیرش ولایت الهی و رسول الله و اهل بیت عصمت و طهارت است و اینکه هر کس ولایت خدا و رسول و مؤمنان معصوم (الذین آمنوا الذین یقیمون الصلاه و یؤتون الزکوة و هم راکعون) را بپذیرد حزب الله غالب خواهد شد. (و اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اذروا فان تولیتهم فاعلموا انما علی رسولنا البلاغ المبین). عنصر دوم حکمرانی ولایی، نقش مردم مؤمن در تحقق بخشی به احکام و حدود و قواعد و اهداف حکمرانی است. (یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود، یا ایها الذین آمنوا لاتحلوا شعائر الله، تعاونوا علی البر و التقوی و لاتعاونوا علی الاثم و العدوان، الیوم یتس الذین کفروا من دینکم فلاتخشوهم و اخشون، یا ایها الذین آمنوا اذا قمتم الی الصلاه فاغسلوا وجوهکم و ایدیکم الی المرافق، ما یرید الله لیجعل علیکم من حرج، یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین لله، اعدلوا هو اقرب للتقوی، یا ایها الذین امنوا اذکروه نعمه الله علیکم، والسارق و السارقه فاقطعوا ایدیهم)، و حکمرانی مردم مؤمن در بهره وری کمال دین و بهره بردن از وسیله برای تقرب الهی: (الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا، یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله وابتغوا الیه الوسیله و جاهدوا فی سبیله).

xiv. درگیری جبهه حق و جبهه باطل در طول تاریخ هزار و چهارصدساله پس از اسلام، استمرار داشته است. الان ملت مسلمان ایران و نظام اسلامی، پرچمدار جبهه حق است و در یک صف بندی دائمی در مقابل جبهه باطل قرار دارد. جبهه حق در تلاش است که دنیا را با اخلاق صحیح انسانی بسازد و اجازه نمی دهد که عده ای زورگو، پرتوقع و فرصت طلب، بر زندگی جمع دیگری از انسان ها حکمرانی کنند. در جبهه حق، هیچ فرقی بین نژادهای انسانی نیست، همه بنده خدا و تابع فرمان او هستند و در خدمت به انسانیت، حرکت می کنند و اگر جبهه حق، راه را در مقابل خود باز ببیند، نه فقط زندگی انسان را، بلکه محیط حیات روی زمین را زیبا و آباد خواهد کرد. (۱۳۷۴/۷/۲۵)؛ منبع و منشأ حکمرانی، کتاب الهی است و آیین حکمرانی اعم از دستور و برنامه های حکمرانی، از آن و از آنچه خدای متعال بر پیغمبر نازل می کند، گرفته می شود. این اصول و اساس در آن [کتاب] است؛ و همه برنامه های بشری در چهارچوب این اصول بایستی گذاشته بشود. راهبری اساسی این حکمرانی بر عهده پیامبر است. ... این یک مسئله ی همگانی است برای همه ی جوامع بشری. (۱۳۸۹/۹/۴)؛ حکمرانی در منطق اسلام از بن و بنیاد با حکمرانی های رایج جهان متفاوت است؛ نه شبیه سلطنت است، نه شبیه ریاست جمهوری های امروز دنیا است، نه شبیه فرماندهی ها است، نه شبیه رؤسای کودتاگر است؛ شبیه هیچ کدام از این ها نیست؛ یک چیز خاصی است متکی به مبانی معنوی. (۱۴۰۰/۱۲/۱۹)، سبک حکمرانی اسلامی این است: مردمی بودن، دینی بودن، اعتقادی بودن، آشرفی نبودن، مسرف نبودن، ظالم نبودن؛ نه ظالم [و نه مظلوم] (۱۴۰۰/۱۲/۱۹)؛ حکمرانی وابسته، دیکتاتوری و انگلیسی (حکمرانی رضاخانی) در مقابل حکمرانی مبتنی بر استقلال، بر آراء مردم، بر اتکاء به نفس و اعتماد به نفس ملی (حکمرانی انقلاب اسلامی) (۱۴۰۰/۱/۱)؛ انقلاب وقتی تشکیل شد، هدف های بزرگی داشت: تبدیل حکمرانی فردی و استبدادی به حکمرانی مردمی؛ (۱۴۰۱/۲/۶)؛ اینکه ما در همان ساختمانی که آن طاغوت حکمرانی می کرد حکمرانی کنیم، مثل او هم عمل نکنیم که نشد، [در این صورت] ما با او فرقی نداریم. روشمان بایستی با روش بندگان شیطان و اتباع شیطان متفاوت باشد. با بیان مسایل مختلف از جمله مسئله حکمرانی اسلامی، معرفت مردم را بالا ببرید و گفتمان های انقلابی را در مردم تقویت کنید. (۱۳۹۸/۲/۱۸)؛ مقصود ما از تحول، ایجاد یک حرکت جهشی و جهادی است در همه ی بخش های اداری کشور و بخش های حکمرانی کشور و به طور خلاصه، حفظ و تقویت اصول و خطوط اساسی انقلاب و نوآوری در شیوه ها و روش ها و کارکردها... این جزو مسلمات این دوره از انقلاب است برای گام دوم. (۱۴۰۰/۲/۲۱)

xv. منابع متعددی درباره سیاست گذاری عمومی (public policy-making) یا خط مشی گذاری عمومی یا سیاست گذاری عمومی نگاشته و ترجمه شده است. نگارنده در چستی و فرایند سیاست گذاری از این منابع بهره برده است: ۱. ملک محمدی، حمیدرضا، مبانی و اصول سیاست گذاری عمومی؛ ۲. اسپیکر، پل، موضوعات و رهیافت های سیاست گذاری اجتماعی، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی؛ ۳. مولر، پیر، سیاست گذاری عمومی، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی؛ ۴. پی یو، یان؛ پیترز، گای، حکمرانی، سیاست و دولت، ترجمه حسین قلجی؛ ۵. راجر، ای مکین، نظریه بازی ها و سیاست گذاری عمومی، ترجمه علی بغیری؛ ۶. ابراهیمی، سیدعباس؛ دانایی فرد، حسن، خط مشی گذاری مبتنی بر شواهد؛ ۷. عقبائی جزنی، محمد، اجرای خط مشی عمومی با رویکرد حکمرانی؛ ۸. اسمیت،

#### چکیده

سیاست پژوهی نوعی پژوهش مسئله‌محور است که با رعایت اقتضائات مواجهه با مسائل چند رشته‌ای و در بستری کاملاً هنجاری، می‌کوشد تا پیشنهادهایی را تحت عنوان «سیاست» به سیاست‌گذاران در مورد مسائل انضمامی جامعه پیشنهاد دهد. در این نوع پژوهش، سیاست‌پژوهان با رویکردهای متعددی به شناسایی و حل مسائل می‌پردازند که «رویکرد عقلانی» یکی از رایج‌ترین آنها است. در این رویکرد تلاش می‌شود از معادله‌هایی همچون معادله هزینه - فایده یا هزینه - اثربخشی برای کشف مسائل و پیشنهاد راه‌حلها استفاده شود. اما، مسئله اصلی این است که اگر اندیشکده‌ها و محققین فعال در عرصه سیاست‌پژوهی جمهوری اسلامی ایران بخواهند از این رویکرد در تحقیقات خود استفاده کنند و از این رهگذر مواردی را به سیاست‌گذاران پیشنهاد دهند، باید از رویکرد «عقلانیت دینی» که کاملاً همسو با مبانی فکری جمهوری اسلامی بوده و ریشه در مبانی دینی داشته و صرفاً براساس معادله هزینه- فایده مادی تصمیم نمی‌گیرد، استفاده کنند. عدم توجه به اقتضائات این رویکرد سبب می‌شود نوعی سیاست‌گذاری سکولار رخ دهد. این مقاله تلاش دارد جایگاه مبانی دینی در فرایند و مراحل سیاست‌پژوهی و نوع تاثیرگذاری آنها در این فرایند را نشان دهد.

■ واژگان کلیدی

سیاست، سیاست پژوهی، مبانی دینی، عقلانیت دینی

## فرایند تأثیر گذاری مبانی دینی در سیاست پژوهی با رویکرد عقلانی

#### مسعود فیاضی

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ایران  
(msd.fayazi@gmail.com)

## ۱- مقدمه و بیان مسئله

در نظام حکمرانی سنتی، تصمیمات حاکمان لزوماً برآمده از تحقیقات اندیشمندان و مبتنی بر نظریات علمی معتبر آنها نبوده است؛ چراکه در این الگوها، بین مقام اندیشه‌ورزی و مقام تصمیم‌گیری رابطه منطقی و تعریف‌شده‌ای وجود نداشته است. همین امر سبب شده بود؛ هم تصمیم‌های کارگزاران از اتقان علمی لازم برخوردار نباشد و با گذر زمان نادرستی بسیاری از آنها ثابت شود و هم تحقیقات محققان و اندیشمندان در راستای رفع نیازهای انضمامی جامعه صورت نگیرد و در نتیجه ماهیتی کاملاً انتزاعی پیدا کند. با رشد دستاوردهای صنعتی، تلاش شد برای رفع این نقیصه دست کم در ساحت اقتصاد و صنعت راه‌حلی پیدا شود تا تصمیمات دولتی، تجاری و صنعتی صورت عقلانی‌تری پیدا کنند (پارسونز، ۱۳۸۵: ۴۱). حوادث جنگ جهانی اول و دوم ضرورت رفع این نقیصه در ساحت‌های دیگر را نیز به خوبی روشن کرد و نشان داد که با توجه به رشد صنعت و دستیابی به ابزارها و امکانات فناورانه، تصمیمات نابخردانه سیاستمداران و حاکمان بسیار بیش از گذشته می‌تواند موجب ویرانی و خرابی‌های گسترده شود و کشورهای جهان را به ورطه سقوط بکشاند. از این جهت برخی اندیشمندان و سیاستمداران با تمرکز بر ضرورت عقلانی کردن تصمیم‌های حاکمان عملاً تلاش کردند بین مقام تولید اندیشه و مقام تصمیم‌گیری و اقدام، رابطه منطقی و معقولی برقرار کنند (پارسونز، ۱۳۸۵: ۳۶؛ قریب، ۱۳۹۰: ۲۰). شرایط و مطالبات اجتماعی جدید که پس از ویرانی‌های جنگ جهانی اول و دوم ایجاد شده بود، نیز موجب شد این ایده به سرعت جای خود را در بین حاکمان باز کند و روشی برای مشروعیت بخشی به تصمیم‌هایشان در افکار عمومی قلمداد گردد (همان). بدین ترتیب، واژه «سیاست» که تا قبل از آن، بیشتر در ساحت قدرت و علوم سیاسی به کار می‌رفت، معنا و کاربرد جدیدی پیدا کرد و به صورتی از تصمیمات حاکمان که مبتنی بر عقلانیت شکل گرفته بود و از این جهت معتبر و مشروع جلوه می‌کرد، اطلاق شد. اولین کسانی که این موضوع را به عنوان یک ساحت علمی جدید مورد توجه و بررسی قرار دادند و رشته علمی جدیدی در این خصوص تأسیس کردند، هارولد لاسول و همکارانش بودند (Howlett & Ramesh, 1995: 146). آنها این رشته را ذیل گرایش‌های علوم سیاسی و مرتبط با مطالعات استراتژیک تعریف کردند و آن را «سیاست‌گذاری عمومی»<sup>۱</sup> نامیدند (قریب، ۱۳۹۰: ۲۰). منظور آنها از واژه «عمومی»

1. Public Policy Science

اشاره به حوزه‌هایی بود که به عموم جامعه اختصاص داشت و نیازمند تنظیم یا دخالت دولت بود و عملی مشترک بین دولت و جامعه قلمداد می‌شد (پارسونز، ۱۳۸۵: ۳۰). بعد از لاسول و همکارانش افرادی چون هربرت سیمون، چارلز لیندبلوم و دیوید ایستن، مهم‌ترین افرادی هستند که در این رشته فعالیت کرده و آن را به نحو قابل توجهی توسعه دادند (همان: ۴۶). در مقابل، برخی دیگر از اندیشمندان سیاست‌گذاری عمومی را زیر مجموعه جامعه‌شناسی می‌دانستند؛ زیرا در نظر آنها این تلقی از سیاست بیشتر از جنس مطالعات جامعه‌شناختی بود تا از جنس مطالعات علوم سیاسی. چرا که این معنای از سیاست به مطالعات عمومی که در درون خود از متغیرهای جامعه‌شناختی بسیاری استفاده می‌کرد و در نتیجه با ساختارهای اجتماعی و ساحت‌های مختلف فرهنگی ارتباط داشت، سر و کار بیشتری داشت (قلی پور و غلام‌پور آهنگر، ۱۳۸۹: ۱۲). در نتیجه ماکس وبر، جامعه‌شناس معروف نیز از این جهت، مبحث جدید «سیاست‌گذاری عمومی» را مورد توجه قرار داد و از منظر جامعه‌شناختی به تعریف و تبیین ابعاد مختلف آن پرداخت و تلاش کرد تا زمینه را برای ورود رشته‌هایی همچون اقتصاد، جامعه‌شناسی، تاریخ، فلسفه و قوم‌شناسی، برای شناخت و بهبود سیاست‌ها و در نتیجه فرایندهای سیاست‌گذاری فراهم سازد (اشتریان، ۱۳۸۶: ۱۳ و ۱۴).

طبیعتاً فرایند سیاست‌گذاری با دغدغه‌های مزبور، مستلزم انجام پژوهش‌هایی بود که بتواند وجه اعتبار سیاست‌های مذکور را تأمین کند و عقلانیت را به طور کامل در آن اشراب نماید. این گونه تحقیقات تا قبل از این سابقه نداشت و روش تحقیق در آنها نیز متمایز با روش تحقیق در تحقیقات نظری بود. چرا که این دسته از تحقیقات ناظر به مقام عمل و ایجاد تغییر در جامعه بودند و در پی عقلانی و معتبر کردن تصمیمات حاکمان بودند. از این جهت به این گونه پژوهش‌ها عنوان «سیاست پژوهی»<sup>۱</sup> اطلاق شد و ساختارهای جدیدی تحت عنوان کانون‌های تفکر<sup>۲</sup> یا اندیشکده‌ها که متفاوت از دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها بودند، برای پی‌گیری نظام‌مندتر آنها ایجاد شد (ادیانی، ۱۳۸۴: ۱۹-۲۱). بدین ترتیب، سیاست‌پژوهی به نوعی از پژوهش اطلاق شد که بر مسائل انضمامی جامعه تمرکز داشت و هدف از آن دستیابی به راه‌حل‌های علمی و منطقی برای مواجهه سیاست‌گذاران و حاکمان با آن مسائل به منظور کاهش معضلات عمومی بود (ر.ک:

1. Policy Research  
2. Think Tank

قلی‌پور و غلام‌پور آهانگر، ۱۳۸۹: ۹۱ و ۹۲)؛ به عبارت دیگر سیاست پژوهی، فرایند انجام تحقیق در باب مسئله یا تحلیل مسئله اجتماعی مهمی به منظور ارائه توصیه‌های عملی یا معطوف به عمل به سیاست‌گذاران برای حل آن بود (Majchrzak, 2005:15). به همین دلیل سیاست‌پژوهی مهم‌ترین گام برای عقلانی، منطقی و علمی کردن تصمیمات حاکمان قلمداد شد.

این نوع از تحقیق در راستای سیاست‌گذاری عمومی با رویکردهای مختلفی دنبال می‌شد که رویکردهای بازده نهادی، سیستمی، رضایت‌بخش، گفتمان، تعادل و تعامل بین گروهی و نهایتاً رویکرد عقلانی برای حداکثرسازی دستاوردهای اجتماعی از آن جمله هستند (ر.ک: الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۸۷: ۶۳-۱۷). در بین این رویکردها، «رویکرد عقلانی» تلاش می‌کند با هدف قرار دادن کلیت جامعه و با اتخاذ روش‌ها و قواعد عقلانی، سیاست‌هایی را طراحی کند که منافع جامعه را به صورت حداکثری تأمین کرده و هزینه‌های آن را به حداقل ممکن کاهش دهد (همان: ۲۸). ملاک عقلانی بودن در این رویکرد که نشئت گرفته از عقلانیت مدرن است، یا منطبق بر معیارهای مربوط به معادله هزینه-فایده<sup>۱</sup> است، یا بر اساس معیارهای مربوط به معادله هزینه-اثربخشی<sup>۲</sup> عمل می‌نماید. هزینه و فایده یا هزینه و اثربخشی‌ای نیز که مدنظر بود، به معنای حداکثرسازی سود<sup>۳</sup> (Dunn, 2012) و آن هم صرفاً سود مادی قلمداد می‌شد. از این جهت، به دلیل اینکه سیاست‌گذاری -و در نتیجه سیاست‌پژوهی- کاملاً ماهیتی هنجاری دارد، اگر این رویکرد در سیاست‌گذاری‌ها و در نتیجه سیاست‌پژوهی‌های ایران اسلامی بخواهد مورد استفاده قرار گیرد، باید به گونه‌ای باشد که با مبانی دینی جمهوری اسلامی ایران سازگار باشد، زیرا عقلانیت مطرح در گفتمان فکری انقلاب اسلامی ایران، با عقلانیت مدرن که برخاسته از اتفاقات بعد از رنسانس است، تفاوت ماهوی دارد. از این جهت اگر سیاست پژوهی و در نتیجه سیاست‌گذاری منتج از آن، بخواهد از این رویکرد استفاده کند باید عقلانیتی را محل توجه قرار دهد که کاملاً مبتنی بر مبانی و ارزش‌های اسلامی و همسو با مقاصد کلی دین و شریعت باشد و در نتیجه صرفاً سود مادی را در معادله هزینه-فایده یا هزینه-اثربخشی مدنظر قرار ندهد. این عقلانیت که می‌توان آن را «عقلانیت دینی»

1. Cost-Benefit Analysis
2. Cost-Effectiveness Analysis
3. Profit Maximization

نامید، نه تنها با آموزه‌های دین هیچ‌گونه منافاتی ندارد، بلکه در هماهنگی کامل با آن است و نتایج آن با نتایج برخاسته از وحی کاملاً همسویی دارد. به همین دلیل عقلانیتی که مد نظر این نوع سیاست‌پژوهی است، عقلانیتی است که با به کار بردن همه توان‌ها و ظرفیت‌های خود همچون تدبیر، تفکر، تحلیل، پردازش اطلاعات و... می‌کوشد هم در جهت تأمین رفاه و کارآمدی دنیوی عمل کند و هم سعادت و رستگاری اخروی جامعه را تأمین نماید (قریب، ۱۳۹۰: ۷۷). این تلقی از عقلانیت وجه تمایز سیاست‌گذاری عمومی با رویکرد عقلانیت دینی با سیاست‌گذاری عمومی با رویکرد عقلانی رایج در بین اندیشمندان غربی از جمله مدل وبری است که با حالت آرمانی پیش‌گفته فاصله زیادی داشته و بلکه با آن متضاد است (ر.ک: فروزنده و رحیمی، ۱۳۹۰).<sup>۱</sup>

سؤال اصلی که در این میان پیش می‌آید این است که اگر در سیاست‌پژوهی‌ای که با رویکرد عقلانیت دینی انجام می‌شود، تلائم و همسویی بلکه اتکاء به مبانی دینی وجود دارد، این اتکاء و همسویی در چه فرایندی رخ می‌دهد؟ زیرا در هر پارادایم علمی، مبانی به مثابه زیرساخت‌های معرفتی هستند و به منزله سرمنشأ همه تولیدات علمی بعدی عمل می‌کنند<sup>۲</sup> و از این جهت اگر بخواهیم سیاست‌پژوهی ما بر اساس رویکرد عقلانیت دینی باشد، باید نشان دهیم فرایند تأثیرگذاری مبانی در سیاست‌پژوهی چگونه است و محقق در چه مراحل از سیاست‌پژوهی باید به این مبانی توجه داشته باشد. تجربه نویسندگان بعد از یک دهه ارتباط با اندیشکده‌های مختلف کشور نشان می‌دهد که عدم توجه کافی به این نکته، نقطه‌ضعف بسیاری از اندیشکده‌ها و هیاتهای اندیشه‌ورز کشور است که در ساحت سیاست‌پژوهی تلاش می‌کنند. زیرا در بسیاری از پژوهش‌های این مراکز مشاهده می‌شود که ملاک‌های کشف مسئله، طراحی چارچوب‌های مفهومی تحلیل مسئله و خطوط کلی طراحی راه‌حل‌ها ریشه در مبانی دینی ندارد و محقق این ارتباط را فراهم نکرده است. در این مقاله تلاش می‌کنیم این مشکل را محل توجه قرار

۱. دقت شود که موضوع مقاله در مورد سیاست‌پژوهی است، اما از آنجا که سیاست‌پژوهی مقدمه سیاست‌گذاری و خروجی آن پیشنهادهایی برای سیاست‌گذاران است، در مقاله بعضاً به این رابطه توجه شده و در نتیجه به احکام و روابطی که در سیاست‌گذاری حاکم است ولی در سیاست‌پژوهی نیز دارای تأثیر است، اشاره شده است.  
 ۲. مبانی با منابع متفاوت‌اند، زیرا منابع ریشه و منشأ فهم مبانی می‌باشند و مبانی متخذ از آنها می‌باشند، همان‌طور که مبانی ریشه و منشأ نظریات و پژوهش‌های بعدی می‌باشند و نظریات مبتنی بر مبانی شکل می‌گیرند. منابع فهم دین که اکنون در اختیار ما هستند عبارت از عقل و نقل هستند. در نتیجه مبانی متخذ از آنها که عبارتند از مبانی هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، روش‌شناختی، ارزش‌شناختی، انسان‌شناختی، جهان‌شناختی، علم‌شناختی و .... نیز باید ریشه در آنها داشته باشند.

داده و به بررسی و ترسیم جایگاه و فرایند تأثیر مبانی دینی - که برخاسته از نقل و عقل هستند - در مراحل مختلف سیاست پژوهی و تعیین سیاست‌های پیشنهادی به سیاست‌گذاران بپردازیم.

به لحاظ پیشینه نیز محقق با بررسی و تفحص در بین آثار اندیشمندان اسلامی به پژوهشی که این مسئله را به طور خاص مورد توجه خود قرار داده باشد، برخورد کرده است، هر چند مقاله‌ها و کتاب‌های متنوعی وجود دارند که به موضوع سیاست پژوهی و مراحل مختلف آن پرداخته‌اند.

روش انجام پژوهش حاضر روش تحلیلی و تبیینی است. چرا که در وهله اول به تحلیل مراحل مختلف سیاست پژوهی و نیازمندی‌های نظری آنها از یک سو و تحلیل مبانی و جایگاه معرفتی آنها در تحقیقات علمی از سوی دیگر می‌پردازد و سپس با رویکردی تبیینی و علت‌یابانه در مقام فهم رابطه علی و معلولی تأثیرات مبانی بر مراحل مختلف سیاست پژوهی است. از این جهت، در ادامه مبتنی بر همین روش، ابتدا به طور مختصر به ارائه تعریفی از سیاست، سیاست پژوهی و مراحل مختلف آن پرداخته و سپس به تبیین جایگاه و نحوه تأثیر مبانی دینی در شکل‌دهی به سیاست‌ها اشاره می‌کنیم.

## ۲- بررسی مفهومی سیاست

برای نشان دادن مراحل مختلف سیاست پژوهی و در نتیجه نشان دادن نحوه تأثیر مبانی در آنها، ابتدا باید تلقی خود از سیاست را معین نماییم.

### ۲-۱- تعریف سیاست

«سیاست» و «خطمشی» هر دو به یک معنا بوده و معادل فارسی policy هستند.<sup>۱</sup> از آنجا که سیاست در دانش جدید سیاست‌گذاری عمومی در معنای خاصی به کار رفته است، در معنای سیاست باید به عرف این دانش مراجعه کرد، در این دانش نیز تعاریف مختلفی برای آن ذکر شده است. لاسول سیاست را برنامه پیشنهادی درباره حصول هدف‌ها و ارزش‌ها و عملکرد می‌داند (Lasswell, 1970:71). برخی نیز گفته‌اند، سیاست بیان اقدامات و تعهدات دولت نسبت به حوزه‌ای از فعالیت است، از این جهت بیشتر آینده‌نگرانه عمل می‌کند تا گذشته‌نگر (کولبچ، ۱۳۹۳: ۱۰)، یا گفته شده؛ سیاست اظهار

۱. در مقابل، politics صرفاً ناظر به فضای سیاسی و تنازعات گروه‌ها و احزاب بر رسیدن به قدرت به کار می‌رود. (ر.ک: کولبچ، ۱۳۹۳، ص ۱۱۳ و ۱۱۴).

نظر در مورد ارزش‌ها و آرمان‌های حکومت به طور کلی است. در مورد سازمان‌ها هم همین‌طور، یعنی ارزش‌ها و آرمان‌های یک سازمان نیز می‌تواند سیاست باشد (همان: ۲۷). گاهی نیز سیاست ناظر به فرایند است و در تعریف آن اینگونه می‌گویند که سیاست فرایند مورد تأیید حکومت در انجام یک عمل است (همان: ۱۲)، گاهی نیز سیاست ناظر به نتیجه و برون‌داد است (همان). علاوه بر این، به عملکرد حکومت یا سازمان در برابر یک مسئله نیز سیاست گفته می‌شود (همان). در تعریفی دیگر هر نوع طرح و برنامه و راهکار اتخاذ شده به وسیله یک حکومت، حزب سیاسی، سازمان تجاری یا تولیدی و از این قبیل که به نحوی در تصمیم‌سازی و اجرای آن تأثیر دارد، سیاست یا خطمشی گفته می‌شود (کازمی، ۱۳۷۹: ۱۶). به عنوان مثال هنگامی که یک دولت از سیاست انرژی سخن می‌گوید، مقصود وی، سلسله اقدامات و تصمیماتی است که مثلاً برای صرفه‌جویی و جلوگیری از زیاده‌روی در مصرف انرژی اتخاذ می‌گردد (همان). بر این اساس، سیاست در واقع عبارت از یک الگوی رفتاری مداوم و تکرار شونده برای حل یک مسئله عمومی است که به وسیله سیاست‌گذار و آنها که از او تبعیت می‌کنند، به مرحله عمل در می‌آید (همان: ۱۷). در حقیقت، معانی قبلی سیاست مقدمه‌آخری هستند و اهمیتشان در این است که شیوه عمل را شکل می‌دهند (کولبچ، ۱۳۹۳: ۲۷)؛ بنابراین می‌توان گفت؛ «سیاست» فرایند تصمیم‌سازی و نهایتاً تصمیمی است که در قبال یک مسئله و مشکل عمومی انجام و اتخاذ می‌شود (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۸۷: ۳). البته برخی سیاست را با استراتژی یا راهبرد یکسان می‌گیرند در صورتی که این طور نیست، زیرا استراتژی یا راهبرد مزیت انحصاری سازمان‌ها، نهادها یا کشورها از سایر رقبا است (استیسی، ۱۳۸۲: ۶) و از این جهت فعالیت و برنامه عملیاتی کلانی است که باعث قوی شدن مجموعه و پیشی گرفتن از رقبا می‌شود در نتیجه کاملاً ناظر به جبهه مخالف و نقاط قوت داخلی است. در صورتی که سیاست ناظر به حل مسائل انضمامی پیش رو است.

### ۲-۲- ویژگی‌های سیاست

لاسول معتقد است؛ سیاست سه خصوصیت اصلی دارد. اول: مسئله محور است که از این جهت تحقیقات سیاست‌پژوهانه باید در پی حل مسئله باشند.<sup>۱</sup> دوم: چند رشته‌ای یا میان‌رشته‌ای<sup>۲</sup> بودن که مراد از آن چند سویه یا چندضلعی بودن مسئله است که در

1. problem solving  
2. multi-disciplinary

نتیجه هر سویه یا هر ضلع آن مربوط به یک ساحت علمی است، و سوم: هنجاری و ارزشی<sup>۱</sup> بودن (Howlett & Ramesh, 1995:10). بر این اساس، سیاست باید دارای انسجام درونی باشد و اضلاع مختلف آن با هم تناسب و سازگاری داشته باشند (ر.ک: کولبیچ، ۱۳۹۳:۱۳)، خصوصاً وقتی که علاوه بر ماهیت چند رشته‌ای داشتن مسئله مورد بحث، ذی‌نفعان متعددی نیز مطرح باشند.

علاوه بر این، سیاست هدف‌دار است؛ زیرا در مقام حل یک مسئله برای دست‌یابی به هدف‌های خاص - یا حالت مطلوب در آن مسئله - است (همان: ۱۴ و ۶۹). از این جهت به طور مبنایی می‌توان گفت که پایه هر سیاستی، هدف‌هایی است که برای آن تعیین می‌شوند (Friedrich, 1963:70)؛ بنابراین، نکته مهم این است که این هدف‌ها چگونه تعیین می‌شوند؛ زیرا درست است که سیاست ناظر به مسئله است، ولی هدف آن ایجاد تغییر در مسئله مورد بحث است به گونه‌ای که در وضع فعلی آن تغییراتی صورت گیرد و آن را به حالت مطلوب برساند. بنابراین سؤال اصلی این خواهد بود که حالت مطلوب چیست؟ و از این جهت است که توجه به «هدف» یا «اهداف» در سیاست پژوهی مطرح می‌شوند. البته اهداف مطلوب در هر کشوری بسته به مبانی بنیادین و هنجارها و ارزش‌های آن جامعه متفاوت خواهند بود و عموماً این اهداف توسط حاکمیت‌ها معلوم می‌شوند (کولبیچ، ۱۳۹۳: ۱۵)، به همین دلیل، گفته می‌شود سیاست پژوهی و در نتیجه سیاست‌گذاری هرگز یک فرایند خنثی نیست (همان: ۳۲) بلکه هنجاری بوده و برای رسیدن به اهدافی تنظیم می‌شود.

ویژگی دیگر سیاست، مشروعیت داشتن آن است. بر این اساس سیاست‌گذاری توسط افراد یا مجموعه‌هایی انجام می‌شود که در حکومت صاحب قدرت و مشروعیت هستند و نتایج سیاست‌پژوهی نیز باید در اختیار این افراد قرار گیرد. به همین دلیل است که مشروعیت سیاست از مرجع قانونی باید سرچشمه گیرد (همان: ۱۸). البته مقامات مشروعیت‌بخش ممکن است در سیاست‌پژوهی نقشی نداشته باشند، ولی سیاست بر اساس قدرت قانونی آنان مشروعیت می‌یابد و لازم‌الاجرا می‌شود (همان). البته مقبولیت سیاست برای ذی‌نفعان نیز امری بسیار مهم و قابل توجه است، زیرا در غیر این صورت توسط آنها اجرا نمی‌شود؛ بنابراین در فرایند سیاست‌پژوهی و قبل از تصمیم نهایی باید

ذی‌نفعان را درگیر سیاست‌پژوهی کرد و عملاً نوعی اجماع نسبی بین آنها ایجاد نمود. در این صورت است که مقبولیت نسبی سیاست فراهم می‌شود. مهمترین تفاوت روش تحقیق در تحقیقات نظری و سیاست‌پژوهی نیز به همین نکته بر می‌گردد به گونه‌ای که در فرایند سیاست‌پژوهی حتماً باید از صاحب‌نظران، کارگزاران و ذی‌نفعان استفاده کرد و آنها را نیز مداخله داد و تنها در این صورت است که سیاست علاوه بر دقیق شدن، دارای مقبولیت و ضمانت اجرای بیشتری می‌شود.

ویژگی دیگر سیاست علمی بودن و از جهت نظریات توجیه‌پذیر بودن آن است؛ زیرا درست است که وجه قانونی سیاست‌ها به عهده جمعی قرار داده می‌شود که سیاست‌گذار نامیده می‌شوند، ولی مهم این است که این جمع چگونه به تصمیم می‌رسند و تصمیمشان چه میزان صحیح است (همان: ۳۱). اینجاست که ورود مبانی و نظریات علمی و نحوه تأثیرگذاری و دخالتشان در فرایند سیاست‌پژوهی مطرح می‌شود و گفته می‌شود که سیاست حل علمی و ماهرانه مسئله است (همان: ۱۸).

ویژگی دیگر سیاست، تناسب آن با اقتضائات واقعی میدان است؛ زیرا سیاست آرزو و آرمان نیست، بلکه تأثیر بر عمل و شرایط خارجی مسئله مورد بحث است (همان: ۱۹). لذا توجه به اقتضائات واقعی و عینی مسئله مورد بحث شرط اصلی تأثیر سیاست است.

### ۳- مراحل سیاست پژوهی

در رویکرد عقلانی مراحل مختلفی برای سیاست‌گذاری برشمرده‌اند. با توجه به اینکه وجه عقلانیت هرچند ناظر به حداکثری بودن منافع و حداقل بودن هزینه‌های آن برای جامعه است (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۸)، اصلی‌ترین فنون در سیاست پژوهی، فن تحلیل هزینه - فایده و نسبت سنجی منافع و هزینه‌هاست، به گونه‌ای که سیاست بهینه‌ترین تصمیم در این معادله است (قریب، ۱۳۹۰: ۵۵)، اما باید دقت داشت که در سیاست‌پژوهی با رویکرد عقلانیت دینی، مراد از منافع و هزینه‌ها، صرفاً منافع مالی و اقتصادی نیست، بلکه ارزش‌های دینی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نیز مورد توجه جدی است (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۸).

گام اول و دوم سیاست‌گذاری و در نتیجه سیاست‌پژوهی، تشخیص و تعریف مسئله (کازمی، ۱۳۷۹: ۱۰۰)، گام سوم دستیابی به راه‌حل (همان: ۱۰۳ و ۱۰۴)، گام چهارم تبدیل راه‌حل به توصیه‌های عملیاتی به عنوان سیاست مورد نظر (همان: ۱۰۵)، گام پنجم

تبدیل سیاست طراحی شده در قالب بسته‌های سیاستی و گام ششم نظارت و بازخورد سنجی سیاست است (همان) که در ادامه به توضیح مختصر هر یک می‌پردازیم تا پس از آن نشان دهیم، مبانی دینی که زیرساخت سیاست پژوهی با رویکرد عقلانیت دینی است، در آنها چگونه باید تاثیر گذاری داشته باشد.

### ۳-۱- مسئله یابی

«مسئله» اختلاف بین وضعیت فعلی و وضعیت مطلوب است (استیفندی، ۱۳۸۶: ۱۲۹)، یا آن چیزی است که از توان مجموعه برای رسیدن به هدف می‌کاهد، بنابراین به وضعیتی اشاره دارد که مجموعه را از کسب اهدافش باز می‌دارد (رضائیان، ۱۳۸۱: ص ۱۴۸)، لذا مانعی است که بر سر راه رسیدن به اهداف قرار می‌گیرد (الوانی و شریفزاده، ۱۳۸۷: ۶۶). البته به غیر از این گونه از مسائل که به مثابه چالش، آسیب یا بحران هستند، جنس دیگری از مسائل نیز مطرح هستند که چالش نیستند ولی شرط لازم برای رسیدن به هدف‌های کلان کشور می‌باشند و از این رو در زمان خود باید مورد توجه قرار گیرند.

برای کشف مسائل و اولویت بندی آنها منابعی وجود دارند که سیاست پژوه باید با استفاده از ابزارهایی آنها را کشف نماید.

منبع اول مردم هستند؛ زیرا که در درگیری‌های روزانه دریافتی از نیازها و مشکلات کشور دارند، هر چند نتوانند به صورت دقیق و علمی آن را تبیین کنند و مهم اینکه به هر حال ذی‌نفع نهایی خود مردم هستند.

منبع دوم رسانه‌ها هستند؛ زیرا عملکرد اصلی رسانه‌ها، جهت‌دهی به افکار عمومی از یک سو و نشان دادن مسئله‌ها و معضلات جامعه از سوی دیگر است. هر چند همه رسانه‌ها صادقانه عمل نمی‌کنند ولی با روش‌های صحت‌سنجی می‌توان از این منبع نیز در تشخیص مسائل کمک گرفت.

منبع سوم کارگزاران حکومتی هستند؛ زیرا این طبقه از جامعه به دلیل موقعیت‌های شغلی‌شان، تماس بیشتری با مسائل جامعه داشته‌اند و درک واقع‌بینانه و ملموس‌تری از معضلات کشور در حیطه کاری خود دارند. هر چند معمولاً وابستگی‌ها و گرایش‌های سیاسی این افراد تأثیر زیادی در زاویه دیدشان به مسائل دارد که همین امر موجب

می‌شود بعضاً دریافته‌شان از حقیقت فاصله داشته باشد. برای رفع این نقیصه باید از افراد مختلف با سلاقیق و گرایش‌های سیاسی مختلف استفاده کرد تا از تقاطع اندیشه‌ها و برداشت‌های آنها به مسئله واقعی دسترسی پیدا کرد.

منبع چهارم جامعه علمی است؛ زیرا صاحب‌نظران علمی به دلیل اینکه به مبانی تئوریک مسلط هستند، تحلیل و برداشتشان از مسائل، در چارچوب یافته‌های علمی‌شان است. لذا با مراجعه به این افراد می‌توان، از زاویه دید عمیق‌تری با مسائل جامعه مواجه شد. خصوصاً اینکه سیاست‌پژوه با ارائه نتایج به دست آمده از منابع قبلی به اساتید مزبور می‌تواند تحلیل عالمانه‌تر و در نتیجه دقیق‌تری نسبت به مسائل بیابد. علاوه بر این، صاحب‌نظران علمی می‌توانند با تحلیل‌های آینده‌پژوهانه نسبت به تشخیص مسائل بالقوه جامعه نیز اظهار نظر کنند.

منبع پنجم اندیشکده‌ها و دیگر افراد سیاست‌پژوه هستند؛ زیرا اندیشکده‌های دیگر نیز با کاربست الگوهای علمی درصدد کشف مسائل بوده‌اند، پس دریافت‌های آنها در کنار مراحل قبل می‌تواند به دست‌یابی به مسائل کمک نماید.

منبع ششم اسناد بالادستی هستند؛ زیرا به این دلیل که اسناد بالادستی معمولاً بعد از آسیب‌شناسی و مسئله‌یابی تدوین و تصویب شده‌اند، می‌توانند به سیاست‌پژوه کمک شایانی در تشخیص مسائل امروز کشور داشته باشند.

منبع هفتم نیز رهبران حکومت می‌باشند؛ زیرا رهبران با نگاه کلان‌نگر و مبنایی‌تری که نسبت به ساحت‌های مختلف کشور دارند، از زاویه دیگری به مسائل کشور می‌نگرند که بسیار مهم بوده و تکمیل‌کننده نتایج به دست آمده از منابع قبلی است. خصوصاً اینکه رهبران به دلیل در اختیار داشتن همه اطلاعات اشراف خوبی نسبت به وضعیت کشور دارند. این منبع مهم در جمهوری اسلامی ایران که رهبران آن ولی فقیه هستند از اهمیت مضاعفی برخوردار است. زیرا ولی فقیه با اتکاء به دستگاه معرفتی دینی و فقهی به شناسایی، تبیین و تحلیل مسائل می‌پردازد و از این جهت رویکرد او کاملاً با رویکرد عقلانیت دینی تطابق دارد و مسئله‌شناسی او کاملاً بر اساس این رویکرد است.

1. problem

2. problem

با استفاده از ابزارهایی همچون پیمایش‌های میدانی، تشکیل گروه‌های متمرکز<sup>۱</sup>، تحلیل داده‌های بزرگ<sup>۲</sup> فضای مجازی، جلسات بارش فکری، مصاحبه‌های عمیق نیمه ساختاریافته، مطالعات اسنادی، مطالعه کتابخانه‌ای، تحلیل محتوا، فراتحلیل و ... می‌توان از منابع هفت‌گانه مزبور مسائل را کشف و احصاء نمود. البته استفاده از هر منبع تابع قواعدی است و در آنها کژکاردهایی نیز وجود دارد که هرچند در این مقاله فرصت بررسی آنها نیست ولی در شناخت و تحلیل مسائل از آن منبع به آنها باید به خوبی توجه داشت، زیرا در غیر این صورت شناخت و تحلیل مسائل واقعی نبوده و دچار انحراف خواهند شد.

### ۳-۲- تعریف مسئله

بعد از تشخیص مسئله باید آن را شناخت و تعریف صحیحی از آن ارائه کرد (رضائیان، ۱۳۸۱: ۱۳۴) و بدین طریق وجه مسئله‌گی آن را دقیقاً معین نمود. زیرا؛ غالباً مسائلی که برای مدیران مطرح‌اند خود معلول مسائل بنیادی‌تری هستند که ممکن است عدم توجه به آنها راهکارهای انتخاب شده برای حل مسئله را عقیم بگذارد؛ بنابراین ریشه‌یابی مسئله با کوشش برای یافتن مسئله اصلی به جای برخورد مقطعی با عوارض آن عمده‌ترین وظیفه سیاست‌پژوه است (کاظمی، ۱۳۷۹: ۱۰۲). اگر مرحله مسئله‌یابی را مرحله احساس و مرحله تعریف را مرحله ادراک مسئله قلمداد کنیم، در مرحله احساس، سیاست‌گذاران عارضه‌ها و رویه‌های بیرونی مسئله را درمی‌یابند، ولی در مرحله ادراک به ریشه‌یابی آن اقدام می‌کنند. بنابراین اقتضای عقلانی بودن سیاست‌پژوهی، تجزیه و تحلیل مسئله و یافتن ریشه‌های آن در گام اول است. تنها در این صورت است که سیاست اتخاذ شده به حل مسئله به طور ریشه‌ای منجر و عوارض آن نیز کاملاً مرتفع خواهد شد (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۸۷: ۳۲). در این مرحله به جهت اینکه ریشه‌های ایجاد مسئله مورد جستجو قرار می‌گیرند، باید عناصر دخیل در آن به خوبی تشخیص داده شوند. صورت ترکیب مفهومی این عناصر، «چارچوب مفهومی» مسئله را شکل می‌دهند که شناخت و تحلیل مسئله بستگی صد در صدی به آن دارد. علاوه بر این، برای رسیدن به تعریف مسئله بررسی پیشینه علمی، اجرایی و سیاستی ناظر به مسئله نیز ضروری است. نتیجه این اقدامات دریافت وجه مسئله و در نهایت تعریف دقیق آن است.

### ۳-۳- ارائه راه‌حل

بعد از دریافت دقیق وجه مسئله و علت‌های پدیدآوردن آن، نوبت به طراحی راه‌حل برای آن می‌رسد. در این مرحله علمیت و خلاقیت سیاست‌پژوه تأثیر بسیاری در دستیابی به راه‌حل مناسب دارد. ولی محقق قبل از طراحی راه‌حل اولیه باید اقدامات زیر را انجام دهد:

۱- در خصوص راه‌حل‌های احتمالی که قبلاً در مورد مسئله ارائه شده، بررسی‌های لازم را انجام دهد و حتی با صاحبان آن ایده‌ها مصاحبه‌های عمیق انجام دهد و تلاش کند نقدهای خود به راه‌حل‌های مختلف را معین نماید تا نقاط قوت و ضعف راه‌کارهای دیگران نیز به خوبی مشخص شود (کاظمی، ۱۳۷۹: ۱۰۳).

۲- وضعیت جامعه در مسئله مورد بررسی به لحاظ نقاط قوت و ضعف و همچنین فرصت‌ها و تهدیدها، بررسی و تحلیل شود<sup>۱</sup>.

۳- با کاربست روش مقایسه‌ای، راه‌حل‌های دیگر کشورها در خصوص مسئله مورد بحث بررسی و تحلیل شود.

سیاست‌پژوه بعد از بررسی موارد فوق با توجه به نظریات موجود و مهم‌تر از همه به کارگیری روش‌های خلاقانه باید ایده اصلی مواجهه با مسئله را طراحی کند.

باید توجه داشت، «خلاقیت» به کارگیری توانایی‌های ذهنی برای ایجاد یک فکر یا مفهوم جدید، یا ساختن و یافتن ایده‌های جدید و نوآوری در کاربرد فکرها است (رضائیان، ۱۳۷۷: ۳۲). فرد خلاق ضمن بررسی دیدگاه‌های گوناگون مطرح، معتقد است روش‌های جاری انجام کار را می‌توان بهبود بخشید. این فرد سوبه‌هایی را می‌بیند که قبلاً مورد توجه قرار نگرفته‌اند؛ در نتیجه فکرها و ایده‌های جدیدی ارائه می‌دهد که با هزینه اندک بهره‌وری بالا دارند. او تجربه‌های حاصل از منابع گوناگون را به هم ربط می‌دهد و آنها را بر مبنای مزیتشان مورد بررسی قرار می‌دهد و معمولاً چندین بدیل برای هر موضوع معین معلوم می‌کند. وی نسبت به پیش‌فرض‌های قبلی که نزد همه مسلم

۱. الگوی SWOT که از ابتدای چهار کلمه Strength به معنای نقطه قوت، Weakness به معنای نقطه ضعف، Opportunity به معنای فرصت و Treat به معنای تهدید گرفته شده است یکی از الگوهای متداول برنامه‌ریزی‌های راهبردی است. نقاط قوت و ضعف ناظر به شرایط درونی کشور یا یک سازمان است و فرصت و تهدید نیز ناظر به شرایط بیرونی کشور یا سازمان مورد نظر است. با شناخت این عوامل می‌توان امکانات و محدودیت‌های کشور یا سازمان مورد نظر به درستی شناسایی شود و در نتیجه به برنامه‌ریزی صحیحی منجر شود (الوانی، ۱۳۹۹: ۶۱). در این مرحله محقق می‌تواند از سایر الگوهای معتبر تحلیل وضعیت نیز استفاده کند.

1. focus groups

2. big data



انگاشته می‌شود، نیز ورود کرده و آنها را بررسی مجدد می‌کند، در نتیجه محدود به رسم و عادت نمی‌شود و از این جهت دارای استقلال فکری است؛ فی‌البداهه هم از نیروهای احساسی و هم از نیروهای بینشی مدد می‌گیرد و نهایتاً در فکر و عمل از انعطاف بالایی برخوردار است (همان: ۳۳). البته خلاقیت معمولاً امری آمیخته از چند عامل متداخل و متعامل است که اولین مرحله آن، مرور و مطالعه ناخودآگاه است که به دشواری می‌توان آن را روشن ساخت. البته این مرور ناخودآگاه با تصمیمات خام و تصمیماتی که هنوز مبادی آن برای فرد مبهم است، تفاوت دارد (کونتر و همکاران، ۱۳۸۵: ۲۰۴). مرحله دوم کشف ناگهانی و یک حدس صائب است که موارد ناخودآگاه را خودآگاه می‌کند. این موارد معمولاً بعد از تلاش و کار زیاد و درگیری ممتد ذهنی در مورد مسئله محل توجه برای فرد حاصل می‌شود (همان: ۲۰۵) و مرحله آخر صورت‌بندی منطقی یافته‌ها و ابراز به دیگران است (همان: ۲۰۶). البته فنونی مانند باروری اندیشه‌ها یا بارش فکری کمک‌کار بروز خلاقیت‌اند، هرچند مطالعات نشان داده است که گاهی خلاقیت‌های فردی از تفکرهای گروهی کارآمدتر بوده است (همان: ۲۰۷).<sup>۱</sup>

نکته آخر در این بخش اینکه سیاست پژوه در مقام ارائه راه‌حل، باید احتمالات مختلف را مورد توجه قرار داده و برای هر کدام یک مسیر مشخص تعریف کند و برای هر کدام سناریویی را به تصمیم‌گیر پیشنهاد دهد. به همین دلیل سیاست پژوه در این مرحله تنها نباید یک صورت را مدنظر قرار دهد و برای همان نیز اقدام به ارائه راه‌حل کند.

#### ۴-۳- تبدیل راه‌حل به سیاست

وقتی راه‌حل مسئله مشخص شد، این راه‌حل باید به صورت سیاست مشخص که شامل چیستی و مراحل مداخله، مجریان و ذی‌نفعان و شاخصهای ارزیابی آن است، درآید و هیچ ابهامی در این مقام نداشته باشد (کاظمی، ۱۳۷۹: ۱۰۵).

#### ۳-۵- نظارت و بازخوردسنجی

سیاست بعد از ابلاغ توسط سیاست‌گذار و ورود به مرحله اجرا، باید مورد نظارت و بازخوردسنجی قرار گیرد تا مجدداً نتایج آن به فرایند مزبور عرضه شود تا در ادامه این فرایند مورد استفاده و در نتیجه اصلاح سیستم قرار گیرد (کاظمی، ۱۳۷۹: ۱۰۵).

#### ۴- نحوه تأثیر مبانی دینی در مراحل مختلف سیاست پژوهی

همان‌طور که بیان شد، سیاست اولاً: مسئله محور است، ثانیاً: ماهیتی هنجاری دارد، به این معنا که کاملاً مبتنی بر هنجارها، ارزش‌ها و مبانی مورد قبول جامعه و حاکمیت است. برای نشان دادن تأثیر این مبانی بر بخش‌های مختلف فرایند سیاست پژوهی لازم است ابتدا در مورد مبانی و سپس مراحل و پیش‌نیازهای نظری صورت‌بندی و تحلیل درست مسئله صحبت شود.

#### ۴-۱- چیستی مبانی دینی (پارادایمیک)

واژه مبانی، جمع کلمه «مبنا» است و به گزاره‌ها و ایده‌های بنیادینی اطلاق می‌شود که منشأ و مولد بقیه گزاره‌ها هستند. این گزاره‌ها از جنس هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، روش‌شناسی کلان، ارزش‌شناسی، خداشناسی، جهان‌شناسی، انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علم‌شناسی، دین‌شناسی و تاریخ‌شناسی هستند که زیرساخت‌های اصلی هر نوع معرفتی را شکل می‌دهند. همه این مبانی ذیل یک چتر واحد و حول یک محور واحدی تعیین می‌یابند که به آن «پارادایم» گویند. به عنوان مثال در اسلام همه مبانی مزبور ذیل چتر توحید و با محوریت این مفهوم اصلی شکل می‌گیرند. لذا پارادایم‌ها که شامل ایده‌محوری و مبانی مزبور هستند یک چارچوب نظری بنیادینی را شکل می‌دهند که مفروضات بنیادین و مفاهیم زیرساختی علم و تفکر هستند<sup>۲</sup>.

طبیعتاً در هر مکتب فکری، ایده محوری پارادایم و مبانی برآمده از آن، از منابع آن مکتب استخراج می‌شوند؛ بنابراین در اسلام که منابع اصلی فهم دین عبارت از قرآن کریم، سنت شریف و عقل ناب هستند، ایده محوری پارادایم و سپس، مبانی مزبور باید از این منابع استخراج گردند. در بین اندیشمندان اسلامی تحقیقات زیادی در خصوص

۱. فنون مختلفی برای خلاقیت مطرح شده است که به دلیل اینکه در رسالت این مقاله نیست از پرداخت تفصیلی به آنها پرهیز می‌کنیم. برخی از این فنون عبارت‌اند از: ارتباط اجباری، تجزیه و تحلیل مورفولوژیک، گردش تخیلی، پرسش‌های ایده برانگیز، تفکیک ۵-۳-۶ گروه اسمی، الگو برداری از طبیعت و تفکر موازی (ر.ک: الوانی، ۱۳۹۹: ۲۳۶-۲۴۵).

۱. (ر.ک: Guba, & Lincoln, Competing paradigms in qualitative research).

۲. بحث از چیستی پارادایم و رابطه آن با مبانی، بحث دامنه‌داری است که به جهت رعایت اختصار به مقاله دیگری موکول می‌شود.



شکل شماره ۱: نسبت بین ملاک‌های تشخیص مسئله، نظریه و مبانی

به عنوان مثال «سقط جنین» بر اساس نظریه خانواده در اسلام، یک مسئله و چالش است در صورتی که بر اساس برخی از نظریات غربی این امر جزء حقوق مادر بوده و یک چالش قلمداد نمی‌شود. در مثال دیگر، عدم امکان حضور طبقات مختلف جامعه خصوصاً طبقات ضعیفتر در پارلمان بر اساس نظریه عدالت اجتماعی اسلام یک مسئله و چالش است که باید برای آن تدبیر کرد ولی بر اساس برخی نظریه‌های سیاسی غربی این امر هرگز یک مسئله قلمداد نمی‌شود بلکه وجود چنین امکانی مسئله و چالش است.

#### ۳-۴- تأثیر مبانی در پیش‌نیازهای نظری چارچوب مفهومی تحلیل و تعریف مسئله

مرحله دوم سیاست‌پژوهی، تعریف و تحلیل مسئله است. تعریف مسئله موقوف به در اختیار داشتن چارچوب مفهومی تعیین‌کننده حاکم بر مسئله است؛ زیرا چارچوب مفهومی نوعی از سازمان‌دهی عناصر دخیل در مسئله است که به آن شکل و انسجام می‌بخشد (پارسونز، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۶۱). به همین دلیل در چارچوب مفهومی همه مفاهیمی که در شکل‌دهی به رفتار مسئله دخالت دارند باید استقراء شوند و به صورت منطقی صورت‌بندی گردند. این صورت‌بندی همان بستری است که رفتار مسئله مورد بحث در قالب آن صورت می‌گیرد. چرا که، رفتار واقعی مسئله مورد بحث تابعی از عناصری است که هویت آن مسئله را مشخص می‌کنند و در یک هندسه مفهومی صورت‌بندی شده‌اند. چارچوب حاکم بر مفاهیم و عناصر مزبور، از یک طرف بر اساس نوع تعامل و اثرگذاری آنها بر هم و از سوی دیگر بر اساس نوع اثرگذاریشان بر مسئله مورد بحث است. در حقیقت چارچوب مفهومی، سازه مفهومی مماس با مسئله است که کاملاً مبتنی بر نظریه‌ی علمی

پارادایم اسلامی و هر یک از مبانی مزبور انجام شده که از این جهت، با ارجاع خواننده محترم به آن مکتوبات، در این مقاله صرفاً به فرایند تأثیرگذاری آنها بر مراحل مختلف سیاست پژوهی پرداخته می‌شود. در ادامه تلاش می‌کنیم نحوه تأثیر این مبانی در مراحل مختلف سیاست‌پژوهی را نشان دهیم.

#### ۴-۲- تأثیر مبانی در دست‌یابی به ملاک‌هایی برای تشخیص مسئله

همان‌طور که بیان شد، سیاست پژوهی در مورد یک مسئله رخ می‌دهد و اساساً سیاست پژوهی مسئله محور است. قبل از این نیز مراحل مختلف سیاست پژوهی توضیح داده شد که مرحله اول؛ مسئله‌یابی است. در این مرحله نکته مهم، در اختیار داشتن ملاک‌هایی است که باید در دست سیاست‌پژوه باشد تا با توجه به آنها بتواند مسائل را تشخیص داده و سپس بین آنها اولویت‌بندی کند. تأثیر مبانی در این مرحله به این صورت است که ملاک‌های مزبور باید کاملاً برخاسته از مبانی دینی (نقلی و عقلی) باشند، والا تشخیص مسئله کاملاً غیردینی و در نتیجه سکولار شکل خواهد گرفت. اساساً وجه هنجاری بودن سیاست و سیاست پژوهی از همین جا خود را نشان می‌دهد.

علاوه بر این، هر ملاک و معیاری منبعث از یک نظریه است، نظریه نیز ریشه در مبانی دارد و از این جهت، یک محل دیگر در تأثیر مبانی دینی و عقلی مقام تولید نظریه‌هایی است که پایه تولید سیاست در ساحت آنها هستند. به عنوان مثال ملاک‌های تشخیص مسائل مربوط به حوزه خانواده کاملاً برخاسته از «نظریه خانواده» مختار است که وقتی این نظریه بر اساس مبانی اسلامی شکل گیرد، می‌توان نظریه را «نظریه خانواده در اسلام» نامید و ملاک‌های منبعث از آن را کاملاً دینی به حساب آورد. در شکل زیر نسبت بین ملاک‌های تشخیص مسئله، نظریه و مبانی نشان داده شده است.

مربوط به مسئله و نظام هویت‌بخش به آن است (ر.ک: ایمان، ۱۳۹۴: ۲۱). به عنوان مثال اگر مسئله مورد بحث، بررسی مسئله سقط‌جنین در صورت وجود ضرر برای مادر است، عناصر دخیل در چارچوب مفهومی شکل‌دهنده به این مسئله بر اساس نظریه خانواده در اسلام، عبارت‌اند از: ضرر متوجه مادر، نفس محترمه جنین، ولایت پدر نسبت به جنین و... همان طور که مشاهده می‌شود این مفاهیم کاملاً متأثر از نظریه خانواده هستند که اگر مبتنی بر مبانی دینی و اسلامی طراحی شده باشد، چارچوب مفهومی تحلیل و تعریف مسئله سقط‌جنین نیز اسلامی و دینی خواهد بود و در غیر این صورت غیردینی و سکولار بوده و تصمیم‌گیری سیاست‌گذار را نیز با اخلال مواجه می‌کند.

نکته قابل توجه این است که بین نظریه و چارچوب مفهومی دو سازه معرفتی دیگر به نام «نظام»<sup>۱</sup> و «الگو»<sup>۲</sup> وجود دارد که عناصر دخیلی در چارچوب مفهومی متأثر از آنها نیز هستند. «نظام» خروجی مستقیم نظریه و «الگو» برش زمانی و مکانی آن «نظام» است. توضیح بیشتر اینکه مراد از «نظام»، مجموعه‌ای از اجزای به هم پیوسته است که در راه نیل به هدف معینی با یکدیگر هم‌آهنگ و منسجم عمل می‌کنند (چرچمن، ۱۳۶۹: ۲۶). از این جهت نظام مجموعه واحد و منسجمی از عناصر متعدد است که با هم مرتبط‌اند، هدف یا اهداف معینی را دنبال می‌کنند و برای رسیدن به اهداف مزبور بر اساس فرایندهایی که بین آنها حاکم است به صورتی کاملاً هم‌آهنگ و متعامل عمل می‌نمایند (ر.ک: آقابخش، افشاری راد، ۱۳۸۳: ۶۷۱؛ میرمعزی، ۱۴۰۱: ۱۴۴). نکته مهم اینجاست که نظام ماحصل تولید نظریه در حوزه تخصصی مورد بحث است. به عنوان مثال وقتی نظریه خانواده در اسلام مبتنی بر مبانی اسلامی تولید شد، «نظام خانواده در اسلام» تولید شده است، زیرا در نظریه مزبور همه عناصر هویت‌بخش به خانواده و نسبتشان با یکدیگر و با خانواده معین شده است. از این جهت، نتیجه نظریه‌پردازی در یک ساحت از ساحت‌های اجتماعی، دست‌یابی به نظام هویت‌بخش به آن ساحت اجتماعی است. از این جهت، با تولید نظریه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می‌توان نظام‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و زیرشاخه‌های آنها را نیز تولید کرد و به آنها دست یافت.

نحوه تأثیر «نظام» بر چارچوب مفهومی مواجهه با مسئله به این صورت است که در هر نظام مسائلی مطرح است که همه ذیل چتر آن نظام هویت‌بخش را به دست می‌آورند. به عنوان مثال سقط جنین، طلاق، ازدواج، نفقه، مهریه، حضانت و... همه زیر مجموعه نظام خانواده هستند که در نتیجه عناصر موجود در چارچوب نظری خود را از نظام مزبور اخذ می‌کنند. به عنوان مثال اگر در چارچوب مفهومی مسئله سقط‌جنین ولایت پدر را باید مدنظر قرار داد به این دلیل است که در نظام خانواده در اسلام - که متخذ از نظریه خانواده در اسلام است - برای ولایت پدر جایگاه ویژه‌ای دیده شده است که در نظام خانواده در غرب چنین جایگاهی دیده نشده است.

نکته دیگر اینکه، «نظام» یک «شمولیت» و در نتیجه «ثبات» و دوامی دارد که قواعد حاکم بر موضوعات ذیلش را تعیین می‌نماید. به عنوان مثال ممکن است نظام خانواده در اسلام قرن‌ها به یک شکل باشد و تغییرات جدی‌ای در آن رخ ندهد. از این جهت برای تحلیل مسئله انضمامی جامعه نیاز به افزودن اقتضات زمانی و مکانی مسئله به نظام هویت‌بخش آن نیز کاملاً محرز است. به عنوان مثال نظام خانواده در اسلام ممکن است قرن‌ها ثابت باشد و از یک قوام مشخص برخوردار باشد، اما خانواده در جامعه امروزی و در کشور ایران اقتضاتی دارد که با اقتضات خانواده ایرانی در قرن‌های قبل یا با خانواده در همین زمان ولی در کشورهای دیگر مانند کشورهای افریقایی، اروپایی، امریکایی و... تفاوت دارد. از این جهت، لازم است نظام مزبور با قبول برش مکانی و زمانی به شرایط امروزی تطبیق داده شود. این تطبیق «الگو»<sup>۱</sup> نام دارد. از این جهت «الگو» برش زمانی و مکانی «نظام» حاکم بر موضوع است و در قالب مجموعه‌ای از قواعد و دستورالعمل‌های ساخت موضوع مورد بحث بروز می‌کند.<sup>۲</sup> لذا این قاعده‌ها و اصول که حاوی ارکان نظام هویت‌بخش به موضوع به اضافه اقتضات مکانی و زمانی آن هستند باید در چارچوب مفهومی حاکم بر موضوع مورد توجه قرار گیرند.

بنابراین چارچوب مفهومی هر مسئله متأثر از «نظام» و «الگو»<sup>۱</sup> ی هویت‌بخش به آن است و به همین جهت با موضوعات دیگری که ذیل آن نظام مطرح می‌شوند، ارتباط و انسجام برقرار می‌کند. به عنوان مثال وقتی سیاست‌پژوه چارچوب مفهومی مسئله سقط‌جنین را بر اساس نظام خانواده در اسلام و الگوی جامعه امروز ایران طراحی می‌کند

1. pattern  
2. <https://www.oxfordlearnersdictionaries.com/>

1. system  
2. pattern



شکل شماره ۲: مدل مفهومی نحوه ارتباط نظریه‌ها، نظام و الگو

نظریه‌های تخصصی نشان داده شده در نمودار بالا که ناظر به دیگر اضلاع مسئله مورد بحث هستند بسیار قابل توجه هستند و در فرایند سیاست پژوهی باید مورد توجه قرار گیرند. این نظریه‌ها هر چند به صورت تخصصی به محتوای مسئله نمی‌پردازند ولی حاوی نکات کلی‌ای هستند که در فرایند سیاست پژوهی و حتی دخیل نمودن عناصری در چارچوب مفهومی مسئله بسیار تأثیرگذارند. به عنوان مثال در کشور ایران اسلامی، نظریه انقلاب اسلامی ملاک‌هایی را در اختیار می‌گذارد که باید در تمامی سیاست‌ها رعایت شوند. تفاوت نوع مواجهه و مداخله (سیاست) ایران اسلامی در مسائلی مشابه با مسائل سایر کشورها به این نظریه برمی‌گردد. یا نظریه حکمرانی اسلامی نوع حکمرانی و مداخله حاکمیت در مسائل جامعه اسلامی را معین می‌نماید.

علاوه بر این، نظریه دولت<sup>۱</sup> نیز باید مورد توجه هر سیاست پژوهی قرار گیرد؛ زیرا در این نظریه طبیعت و ماهیت دولت‌های پیشرفته، کارکردهای آن، مشروعیت و حقوق آن و میزان اختیاراتش در نسبت با مردم و سایر حوزه‌ها معلوم می‌گردد (George & Smith, 1895:189). عدم توجه به این نظریه و ملاک‌های منبعث از آن سبب می‌شود مداخلاتی (سیاست‌هایی) طراحی شوند که واقعاً در حیطه اختیار دولت‌ها نیست و نوعی دست‌اندازی به اختیارات مردم حساب می‌شوند و در نتیجه با اجرای آنها وضعیت مسئله وخیم‌تر می‌شود.

و همین کار را در مورد چارچوب مفهومی مسئله طلاق، ازدواج، ارث یا ... نیز انجام می‌دهد، بین همه آنها انسجام و هماهنگی وجود دارد که در نتیجه آن نه تنها سیاست‌های پیشنهادی نقیض و متضاد هم نیستند؛ بلکه کاملاً هماهنگ و معاضد یکدیگر می‌باشند. نکته قابل توجه دیگر این که؛ وقتی سیاست‌پژوه در مقیاس حکمرانی به تحقیق می‌پردازد و در پی پیشنهاد سیاست‌هایی برای حاکمیت است، در طراحی الگو علاوه بر نظریه تخصصی موضوع مورد بحث - مثلاً نظریه خانواده در اسلام در مسئله سقط جنین - باید به نظریات عام دیگری نیز توجه کند که حکمرانی موضوع مورد بحث به آنها نیز مربوط است؛ زیرا در این مقیاس مسئله مورد بحث به دلیل ماهیت اجتماعی که یافته است، ابعاد دیگری نیز پیدا کرده و از این منظر پدیده‌ای بین‌رشته‌ای به حساب می‌آید؛ که لازم است نظریه‌های مربوط به ساحت‌های دیگر دخیل در موضوع نیز در طراحی الگوی هویت‌بخش به موضوع محل توجه قرار گیرند. از همین جهت بود که لاسول معتقد بود یکی از ویژگی‌های مسئله در سیاست پژوهی چند رشته‌ای بودن آن است (Howlett & Ramesh, 1995:10). بر این اساس باید نظریه‌های تخصصی دیگر در طراحی الگو مورد توجه قرار گیرند و در نتیجه چارچوب مفهومی تحلیل مسئله نیز متأثر از این نظریه‌ها خواهد بود.

تأثیر مبانی در این میان به این صورت خواهد بود که مبانی هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، روش‌شناختی، انسان‌شناختی و ... نظریه‌ها را شکل می‌دهند و نوع و چگونگی آنها را تعیین می‌کنند و نظریه‌ها نیز نظام‌های هویت‌بخش به موضوع و در نتیجه الگوهای حاکم بر موضوع را تحت تأثیر قرار می‌دهند. تأثیر همگی نیز بر چارچوب مفهومی حاکم بر موضوع تعیین یافته و عینی می‌شود. هر چند دخالت دادن اقتضائات زمانی و مکانی در طراحی الگو نیز با ملاک‌هایی همراه خواهد بود که نظریه‌های هنجاری مزبور در اختیار سیاست‌پژوه قرار می‌دهند. در شکل زیر نحوه ارتباط مبانی، نظریه‌ها، نظام، الگو و چارچوب مفهومی حاکم بر مسئله بر اساس مباحث پیش‌گفته نشان داده شده است.

1. State Theory

نظریه دیگری که در شکل‌دهی به چارچوب مفهومی مسئله دخالت دارد، نظریه پیشرفت (توسعه) است. این نظریه در خصوص تغییر در جامعه صحبت می‌کند و بیان می‌کند که تغییر به سمت حالتی بهتر، چگونه رخ می‌دهد و فرایندهای تغییر در جامعه چگونه است؛ بنابراین در این نظریه به پیشران‌های تغییر نیز اشاره می‌شود و علاوه بر این شرایط بومی کشور نیز به خوبی مدنظر قرار داده می‌شود. به همین دلیل است که نظریه پیشرفت در دو کشور علی‌رغم یکسان بودن مبانی آنها، ممکن است متفاوت باشند. به عنوان مثال در کشور جمهوری اسلامی ایران از نظریه پیشرفت ایرانی اسلامی سخن گفته می‌شود که هم ایرانی‌ت در آن لحاظ می‌شود و هم اسلامیت، در حالی که این نظریه در کشور عراق مناسب نیست؛ بنابراین، به دلیل اینکه در این نظریه حالت مطلوب کشور ترسیم می‌شود و قواعد کلی حاکم برای تغییر از وضع موجود برای رسیدن به وضع مطلوب بیان می‌شود، پس در سیاست پژوهی اصول و قواعد کلی آن باید مدنظر قرار گیرد زیرا سیاست پژوهی در پی دستیابی به راه‌حل‌های تغییر در مسئله و سوق آن به سمت مطلوب است. پس باید اصول منتج از نظریه پیشرفت آن جامعه و کشور به دقت در چارچوب مفهومی تحلیل مسئله اشراک شود.

علاوه بر نظریه‌های فوق نظریه‌های عمومی دیگری نیز هستند که حسب مورد، باید مورد توجه قرار گیرند. به عنوان مثال تمام سیاست‌پژوهی‌هایی که در ساحت فرهنگ انجام می‌شود باید ذیل نظریه فرهنگ صورت گیرند و دلالت‌های آن در طراحی چارچوب‌های مفهومی مسائل دخالت داده شود.

#### ۴-۴- تأثیر مبانی در ارائه راه‌حل

همان‌طور که پیش از این آمد، مرحله سوم سیاست پژوهی ارائه راه‌حل مناسب برای مسئله است. همان‌طور که گذشت در این مرحله باید راه‌حل‌های ارائه شده از سوی دیگران بررسی و نقد شود، وضعیت موجود تحلیل گردد، نسبت به نظرات دیگر کشورها در مورد مشابه بررسی تطبیقی انجام شود و نهایتاً با توجه به چارچوب مفهومی هویت‌بخش به موضوع اقدام به تدارک راه‌حل‌های خلاقانه گردد. طبیعی است در همه مراحل اولیه نیازمند مبانی و نظریه‌های مورد نیاز هستیم؛ زیرا نقد نظرهای دیگران و تحلیل وضعیت موجود نیازمند در اختیار داشتن ملاک‌هایی واقعی و دقیق است؛ که همان‌طور که در

بخش مسئله‌یابی بیان شد، مستخرج از مبانی و نظریه‌های برخاسته از آنها است. در غیر این صورت نقد نظرهای دیگران و تحلیل وضعیت موجود، علمی و دقیق نخواهند بود. حتی در بخش بررسی تطبیقی نیز مبانی و نظریه‌های بومی برآمده از آنها نقش اساسی دارند. زیرا بررسی تطبیقی، صرفاً یک مقایسه عرفی و بی‌مبنا نیست، بلکه در بررسی تطبیقی و مقایسه‌ای باید دستگاه فکری، فرهنگی و معرفتی کشور طرف مقایسه که در مسئله مشابه اقدام به طراحی راه‌حلی کرده است، به خوبی شناسایی و نقد شود. در غیر این صورت اساساً درک درستی از راه‌حل ارائه شده و لوازم آن حاصل نمی‌شود و در نتیجه رد یا قبول آن راه‌حل علمی و معتبر نخواهد بود و ممکن است در طراحی راه‌حل نهایی موجب وقوع خطا شود.

#### نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی جایگاه مبانی دینی در مراحل و فرایند سیاست پژوهی با رویکرد عقلانیت دینی انجام شد. در این مقاله مشخص شد، وجه فارق سیاست‌پژوهی غیر دینی و سکولار با سیاست‌پژوهی دینی در نوع دخالت این مبانی در مراحل مختلف سیاست‌پژوهی است. در مقاله نشان داده شد مبانی دینی که برآمده از نقل (قرآن کریم و سنت شریف) و عقل هستند، با تأثیر در چگونگی نظریه‌های تخصصی و عمومی در تعیین ملاک‌های شناخت مسئله، در چارچوب مفهومی تعریف و تحلیل مسئله و در نقد راه‌حل‌های محتمل و ارائه راه‌حل خلاقانه جدید و همچنین در ارائه ملاک‌هایی برای تعیین شاخص‌های ارزیابی و نظارت بر سیاست دخالت جدی دارند. در این راستا مشخص شد که کشف مسئله موکول به در دست داشتن ملاک است و ملاک‌ها نیز منبعث از مبانی و نظریه‌ها هستند. در مرحله تعریف مسئله نیز پرداختن به چارچوب مفهومی تحلیل مسئله امری ضروری است که در این قسمت نیاز به نظریه‌های پایه و مبانی وجود دارد. نظریه‌های تخصصی ناظر به هر موضوع و نظریه‌های عمومی‌ای همچون نظریه انقلاب اسلامی، نظریه دولت، نظریه پیشرفت (تغییر)، نظریه حکمرانی، نظریه فرهنگ و .. نظریه‌هایی هستند که در مقام تبیین چارچوب مفهومی تحلیل مسئله به کار می‌روند. در مقام ارائه راه‌حل نیز به دلیل اینکه ضروری است راه‌حل‌های قبلی نقد شود، باید بررسی تطبیقی نسبت به راه‌حل‌های مشابه در دیگر کشورها انجام شود تا نهایتاً با کاربست خلاقیت و نظریه‌های دخیل در موضوع راه‌حل پیشنهاد شود؛ بنابراین برای این بررسی

نیز مجدداً نیازمند کمک گرفتن از مبانی دینی و عقلی خود هستیم؛ زیرا از یک سو نقد بدون در اختیار داشتن ملاک ممکن نیست و از سوی دیگر بررسی تطبیقی نیز باید از پایگاه دستگاه فکری صورت پذیرد.

#### منابع

۱. ادیانی، سید یونس (۱۳۸۴). کانون‌های تفکر، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۲. استیفندی، رایینز، و سنرو، دیوید ای.دی (۱۳۸۶). مبانی مدیریت، ترجمه سید محمد اعرابی و محمدعلی حمید رفیعی و بهروز اسراری ارشاد، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۳. استیسی، رالف (۱۳۸۲). ماهیت استراتژی، ترجمه گروه مترجمان، ماهنامه توسعه مدیریت، ش ۵۳.
۴. اشتریان، کیومرث (۱۳۸۶). سیاست‌گذاری عمومی در ایران، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
۵. الوانی، سید مهدی، و شریف‌زاده، فتاح (۱۳۸۷). فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
۶. الوانی، سید مهدی (۱۳۹۹). مدیریت عمومی، تهران: نشر نی.
۷. ایمان، محمدتقی (۱۳۹۴). فلسفه روش تحقیق در علوم انسانی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۸. آقابخش، علی، و افشاری راد، مینو (۱۳۸۳). فرهنگ علوم سیاسی، تهران، ج اول، نشر چاپار.
۹. پارسونز، وایر (۱۳۸۵). مبانی سیاست‌گذاری عمومی و تحلیل سیاست‌ها، ج ۱، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، تهران: انتشارات مطالعات راهبردی.
۱۰. چرچمن، چارلزوست (۱۳۶۹). نظریه‌ی سیستم‌ها، ترجمه رشید اصلانی، تهران: نشر مرکز مدیریت دولتی.
۱۱. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۲. رضائیان، علی (۱۳۸۱). مبانی سازمان و مدیریت، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۱۳. رضائیان، علی (۱۳۷۷). اصول مدیریت، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۱۴. فروزنده، لطف‌الله، و رحیمی کلور، حسین (۱۳۹۰). عقلانیت و جایگاه آن در سیاست‌گذاری، کیهان فرهنگی، (۲۹۴-۲۹۵)، ۲۲-۳۰.
۱۵. قریب، حسین (۱۳۹۰). بررسی کارکردهای انواع عقل در سیاست‌گذاری عمومی جمهوری اسلامی ایران، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۶. قلی‌پور، رحمت‌الله، و غلام‌پور آهنگر، ابراهیم (۱۳۸۹). فرایند سیاست‌گذاری عمومی در ایران، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۱۷. کاظمی، سید علی‌اصغر (۱۳۷۹). مدیریت سیاسی و خط‌مشی دولتی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۸. کولیچ، اچی. کی (۱۳۹۳). سیاست، ترجمه احمد صبوری، تهران: انتشارات آشیان.
۱۹. کونتر، هرولد، اوداتل، سیریل، و بهریخ، هاینز (۱۳۸۵). اصول مدیریت ج دوم، ترجمه محمدعلی طوسی، علی‌اکبر فرهنگی، امین‌الله علوی و اکبر مهدویان، تهران: مدیریت چاپ و انتشارات موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
۲۰. میرمعزی، سید حسین (۱۴۰۱). نظام اقتصادی اسلام، مجموعه مقالات فقه نظام به کوشش سید سجاد ایزدهی، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۷۰-۱۳۰.

21. Friedrich.C.J,(1963). Man and His Government, New York, Mc Graw-Hill.
22. George H. Smith E. (1895).The Theory of the State: Proceedings of the American Philosophical Society, 34( 148) pp. 181-334, *American Philosophical Society*.
23. Guba, E. G. & Lincoln, Y. S. (1994).Competing paradigms in qualitative research. In N. K. Denzin & Y. S. Lincoln (Eds.), *Handbook of qualitative research* ( 105-117).
24. Lasswell.H.D., Kaplan,A. (1970). Power and Society, USA, Yale University.
25. Majechrzak, A. (2005). Policy Research Methods (Research for Policy Making), Naibi translation. Tehran: Tebyan Cultural-Publishing Institute.
26. Michael .Howlett ., M. Ramesh, (1995), “Studing Public Policy Cycle, and Policy Subsystems”, Oxford University Press, P. 146.
27. Harriss John,Development Theories:
28. <https://idl-bnc-idrc.dspacedirect.org/bitstream/handle/10625/51544/IDL-544.pdf?sequence=1&isAllowed=y>.
29. <https://www.oxfordlearnersdictionaries.com>.
30. <https://dictionary.cambridge.org>.
31. Cambridge Dictionary, from [www.dictionary.cambridge.org](http://www.dictionary.cambridge.org).
32. The Oxford English Dictionary; p.902.
33. The Random House Dictionary Of The English Language; p.1967.

#### چکیده

در چشم‌انداز بیست‌ساله کشور جمهوری اسلامی ایران کشوری توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام تصویر شده است. بررسی وضعیت فناوری نانو در ایران نشان می‌دهد این فناوری به نسبت دیگر فناوری‌ها و نو فناوری‌ها در حوزه‌های علمی، اقتصادی و ترویجی، رشد قابل ملاحظه و «پایداری» داشته و اینک ایران در میان چند کشور اصلی برتر نانو فناوری در جهان قرار گرفته است. یکی از عاملیت‌های اصلی این توسعه «ستاد ویژه فناوری نانو» و دبیرخانه فعال آن بوده و از این رو مطالعه زمینه‌ها و فرایندهای سیاسی، اجتماعی و سازمانی منجر به این رشد پایدار می‌تواند بصیرت‌هایی برای توسعه دیگر فناوری‌ها و نو فناوری‌ها در کشور فراهم کند. پژوهش حاضر با گردآوری، مقوله‌سازی و مفهوم‌پردازی تجربیات سازمانی پانزده ساله (۱۳۸۰-۱۳۹۵) دبیرخانه این ستاد تلاش کرده الگویی از نقش سرمایه‌های نامشهود در شکل‌گیری موفقیت سازمانی این دبیرخانه و پیشرفت نانو در کشور برساند. نتایج این پژوهش که با تحلیل مضمونی مصاحبه‌های نیمه ساخت‌یافته با دست‌اندرکاران بالادستی نانو و نیز اسناد ستاد ویژه توسعه فناوری نانو حاصل شده نشان از توجه به انواع سرمایه‌های مناسب شامل سرمایه فکری، سرمایه اجتماعی، سرمایه سیاسی و سرمایه سازمانی دارد که همچنین باعث تقویت فرهنگ و انسجام سازمانی لازم برای پیشرفت پایدار نانو (به خصوص در دو دهه اول تاسیس ستاد نانو) شده است.

#### ■ واژگان کلیدی

فناوری نانو، نانو تکنولوژی، ستاد ویژه توسعه نانو، سرمایه اجتماعی، سرمایه‌های نامشهود، سرمایه سازمانی

## الگوی ترکیب سرمایه‌های نامشهود «ستاد نانو» در پیشرفت نانو در ایران

#### میثم مهدیار

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)  
(m.mahdyar60@gmail.com)

Orcid: <https://orcid.org/0000-0001-9289-9401>

#### زهرا ابوالحسنی

عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات فناوری، تهران، ایران  
(zh.abolhasani@gmail.com)

## ۱- بیان مسئله

نانو یکی از نو فناوری‌های پیشرو در ایران بوده است که توانسته به نسبت مقدرات و سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته در مقایسه با دیگر فناوری‌ها و نو فناوری‌ها موفقیت چشمگیری کسب کند. نخستین جرعه‌های ظهور این فناوری در سال ۱۳۸۰ در «دفتر همکاری‌های علمی و صنعتی» نهاد ریاست جمهوری زده شد و ستاد ویژه توسعه فناوری نانو در سال ۱۳۸۲ تشکیل و برنامه ریزی و توسعه فناوری نانو در این ستاد پیگیری شد. در سال ۱۳۸۴ «سند راهبردی توسعه فناوری نانو» به تصویب هیئت‌وزیران وقت (دولت هفتم) رسید که بر اساس آن توسعه فناوری نانو باید موجب «تولید ثروت» و «ارتقای کیفیت زندگی مردم» شده و جمهوری اسلامی ایران باید تا سال ۱۳۹۳ به رتبه پانزدهم دنیا در شاخص‌های علم، فناوری و اقتصاد نانو دست می‌یافت. از همین رو «دبیرخانه» ستاد در انتزاع از دفتر «همکاری‌های علمی و صنعتی نهاد ریاست جمهوری» پا گرفت و با عنوان «ستاد ویژه توسعه فناوری نانو» شکل مستقلی یافته و در حوزه سیاست‌گذاری و مدیریت کلان حوزه نانو فناوری مشغول به فعالیت شد.

گزارش‌های منتشره درباره دستاوردهای کشور در حوزه نانو نشان می‌دهد که در طول سال‌های پس از تأسیس ستاد نانو تا سال‌های منتهی به ۱۳۹۵ ایران توانسته به خصوص در حوزه تولید علم به اهدافی بالاتر از شاخص‌های پیش‌بینی شده دست پیدا کند؛ طوری که حدود یک‌دهه بعد از تشکیل ستاد، ایران میان کشورهای اسلامی از رتبه یازدهم به رتبه نخست رسید و به تنهایی بیش از ۴۳ درصد از تولید علوم نانویی کشورهای اسلامی را در اختیار گرفت. ایران همچنین با انتشار متوسط روزانه ۳۳ مقاله توانست رتبه چهارم جهان در حوزه تولید علم نانو را به دست آورد و از کره جنوبی، آلمان، ژاپن، فرانسه، انگلیس و روسیه پیشی گیرد. ایران در سال ۲۰۱۷ همچنین از لحاظ تعداد مقاله به ازای مقدار (GDP) بر اساس نرخ برابری قدرت پول (PPP) در رتبه اول دنیا قرار گرفت. در شاخص (h-index) نیز رتبه جهانی ایران برای مقالات منتشر شده در سال‌های منتهی به ۲۰۲۰ دوازدهم بوده است. (توسعه فناوری مهریژن، ۱۴۰۰: ۱۷)

در تولید محصول و دستیابی به بازار، هنوز به دلیل وجود نداشتن آمارهای متمرکز، مقایسه‌ی کشورها امکان‌پذیر نشده اما در سال‌های پایانی اجرای سند ده‌ساله دوم نانو، تولید بیش از ۱۱۱۱ محصول (شامل کالا و تجهیزات) توسط ۳۲۴ شرکت داخلی در بیش از ۱۰ حوزه‌ی صنعتی مبتنی بر فناوری‌های داخلی و استفاده از این فناوری در

بهبود کیفیت زندگی مردم، از جمله تصفیه‌ی آب و پساب‌ها و نانو داروها نشانه‌های اصلی ورود کشور به صنعتی‌سازی این فناوری است. حجم بازار محصولات نانوی ساخت داخل، سالانه رشد «متوسط» نزدیک به ۲ برابری (نرخ رشد ۱۰۰ درصدی) داشته به طوری که از میزان ۱۳۸ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۹ به بیش از ۲۰۳،۴۶۲ میلیارد ریال تا پایان سال ۱۴۰۰ رسید. از این مقدار بیش از ۸۸۸ میلیون دلار به صادرات محصولات نانو ساخت ایران به بیش از ۵۰ کشور جهان بوده است.<sup>۱</sup>

همان‌طور که اشاره شد «برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری انجام‌شده در کشور برای فناوری نانو اولین تجربه ملی برای توسعه به موقع یک فناوری نوظهور در ایران بوده است. سیاست‌گذاری نانوفناوری در ایران با کارکرد نهادینه‌سازی، قانونمندسازی به طور عمده از طریق دولت آغاز شده و با تأثیرگذاری دولت بر کارکردهایی همچون هدایت تحقیقات و نوآوری و تأمین و تخصیص منابع برای شکل‌گیری خلق، توسعه و انتشار دانش ادامه پیدا کرده و سپس کارکردهای شکل‌گیری بازار و فعالیت‌های کارآفرینانه ظهور کرده است» (خواجه نائینی و دیگران، ۱۳۹۳). بررسی شبکه‌ای توسعه نانو نیز نشان می‌دهد دبیرخانه ستاد نانو بیشترین نقش را در تبادل اطلاعات بازیگران نانو (خواجه نائینی و دیگران، ۱۳۹۴) و همچنین نقش اصلی را در ترتیبات مالی میان این بازیگران داشته است (محمدی کنگرانی و دیگران، ب. ۱۳۹۴). از این رو نقش این ستاد و سازمان «دبیرخانه» فعالش که هم نقش هیئت مؤسس و هم متولی هدایت شبکه علم و فناوری و صنعت در حوزه نانو را بر عهده داشته را نمی‌توان در توفیقات پایدار (بی‌نام، ۱۳۹۰) آن نادیده گرفت. دبیرخانه یکی از ارکان مهم شبکه است و تصور یک شبکه موفق و پایدار بدون یک دبیرخانه فعال دور از واقعیت است. در موارد بسیاری با انحلال سازمان متولی ایجاد شبکه همکاری علم و فناوری که نقش محوری (دبیرخانه‌ای) در راه‌اندازی و موفقیت شبکه‌های رسمی دارد، شبکه نیز منحل شده است (اسدی فرد و دیگران، ۱۳۹۰: ۷۰-۷۱). اگرچه مطالعات چندی پیرامون نقش ساختاری این دبیرخانه در توسعه نانو صورت گرفته است (خواجه نائینی و دیگران، ۱۳۹۳؛ محمدی کنگرانی و دیگران، ۱۳۹۴؛ خواجه نائینی و دیگران، ۱۳۹۴)، اما در مصاحبه‌های اکتشافی با کارشناسان و مدیران دبیرخانه این ستاد نقش ارتباطات درون‌سازمانی و برون‌سازمانی، فرهنگ‌سازمانی،

۱. نک. به: «گزارش عملکرد سند گسترش کاربرد فناوری نانو در سال ۱۳۹۹، ۱۳۹۸، ۱۳۹۷» قابل دسترس در (nano.ir)



برنامه‌ریزی‌ها و اسناد سازمانی، تربیت سازمانی و... در شکل‌گیری چنین پیشرفتی بسیار ویژه جلوه کرد. این مؤلفه‌ها معمولاً در شاخص‌سازی مفاهیمی چون سرمایه سازمانی، سرمایه اجتماعی و سرمایه معنوی برجسته می‌شوند. از این رو نقش نظام‌یابی خاص این مفاهیم در پیشرفت نانو از موضع جامعه‌شناسی سازمانی مسئله این پژوهش شد. مطالعه تجربی و الگودارزی زمینه‌ای چگونگی ساخت<sup>۱</sup> و انتظام این سرمایه‌های نامشهود در یک سازمان ملی می‌تواند بصیرت‌های مفیدی در توسعه دیگر فناوری‌ها و حتی دیگر حوزه‌های سازمانی در ایران فراهم کند. همچنین با توجه به اینکه چنین زاویه‌ای در مطالعه ستاد و دبیرخانه‌اش پیش از این (چه درباره این ستاد و چه نمونه‌های خارجی آن) سابقه نداشته از همین رو روایت عاملیت‌های اصلی تشکیل و هدایت این دبیرخانه مواد اصلی این پژوهش را تشکیل داده‌اند.

## ۲- پیشینه و چارچوب مفهومی

در راستای حساسیت نظری و استخراج سؤالات پژوهش، مروری بر پژوهش‌ها و ادبیات نظری در حوزه «فرهنگ سازمانی» (شاین، ۱۳۸۹؛ رابینز، ۱۳۹۹؛ عسکریان، ۱۳۸۸) ضروری است. در واقع برخی از مدیران تصور می‌کنند فرهنگ سازمانی صرفاً شیوه‌ای است که کارها در جایی صورت می‌پذیرد؛ در حالی که برخی فرهنگ سازمانی را «مجموعه‌ای از ارزش‌ها، باورها، هنجارها، نمادها و افسانه، اسطوره‌ها و پیش‌فرض‌های مشترکی که همه را در یک جهت هدایت می‌کند و به عضویت سازمان معنی می‌بخشد و راهنمای عمل عاملیت‌های سازمانی است» (رضائیان، ۱۳۹۵: ۵) می‌دانند. همان‌طور که رابینز (۱۳۹۹) هم اشاره کرده فرهنگ سازمانی یکی از نقاط هویت‌بخش هر سازمان است که استمرار و یکپارچگی در آن ایجاد می‌کند و به ارزش‌ها، باورها و رفتارهای کارکنان جهت می‌دهد و هرچقدر این مقولات در میان افراد هم‌جهت‌تر باشند فرهنگ سازمانی شاخص بالاتری می‌یابد. در واقع هر فرهنگ سازمانی چهار کارکرد را فراهم می‌آورد: ۱- به کارکنان سازمان، هویتی سازمانی می‌بخشد؛ آنچه که یک سازمان را برجسته می‌سازد توانایی آن در جذب و پرورش و نگهداری افراد با استعداد است. ۲- تعهد گروهی را آسان می‌سازد: تعهد را اصولاً می‌توان به پیوند روانی فرد یا گروه به سازمان تعریف کرد که در آن احساس درگیر بودن شغلی، وفاداری و باور به ارزش‌های سازمان جای دارد؛ زیرا پاداش

خدمت از معیارهای رایج بالاتر است و مدیران میانی از پاداش‌های سخاوتمندانه برخوردار می‌شوند. ۳- ثبات نظام اجتماعی را ترغیب می‌کند: زیرا کارکنان با احساس اطمینان از امنیت شغلی، فضایی را که آینده‌ای غیرمعمول از تعهد پرهیجان به سخت‌کوشی و پذیرش نظارت‌های دقیق است، برای سازمان به وجود می‌آورند. ۴- با یاری‌دادن به اعضا برای پی بردن به پیرامون کار خود رفتار آنان را شکل می‌بخشد: در این صورت نخبگان، شغل خود را از پایین‌ترین مرتبه آغاز می‌کنند و به‌وسیله کارکنان موفق با اصول بنیادین در سازمان آشنا می‌سازند (طوسی، ۱۳۷۲: ۱۵۸-۱۶۲). از این رو بر اساس تعریف فرهنگ سازمانی با ابعاد مختلف فکری، عاطفی و رفتاری محورهای اصلی جهت‌گردآوری داده‌ها در این پژوهش به شرح ذیل است:

- وضعیت ارتباطات فردی، سازمانی و صنفی افراد در داخل سازمان
- وضعیت همکاری‌های بیرونی سازمان با ذی‌نفعان و سازمان‌های دیگر
- وضعیت تعلق به کار، همکاری، کار تیمی و مشارکت در میان افراد سازمان
- وضعیت آگاهی نسبت به فلسفه، رسالت و اهداف سازمان، ساختار و جایگاه سیاسی سازمان

- وضعیت ثبات شغلی، پاداش‌ها و تنبیه‌ها در سازمان
- وضعیت جذب نیرو، تربیت و ارتقا در سازمان ستاد نانو
- در ادامه و پس از کدگذاری پاسخ‌ها، کدهایی به دست آمد که به نوعی یادآور شاخص‌های مفاهیمی همچون سرمایه معنوی، سرمایه فکری، سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی در حوزه علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی سازمانی بود و از این رو تنها با ارجاع این کدها به فرهنگ سازمانی، کفایت لازم برای فهم اتفاقات و روندهای ستاد نانو فراهم نمی‌شد. از این رو ضمن آن که ادراک روندهای شکل‌گیری سرمایه‌های نامشهود سازمان ستاد نانو و نحوه ترکیب و انتظام یابی آن در ارتباط با یکدیگر در داده‌های به دست آمده در دستور کار قرار گرفت، تلاش شد با استفاده از داده‌های حاصل از مصاحبه‌های رسانه‌ای مسئولان ستاد و نیز اسناد و گزارش‌های جدید منتشر شده این روند تکمیل شود. جالب توجه اینکه بخش عمده‌ای از این سرمایه‌های نامشهود به صورت برنامه‌ریزی شده کسب شده بودند و از همین رو روند پژوهش حاضر به چگونگی ایجاد فرهنگ سازمانی در پرتو ساخت و نحوه ترکیب سرمایه‌های نامشهود در سازمان و نقش آن‌ها در هدایت و رفتار سازمانی معطوف شد.

## ۲-۱- تعریف سرمایه‌های نامشهود

سرمایه ثروت و دارایی است که می‌تواند تولید ارزش و سود کند. تا چند دهه قبل سرمایه یک کارخانه صرفاً شامل ماشین‌آلات و سرمایه اقتصادی و زمین کارخانه و مواد اولیه که قابل مشاهده و اندازه‌گیری و قیمت‌گذاری پولی‌اند می‌شد؛ اما در دهه‌های اخیر مفهوم سرمایه توسعه‌یافته است و اشکالی از سرمایه‌های نامشهود همچون مالکیت معنوی، مارک تجاری، ساختار، ایده‌های خلاقه، ارتباطات و... شناسایی شده‌اند که می‌توانند مانند سرمایه‌های پولی مورد رقابت قرار گیرند و باعث حصول ارزش و سود شوند. (Ariawan & etc, 2016) بورديو<sup>۱</sup> اولین فردی بود که مفهوم سرمایه‌های نامشهود را برای توضیح روابط نابرابر و قشربندی اجتماعی البته در شکل انتقادی مورد استفاده قرار داد، اما این چارچوب مفهومی بعد از او بیشتر از وجه ایجابی و غیر انتقادی آن توسعه یافت. برخی سرمایه‌های نامشهود را سرمایه‌های معنوی<sup>۲</sup> نیز نام نهاده‌اند، اما برای تمایز بهتر لازم است سرمایه‌های معنوی را مانند اسکات و همکاران (Scott Jr, 2018) و ریما (2017 Rima) به باورهای مذهبی و یا جستجوی خدا و معنی در زندگی محدود کنیم. برخی نیز سرمایه‌های نامشهود را با سرمایه‌های فکری<sup>۳</sup> یکی گرفته‌اند (Ariawan & etc, 2016) که البته بهتر است میان سرمایه فکری با سرمایه‌های نامشهود تفکیک قائل شویم. بر اساس این تفکیک گذاری‌ها برخی از مهم‌ترین شاخص‌های سرمایه نامشهود بسط یافته در دهه‌های متأخر در ادامه آمده است.

«سرمایه ارتباطی»<sup>۴</sup>: شامل حفظ و کسب رابطه با افراد و گروه‌هایی است که در کسب و کار تأثیرگذارند و مانند عوامل محیطی و اقتصادی در زنجیره تولید ارزش مفید واقع می‌شوند. (Ariawan & etc, 2016) سازه «سرمایه اجتماعی»<sup>۵</sup> در علوم اجتماعی شبیه به این مفهوم است با این تفاوت که مشهورتر و تفصیل یافته‌تر است. سرمایه اجتماعی در کنار سرمایه‌های اقتصادی و انسانی، بخشی از ثروت ملی یا فردی به حساب می‌آید و بستر مناسبی برای بهره‌برداری از سرمایه انسانی و فیزیکی (مادی) و راهی برای نیل به موفقیت قلمداد می‌شود و مقولاتی چون «اعتماد»، «مشارکت»، «شبکه اجتماعی»

1. Piere Bourdieu)1986)
2. Spritual Capitals
3. Intellectual Capitals
4. Relational Capital
5. Social Capital

و «حمایت اجتماعی» از عناصر اصلی این مفهوم هستند. (نک به: Coleman, 1990)؛ شریفیان ثانی، (۱۳۸۰) اعتماد اجتماعی عبارت است از انتظارات و تعهدات اکتسابی و تأیید شده به لحاظ اجتماعی که افراد نسبت به یکدیگر و نسبت به سازمان‌ها و نهادهای مربوط به زندگی اجتماعی‌شان دارند. (ازکیا و دیگران، ۱۳۸۰) اعتماد دارای دو بعد امنیت شخصی، انتظار همکاری و سود متقابل است از این رو انسجام و یکپارچگی جامعه و گروه‌های اجتماعی تا حد زیادی به میزان اعتمادی وابسته است که در میان کنشگران اجتماعی وجود دارد. «مشارکت» نیز نوعی فرایند سازمان‌یافته است که افراد جامعه به صورت آگاهانه و داوطلبانه با در نظر داشتن هدف‌های معین و مشخص در آن سهیم می‌شوند. (بیرو، ۱۳۷۵؛ محسنی تبریزی، ۱۳۷۵) از نظر لین<sup>۱</sup> حمایت اجتماعی عبارت است از «انواع و فراوانی تعاملات حمایتی خاصی که فرد در روابط اجتماعی در قالب آن‌ها کمک‌های ابزاری، عاطفی و اطلاعاتی به عنوان کارکردهای حمایت در نظر می‌گیرد. (بهمنی، ۱۳۸۷) در بحث مربوط به حمایت اجتماعی رایج‌ترین تعریف مربوط به لیندزی<sup>۲</sup> است که به در دسترس بودن و کیفیت روابط با افرادی که منابع حمایتی را در مواقع مورد نیاز فراهم می‌کنند تأکید دارد و معتقد است که اقوام، خانواده، دوستان، آشنایان و... خدماتی عینی را فراهم می‌کنند که موجب می‌شود یک فرد احساس دوست داشته شدن، عزت‌نفس و ارزشمند بودن کند و خود را جزئی از شبکه‌ی ارتباطی بداند. (همان) «سرمایه ساختاری»<sup>۳</sup>: توانایی سازمان برای برآوردن فرآیندهای معمول و تحقق ساختار طراحی شده است که از تلاش‌های کارکنان برای تولید عملکرد فکری بهینه و همچنین عملکرد کلی سازمان حمایت می‌کند. (Ariawan & et al, 2006) «سرمایه سازمانی»<sup>۴</sup> از مفاهیم شبیه سرمایه ساختاری سازه است و عبارت است از مجموع دارایی‌های نامشهود که توانایی انجام کار و خلاقیت سازمانی را ممکن می‌سازد. مأموریت سازمان، چشم‌انداز، ارزش‌های اساسی همچون کار و تلاش و نظم و استراتژی‌ها و سیستم‌های کاری و فرآیندها و نیز فرهنگ و ارتباطات درونی یک سازمان می‌تواند در زمره این نوع دارایی‌ها شمرده شود. مفهوم سرمایه سازمانی در سال‌های اخیر به شدت مورد توجه قرار گرفته و در متون علمی مدیریت و اقتصاد نیز بدان پرداخته شده است. این واژه ابتدا توسط پرسکات و

1. Lin
2. Lindys
3. Structural Capital
4. Organizational Capital

ویسچر (Prescott & et al., 1989) به عنوان انباشت و استفاده از اطلاعات خاص برای تحریک کارایی تولید در یک بنگاه تعریف شد. این سرمایه می‌تواند به عنوان منبعی با ارزش برای یک بنگاه تلقی شود. ایونسون و وسف‌تال (Evenson & et al., 1995) به شکل مختصر سرمایه سازمانی را «دانشی برای ترکیب سرمایه فیزیکی و مهارت‌های انسانی به منظور تولید و دستیابی به محصولاتی دلخواه و راضی‌کننده» تعریف می‌کنند؛ بنابراین سرمایه سازمانی ناظر به زیرساخت‌ها و رویه‌های اداره، استفاده از منابع و ظرفیت‌های مستمر و خلاقانه‌ای است که امکان تولید خروجی مطلوب را فراهم می‌کند. محمدی (۱۳۹۲) نیز «میزان اعتماد متقابل مدیران و کارکنان، همکاری و کار تیمی، صداقت و امانت‌داری، آگاهی و دانش کاری، امنیت شغلی، شایسته‌سالاری در محیط کار، فرصت‌های برابر و عدالت، شناخت اهداف و رسالت مجموعه سازمانی، میزان خلاقیت و نوآوری در سازمان، میزان اعتماد و همکاری مخاطبان و سایر ارگان‌های مرتبط با سازمان، ایفای مسئولیت‌های اجتماعی، ارتباطات بهتر با مشتریان، مخاطبان، دولت و سایر سازمان‌ها و بنگاه‌ها، کار شایسته را» از جمله شاخص‌های سرمایه سازمانی ناملموس برشمرده است. برادران روس سرمایه نامشهود را شامل سرمایه انسانی، سرمایه سازمانی و سرمایه ارتباطاتی تعریف کرده‌اند (آقایی و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۹) و تلاش کرده‌اند این مقولات را در کنار هم ساختار بندی کنند. در این ساختار بندی «سرمایه انسانی» عناصر مختلف منابع انسانی از جمله نگرش، شایستگی‌ها، تجربه‌ها و مهارت‌ها، دانش ضمنی و نوآور بودن و ... را شامل می‌شود که بسیار نزدیک به مفهوم سرمایه فرهنگی است. «سرمایه سازمانی» در واقع شامل همه ذخایر غیرانسانی دانش در سازمان‌ها شامل پایگاه داده‌ها، دفترچه‌های راهنما، استراتژی‌ها و فرایندها، فرهنگ سازمانی، انتشارات و مالکیت فکری می‌شود که برای سازمان ایجاد ارزش می‌کنند. به طور خلاصه سرمایه سازمانی آن چیزی است که در یک سازمان در پایان روز و بعد از اینکه افراد سازمان را ترک کردند باقی می‌ماند و شامل دو جزء سرمایه نوآوری و سرمایه ساختاری است. سرمایه سیاسی نیز معمولاً جزیی از سرمایه سازمانی و ساختاری محسوب می‌شود.

۱. همچنین نک به:

Carlin, Bruce Ian, Bhagwan Chowdhry, and Mark J. Garmaise. "Investment in organization capital. Journal of Financial Intermediation (2011)  
Martín-de-Castro, Gregorio, et al. "Organizational capital as competitive advantage of the firm. Journal of Intellectual Capital 7.3 (2006): 324-33

«سرمایه سیاسی»<sup>۱</sup>: اشاره به دارایی‌های سیاسی و موقعیت یک سوژه در شکل‌دهی به روابط سیاسی موفق با افراد و نهادها و ارگان‌های سیاسی دارد. سرمایه سیاسی با مشروعیت سیاسی در ارتباط است و به نوعی وجه ملموس‌تر مشروعیت سیاسی و در واقع پایه ذهنی ثبات سیاسی است (Geetha & et al., 2010).

«سرمایه فکری»<sup>۲</sup>: شامل تمامی منابع دانش محوری است که برای سازمان ارزش اضافی تولید می‌کنند ولی در صورت‌های مالی وارد نمی‌شوند؛ به عبارت دیگر سرمایه فکری عبارت است از داشتن ایده، دانش، به کار گیری تجربه، تکنولوژی سازمانی، ارتباط با مشتری و عرضه‌کننده و نیز توانایی‌های حرفه‌ای که یک مزیت رقابتی در بازار را از آن شرکت می‌کنند (آقایی و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۴-۲۳). ایده محوری که کلیت توسعه سازمان را تمهید می‌کند، تجربیات ضمنی قبلی مدیران، دانش‌های فناورانه و ... را می‌توان از مهم‌ترین مؤلفه‌های سرمایه فکری سازمان‌ها در نظر گرفت.

«سرمایه فرهنگی»<sup>۳</sup>: اشاره به «قدرت شناخت و قابلیت استفاده از کالاهای فرهنگی»، «پیش‌داشته‌های فکری و نظری»، «تجربیات عملی» و «مهارت‌های افراد» در حوزه روابط عمومی، سازمانی، اداری و اقتصادی دارد که در واقع منبعی از قدرت انباشته برای پیگیری بهتر اهداف و ارزش‌های انسان در ارتباطات اجتماعی فراهم می‌کند (صادقی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۹۸-۱۹۷). داده‌های گردآوری‌شده این پژوهش با عاملیت‌های دبیرخانه ستاد نانو و اسناد مرتبط نشان می‌دهد که حفظ و نگهداشت سرمایه فرهنگی فردی و سازمانی و نیز تلاش برای ارتقای آن از مسیرهای گوناگون از دلایل عمده توفیق این سازمان است. متأسفانه بحث جامعه‌شناسی سازمانی در علوم اجتماعی حوزه‌ای نحیف بوده و ادبیات علمی بسیار کمی نیز در این باره تولید شده است و موضوع سرمایه‌های نامشهود معمولاً در زیر مجموعه رشته مدیریت و مدیریت منابع انسانی طرح می‌شود. لذا به دلیل ضعف‌های نظری موجود در این رشته‌ها مفاهیم و مقولاتی که معمولاً در این پژوهش‌ها تولید می‌شوند هم‌عرض یکدیگر فهم می‌شوند که در ادامه به ذکر دو نمونه اکتفا می‌شود. برخی از پژوهشگران (Ariawan & et al., 2006) علی‌رغم آن که تأثیر مفهوم سرمایه‌های نامشهود با عنوان سرمایه فکری با چهار سازه سرمایه انسانی، سرمایه ساختاری، سرمایه

1. Political Capital
2. Intellectual Capital
3. Cultural Capital

معنوی و سرمایه ارتباطی را بر عملکرد سازمان بسیار مفید دانسته‌اند، نتوانسته‌اند به این ارتباط وجهی نظری بخشیده و به این مفاهیم و سازه‌ها وزن دهی کنند یا تأثیرات متقابل و نحوه ترکیب آن‌ها را در نظر بگیرند.



نمودار ۲- الگوی ترکیب‌بندی سرمایه‌های نامشهود سازمانی (Ariawan & etc, 206)

الگوی برادران روس اگرچه سرمایه ساختاری را درون سرمایه سازمانی دیده است و سرمایه نوآوری را شامل ایده و سرمایه فکری سازمان و ذیل سرمایه سازمانی در نظر گرفته است (آقایی و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۹) ولی تفاوت زیادی با الگوی قبلی ندارد:



نمودار ۳- الگوی ترکیب سرمایه‌های نامشهود برادران روس

در میان پژوهش‌های داخلی نیز غیاثی ندوشن و امین‌الرعا (۱۳۹۴) در پژوهش خود بر روی کارکنان بانکی متوجه شدند که سرمایه اجتماعی و سرمایه فکری مناسب به بهره‌وری منابع انسانی منجر می‌شود. حسنوی و رمضان (۱۳۹۰) با بررسی تجربی خود نشان داده‌اند که یادگیری سازمانی باعث افزایش سرمایه فکری در سازمان می‌شود. رستگار و همکاران (۱۳۹۸) نیز نشان دادند که سرمایه معنوی بر جو اخلاقی تأثیر مستقیم و معنادار دارد و با بهبود جو اخلاقی حاکم بر سازمان تاب‌آوری سازمانی افزایش می‌یابد. امیری و همکاران (۱۴۰۰) هم تلاش کردند الگویی از سرمایه‌های معنوی [نامشهود]

در سازمان‌های مردم‌نهاد شهر تهران را برسانند که در آن سرمایه‌های معنوی (با صبغه دینی و مذهبی) این سازمان‌ها باعث افزایش بهره‌وری، پایداری سازمانی و رضایت شغلی شده است. اشکال این الگوهای اخیر مانند بسیاری دیگر از تحقیقات در حوزه مدیریت سازمان این است که علاوه بر اینکه نگاهی تقلیل‌گرایانه به سرمایه‌های نامشهود سازمان دارد و مثلاً همچون نمونه آخری سرمایه معنوی را به جای سرمایه نامشهود در نظر می‌گیرند در نحوه ساختار بندی این سرمایه‌ها با یکدیگر توجه نظری مناسبی ندارند.

### ۳- روش‌شناسی پژوهش

داده‌های این پژوهش از طریق مصاحبه‌های هدفمند نیمه ساختاریافته با متخصصان و مطلعان کلیدی (فلیک، ۱۳۹۰: ۱۸۳ و ۱۷۲) و مطالعه اسناد مرتبط با موضوع گردآوری شده‌اند. تعداد مصاحبه‌شوندگان در ابتدا ۱۵ نفر از مدیران و کارشناسان بالادست فعلی و سابق دبیرخانه ستاد نانو در نظر گرفته شده بودند اما به علت انسجام و همگونی فکری و روایی که میان مصاحبه‌شوندگان وجود داشت بعد از ۱۰ جلسه مصاحبه<sup>۱</sup> اشباع نظری ایجاد شد. در کنار مصاحبه‌ها مطالعه اسنادی شامل اسناد سیاستی ستاد و گزارش‌های سالانه و نیز مصاحبه‌ها و روایت‌های مکتوب منتشر شده در نشریات و کتاب‌های مختلف یا آرشیو ستاد نانو از منابع این پژوهش بوده است.<sup>۲</sup> در تحلیل داده‌ها نیز از «تحلیل مضمونی» استفاده شده است (تسلیمی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۵۳).

۱. از جمله سمت‌های مصاحبه‌شوندگان در زمان مصاحبه:

- معاون پژوهشی دفتر همکاری‌های فناوری ریاست جمهوری
- معاون پژوهشی پژوهشکده مطالعات فناوری و مدیر دبیرخانه ستاد نانو
- رئیس کارگروه صنعت و بازار ستاد نانو
- رئیس کارگروه ترویج و فرهنگ‌سازی ستاد نانو
- دبیر کارگروه سیاست‌گذاری و ارزیابی ستاد نانو
- کارشناس کارگروه سیاست‌گذاری و ارزیابی ستاد نانو

۲. برخی از مهم‌ترین این روایت‌های مکتوب: سند ده‌ساله راهبرد آینده و سند تکمیلی. کتاب الف تا ی: تجربیات و خاطرات شفاهی دست‌اندرکاران تشکیل ستاد نانو و سیاست‌گذاری نانو در ایران (برای رعایت اختصار در ارجاع به این کتاب در پاورقی‌ها به اختصار «کتاب الف تا ی استفاده می‌شود»، کتاب نانو تافته: تجربیات و خاطرات شفاهی فعالان حوزه تجاری‌سازی و اقتصاد نانو، کتاب نانو کلسیم: خاطرات و دستاوردهای فعالان حوزه ترویج دانش‌آموزی، مصاحبه‌های پیشین با آقای مهندس سجادی و دکتر سلطانی. همچنین داده‌هایی در قالب‌های آماری یا گزارش فعالیت یا اسناد مرتبط با ستاد در سایت ستاد نانو، خبرنامه نانو از دیگر داده‌های از پیش موجود میدان این پژوهش بوده است؛ و البته داده‌های پراکنده‌ای در قالب مصاحبه‌های منتشر شده یا نشده برخی از دست‌اندرکاران ستاد

#### ۴- یافته‌های پژوهش

مقولات اصلی حاصل آمده از کدگذاری مصاحبه‌های نیمه ساخت‌یافته پیرامون علل موفقیت و رشد پایدار نانو از نظر متخصصان و مطلعین دبیرخانه ستاد نانو در جدول شماره ۱ به همراه صورت‌بندی آن‌ها در قالب مفاهیم آشنا در حوزه علوم اجتماعی آمده است. البته برخی از مقولات را می‌توان در مفاهیم مختلفی جایابی کرد که در تشریح آنها صرفاً به مفهوم اصلی اشاره شده است.

جدول ۱- مقولات و مفاهیم استخراج شده از مصاحبه‌ها

مقولات	مفاهیم مرتبط
ایده پایا و پویا	سرمایه فکری، سرمایه ساختاری
مشروعیت سیاسی، دوری از سیاست زدگی	سرمایه سیاسی
ساختار سازی پایدار، چالاکی سازمانی	سرمایه سیاسی، سرمایه ساختاری
شبکه ارتباطی پیشین، ترویج مشارکتی، شفافیت، مدیریت تعارض منافع، مسئولیت و تعهد اجتماعی	سرمایه اجتماعی برون سازمانی
ارتباط افناعی، عاطفی و کریمانه، نظم بوروکراتیک اما منعطف، جذب هدفمند، پیوند نسلی در ستاد، نگاه تربیتی	سرمایه اجتماعی درون سازمانی، سرمایه ساختاری
پایایی مبتنی بر سند راهبردی، پویایی مبتنی بر ایده پیشرو، اعتقاد به کار، توجه به ابعاد انسانی در بروکراسی، چابکی سازمانی، توجه به کادر سازی سازمانی، انباشت تجربیات سازمانی	سرمایه ساختاری
انباشت تجربیات و تأملات سازمانی	سرمایه ساختاری، سرمایه فرهنگی
رصد دانش علمی روز، تخصص در حوزه مدیریت فناوری	سرمایه فرهنگی

#### ۴-۱- سرمایه فکری: ایده پایا و پویا

تداوم یک سازمان منوط به ساختاری است که در عین پویایی و خلاقیت در مواجهه با تحولات روز، پایایی خود را در بلندمدت نیز حفظ کند. با این ملاحظه به نظر می‌رسد مهم‌ترین عنصر سرمایه فکری سازمان نانو «ایده مرکزی» آن بوده که هم پایایی و هم پویایی سیستم را عینیت می‌بخشیده است. این ایده با مؤلفه‌ها و شاخص‌های چهارگانه‌ای

که داشته توانسته به شکل «خودآیین»<sup>۱</sup> انرژی لازم برای تداوم (پایایی) و توسعه (پویایی) سازمان نانو را فراهم کند. این خودآیین بودن ایده مرکزی نانو ناظر به روابط «نظام‌واره»<sup>۲</sup> پارسونزی است که مؤلفه‌های اصلی این ایده با یکدیگر برقرار می‌کنند<sup>۳</sup> که در ادامه درباره آن‌ها بحث می‌کنیم؛ اما سرگذشت شکل‌گیری ایده اصلی سازمان روایت جالبی به شرح زیر دارد:

«از اواخر دهه هفتاد (هم‌زمان با مطرح‌شدن نانو در ایران) «نسل دوم» ایده دانشگاه و پژوهش یعنی «دانشگاه و پژوهش معطوف به حقیقت»<sup>۴</sup> در ایران در حال ساختار سازی‌های جدید بود. در واقع مسئولان وقت وزارت علوم که در حال طراحی ساختارهای جدید پژوهشی همچون ساماندهی دانشگاه‌ها، نشریات علمی، رتبه‌های پژوهشی و شبیه آن بودند معتقد بودند: علم نباید به مفهومی فراتر از خود متعهد باشد» (نک به منصوری، ۱۳۹۲). از نظر آن‌ها پژوهش «موتور درون‌زایی» بود که احتیاج نداشت «کسی آن را هل دهد» بلکه خود «ذات کنجکاو انسان‌ها» پیشران علم است (همان). این تلقی به نوعی «پژوهش برای پژوهش» را دامن می‌زد. از همین رو وقتی برنامه‌ریزی برای نانو مطرح شد ایده وزارت علوم این بود که «برای پیشرفت نانو کافی است در حوزه تولید علم (تربیت دانشجو و ساخت آزمایشگاه و انتشار پژوهش و...) در دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها سرمایه‌گذاری کرد و سرریز این فعالیت‌ها ناگزیر صنعت و بازار نانو را شکل خواهد داد».<sup>۵</sup> اما دفتر همکاری‌های علمی و صنعتی به واسطه موقعیت سیاسی فرا بخشی خود (وابستگی به نهاد ریاست جمهوری) و «ارتباط نزدیک» با مسائل و مشکلات حاکمیت در توسعه صنعتی و نیز تجربیاتی که در ۱۵ سال بعد از تأسیسش به واسطه واردات صنایع و تکنولوژی‌های مورد نیاز کشور کسب کرده بود به ایده متفاوتی در توسعه صنعتی و علمی دست یافته بود که بیشتر به ایده‌های نسل سوم دانشگاه و پژوهش یعنی «پژوهش

1. autonomous  
2. Systematic

۳. همان‌طور که پارسونز (جامعه‌شناس کارکردگرای آمریکایی) نشان داده است یک نظام‌واره (سیستم) متعادل اجتماعی برای پایدار بودن نیاز به حفظ کارکردهای خود در چهار سطح است: همسازی با محیط (کارکرد اقتصادی)، هدف‌گزینی (کارکرد سیاسی)، حفظ نظم (کارکرد اجتماعی)، نگهداشت الگوی جمعی (کارکرد فرهنگی) (به‌عنوان مثال نک به: متفکران بزرگ جامعه‌شناسی (۱۳۸۸) راب استونز، مهرداد میردامادی (مترجم). نشر مرکز. ویراست ششم).

۴. درباره نسل‌های مختلف ایده دانشگاه نک به: (سفیدخوش، ۱۳۹۵).

۵. مصاحبه (۲)

معطوف به حل مسئله» و نسل چهارم یعنی «پژوهش معطوف به بازار»<sup>۱</sup> نزدیک بود که هنوز در ایران مطرح نشده بودند.

در واقع دفتر همکاری‌ها تا پیش از تشکیل ستاد نانو به یک «دانش ضمنی» اجمالی در توسعه فناوری‌ها در ایران رسیده بود چرا که مأموریت خود را حل مسائل دیگر بخش‌های اجرایی دولت تعریف کرده بود. این دفتر از زمان آغاز فعالیتش در ده ۱۳۶۰ و بعد از آن، چندین پروژه انتقال و بومی کردن فناوری در حوزه‌های صنعتی و مدیریتی از جمله پروژه‌هایی در حوزه‌های فناوری زیستی، پیل سوختی، طراحی نظام ارائه مدرک ICDL و... را در سطح ملی دنبال کرده بود و از این جهت دفتر در سطح کلان با مسائل و مشکلات کشور در حوزه صنعت و فناوری آشنا شده بود و نگاه وسیع‌تری نسبت به نهادهایی مانند دانشگاه که صرفاً قرار بود با پرورش نیروی انسانی و تولید پژوهش‌های علمی مسائل و مشکلات این حوزه را رفع کنند، داشت. در واقع دفتر همکاری‌ها به یک سازمان یادگیرنده تبدیل شده بود و این یادگیری سازمانی باعث شکل‌گیری یک سرمایه فکری مناسب (نک به: (حسنوی و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۸) شده بود و ایده دفتر همکاری‌ها را خیلی جلوتر از ایده وزارت علوم برده بود. آنان به این دریافت رسیده بودند که «تولید علم باید معطوف به تولید ثروت در کشور باشد و نه علم برای علم» و پژوهش برای پژوهش. آن‌ها به این باور رسیده بودند که برخلاف روندهای جاری سیاست‌گذاری علم در کشور «لوکوموتیو علم، بازار است نه آموزش!» و علم باید در خدمت مردم و مسائلشان باشد. ستاد از همان اول با همین ذهنیت متولد شد که هدف نانو بازار و جامعه است».<sup>۲</sup>

البته برخلاف نسل چهارم دانشگاه یعنی دانشگاه کارآفرین مؤسسان ستاد نانو در دفتر همکاری‌ها معتقد بودند که نانو علاوه بر تولید ثروت از طریق ایجاد اشتغال و ارزآوری باید «در خدمت حل مشکلات کشور و مردم» نیز باشد و مردم «باید بتوانند ثمرات فناوری نانو را در زندگی روزمره خود لمس کنند».<sup>۳</sup>

۹۰

اما علاوه بر مقوله‌های بالا گزاره دیگری که عمدتاً از زبان متصدیان ستاد به عنوان آرمان و هدف ستاد شنیده شد مقوله «ایجاد عزت و اعتمادبه‌نفس ملی» از طریق توسعه نانو بود. آن‌ها معتقد بودند که بالاتر از تولید ثروت و حل مشکلات «ایجاد اعتمادبه‌نفس ملی و شخصیت بخشی به کشور و مسئولین و مردم» است.<sup>۱</sup> در واقع از منظر متصدیان نانو توسعه این فناوری یا دیگر فناوری‌ها در ایران و رسیدن به سر قافله کاروان علم و فناوری دنیا صرفاً از طریق راه‌های معمول و تجربه‌شده دیگر کشورها صورت نمی‌گیرد، بلکه کشور نیازمند یک «جهش» و «راه میان‌بر» در این حوزه است و تعریف کردن توسعه نانو ذیل ارزش‌های متعالی‌تر همچون «حس اعتمادبه‌نفس ملی» انرژی لازم برای چنین جهشی را فراهم می‌کند.<sup>۲</sup>

مدیران عالی نانو همچنین با عنایت به تجربه «دفتر همکاری‌ها»، در صدد آزمودن توسعه نانو در «عرصه عینی و اجتماعی» و ارائه «الگوی بومی توسعه فناوری» به متولیان و سیاست‌گذاران علم و فناوری بودند. از این منظر، لایه‌ای عمیق‌تر و نتایجی بنیادی‌تر از دستاوردهای تکنیکی فناوری نانو و «افزایش بلوغ و توسعه‌یافتگی کشور» در کانون تمرکز و توجه قرار گرفت.<sup>۳</sup>

۹۱

#### ۴-۲- سرمایه اجتماعی

دفتر همکاری‌ها که خاستگاه ستاد بود در طی سال‌ها توانسته بود به واسطه ارتباط فرا بخشی با دیگر بخش‌ها و کمک به حل مسائل آن‌ها سرمایه اجتماعی مناسبی کسب کند اما این سرمایه برای شکل‌دهی به یک حرکت ملی ناکافی بود و از همین رو ستاد نیازمند کسب سرمایه اجتماعی مضاعف مناسبی بود. از سوی دیگر همان‌طور که اشاره شد ساختار دبیرخانه‌ای امکانات خوب اجرایی و نیز انباشتی برای ستاد نانو فراهم می‌کرد اما به دلیل مشارکت پایین اعضای شوراهای عالی کشور، ستاد با چالش کسب سرمایه اجتماعی مواجه بود از همین رو دبیرخانه تلاش می‌کرد با روش‌های مختلف این سرمایه اجتماعی را تقویت کند.

۱. نک به: مقدمه کتاب ایده دانشگاه (سفیدخوش، ۱۳۹۵).

۲. مصاحبه (۲)

۳. مثلاً در ابتدای «سند راهبرد آینده» درباره چشم‌انداز، مأموریت و اهداف نانو آمده است: ۱- دست‌یابی به سهم مناسبی از تجارت جهانی ۲- ایجاد زمینه مناسب برای بهره‌مندی از مزایای فناوری نانو در راستای ارتقای کیفیت زندگی مردم ۳- نهادینه شدن توسعه پایدار و پویای علوم، فناوری و صنعت نانو

۱. مصاحبه (۵)

۲. کتاب الف تا ی ص. ۱۲۶

۳. کتاب الف تا ی ص. ۱۴

## ۴-۲-۱- مشارکت و اعتماد اجتماعی برون‌سازمانی

همانطور که پیش از این اشاره شد شاخصه‌های اصلی سرمایه اجتماعی عبارتند از اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی. در ستاد نانو این سرمایه اجتماعی یک شبه ایجاد نشده بود.

## ۴-۲-۱-۱- شبکه ارتباطی پیشینی

جایگاه سازمان مؤسس نقش عمده‌ای در پیشبرد اهداف یک ستاد یا شورا دارد. بخش عمده اعتماد اجتماعی مورد نیاز دبیرخانه ستاد نانو نیز از دفتر همکاری‌ها به ستاد نانو انتقال یافته بود. یکی از مشارکت‌کنندگان در این باره می‌گوید:

«مأموریت دفتر همکاری‌ها به عنوان متولی دبیرخانه ستاد قبلاً این بود که مسائل فناوری وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های اجرایی را حل کند. البته در آخر، کار هم به اسم آن دستگاه اجرایی تمام می‌شد یعنی عملاً چیزی برای خودش نداشت و ناشناخته می‌ماند»<sup>۱</sup>

همچنین یکی از مهم‌ترین دارایی‌های دبیرخانه ستاد نانو «شبکه کارشناسی و مدیریتی» مرتبط با دفتر همکاری‌ها در وزارت خانه‌ها و دستگاه‌های اجرایی مختلف بود که به واسطه همکاری‌های بالا ایجاد شده بود. دفتر همکاری‌ها در هنگام تنظیم سند ده‌ساله ملی نانو (که ساختار و برنامه‌های اصلی ستاد را تعیین می‌کرد و قرار بود در هیئت‌وزیران تصویب شود) از همین فرصت استفاده کرد و کارشناسان و صاحب‌نظران حوزه‌های مختلف مرتبط با خود را از دستگاه‌های مختلف، برای تشکیل کارگروه‌های تنظیم سند، فراخواند و از این رو بود که توانست برنامه اولیه جامع‌تری پیرامون برنامه توسعه نانو را نسبت به برنامه اولیه وزارت علوم (که یک «برنامه بخشی» را پیشنهاد داده بود) تدوین کند که مورد توجه مقامات عالی و ارگان‌های درگیر نانو قرار گرفت. مضاف بر اینکه این شبکه ارتباطی از مهم‌ترین دلایل توفیق دفتر همکاری‌ها در شکل‌دهی به ستاد نانو و تعیین دبیرخانه به‌عنوان مرجعیت ستاد نانو (در رقابت با ایده و برنامه پیشنهادی وزارت علوم) بود.<sup>۲</sup> البته دبیرخانه بعد از انتزاع از دفتر همکاری‌ها و استقلال ساختاری هم در حفظ آن اعتماد اجتماعی و کسب اعتماد ذی‌نفعان و بازیگران جدید نیز موفق عمل کرده بود.<sup>۳</sup>

## ۴-۲-۱-۲- ترویج مشارکتی

در ادبیات ترویج علم سه مدل ترویجی شناسایی شده است: مدل «غالب»<sup>۱</sup> (نقصانی) یا اشاعه‌گرایانه، مدل «گفتگویی» و مدل «مشارکتی» (نک به: Trench، 2008). در مدل غالب، ترویج علم از سطح تخصصی تا سطح عمومی به صورت یک‌طرفه صورت می‌گیرد و ابزار آن آموزش است. مدل «گفتگویی» به نقش مخاطبان در گفتگو با دانشمندان در فضای عمومی ترویج علم برای جهت‌دهی به مسیر علم و فناوری ارجاع می‌دهد. مدل «مشارکتی» نیز به تسهیل مشارکت مخاطبان عمومی در جهت‌گیری علم و فناوری اشاره دارد.<sup>۲</sup> با مطالعه روند ارتباطی ستاد نانو با اقشار مختلف، به نظر می‌رسد راهبرد کلی به کار گرفته شده از سوی ستاد به عنوان واسطه‌ای میان علم با جامعه و بازار، بیشتر به مدل مشارکتی نزدیک است. البته اگرچه ابزارهای استفاده در ستاد شامل خبرنامه، سمینارهای عمومی و برنامه‌های آموزشی، مسابقات و تجهیزات آزمایشگاهی دانش‌آموزی و نمایشگاه‌های عمومی و غیره، بیشتر یادآور مدل اول - نقصانی - هم هست. بنا به گزارش‌های منتشر شده بخش ترویج ستاد تاکنون توانسته بیش از یک میلیون دانش‌آموز را با نانو آشنا کند و نیز ۵۰۰ گروه دانشجویی را برای برگزاری این سمینارها ساماندهی و حمایت کند که در طول زمان خود سرمایه اجتماعی عظیمی برای ستاد به ارمغان آورده است (توسعه فناوری مهرویژن، ۱۴۰۰: ۶۵-۳۷).

همچنین در ادبیات «ترویج علم»، دو مسیر کلی شامل مدل «پیوسته» و مدل «میانبر» برای ترویج شناسایی شده است (نک به: Bucchi، 1996)<sup>۳</sup>. مدل پیوستاری، بحث‌های تخصصی علمی را پله پله ساده کرده و در نهایت به درون جامعه هدایت می‌کند؛ ولی مدل میانبر از فضای عمومی جامعه برای هم‌گراکردن دانشمندان حوزه‌های مختلف و نیز تأثیر در حوزه سیاست بهره می‌گیرد. با توجه به شواهد موجود، به نظر می‌رسد که ستاد نانو دومین راهبرد یعنی راهبرد میانبر را برای ترویج نانو فناوری برگزیده است. یکی از مدیران ارشد ستاد در این باره می‌گوید:

۱. مصاحبه (۵)

۲. کتاب الف تا ی ص. ۱۳۲

۳. کتاب الف تا ی ص. ۴۸

1. dominant

۲. نک. به: مقدمه‌ای بر مطالعات علم و فناوری؛ سیسموندو، سرجیو (۱۳۹۲): انتشارات سروش؛ تهران

۳. این کتاب در سال ۱۳۹۶ توسط نشر آگه با عنوان علم در جامعه» نیز ترجمه و منتشر شده است.

«من برای بحث‌های ترویجی، یک شکلی کشیده بودم و گفته بودم «پایین به بالا» و «بالا به پایین»؛ پایین به بالا به این ترتیب بود که ما باید یکسری برنامه‌های ترویجی برای دانشگاه‌ها می‌گذاشتیم؛ بعد برای دانشجویها مسابقه ترتیب می‌دادیم و در تلویزیون هم چند تا برنامه مثل مصاحبه و... می‌گذاشتیم. این فعالیت‌ها برای این بود که [با مطالبه عمومی]، متخصصین کشور به این نتیجه برسند یا دولت را به این نتیجه برسانند که باید به صورت جدی روی این قضیه کار کنیم. از بالا به پایین هم به این شکل بود که گفته بودیم باید روی وزارتخانه‌ها کار کنیم. با تک‌تک وزارتخانه‌ها جلساتی بگذاریم و در هر وزارتخانه، فردی مسئول پیگیری نانو باشد»<sup>۱</sup>

#### ۴-۱-۲-۳- شفافیت

«شفافیت» در عملکرد از طریق انتشار منظم و مبسوط گزارش‌های سالانه در حوزه‌های مختلف علمی، اقتصادی و ترویجی نیز از دیگر مکانیسم‌های اعتماد ساز نانو بوده است (نک به: تارنمای ستاد ویژه نانو). از دیگر عوامل حفظ اعتبار و ایجاد اعتماد نسبت به دبیرخانه حفظ صداقت<sup>۲</sup> با مخاطبان و ذینفعان در سطوح مختلف ترویجی یا صنعتی و علمی بوده است.<sup>۳</sup>

#### ۴-۱-۲-۴- مدیریت تعارض منافع

یکی از مسائلی که باعث شده دبیرخانه ستاد نانو بتواند از اعتماد ایجاد شده مراقبت کند، «دوری از سیاست‌بازی‌ها»<sup>۴</sup> معمول<sup>۴</sup> و مهم‌تر از آن «دوری از شبهه‌های منفعت‌طلبانه شخصی<sup>۵</sup>، صنفی و سازمانی» بوده است:

«برای اولین بار، سیاست‌گذاری به دستگاهی محول شد که خودش در حوزه مأموریتش منافی نداشت، بدین معنی که نه سفارش‌دهنده فناوری نانو بود و نه عرضه‌کننده آن، نه انباری برای تجهیزات و محصولات داشت و نه آزمایشگاهی برای تحقیقات که سهمی از بودجه را برای خودش بخواهد. بدین ترتیب، دستگاه‌های ذی‌نفع می‌توانستند به این ساختار که رقیب هیچ‌یک از ذی‌نفعان نبود، اعتماد کنند و به همکاری با آن امیدوار باشند...»<sup>۶</sup>

۱. مصاحبه (۲)

۲. مصاحبه (۲)

۳. کتاب الف تا ی ص. ۱۳۱

۴. مصاحبه (۴)

۵. مصاحبه (۴)

۶. کتاب الف تا ی صص. ۹۴-۹۵

همچنین یکی از عوامل مانع بروز تعارض منافع صنفی این بود که مدیران ستاد نانو، نه در عرصه‌های تخصصی نانو (مثل فیزیک و شیمی و...) بلکه در حوزه «مدیریت تکنولوژی» صاحب تخصص بودند و همین مسئله مانع می‌شد که منافع صنفی یک‌رشته تخصصی خاص مانند فیزیک یا مواد بتواند سیاست‌گذاری در نانو را به سمت خاصی هدایت کند.

#### ۴-۱-۲-۵- مسئولیت اجتماعی

یکی دیگر از عوامل اصلی ایجاد اعتماد اجتماعی نانو توجه به مقوله «مسئولیت اجتماعی» نانو بوده است که در سند ده‌ساله نانو (افزایش کیفیت زندگی) نیز مورد اشاره قرار گرفته است. رشد نانو داروها در حوزه درمان سرطان و نیترات‌زدایی و آرسنیک‌زدایی از آب در سال‌های اخیر که بحران آب مطرح بوده است از نمونه‌های مسئولیت اجتماعی ستاد نانو بوده است. ستاد نانو اقدامات پیرامون این مسئولیت اجتماعی را ذیل شاخص «تأثیر اجتماعی»<sup>۱</sup> در گزارش‌های جداگانه‌ای منتشر می‌کند که عمدتاً شامل دستاوردهای نانویی در افزایش کیفیت زندگی مانند حوزه دارو و سلامت، آب و محیط‌زیست و...<sup>۲</sup> است. همچنین از راهبردهای مسئولیت اجتماعی ستاد نانو توجه به مسئله ایمنی زیستی بوده است:

«حتی جاهایی توجه به مقوله ایمنی (safety) باعث شد که نانو یک جاهایی

رشد نکند و ما متوجه هستیم که این به نفع محیط‌زیست و جامعه هم هست»<sup>۳</sup>.

#### ۴-۲-۲- مشارکت، اعتماد اجتماعی درون‌سازمانی

بُعدی دیگر از این سرمایه اجتماعی به روابط و ارتباطات و مشارکت‌های درونی سازمان باز می‌گردد. یکی از ویژگی‌های منحصربه‌فرد ستاد نانو انسجام سازمانی و همگرایی بالایی عاملیت‌های انسانی در آن بوده است. این همگرایی هم در نظر و هم در عمل اتفاق افتاده است.

۱. مصاحبه (۳)

۲. مصاحبه (۲)

۳. مصاحبه (۲)



## ۴-۲-۱- رابطه افناعی و عاطفی

یکی از راهبردهای ارتباطی و ترویجی تلاش برای «افناع مخاطب»<sup>۱</sup> درونی و بیرونی ستاد به دور از رفتارهای نمایشی یا تبلیغاتی بوده و برقراری «ارتباط عاطفی»<sup>۲</sup> با مخاطبان و ذینفعان ستاد یکی از راهبردهای اصلی بوده است. همچنین ارتباط مبتنی بر توجه به کرامت نفس مخاطب<sup>۳</sup> و دور شدن از نگاه یکسویه بالا به پایین به مخاطب و تلاش برای رشد دادن مخاطب و نه صرفاً انتقال داده‌ها از تکنیک‌های همگرایانه در سازمان ستاد نانو بوده است:

«جلسات ستاد که برگزار می‌شود کارشناسان می‌توانند در اتاق کنار سالن کنفرانس

را به‌صورت زنده جلسه را دنبال کنند و مباحث را ببینند»<sup>۴</sup>.

از روش‌های دیگر انتقال فرهنگی بینا نسلی در ستاد نانو برای ایجاد حس تفاهم مشترک و همدلی مشارکت آمیز، بازخوانی و گفتگوی مداوم مدیران ارشد با کارشناسان پیرامون اهداف، تاریخچه و تعهدات سازمان به‌صورت مداوم بوده است. در واقع این بازخوانی‌ها که به مناسبت‌های تقویمی مختلف صورت می‌گیرد به «آیین تربیتی» ستاد تبدیل شده است.<sup>۵</sup>

## ۴-۲-۲- جذب هدفمند و همساز

نکته قابل توجه این است که برای ایجاد همگرایی و همکاری و مشارکت‌های سازمانی به مقوله جذب و تربیت نیروی انسانی جدید بسیار توجه شده است به طوری که جذب افراد جدید به‌عنوان کارشناس، مدیر یا همکار به صورتی بوده که انسجام سازمانی حفظ شود و حضور افراد به ایجاد اصطکاک با مدیریت سازمان و نیز دیگر اعضا منجر نشود. برای تحقق این راهبرد یکی از این تدابیر در ستاد نانو جذب دانشجویان فعال و دغدغه‌مند همکار با ستاد در حوزه ترویج بوده که آشنایی قبلی با جهت‌گیری‌ها و ارزش‌های سازمانی ستاد داشته‌اند<sup>۶</sup> البته صرفاً مهارت‌های علمی و فنی افراد مورد توجه

نبوده بلکه «مهارت‌های سازمانی و ارتباطی»<sup>۱</sup> و روحیات شخصی از جمله «علاقه به کار»<sup>۲</sup> نیز به‌صورت ویژه مورد توجه قرار گرفته است. حتی دست‌اندرکاران ستاد برای فهم کیفی این شاخص‌ها در افراد جذب‌شده این شاخص‌ها را در پرتو «طرح و برنامه کلی زندگی»<sup>۳</sup> نیروهای جذب شده جستجو می‌کرده‌اند.

## ۴-۲-۳- پیوندهای بین نسلی

اگرچه ستاد نانو بر جذب نیروهای سازمانی حساسیت‌های ویژه‌ای به خرج داده اما مهم‌تر از آن به فرآیند تربیتی نیروهای سازمان به‌نحوی که سازمان همگرایی خود را در جذب‌های جدید باز یابد توجه داشته‌اند. ارتباط میان نسلی و انتقال تجربیات و دیدگاه‌های نسل اول به نسل دوم ستاد با روش‌های گوناگون از جمله مشارکت دادن مستقیمشان در تنظیم اسناد سازمانی<sup>۴</sup> و یا «شرکت دادنشان در جلسات مهم و تصمیم‌گیری‌های بالادستی ستاد» از مهم‌ترین فعالیت‌های تربیتی در ستاد نانو بوده است. این توجه باعث شده است که تعداد «نیروهای جوان آماده قبول مسئولیت مدیریت» در ستاد قابل توجه باشد.<sup>۵</sup> حجم بالای ارتباط میان مدیران و کارشناسان جوان این تلقی را ایجاد کرده که این نیروها مفاهیم و اصول مدیریت دانش و تکنولوژی و... و نیز مدیریت و رفتار سازمانی را با روایت مدیران ستاد فرا گرفته‌اند نه از آموزش‌های دانشگاهی‌شان.<sup>۶</sup>

## ۴-۲-۴- نگاه تربیتی به عملیات‌ها

مهم‌ترین ابزار تربیتی غیرمستقیم در ستاد هماهنگی قول و فعل مدیران و الگو بودن اخلاقی و فکری مدیران بوده است. به جای منفعت‌طلبی‌های شخصی و صنفی، نفع سازمانی و خیر عمومی در فعل و قول مسئولان سازمان متجلی بوده است:

در این ستاد، کسی نمی‌خواست خودش یک‌تنه قهرمان و همه‌کاره باشد. می‌خواستند

مهره‌ای از یک سیستم توسعه‌دهنده باشند. ستاد نانو با مشارکت وزارتخانه‌هایی که

ذینفعان عمده فناوری نانو بودند، تشکیل شد، اما اعضای ستاد در پی تحقق منافع

ملی بودند، نه منافع سازمانی»<sup>۷</sup>.

۱. مصاحبه (۵)

۲. مصاحبه (۵)

۳. مصاحبه (۵)

۴. مصاحبه (۵)

۵. مصاحبه (۱)

۶. مصاحبه (۵)

۷. کتاب الف تا ی ص. ۱۲۳

۱. مصاحبه (۲)

۲. مصاحبه (۵)

۳. مصاحبه (۵)

۴. مصاحبه (۵)

۵. مصاحبه (۳)

۶. مصاحبه (۴)

### ۳-۴- سرمایه‌سازی سازمانی

همانطور که اشاره شد سرمایه‌سازی سازمانی ناظر به زیرساخت‌ها و رویه‌های اداره، استفاده از منابع و ظرفیت‌های مستمر و خلاقانه‌ای است که امکان تولید خروجی مطلوب را فراهم می‌کنند.

### ۳-۴-۱- ساختار سازی پایدار

دفتر همکاری‌های فناوری ریاست جمهوری به‌عنوان متولی و مؤسس اولیه دبیرخانه ستاد نانو، ذیل نهاد ریاست جمهوری بود و از همین جهت سرمایه‌سازی بالایی را در ارتباط‌گیری دفتر همکاری‌ها با دیگر سازمان‌ها و ارگان‌های دولتی یا بنگاه‌های غیردولتی داشت. قبل از طرح مسئله نانو در سال ۷۹ دفتر همکاری‌ها فعالیت‌ها و ارتباطات خوبی با دیگر سازمان‌ها و ارگان‌های دولتی و حاکمیتی برقرار کرده بود و رئیس‌جمهور وقت نیز با توجه به اعتمادی که به دفتر همکاری‌ها پیدا کرده بود برنامه و ایده دفتر همکاری‌ها را (به نسبت برنامه وزارت علوم وقت در توسعه نانو) پذیرفت و آن را مأمور تشکیل ستاد نانو کرد. البته دفتر همکاری‌ها که پیش از این تجربه راهبری برخی فناوری‌ها (مانند بایوفناوری، فناوری اداری ICDL، پیل سوختی و...) داشت این بار از ابتدا تلاش کرد که شأنی «فرابخشی» نسبت به وزارتخانه‌های دولتی<sup>۱</sup> یعنی زیر نظر خود رئیس‌جمهور برای ستاد نانو فراهم کند و خود را از چاه ویل رقابت‌های بخشی درون دولتی دور نگه دارد تا اصطکاک‌های سیاسی انرژی لازم برای پیشبرد این فناوری را هرز ندهد.

### ۳-۴-۲- مشروعیت سیاسی

از این رو مسئولان دفتر همکاری‌ها برای تشکیل ستاد نانو در «بالترین سطح سیاسی» ممکن با حضور معاون اول رئیس‌جمهور و برخی دیگر از وزرا و نمایندگان سایر دستگاه‌های مرتبط تلاش کردند و توانستند برای تثبیت سیاسی آن از هیئت دولت برای تشکیل «ستاد ویژه توسعه فناوری نانو» مصوبه‌ای بگیرند. چنین فعالیت‌هایی معمولاً در قالب تشکیل یک «شورای عالی» پیگیری می‌شود اما اینکه در مورد نانو ساختار ستادی به جای شورای عالی تصویب شد روایت جالبی دارد:

در مورد کلمه شورای عالی هم بحث شد. رفتیم بررسی کردیم که چند تا شورای عالی داریم. برای ساختار فکر کردیم که ساختارهایی مثل شوراهای عالی در کشور ایراداتی

۱. مصاحبه (۵)

دارند و ساختار خوبی برای اجرا نیستند بلکه صرفاً ساختار خوبی برای تصمیم‌گیری‌اند چون جنبه اجرای شورا ضعیف‌تر است و در کل ساختارهای ضعیفی هستند؛ شوراها بیشتر برای رأی‌گیری و ساخت‌وساز و تقسیم منافع و... هستند و یک ساختار کارشناسانه محسوب نمی‌شوند بلکه یک تصمیم‌گیری گروهی است که فقط دعوای را خاتمه می‌دهد ولی تکالیف و مأموریت‌ها را به‌طور جدی نمی‌توانند دنبال کنند. پیشنهاد کردیم به جای شورا اسم آن را ستاد «بگذاریم». در آن موقع هیچ ستادی (با این ماهیت در کشور) وجود نداشت؛<sup>۱</sup> یک احساسی در همه ما وجود داشت که شوراهای عالی ساختار بدنام و ناموفقی در ساختار سیاسی کشورند. قرار شد که از کلمه شورا و شورای عالی استفاده نکنیم؛ اما دیدیم تنها شورایی که به نظر می‌آید جایگاه خوبی دارد و موفق است شورای عالی انقلاب فرهنگی است. دیدیم شورا یک دبیرخانه‌ای دارد و برخلاف شوراهای عالی، ذیل هیچ وزارتخانه‌ای فعالیت ندارد و مستقل است. دبیر شورا مستقیم با رئیس‌جمهور کار می‌کند و زیرمجموعه هیچ وزارتخانه‌ای نیست. از همین جهت گفتیم اسمش شورا نباشد اما ساختارش شبیه شورای عالی انقلاب فرهنگی باشد... کلمه ستاد برای کارهای هماهنگی بین بخشی استفاده می‌شد. درنهایت ما نقاط ضعف و قوت دو کلمه ستاد و شورای عالی را بررسی کردیم و درنهایت رسیدیم به ستاد. گفتیم که ستاد اسم بهتری است. تأکید شد که کلمه «ویژه» هم داشته باشد، به خاطر اینکه اختیارات خاصی باید داشته باشد<sup>۲</sup>...

### ۳-۴-۳- دوری از سیاست‌زدگی

مسئولان دفتر همکاری‌ها در کنار این طراحی‌ها تمهیدی فراهم کردند که گرفتاری‌ها و اقتضات مرسوم ساختارهای سیاسی سطح بالا، مانع از تحرک و چابکی فعالیت‌ها نگردد. از این رو تلاش کردند «دبیرخانه» ستاد را که خود متولی آن شده بودند را به عنصری اساسی و «فعال»<sup>۳</sup> در ستاد نانو تبدیل کنند. این تمهید از این جهت بود که در ساختارهای شورایی اگرچه سرمایه اجتماعی دبیر شورا به خاطر مشارکت افراد در انتخاب دبیر بالاست اما به خاطر تغییر و تحولات سریع سیاسی اعضا و نمایندگان حاضر در ساختارهای شورایی بحث‌ها و تجربیات انباشت نمی‌شوند و نیز از این جهت که میان سیاست‌گذاری و اجرا تضادهایی ایجاد گردد (اسدی فرد و دیگران، ۱۳۹۰: ۷۳-۷۴) از

۱. مصاحبه (۱)

۲. مصاحبه (۲)

۳. مصاحبه (۱)

همین رو ساختار دبیرخانه‌ای با عاملیت دفتر همکاری‌ها پیگیری شد. در واقع تصمیم هوشمندی که در ساختارسازی گرفته شده بود این بود که ساختار اداری و سیاسی و اقتصادی ستاد نانو مستقل از تغییرات و آمد و شد دولت‌ها شود تا بتواند پایدار بماند. به همین خاطر بود که در دولت نهم که بسیاری از شوراهای عالی توسط رئیس‌جمهور وقت منحل شد، ستاد ویژه فناوری نانو از این تغییر و تحولات مصون ماند.

#### ۴-۳-۴- پایایی مبتنی بر سند راهبردی

سند راهبردی ۱۰ ساله نانو با عنوان «راهبرد آینده» مهم‌ترین برنامه و سند ستاد از ابتدا بوده است که در سال ۱۳۸۴ در هیئت دولت مورد تصویب قرار گرفت. بعد از دوره ۱۰ ساله اول ستاد این سند تاکنون متناسب با اقتضات و تجربیات ستاد دو بار به‌روزرسانی شده است. این اسناد را می‌توان مهم‌ترین مؤلفه سرمایه سازمانی ستاد در پیگیری اهدافش دانست. تلاش برای مکتوب کردن تجربیات ستاد در حوزه‌های مختلف پژوهشی، اقتصادی و تجاری‌سازی، ترویجی و نیز توسعه از طریق نهادسازی‌های جدید از جمله ایجاد شبکه آزمایشگاه‌های نانو و یا کریدور نانو یا دوره‌های توانمندسازی توانا را می‌توان از دیگر مؤلفه‌های سرمایه سازمانی ستاد نانو دانست.

#### ۴-۳-۵- پویایی مبتنی بر ایده پیشرو

ایده اساسی هر سازمان مهم‌ترین دارایی فکری آن سازمان است که در ستاد نانو این ایده به وضوح در اسناد آن مورد اشاره قرار گرفته و مورد تفاهم عاملیت‌های سازمان بوده که در بخش سرمایه فکری نیز به آن اشاره شد. در واقع این ایده به علت توجه به پویایی‌های زندگی روزمره در قالب مفهوم «کیفیت زندگی» بروز خلاقیت در توسعه نانو را تسهیل می‌کرد.

#### ۴-۳-۵-۱- اعتقاد به کار

یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های سازمانی ارزش‌ها، باورها و معناداری معنوی سازمان در میان ذی‌نفعان آن است که معمولاً با عنوان «سرمایه معنوی» نیز شناخته می‌شوند (امیری و همکاران، ۱۴۰۰). در میان مسئولان دبیرخانه ستاد نانو اعتقاد به کار و «باور درونی»<sup>۱</sup> که باعث «تمرکز بر روی کار» و «نظم»<sup>۲</sup> شده را می‌توان از شاخصه‌های مثبت سرمایه

معنوی برشمرد. این باور درونی به کار باعث ایجاد غیرت، حمیت و علقه نسبت به کار شده بود چرا که افراد غالباً کار را از آن خود می‌دانند:

درواقع ما [برخلاف مؤسسات که سندهای توسعه‌ای‌شان را مؤسسات تخصصی بیرونی می‌نویسند] سند توسعه را خودمان نوشتیم. همه درگیر نوشتن بودند و همان افرادی که در نوشتن مشارکت داشتند و با اعتقاد آن را نوشتند با اعتقاد هم اجرا می‌کردند»<sup>۱</sup>.

یکی از دلایل این باور عمیق پیوند خوردن کار با ارزش‌های دینی و مذهبی افراد است که «برگزاری جلسات توسل به اهل بیت» در ستاد از نشانه‌های آن است. فراتر از آن مسئولان ستاد تلاش کرده‌اند «کار در سازمان» را به نوعی در طرح و معنای کلی زندگی کارکنان جایابی کنند. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این باره می‌گوید:

بعد از یک سال که در ستاد کار می‌کردیم، یک مصاحبه داشتیم که خارج از فضای گزینش بود. ما قبلاً مصاحبه گزینش رفته بودیم، ولی این گویا بیشتر برای شناخت دیدگاه‌ها بود؛ یعنی سؤالاتی که از ما طرح می‌شد بیشتر از جنس این بود که مثلاً هدف از زندگی چیست و می‌خواهی چه کار کنی! یعنی نگاه به این بود که چشم‌اندازهایی که هر فرد جلوی چشمش هست ارزیابی شود.<sup>۲</sup>

#### ۴-۳-۶- توجه به ابعاد انسانی در برووکراسی

اگرچه نظم برووکراتیک نیاز هر سازمان مدرن برای تحقق مأموریت‌ها و اهدافش است و قانون و روابط غیرشخصی، تخصص‌گرایی و تقسیم‌کار، سلسله‌مراتب و آرشو و... از شاخصه‌های اصلی برووکراسی مدرن هستند (رایبیز، ۱۳۷۹: ۳۴-۵۱) و ستاد نانو به عنوان یک سازمان خالی از این شاخصه‌ها و ویژگی‌ها نبوده اما این برووکراسی که برای تحقق اهداف سازمان مفید و مؤثر است می‌تواند با انسان زدایی از روابط کار و سازمان خود مانع تحقق اهداف سازمان باشد. یکی از ویژگی‌های ستاد نانو این بوده که به‌واسطه ایجاد اعتماد میان عاملیت‌های بالادست و فرودست در عین رعایت شاخص‌های یک سازمان برووکراتیک به بعد انسانی عاملیت‌های سازمانی نیز توجه شده است. به عنوان

۱. مصاحبه (۲)

۲. کتاب الف تا ی صص. ۱۱۰-۱۱۱

۳. مصاحبه (۵)

۱. مصاحبه (۲)

۲. کتاب الف تا ی صص. ۶۵

مثال ایجاد «ارتباط نزدیک میان مدیران و کارشناسان در فضای کاری»، افزایش «روابط غیررسمی» و «اختیارات بالای کارشناسان در تصمیم‌گیری»<sup>۱</sup> از شاخصه‌های منعطف کردن روابط بوروکراتیک در ستاد نانو بوده است.

#### ۴-۳-۷- چابکی سازمان

در نهایت اینکه این «نظم در عین انعطاف» هنگامی ظهور می‌یابد که سازمان چابک باشد. هرچقدر سازمان چابک‌تر باشد امکان تعارض منافع در داخل سازمان کمتر و در نتیجه اعتماد بیشتر خواهد شد و عملیات‌ها کمتر از ابزار و روش‌های بوروکراتیک برای ارتباط استفاده می‌کنند. ستاد نانو تلاش کرده تا جای ممکن از فعالیت مستقیم اجرایی بپرهیزد<sup>۲</sup> و نقشی ستادی خود را در قالبی چابک ایفا کند.

#### ۴-۳-۸- توجه به کادرسازی سازمانی

مهم‌ترین اصل در مدیریت نیروی انسانی ستاد نانو این بود که این نیروها نه صرفاً برای توسعه مادی نانو بلکه برای اهداف متعالی‌تر دینی و انقلابی و تمدنی جذب و تربیت شوند.<sup>۳</sup>

#### ۴-۳-۹- انباشت تجربیات سازمانی

یکی از اندوخته‌های فکری و ساختاری مهم هر سازمان که تداوم و نیز خلاقیت را در آن سازمان را تسهیل می‌کند انباشت تجربیات افراد و مسیرهای طی شده سازمانی است. دبیرخانه ستاد نانو از این جهت یکی از غنی‌ترین سازمان‌های جمهوری اسلامی است چرا که با تلاش برای مکتوب کردن و ثبت کردن روایت دست‌اندرکاران خود از تجربیات تاریخی فعالان نانو در بخش‌های مختلف ستادی، صنعتی و ترویجی نوعی هویت‌سازی سازمانی را نیز پی گرفته است. در واقع مؤسسان ستاد نانو از ابتدا به این صرافت افتاده بودند که «دانش ضمنی» که در طی تلاش برای سیاست‌گذاری و هدایت این پروژه ملی به دست آورده‌اند را به‌وسیله «روایت کردن» و «مکتوب کردن» به یک «دانش صریح» تبدیل کنند. از همین رو علاوه بر انتشار مصاحبه‌ها و نیز انتشار مقالات علمی پیرامون تجربیات علمی و سازمانی ستاد نانو در نشریات مختلف علمی و ترویجی، تاکنون چندین کتاب در حوزه‌های تجربیات تشکیل ستاد نانو (نک به: زاهدی و دیگران، ۱۳۹۵)

۱. مصاحبه (۵)

۲. کتاب الف تا ی ص. ۹۲

۳. مصاحبه (۲)

یا بخش‌های مختلف آن همچون آموزش (مانند نان و تکنولوژی) و تجاری‌سازی (نک به: حسینی و دیگران، ۱۳۹۵) با حمایت دبیرخانه ستاد منتشر شده است.

#### ۴-۴- سرمایه فرهنگی

همانطور که اشاره شد سرمایه فرهنگی به «قدرت شناخت و قابلیت استفاده از کالاهای فرهنگی»، «پیش‌داشته‌های فکری و نظری»، «تجربیات عملی» و «مهارت‌های افراد» در سازمان اشاره دارد.

#### ۴-۴-۱- آشنایی و پیگیری دانش روز

از مهم‌ترین شاخصه‌های سرمایه فرهنگی ستاد نانو این بود که آن‌ها خود را با رصد و دنبال کردن مرزهای دانش به روز نگه می‌داشتند. در جریان تنظیم سند ده‌ساله نانو در دفتر همکاری‌ها گروه‌های مختلفی شکل گرفتند که یک گروه هم «گروه مطالعات نظری» بودند که مباحث علمی روز هم در حوزه «پیشرفت‌های نانو» و هم در بحث «مدیریت تکنولوژی» را در منابع داخلی و خارجی رصد و بحث می‌کردند.<sup>۱</sup>

#### ۴-۴-۲- دانش ضمنی و صریح مدیریت فناوری

همان‌طور که اشاره شد البته این صرفاً اطلاعات علمی روز در حوزه نانو نبود که توانست به آنها توجه به فرآیندهای کلان اجتماعی در حوزه یک فناوری را گوشزد کند. آنها دانشی فراتر از مباحث تخصصی نانو داشتند و برای اولین بار بود که مأموریت توسعه فناوری به کسانی سپرده شد که متخصص آن حوزه خاص از فناوری نبودند، اما مدیریت فناوری را درک می‌کردند و در زمینه انتقال و توسعه آن تجربه داشتند<sup>۲</sup> و بیشتر متخصص «مدیریت تکنولوژی» بودند<sup>۳</sup> و این دانش علاوه بر اینکه تنگ‌نظری یا سوگیری نگاه تخصصی یک‌رشته خاص فنی مثل مواد یا فیزیک یا شیمی را به نوع توسعه نانو را مانع می‌شد، همچنین نوعی «نگاه از بالا و کل‌گرایانه» به مباحث فنی و توسعه‌ای نانو را فراهم می‌کرد و هم همان‌طور که قبلاً اشاره شد از تعارض منافع صنفی رشته‌های خاص در توسعه نانو جلوگیری می‌کرد.

۱. کتاب الف تا ی ص. ۶۴

۲. کتاب الف تا ی صص. ۸۰-۸۱

۳. مصاحبه (۵)

## نتیجه‌گیری

در زمینه تحلیل توسعه سازمان‌ها معمولاً به ساختار و امکانات و سرمایه‌های نامشهود سازمان‌ها کمتر توجه می‌شود و موفقیت و شکست سازمان‌ها غالباً به قابلیت‌های فردی مدیر آن تقلیل می‌یابد یا به منابع مادی در اختیار آن محدود می‌شود. البته پژوهش درباره سرمایه‌های نامشهود سازمانی و تأثیرات آن‌ها بر عملکرد سازمان در سال‌های اخیر بسیار توسعه یافته‌اند. با تحلیل روایت‌های دست‌اندرکاران سازمانی دبیرخانه ستاد ویژه توسعه نانو از شکل‌گیری و توسعه سازمان نانو، دریافتیم که «سرمایه‌های نامشهود» ستاد از مهم‌ترین عوامل توفیق این سازمان بوده‌اند. فرهنگ سازمانی مطلوب که یکی از برآیندهای ترکیب سرمایه‌های نامشهود سازمان است می‌تواند عاملیت‌ها و ساختارهای سازمانی را در جهت هدف سازمان همگرا کند. یکی از دستاوردهای فرعی پژوهش حاضر این است که بر تمایز تعریفی میان سرمایه نامشهود، سرمایه معنوی و سرمایه فکری که در پژوهش‌های مختلف داخلی و خارجی معمولاً به جای یکدیگر به کار می‌روند تأکید کند. دستاورد فرعی دیگر این پژوهش که در پژوهش‌های مشابه به آن توجه نشده است نقش سرمایه سیاسی سازمان‌ها در توفیقات آنهاست؛ اما دستاورد اصلی این پژوهش این است که تلاش شد تا ارتباط وزنی میان اجزای سرمایه نامشهود با یکدیگر وجهی نظری پیدا کنند و از همین جهت نشان دادیم که در تجربه حاضر در میان سرمایه‌های نامشهود سازمان، سرمایه فکری چقدر نسبت به دیگر سرمایه‌ها اصلی‌تر و مؤثرتر است. حصول این سرمایه فکری در ذهن دست‌اندرکاران ستاد و استفاده بهینه از «تجربیات» و «ارتباطات» درون نهادی و برون نهادی پیشین و ایجاد یک ساختار پایدار و مؤثر (ساختار شورای عالی و دبیرخانه‌ای ستاد و ساختارهای درونی) مانند ساختارهای ترویج دانش‌آموزی و دانشجویی، شبکه آزمایشگاه‌های نانو و کریدور نانو) با سرمایه اجتماعی، فرهنگی و ساختاری مناسب (از طریق گزینش هدمند، تربیت و جامعه‌پذیری مناسب، شفافیت و رفع تعارض منافع و...) باعث شکل‌گیری یک فرهنگ سازمانی منسجم و همگن شده که برون داد آن در توفیقات پایدار و دستاوردهای علمی، اقتصادی و ترویجی ستاد منعکس شده است. در واقع این فرهنگ سازمانی (طوسی، ۱۳۷۲: ۱۶۲-۱۵۸) به عاملیت‌ها و دست‌اندرکاران ستاد نانو هویتی سازمانی بخشیده، تعهد گروهی را آسان و ثبات اجتماعی را تسهیل کرده و به ارزش‌ها و رفتارهای کارکنان جهت‌مشارکتی بخشیده که در تعامل با دیگر بازیگران خارج سازمانی در حوزه علم، ترویج و صنعت توفیقات قابل‌توجهی را رقم زده است.

۱۰۴

بر اساس مدل برادران روس که در نمودار شماره ۳ آمده است، مؤلفه‌های ایده اصلی ستاد نانو یعنی «افزایش اعتماد به نفس و غرور ملی»، «علم و تکنولوژی در خدمت تولید ثروت ملی» و «کمک به افزایش کیفیت زندگی عموم مردم» و «پیگیری الگوی بومی توسعه فناورانه» را می‌توان همان سرمایه نوآورانه ستاد دانست. سرمایه سیاسی سازمان (جایابی مناسب سازمان در ساختار سیاسی کشور، فرابخشی بودن آن) انباشت تأملات و تجربیات در قالب مکتوب، اسناد راهبردی بالادستی سازمان و تشکیل ساختارهایی از جمله «شبکه ملی آزمایشگاه‌های نانو» یا «کریدور نانو» را می‌توان از اجزای «سرمایه ساختاری» ستاد به حساب آورد. «سرمایه رابطه‌ای» روابط رسمی و غیررسمی یک سازمان با ذی‌نفعان خارجی و ادراک‌های آن‌ها درباره سازمان و نیز تبادل اطلاعات بین سازمان و آن‌ها را مشخص می‌کند. پیش از این به سرمایه اجتماعی مناسب ستاد در ارتباط‌گیری با ذی‌نفعان مختلف از دانش‌آموزان و دانشجویان و دانشگاهیان گرفته تا مدیران و کارشناسان دستگاه‌های اجرایی و نیز مقامات ارشد دولتی و حاکمیتی اشاره کردیم. توجه به تعهد اجتماعی ستاد نانو و تعیین شاخص ارزیابی اجتماعی برای سنجش میزان پیشرفت سالانه ستاد در این حوزه و نیز عمل به تعهدات حمایتی ستاد از مهم‌ترین مؤلفه‌های رشد سرمایه اجتماعی و ارتباطی ستاد بوده است.

۱۰۵

اما در شبکه مفاهیم پژوهش حاضر نقش سرمایه فکری و ایده مرکزی مطابق نمودار ۴ بسیار پررنگ‌تر دیده شده است. در واقع این سرمایه فکری ستاد است که توانسته است سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی تا حدی از پیش موجود در ستاد را اولاً فراخوانی کرده و سپس وارد فرایندهای سازمانی کند و در ضمن نیز آن‌ها را ارتقا دهد و در نهایت از برهم‌افزایی این سرمایه‌ها، سرمایه سازمانی و ساختاری مناسبی در سازمان شکل دهد. با این حساب می‌توانیم الگوی برادران روس را بر اساس تجربه ستاد نانو به شکل زیر بازسازی کرد:

بالادستی دبیرخانه ستاد ویژه نانو بوده و طبیعی است باید این روندها از مناظر دیگر بازیگران توسعه نانو در کشور نیز مورد مطالعه و ارزیابی قرار گیرد.

### منابع

- ازکیا، مصطفی، و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۰). بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی شهر کاشان، نامه علوم اجتماعی، ۱۷(۱۷)، ۳-۳۱.
- اشتریان، کیومرث، غنچه پور، دیبا، خواجه نایینی، علی، و محمدی کنگرانی، حنا (۱۴۰۰). مطالعه و بررسی شبکه تبادل اطلاعات میان بازیگران حوزه نانو فناوری در ایران. پژوهش‌های مدیریت در ایران، (۳) ۱۹، ۱۱۳-۱۳۹. doi: 20.1001.1.2322200.1394.19.3.5.7
- امیری، مجتبی، نرگسیان، عباس، فرهی، علی، و غلامی، بهمن. (۱۴۰۰). ارائه مدل سرمایه معنوی در سازمان‌های مردم‌نهاد شهر تهران. پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی، ۱۳(۱)، ۱۰۱-۱۲۹. doi: 20.1001.1.82548002.1400.13.1.4.8
- آقایی، مریم، و زرنندی خالدی، مرجان (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی سرمایه‌های نامشهود سازمان‌های هزاره سوم. تهران: جامعه‌شناسان.
- بی‌نام (۱۳۹۰). سرگذشت نانو، از آغاز تاکنون در میزگردی با مدیران ستاد توسعه فناوری نانو. سیاست علم و فناوری، (۱) ۱، ۷-۱۷. doi: 20.1001.1.24767220.1390.01.1.2.0
- بیرو، آلن (۱۳۷۵). درآمدی بر دایره المعارف علوم اجتماعی. (ترجمه ساروخانی باقر)، تهران: انتشارات کیهان.
- توسعه فناوری مهرویژن (۱۴۰۰). گزارش عملکرد سند گسترش کاربرد فناوری نانو در سال ۱۳۹۹. تارنمای ستاد ویژه فناوری نانو (www.Nano.ir)، بازیابی آبان ۱۴۰۰.
- حسنوی، رضا، و رمضان، مجید (۱۳۹۰). افزایش سرمایه فکری در سازمان: بررسی نقش یادگیری سازمانی. بهبود مدیریت، ۵(۱)، ۲۵-۳۹.
- حسینی، سید حمزه، قافله باشی، سید مجتبی، و حسینی، سعید حسین (۱۳۹۵). داستان نانو تافته (روایتی متفاوت از تجاری‌سازی فیلتر نانو الیاف). تهران: بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع).
- خواجه نایینی، علی، محمدی کنگرانی، حنا، و اشتریان، کیومرث (۱۴۰۰). تحلیل شبکه‌ای مرحله تصمیم‌گیری در سیاستگذاری نانو تکنولوژی ایران: سند توسعه فناوری نانو. پژوهش‌های مدیریت در ایران، ۱۸(۲)، ۲۵-۵۴. doi: 20.1001.1.2322200.1393.18.2.2.5
- دهشیری، محمدرضا. (۱۳۸۸). رسانه و فرهنگ‌سازی. تحقیقات فرهنگی ایران، ۲(۴)، ۲۰۸-۱۷۹. doi: 10.7508/ijcr.2009.08.006
- رابینز، پی. استیون (۱۳۹۹). تئوری سازمان ساختار و طرح سازمانی. (ترجمه: الوانی، سید مهدی و دانایی‌فرد، حسن) تهران: انتشارات صفار.
- رستگار، عباسعلی، درویش، حسن، خلیلی، مینا، و نوده فراهانی، مجید (۱۳۹۸). بررسی نقش سرمایه معنوی بر تاب‌آوری سازمانی، با تأکید بر میانجی‌گری جو اخلاقی. مدیریت سرمایه اجتماعی. ۱(۱) ۶-۲۲. doi: 10.22059/jscm.2019.269691.1732
- رضائیان، علی (۱۳۹۵). فرهنگ‌سازمانی (مدیریت رفتار سازمانی پیش‌رفته). تهران: انتشارات سمت.
- زاهدی مطلق، حسین و رحمتی، فاطمه سادات (۱۳۹۵). الف تا ی: روایتی از ورود ایران به سیاست‌گذاری فناوری نانو. تهران: بنیاد توسعه فردا.
- سفیدخوش، میثم. (۱۳۹۵). ایده دانشگاه. تهران: نشر حکمت.



نمودار ۴- الگوی مختار ترکیب سرمایه‌های نامشهود سازمان

در الگوی توسعه ستاد نانو این نظام‌واره بودن مؤلفه‌های اصلی ایده مرکزی توسعه نانو (سرمایه فکری) پایایی و پویایی سازمانی در ستاد نانو را تضمین کرده است. امکان تحقق هم‌زمانی پایایی و پویایی توسط سرمایه فکری شرایطی را به وجود آورده که سازمان بتواند با حفظ و تقویت سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی از قبل موجود و کسب سرمایه‌های نامشهود جدید همچون سرمایه ساختاری (سرمایه سیاسی را ذیل آن تعریف کردیم) زمینه غنی شدن یک فرهنگ‌سازمانی متعالی که منجر به رشد پایدار سازمان شده را فراهم کند. با این همه الگوی حاضر یک الگوی منحصر به فرد درباره تجربه یک سازمان خاص است و قابل تعمیم نیست اما می‌تواند بصیرت‌هایی را برای سازمان‌های دیگر به ارمغان آورد. شاید مهم‌ترین بصیرت حاصله در وهله اول این باشد که ایده توسعه‌ای سازمان و سازه‌ها و شاخصه‌های حاصله باید به نحوی باشد که بتواند انرژی حرکت سازمان در بلندمدت را تضمین کند؛ یعنی هم بتواند ثبات سازمان را تضمین کند که به عنوان مثال رفت‌وآمد دولت‌ها و اشخاص و مدیران بیرونی و درونی سازمان تا حد ممکن در تداوم سازمان خللی ایجاد نکند و هم بتواند با تغییرات و تحولات زمانه (چه تحولات علمی و تکنولوژیکی و چه تحولات زندگی اجتماعی) همگام باشد و به آن‌ها پاسخ درستی دهد. در چنین شرایطی سازمان می‌تواند از دارایی‌های ارتباطی یا نیروی انسانی یا دارایی‌های ساختاری‌اش در بلندمدت بهره‌برد و آن‌ها را برای توسعه روزافزون سازمان به خدمت گیرد. با این حال این الگوپردازی مبتنی بر روایت‌های سازمانی از منظر دست‌اندرکاران

۱۷. سیسموندو، سرجیو (۱۳۹۲). مقدمه‌ای بر مطالعات علم و تکنولوژی (ترجمه: خوشنویس یاسر). تهران: انتشارات سروش.
۱۸. شاین، ادگار (۱۳۸۹). فرهنگ‌سازمانی. (ترجمه: محجوب، محمد ابراهیم). تهران: نشر فرا.
۱۹. شریفیان ثانی، مریم (۱۳۸۰). سرمایه اجتماعی: مفاهیم اصلی و چارچوب نظری. نشریه رفاه اجتماعی، ۱(۲)، ۱۶-۵.
۲۰. صادقی، سیدکمال، رنج پور، رضا، متفکرآزاد، محمدعلی، اسدزاده، احمد، و گرشاسبی، فخر، سعید (۱۳۹۴). برآورد روند سرمایه فرهنگی در ایران. راهبرد اجتماعی فرهنگی، ۴(۱۵)، ۱۹۲-۱۵۵. SID. <https://sid.ir/paper/243576/fa>.
۲۱. صبوری، منوچهر (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی سیاسی. تهران: نشر سخن.
۲۲. طباطباییان، سید حبیب الله، بامداد صوفی، جهانیار، تقوا، محمد رضا، و اسدی فرد، رضا. (۱۳۹۰). گونه‌شناسی ساختارهای مدیریتی شبکه‌های رسمی همکاری علم و فناوری در ایران: مطالعه چندموردی، سیاست علم و فناوری، ۴(۱)، ۶۱-۷۸. DOR: 20.1001.1.20080840.1390.3.3.6.4.
۲۳. طوسی، محمد علی (۱۳۷۲). فرهنگ‌سازمانی. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
۲۴. عابدی جعفری، حسن، تسلیمی، محمدسعید، فقیهی، ابوالحسن، و شیخ زاده، محمد (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی. اندیشه مدیریت راهبردی، ۲(۵)، ۱۵۱-۱۹۸. doi: 10.30497/smt.2011.163.
۲۵. عسگریان، محمد. (۱۳۸۸). مفهوم شناسی فرهنگ سازمانی. توسعه انسانی پلیس، ۶(۲۴)، ۱۰۱-۱۲۴. SID. <https://sid.ir/paper/132844/fa>.
۲۶. غیاثی ندوشن، سعید، و امین‌الرعا، احسان. (۱۳۹۵). بررسی تاثیر ابعاد سرمایه اجتماعی و سرمایه فکری بر میزان بهره‌وری منابع انسانی، مطالعات مدیریت بهبود و تحول، ۸۰(۲۵)، ۱۸۳-۲۰۹. doi: 10.22054/jmsd.2016.40
۲۷. فلیک، اوه (۱۳۹۰). درآمدی بر تحقیق کیفی. تهران: نشر نی.
۲۸. محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۵). بیگانگی مانعی برای مشارکت و توسعه ملی. نامه پژوهش ۱(۱)، ۸۹-۱۰۹.
۲۹. محمدی، حسین (۱۳۹۲). سرمایه سازمانی؛ رویکردی نوین در مدیریت اسلامی با تأکید بر تعالیم قرآن. دومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. تهران.
۳۰. محمدی کنگرانی، حنا، غنچه‌پور، دیبا، خواجه‌نابینی، علی و اشترینان، کیومرث (۱۳۹۴). شناسایی و تحلیل جایگاه و ارتباطات مالی نهادهای فعال در حوزه نانو تکنولوژی ایران. راهبرد، ۲۴(۱)، ۱۵۰-۱۷۵. dor: 20.1001.1.10283102.1394.24.1.2.5.
۳۱. منصور، رضا (۱۳۹۲). چهار سال در وزارت عتف. تارنمای شخصی دکتر رضا منصور <http://rmansouri.ir> بازبینی آبان ماه ۱۴۰۰.
۳۲. موسایی، میثم، و راعی صدقیانی، سعید. (۱۳۸۸). سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی، طرح یک نگرش نوین. راهبرد یاس، ۱۷(۱)، ۵۵-۷۵.
33. Ariawan, A. & Sudarma, M. & Djumahir & Maskie, Gh. (2016). The Role Of Spiritual Capital, Human Capital, Structural Capital, Capital Relational Smes To Improving On Performance: Study Literature. *South East Asia Journal of Contemporary Business*, 11 (2), 87-94.
34. Bourdieu, P. (1986). The Forms Of Capital. *Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education*. Westport: Greenwood, 241-258.
35. Bucchi, M. (1996). When scientists turn to the public: alternative routes in science communication. *Public Understanding of Science*, 5(4), 375-394. <https://doi.org/10.1088/0963-6625/5/4/005>

#### چکیده

استفاده از فرهنگ و به خدمت گرفتن ابزارهای فرهنگی در دیپلماسی در مقایسه با ابزارها و اهرم‌های رایج دیگر در روابط بین‌الملل دارای امتیازاتی است که باعث شده کشورها از این پتانسیل برای ارتقا و بهبود روابط بین‌الملل بهره‌برند. بر همین اساس، دیپلماسی فرهنگی با استفاده از ابزارهای فرهنگی و هنری به دنبال شناسایی، تعریف و ترویج ارزش‌ها و منافع مشترک میان ملت‌هاست. بررسی‌ها نشان می‌دهد که عوامل مداخله‌گری به شکل‌های مختلف در دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران دخیل هستند که می‌توانند در مسیر حرکت دیپلماسی فرهنگی تغییراتی ایجاد کنند. لذا شناسایی عوامل مداخله‌گر در دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، می‌تواند به شناخت بهتر از رویکردها و دیدگاه‌های مختلف در دیپلماسی فرهنگی کمک کند. به‌علاوه، این شناسایی می‌تواند بر جهت افزایش قدرت نرم کشور و ارتقای تأثیرگذاری فرهنگی در جهان نیز مؤثر باشد. بر این اساس پژوهش حاضر با استفاده از رویکرد پدیدارشناسانه و مصاحبه‌های عمیق نیمه ساختاریافته با ۲۴ نفر از سفراء صاحب‌نظران، مدیران ارشد حوزه دیپلماسی فرهنگی، مبلغین دینی، شخصیت‌های فرهنگی مردمی فعال در حوزه بین‌الملل با هدف شناخت عوامل مداخله‌گر در میدان اجرای دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران انجام شد و در نهایت یافته‌ها در قالب عوامل: تعدیل‌گر، ضعف و کاستی، تهدید و فرصت محیطی استخراج و دسته‌بندی شد.

■ واژگان کلیدی

عوامل مداخله‌گر، دیپلماسی فرهنگی، پدیدارشناسی، عوامل تعدیل‌گر، تهدید و فرصت محیطی

## بررسی پدیدارشناسانه عوامل مداخله‌گر

### در اجرای دیپلماسی فرهنگی

### جمهوری اسلامی ایران

#### محمد تابش

دانشجوی دکتری رشته مدیریت و برنامه‌ریزی امور فرهنگی، دانشکده حکمرانی اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران (tabesh110@gmail.com)

#### علی رشیدپور

دانشیار، گروه مدیریت، دانشکده حکمرانی اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول) (alrashidpoor94@gmail.com)

#### سید رضا صالحی امیری

دانشیار، گروه مدیریت و برنامه‌ریزی امور فرهنگی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (dr.salehiamiri@gmail.com)

#### رضا ابراهیم‌زاده دستجردی

استادیار، گروه مدیریت، دانشکده حکمرانی اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران (ebrahimzadeh2020@gmail.com)



## ۱- بیان مسئله

دیپلماسی سال‌هاست که در روابط جایگاه، کارکردها و اقتضائات خاص خودش را داشته و در شرایط گوناگون نیز به انحاء مختلفی بروز یافته است. در واقع دیپلماسی مذاکراتی برای دستیابی به اهداف خاص در ارتباط بین کشورهاست. فرهنگ به‌عنوان ذات دیپلماسی و یا روش دیپلماسی محسوب می‌شود و دیپلماسی فرهنگی نمودی است که می‌تواند به‌عنوان «استقرار فرهنگ یک کشور در حمایت از اهداف سیاست خارجی یا دیپلماسی» تعریف شود (Ociepka & Arendarska, 2021). دیپلماسی فرهنگی به کشورها این امکان را می‌دهد که فرهنگ، جامعه و مردمش را به دیگران معرفی کند و از طریق این ارتباطات بین مردم کشورهای مختلف، سیاست‌ها و ارزش‌هایشان را در انظار و افکار عمومی جذاب سازند (رستگاری، ۱۳۹۵).

دیپلماسی فرهنگی، بخش جدایی‌ناپذیر از دیپلماسی عمومی است (Yang, 2019) و این دیپلماسی مغز متفکر قدرت ملی است و دولت‌ها به کیفیت دیپلماسی خود به‌عنوان کاتالیزوری برای عوامل مختلفی که قدرت آن‌ها را تشکیل می‌دهد، متکی هستند. اتکا بر سنت‌ها و نهادها، به‌جای تکیه بر ظهور گاه و بیگاه افراد برجسته، تداوم کیفیت دیپلماسی را به بهترین نحو تضمین می‌کند. اهمیت دیپلماسی فرهنگی از دو بعد قابل تبیین است. اول به‌عنوان ابزار قدرت ملی و تأمین منافع کشورها مورد توجه قرار می‌گیرد و از دیگر سو نسبت به سایر انواع دیپلماسی چون دیپلماسی سیاسی و اقتصادی، کم‌هزینه‌تر، دارای ماهیت نرم و قابل‌پذیرش و همچنین بر خورداری از گستردگی حوزه‌های تعامل و با مدیریت و فعالیت عوامل غیرسیاسی و... است (رستگاری، ۱۳۹۵). به عبارتی دیگر، دیپلماسی فرهنگی تلاش می‌کند با استفاده از فرهنگ و عناصر و مؤلفه‌های فرهنگی مانند ایده‌ها، ارزش‌ها، اطلاعات، هنر، زبان و ادبیات، بر افکار عمومی دیگر کشورها تأثیر بگذارد و از همین روست که دیپلماسی فرهنگی به‌عنوان ابزاری برای جذب، اقناع و نفوذ شناخته می‌شود (MUIR & all, 2020). در واقع می‌توان گفت که دیپلماسی فرهنگی استفاده از فرهنگ یک دولت در پشتیبانی از اهداف سیاست خارجی و ارتباط با یک حکومت و مردم آن برای اثرگذاری مثبت بر آنهاست (بصیری و خوانساری فرد، ۱۳۹۵).

در این میان کشور ایران با اتکا به ظرفیت‌های عظیم تمدنی و فرهنگی خود می‌تواند نقش فعالی را در عرصه بین‌الملل ایفا کند و اتخاذ یک استراتژی کارآمد در دیپلماسی

فرهنگی و بازیابی جایگاه جمهوری اسلامی ایران در عرصه جهانی می‌تواند در بهبود شرایط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی کشور بسیار راهگشا باشد. همچنین در حالی که جهان امروز عبور از دوران گذار و ایجاد نظم جدید جهانی را تجربه می‌کند، ایران اسلامی در این دوره انتقال با تکیه بر خودباوری برخاسته از انقلاب اسلامی، می‌تواند یکی از منابع اصلی در شکل دادن به نظام آینده جهانی باشد. دولت‌ها معمولاً از دیپلماسی فرهنگی جهت ارائه چهره موجه از خود و پیشبرد اهداف سیاست خارجی از طریق تبلیغ محصولات فرهنگی خود در خارج از کشور، مانند ادبیات، هنر، فیلم، تئاتر و غیره بهره می‌گیرند. در تعریفی جامع‌تر می‌توان بیان داشت، دیپلماسی فرهنگی عبارت است از «تلاش برای درک، مطلع ساختن، مشارکت دادن و تأثیرگذاری بر مردم دیگر کشورها و تبادل ایده‌ها، اطلاعات، هنر و دیگر جنبه‌های فرهنگ میان ملت‌ها به‌منظور تقویت تفاهم متقابل» (کاوه پیشقدم و میرزا، ۱۳۹۹).

باید توجه داشت که مبادله و درک ایده‌ها و اطلاعات در خلأ اتفاق نمی‌افتد و نیاز به برنامه، ابزار و تلاش مستمر دارد. در جمهوری اسلامی ایران دیپلماسی فرهنگی به‌عنوان یکی از ابعاد سیاست خارجی، جهت تأثیرگذاری بر ادراکات، ارزش‌ها و باورهای سایر ملت‌ها و شناخت متقابل از فرهنگ‌های دیگر به‌منظور تأمین و تقویت منافع ملی کاربرد دارد؛ اما در عمل با موانعی از سوی دشمنان و رقبای منطقه‌ای مواجه است که برخی از آن‌ها ناشی از قدرت سخت (محدودسازی مرزهای جغرافیایی، تحریم‌های اقتصادی و...) و برخی دیگر ناشی از قدرت نرم (تبلیغات گسترده، ضعف دیپلماسی مناسب و...) می‌باشند. مداخله‌گران به شکل‌های مختلفی در دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران دخیل هستند. عوامل مداخله‌گر می‌توانند نهادهای داخلی، بین‌المللی یا حتی افرادی باشند که با تغییر رویکردها و دیدگاه‌های فرهنگی در کشورهای دیگر، تأثیرگذاری می‌کنند. شناسایی عوامل مداخله‌گر بر دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، می‌تواند به شناخت بهتر از رویکردها و دیدگاه‌های مختلف در دیپلماسی فرهنگی کمک کند. به علاوه، این شناسایی می‌تواند به جهت افزایش قدرت کشور و ارتقای تأثیرگذاری فرهنگی در جهان مؤثر باشد. در این مقاله تلاش شده است تا با بررسی عوامل مداخله‌گر بر دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، تأثیرات آن بر قدرت دیپلماسی فرهنگی کشور بررسی شود.

## ۲- پیشینه پژوهش

امروزه دیپلماسی فرهنگی برای پیشبرد منافع و دستیابی به اهداف کشورها در عرصه جهانی مورد استفاده واقع می‌شود. دولت‌ها از دیپلماسی فرهنگی به منظور ترسیم چهره و تصویر مطلوب در اذهان و افکار عمومی بهره می‌برند. عرصه دیپلماسی فرهنگی باعث می‌شود که فرهنگ و اندیشه فرهنگی دولت‌ها، به افکار عمومی جهانیان نمایش داده شده و جایگاه ملت‌ها در نظام بین‌المللی مشخص گردد. در مقابل با ارائه تصویر نامناسب، عرصه به نفع تبیین‌های نادرست از نظام فرهنگی تغییر و زمینه را برای شکل‌گیری نوعی توافق جهانی علیه فرهنگ و تمدن غنی کشور فراهم می‌آورد. با این تفاسیر در ادامه مروری بر پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران انجام شده است.

حق پرست (۱۴۰۱) در پژوهش مدل مطلوب سیاست‌های فرهنگی ایران در چین با آینده‌نگری نظام سیاسی جمهوری خلق چین با اشاره به اینکه چین به دلیل جمعیت قابل توجه خود پروژه‌های موفق برای دیپلماسی فرهنگی ایران محسوب می‌شود این نکته را مطرح می‌کند که ایران نیز بنا به سنت‌های تاریخی، تمدنی و هنری خود فرصت‌های بسیاری در این حوزه پیش رو دارد. عمرانی (۱۴۰۱) در پژوهش توصیفی-تحلیلی نقش دیپلماسی فرهنگی با تأکید بر گردشگری در افزایش منزلت و پرستیژ سیاسی جمهوری اسلامی ایران این موضوع را مطرح می‌کند که با مدیریت مطلوب ابزارها و ظرفیت‌های مختلف دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی، این ظرفیت و توان وجود دارد که علی‌رغم تبلیغات سوء، چهره واقعی و مطلوب حکومت و ملت ایران مورد تبلیغ و پذیرش بین‌المللی و جهانی واقع شود. کولایی و باقری (۱۴۰۱) در پژوهش چالش‌های دیپلماسی فرهنگی ایران و ترکیه در آسیای مرکزی دریافتند که برای ایران امنیتی شدن دستور کارهای فرهنگی این کشور و برای ترکیه زمزمه نوع‌ثانی‌گری و هراس از تسلط منطقه‌ای ترکیه، چالش اساسی فراروی دیپلماسی فرهنگی آن در آسیای مرکزی است. به نظر می‌رسد در این دوره سی‌ساله در عرصه کنشگری فرهنگی دو کشور در آسیای مرکزی، سرانجام نتیجه آن، ناکامی نسبی بوده است. در مطالعه تطبیقی دیپلماسی فرهنگی ایران و ترکیه در عراق (۲۰۰۳ تا ۲۰۲۰)، نیز ایران به لحاظ شرایط و فرصت‌ها در موقعیت بهتری نسبت به ترکیه قرار دارد، ولی تمرکز بر مذهب شیعه و مباحث مقاومت در عراق، باعث توجه کمتر به سایر شاخص‌های دیپلماسی فرهنگی شده است. ولیکن در مقابل ترکیه با

رویکرد منفعت‌طلبانه توانسته با بهره‌گیری از ابزارهایی همچون زبان، توسعه گردشگری، مباحث علمی و آموزشی، دیپلماسی رسانه‌ای نهایت استفاده را ببرد و نفوذ بیشتری در عراق به دست آورد (پورعلی و همکاران، ۱۴۰۱).

چوپانی نجف‌آبادی (۱۴۰۱) با اشاره به پدیده ایران هراسی، دیپلماسی فرهنگی را به مثابه ابزاری برای مقابله با این پدیده به خصوص در منطقه خاورمیانه مطرح می‌نماید. قربانی گلشن‌آباد (۱۴۰۰) در بررسی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در عربستان سعودی دریافت که مؤلفه‌های ارزشی-بینشی، بیشترین درجه اهمیت را از نظر صاحب‌نظران، در مقایسه با سایر مؤلفه‌ها به خود اختصاص داده و البته ایران میزان موفقیت بیشتری، هم در شرایط فعلی (۱۴۰۰) هم در شرایط آتی (۱۴۰۴) خواهد داشت. در حوزه بررسی دیپلماسی فرهنگی با کشورهای همسایه در پژوهش بررسی چالش‌های حوزه دیپلماسی فرهنگی ایران با کشورهای عربی منطقه خاورمیانه نیز جمهوری اسلامی ایران به دلیل حضور فرهنگی در طول تاریخ توانسته با استفاده از دیپلماسی فرهنگی با این کشورها به همکاری‌های فراوانی دست یابد، اما در راستای بهبود این پیشرفت‌ها با چالش‌هایی روبه‌رو شده است (خالدی و همکاران، ۱۳۹۹). قنبرلو (۱۴۰۰) در مطالعه دیپلماسی فرهنگی و جایگاه بین‌المللی ایران به مشکلات و چالش‌های دیپلماسی فرهنگی ایران می‌پردازد و فقدان استراتژی منسجم، تعدد نهادهای سیاست‌گذار، غفلت از بخش خصوصی، ضعف کارگزاران دولتی و غلبه نگاه ایدئولوژیک را از مهم‌ترین عوامل دخیل در تضعیف دیپلماسی فرهنگی کشور ذکر می‌کند. صادقی و مشهدی (۱۳۹۸) نیز دریافتند که استفاده از دیپلماسی فرهنگی فعال و پویا و همگام با سرعت و کیفیت دنیای دیجیتال امروز می‌تواند نقش مهمی در تعمیق روابط ایران و ارمنستان در دیگر سطوح ایفا کند. منیری و همکاران (۱۳۹۷) نیز در بررسی ارائه استراتژی مناسب دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی مبتنی بر مقایسه تطبیقی با ترکیه استراتژی «محافظ کارانه» برای دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران را پیشنهاد کردند. همچنین در حوزه بررسی دیپلماسی فرهنگی با آسیای شرقی و اروپا عراقچی و جنتی محب (۱۳۹۶) در مطالعه موردی روابط ایران و ژاپن در دوران تحریم دریافتند که دو کشور با انجام تبادلات فرهنگی مختلف در شرایط سخت ناشی از تحریم‌ها، سعی در تلطیف فضای منفی ایجاد شده و باز نگاه‌داشتن کانال‌های ارتباطی نموده‌اند. درخشه و اسماعیلی (۱۳۹۶) نیز در مطالعه دیگری دریافتند که گسترش علاقه و شناخت نخبگان و توده مردم ایتالیا به ارزش‌های

فرهنگ و تمدن اسلامی- ایرانی و زبان و ادبیات فارسی امکان تحقق اهداف دیپلماسی فرهنگی را فراهم نموده است.

در حوزه بررسی آسیب‌های دیپلماسی فرهنگی به نظر اژدری و همکاران (۱۳۹۷) ایران در موقعیت راهبرد محافظه‌کارانه قرار دارد و لازم است نسبت به تقویت اشتراکات دینی، فرهنگی و تاریخی، گسترش مناسبات و همکاری فرهنگی، اقتصادی و علمی، تربیت نیروی انسانی متخصص، بازنگری در قوانین اقدام کند. ابوالحسن شیرازی (۱۳۹۶) نقش انجمن‌های دوستی در روابط بین‌الملل و تأثیرگذاری عوامل فرهنگی بر دیپلماسی و چگونگی استفاده مؤثر از «قدرت نرم» در پیشبرد دیپلماسی کشورها را مورد بررسی قرار داده است. جمشیدی و همکاران (۱۳۹۵) نیز مهم‌ترین عامل تأثیرگذار در تغییر دیدگاه و ادراک مردم یک کشور نسبت به دیگری را ارتباطات میان فرهنگی می‌دانند که با افزایش آگاهی و شناخت ملت‌ها از یکدیگر و رفع سوءتفاهم‌های احتمالی، زمینه را برای مشروعیت تصمیم دولت‌ها به تنش‌زدایی فراهم می‌کند.

در بین پژوهش‌های خارجی اونالمیز و باسران معتقدند که پس از انقلاب اسلامی، ایران به دنبال همدلی با جوامع شیعی است و یک واکنش عمومی از طرف ایران، آنها را درگیر فعالیت‌های دیپلماسی عمومی می‌کند (Unalmis & Basaran, 2019). اوکال فرهنگ را در جایگاه قدرت نرم در سیاست خارجی ایران قرار می‌دهد و معتقد است که ایران از فرهنگ و زبان خود به عنوان یک دستگاه قدرت نرم در سیاست خارجی خود استفاده می‌کند (OCAL, 2018). کوریلوف و همکاران نیز بیان می‌دارند که دیپلماسی فرهنگی از ابزارهایی چون زبان، فرهنگ، جهانگردی بهره می‌برد و اهمیت قدرت نرم در راهبرد سیاست خارجی ایران را رو به رشد می‌دانند (Kurylev & et al, 2017).

با بررسی پژوهش‌های موجود مشخص شد که مطالعه‌ای در خصوص عوامل مداخله‌گر در دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی انجام نشده و همین امر اهمیت انجام یک بررسی جامع در این موضوع را نشان می‌دهد.

### ۳- روش‌شناسی پژوهش

این مطالعه به روش کیفی و با رویکرد پدیدارشناسی توصیفی انجام یافته است. در پدیدارشناسی هدف اصلی، ساده‌سازی تجربیات شخصی افراد در رابطه با یک پدیده (در اینجا عوامل مداخله‌گر در دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران) و توصیف جوهره

کلی آن است. برای نیل به این هدف محقق پدیده‌های را مشخص می‌کند و در ادامه به جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز خود از اشخاصی می‌پردازد که آن پدیده را تجربه کرده‌اند و سپس توصیفی از ماهیت و جوهره آن تجربه برای کلیه افراد ارائه می‌نماید (Creswell 2007). در پدیدارشناسی توصیفی تصویری مشروح و بسیار دقیق از پدیده همراه با داده‌های جدیدی که ممکن است با حقایق و داده‌های پیشین در تناقض باشد ارائه می‌شود. طبقه‌بندی‌ها و نوع‌شناسی، ارائه توالی مراحل پژوهش و گزارش تجزیه و تحلیل اطلاعات در این پژوهش بر اساس روش پدیدارشناسی مبتنی بر مدل کلایزی اصلاح شده است. در این رویکرد در آغاز، تجارب شخصی مرتبط با پدیده‌ای که تحت مطالعه است توصیف، سپس فهرستی از جملات و عبارات معنی‌دار ایجاد و در ادامه، فهرست و به هر یک از عبارت‌ها، ارزش یکسانی داده می‌شود. در مرحله بعد تعبیر و تفسیر کردن جملات و عبارات معنی‌دار فهرست شده و گروه‌بندی آنها به واحدهای اطلاعاتی بزرگ‌تری که واحدهای معنادار یا مضامین خوانده می‌شوند، صورت می‌گیرد و بعد از آن توصیفی از آنچه مشارکت‌کنندگان در مطالعه در رابطه با پدیده مورد نظر تجربه کرده‌اند، نوشته می‌شود.

نمونه‌گیری این تحقیق مبتنی بر روش نمونه‌گیری هدفمند از نوع نظری است و محقق به طور هدفمند افراد خاصی را بر اساس تجربه فعالیت علمی یا عملی در حوزه دیپلماسی فرهنگی، نوع فعالیت و حضور در حوزه‌ها، سن و سطوح مختلف اجتماعی و کسب تجربیات متنوعی از موضوع مورد نظر را انتخاب نموده است. گردآوری اطلاعات از طریق مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته از ۲۴ نفر از سفرا، صاحب‌نظران، رایزنان و کارداران فرهنگی، مدیران حوزه دیپلماسی فرهنگی، مبلغین دینی، شخصیت‌های فرهنگی بخش مردمی فعال در حوزه بین‌الملل صورت گرفته است.

جدول شماره ۱: ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان در پژوهش

جنسیت	تحصیلات		سمت علمی و اجرایی					سابقه (سال)			
	دکتری و معادل	کارشناسی ارشد	وزیر، معاون سازمان و مدیرکل	سفیر و کاردار	رایزن	پژوهشگر	فعال فرهنگی برون‌مرزی	استاد دانشگاه	۵-۱۰	۱۰-۱۵	۱۵-۲۰
مرد	۱۹	۵	۷	۵	۴	۳	۴	۸	۴	۱۱	۹
زن	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰

زمان مصاحبه‌ها ۱۲۰ تا ۱۶۰ دقیقه بود. تحلیل مصاحبه‌ها به روش تحلیل هفت مرحله‌ای کلایزی بود. به این صورت که ابتدا مصاحبه‌ها به صورت گفتاری و کلمه کلمه نوشته و سپس گزارش مصاحبه‌ها به صورت نوشتاری آماده شد. در مراحل بعدی واحدهای معنایی به صورت جمله از متن گزارش مصاحبه‌ها استخراج و به صورت کدهایی مشخص شد. در ابتدا ۱۶۱ مفهوم استخراج شد که بعد از دسته‌بندی و ادغام موارد مشابه به ۲۸ بعد تقلیل و نهایتاً در ۴ مضمون اصلی دسته‌بندی شد. جهت بررسی قابلیت اعتماد یافته‌های این پژوهش نیز به چند نفر از شرکت‌کنندگان ارسال و تایید نتایج تحلیل مصاحبه از طرف آن‌ها از صحت یافته‌ها اطمینان حاصل شد.

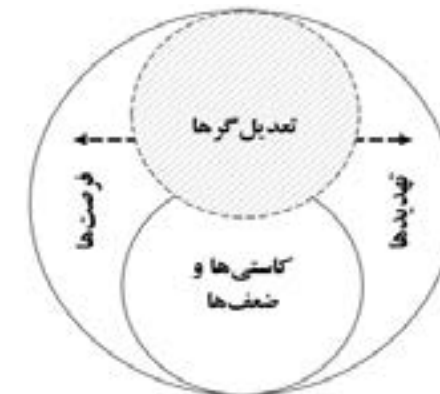
جوهره و ماهیت پدیده



شکل ۱ - الگوی کدگذاری یک مطالعه پدیدارشناسی, (Creswell, 2007).

۴- یافته‌های پژوهش

عوامل مداخله‌گر در میدان اجرای دیپلماسی فرهنگی، همواره از عواملی هستند که اجرای راهبردهای دیپلماسی فرهنگی را تحت تأثیر قرار داده و بر انتخاب، شدت و ضعف هر یک و یا میزان اثرگذاری آن تأثیر دارند. برخی از این عوامل به بافت محیط برمی‌گردد و شکل تهدید و فرصت به خود می‌گیرد؛ و برخی دیگر نیز در سازوکار و بافت درون دیپلماسی فرهنگی است و در نتیجه، ضعف‌های خود را نشان می‌دهد. برخی موارد نیز حالت بینابینی دارند و عوامل تعدیل‌گر شناخته می‌شوند.



شکل ۲ - چهارچوب مفهومی عوامل مداخله‌گر در راهبردهای دیپلماسی فرهنگی ج.ا.ایران

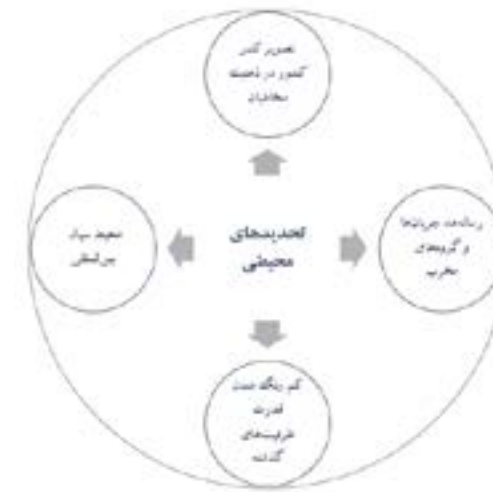
آنچه در مصاحبه‌ها به عنوان تهدید شناخته شد، در درجه اول تصویر کدوری است که از جمهوری اسلامی ایران در ذهنیت مخاطبان نقش بسته است. این تصویر نادرست به علت اقدامات رقبا، مخالفین، معارضین و برخی از ایرانیان خارج از کشور به وجود آمده است و یا ناشی از شناخت ناکافی ملت‌ها از ایران و فرهنگ و تمدن ایرانی است که در نتیجه‌ی فقدان تعاملات فرهنگی ایران حاصل گردیده است. به علاوه، فضای ایران هراسی و شیعه هراسی نیز بر ذهنیت مخاطبان تأثیر گذاشته است. همچنین نقش مخربی که پدیده مهاجرت مسلمانان به ویژه افرادی که از تخصص علمی و فنی کمتری برخوردار هستند، بر ذهنیت مخاطبان تأثیر داشته است. این نگرش منفی، یک مقاومت و مانعی در مخاطبین نسبت به اقدامات دیپلماسی فرهنگی ایران ایجاد کرده است.

عامل مؤثر دیگر در این خصوص رسانه‌ها، جریان‌ها و گروه‌های مخرب هستند که از یک‌سو در اختلاف‌افکنی و تخریب وجهه اسلام و ایران نقش دارند؛ و از سوی دیگر، فعالیت گروه‌های معاند که مانع فعالیت دیپلماسی فرهنگی، همکاری با مخاطبان و بازیگران به ویژه ایرانیان خارج از کشور شده و آنها را تحت فشار قرار داده است. به خصوص در شرایطی که رسانه‌های مستقل و فراگیری جهت انعکاس فعالیت‌های دیپلماسی فرهنگی وجود ندارند، رسانه‌های غربی با بایکوت اقدامات و یا پمپاژ اخبار و اطلاعات منفی، بر ذهنیت مخاطبان نسبت به جمهوری اسلامی ایران و اسلام تأثیر منفی می‌گذارند. این تقابل گفتمان‌های رقیب که توسط رسانه‌ها و افراد جریان‌ها در مقابل پیام و گفتمان دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران ایجاد گردیده، مانعی اصلی برای دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به حساب می‌آید.

برخی مشارکت‌کنندگان نیز به کم‌رنگ شدن قدرت ظرفیت‌های گذشته‌ی دیپلماسی فرهنگی ایران مانند اسلام‌شناسی، شرق‌شناسی، زبان فارسی اشاره کرده و علاقه‌مندان به آن را مورد توجه قرار دادند. این امر در حوزه تمدنی نیز با تغییر شرایط بین‌المللی، توسعه رسانه‌ها و فراگیری فضای مجازی و نزدیک شدن جوامع به یکدیگر از یک‌سو و بالا رفتن سن و یا فوت اسلام‌شناسان و ایران‌شناسان از سوی دیگر، آن جایگاه قبلی خود را از دست داده است. به علاوه، برتری عناصر اولیه دیپلماسی فرهنگی یعنی اسلام و ارزش‌های انقلاب اسلامی، در نتیجه‌ی اقدامات مخالفان و رقبا، طی سالیان گذشته تضعیف شده است.

برخی از افراد، سیالیت محیط بین‌المللی را تهدیدی برای دیپلماسی فرهنگی دانستند. ایشان بر این عقیده بودند که ناپایداری سیاسی محیط بین‌الملل، مانع ترسیم راهبردهای چند ساله در حوزه دیپلماسی فرهنگی می‌گردد. آن‌ها چنین بیان داشتند که:

«شما زمان زیادی باید صرف کنید و اقدامات زیادی باید صورت گیرد تا در یک کشور بتوان با افراد و سیستم‌ها ارتباط برقرار نمود و یا افکار عمومی را تحت تأثیر قرار داد؛ اما به یک‌باره با تغییر یک رئیس‌جمهور کلیه جریان‌ها تغییر شکل می‌دهند و دیگر امکان فعالیت قبلی وجود ندارد».



شکل ۳- تهدیدهای محیطی، مداخله‌گر در راهبردهای دیپلماسی فرهنگی ج.ا.ایران

عوامل محیطی دیگر که مورد اشاره مصاحبه‌شوندگان قرار داشت، فرصت‌هایی هستند که دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در جهت پیشبرد اهداف و راهبردهای خود، از آن‌ها بهره می‌گیرد.

رسانه‌های همسو، مراکز فرهنگی، اسلامی و شیعی و رویدادهای مرتبط با ایرانیان خارج از کشور، همگی ساختارها و ابزار ارتباطی که مد نظر دیپلماسی فرهنگی است را فراهم می‌آورند تا به صورت غیرمستقیم پیام فرهنگی ایران را به مخاطبان برسانند. تعدادی از مصاحبه‌شوندگان نیز به نقش سازمان‌های فرهنگی منطق‌های و بین‌المللی

اشاره کردند. این سازمان‌ها یک دروازه و تریبون جهت پیشبرد اهداف فرهنگی ملی هستند و هم‌زمان نقشی تعدیل‌کننده بر فعالیت‌های دیپلماسی فرهنگی دارند.

«سازمان‌های بین‌المللی فرهنگی در جایی که امکان حضور مستقیم دستگاه دیپلماسی فرهنگی وجود ندارد، به ما کمک می‌کنند که در قالب این سازمان‌ها در آن مناطق حضور داشته باشیم و پیام خود را در آن قالب و با حساسیت کمتر به مخاطبان برسانیم. به علاوه، در قالب این سازمان‌ها می‌توانیم یک اتحاد فرهنگی را شکل دهیم و جایگاه خود را در جهان چند جانبه‌گرایی حفظ کنیم. در واقع، سازمان‌های بین‌المللی همانند یک مکمل در کنار ساختارهای ملی، عمل می‌کنند».

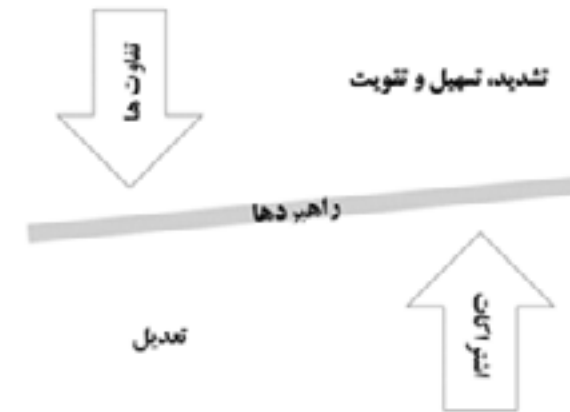
جهان شاهد تغییر نگرش بشر از توجه به مادیات به امور معنوی است و پیام با منشأ معنویت دیپلماسی فرهنگی، پاسخی بر آن است. به علاوه، مخاطبان علاقه‌مند که کشش درونی و علاقه قلبی به ایران دارند، پذیرای اقدامات دیپلماسی فرهنگی هستند و فقط مخاطب و مصرف‌کننده نیستند؛ بلکه رسانه‌هایی هستند تا با بازتولید پیام، پیام دیپلماسی فرهنگی را منتقل کنند. این مخاطبان با رشد جمعیتی و کسب جایگاه در کشورهای هدف، عامل پیونددهنده‌ی فرهنگ‌ها و عامل موفقیت دیپلماسی فرهنگی می‌باشند.



شکل ۴- فرصت‌های محیطی، مداخله‌گر در راهبردهای دیپلماسی فرهنگی ج.ا.ایران

گروهی از مصاحبه‌شوندگان به عواملی پرداختند که به گون‌های نقش تعدیل‌گر را برای دیپلماسی فرهنگی ایفا می‌کند و شدت و کاهش آن‌ها در راستای تقویت یا محدودیت دیپلماسی فرهنگی عمل می‌نماید.

اشتراک‌ها و تفاوت‌های فرهنگی، تاریخی و ساختاری، عامل تأثیرگذار در شکل‌گیری روابط فرهنگی و دیپلماسی فرهنگی است. هرچه اشتراک‌های فرهنگی، تاریخی و ساختاری میان دو کشور بیشتر باشد، دستگاه دیپلماسی فرهنگی با سهولت بیشتر و وجود موانع کمتری، می‌تواند به کار خود بپردازد. آن‌ها به این نکته اشاره داشتند که ماهیت دولتی یا غیردولتی بخش فرهنگ در کشورهای مختلف، ساختار سیاسی حاکم و سطح دموکراتیک بودن کشورها، سطح و تاریخچه روابط، اشتراک‌ها یا تفاوت در مناسبت‌های فرهنگی، از جمله عوامل تسهیل‌کننده یا به وجود آورنده‌ی موانع برای فعالیت‌های دیپلماسی فرهنگی است.



شکل ۵- تأثیر اشتراک‌ها و تفاوت‌های فرهنگی، تاریخی و ساختاری بر راهبردهای دیپلماسی فرهنگی

برخی از افراد، نقش پارادوکس و تفاوت محتوایی را که در مفاهیم و اقدامات دیپلماسی فرهنگی وجود دارد، مطرح نمودند. اولین نکته مورد اشاره، تفاوت تعریف از فرهنگ و عناصر و مؤلفه‌های آن میان ایران و برخی کشورها است. مثلاً جمهوری اسلامی ایران مؤلفه دین را فرهنگی می‌داند؛ اما کشورهای سکولار، نگاه متفاوتی به این مؤلفه دارند. به علاوه، یک دوگانگی‌هایی در اقدامات دیپلماسی فرهنگی وجود دارد. برای نمونه، دیپلماسی تقریبی و وحدت اسلامی با دیپلماسی شیعه‌گرایی و یا زاویه‌ی نگاه تمدنی با نگاه اسلامی و انقلابی به دیپلماسی فرهنگی از جمله پارادوکس‌ها و چالش‌های دیپلماسی فرهنگی

است. هرچند در دیپلماسی فرهنگی تلاش در جهت هم‌راستا کردن و هم‌تکمیلی این موارد بوده است؛ در برخی موارد شاهد چالش‌هایی در این خصوص بوده‌ایم.

برخی مشارکت‌کنندگان، نقش تحولات فنی و تکنولوژی اطلاعات را به عنوان یکی از عوامل مداخله‌گر در دیپلماسی فرهنگی مطرح کردند. رشد سریع تکنولوژی به ویژه تأثیر رسانه‌ها و فضای مجازی در نزدیک کردن جوامع و اثربخشی مثبت یا منفی بر اقدامات دیپلماسی فرهنگی نقش دارد. این تکنولوژی، از یک‌سو در رساندن پیام به مخاطبان، تسهیل، تسریع، ارتباط دوسویه و مفاهمه ایجاد می‌کند و از سوی دیگر، کوچک‌ترین اتفاقات داخلی را انعکاس وسیع داده و یا بالعکس بایکوت می‌نماید. یکی از مصاحبه‌شوندگان به تأثیر تغییرات دموگرافیک در کشور هدف، می‌گوید:

«ترکیب جمعیتی و بافت دموگرافیک جامعه هدف، شامل میانگین سنی، جنسیت، تحصیلات، گرایش‌های مذهبی و... است. رشد و ترکیب جمعیت مسلمانان در کشورهای هدف ناشی از مهاجرت و ازدیاد نسل، مسن شدن جمعیت در برخی از کشورهای اروپایی و یا تغییر تعداد فارسی‌زبانان در کشورهای هدف، از ایرانیان به سمت افغانستانی‌ها است؛ به عبارت دیگر، در آینده شما با برتری فارسی‌زبانانی مواجه هستید که به جای آنکه فارسی «حرف» بزنند، فارسی «گپ» می‌زنند.»

تعدادی از مصاحبه‌شوندگان مطرح نمودند که سطح و کیفیت روابط فرهنگی، سیاسی و اقتصادی عاملی تأثیرگذار بر دیپلماسی فرهنگی است. آنها اشاره کردند که هرچه تاریخچه روابط روشن و خوب باشد، فرهنگ و تمدن ایران شناخته شود، فضای دوستی و حس اعتماد و اطمینان از صلح‌جویانه بودن اقدامات میان دو کشور برقرار باشد، روابط فرهنگی نیز بهتر شکل می‌گیرد؛ بنابراین، گشایش‌های سیاسی و حل مسائل سیاسی کلان جمهوری اسلامی ایران با جامعه جهانی، این محدودیت‌ها را کم خواهد نمود.

منافع ملی و اولویت‌پیگیری آن در هر زمان و مکان، عامل دیگری است که یکی از مصاحبه‌شوندگان به آن اشاره می‌کند؛ چرا که دیپلماسی فرهنگی در تناسب با منافع ملی جمهوری اسلامی ایران تعریف می‌شود:

«اولویت‌بندی منافع ملی به کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت، درجه ضرورت، فوریت و اهمیت آنها از عواملی هستند که بر اساس آن، دیپلماسی فرهنگی در یک کشور

شکل می‌گیرد. برخی مواقع باید منافع بلندمدت‌تر و مهم‌تر را مد نظر قرار داد و از موارد سطحی و زودگذر عبور کرد».

گروهی از مشارکت‌کنندگان، ویژگی‌های شخصیتی کنشگران فرهنگی را عاملی دانستند که دیپلماسی فرهنگی در یک کشور بر اساس آن تعریف، تقویت، یا تغییر شکل می‌یابد:

«فرهیبختگی فرهنگی، باور قلبی و زمینه‌های فردی قوی حاصل‌شده از تحصیل، مطالعه و تجربه، پیش‌زمینه‌ی یک کارگزار فرهنگی به عنوان نماینده یک کشور فرهنگی و دارای تمدن است. هر چه رایزنان از فرهیبختگی بالاتری برخوردار باشد، بهتر می‌توانند رسالت‌های دیپلماسی فرهنگی را محقق کنند. این ویژگی‌ها، بر اساس نقطه قوتی که برای یک کارگزار ایجاد می‌کنند، همان جنبه‌های که کارگزار زمینه‌ی آن را دارد را نیز بیشتر تقویت می‌کند».



شکل ۶- تعدیل ترهای مداخله‌گر در راهبردهای دیپلماسی فرهنگی ج.ا.ایران

کاستی‌ها و ضعف‌هایی که در محیط داخلی وجود دارد نیز از جمله مواردی بود که توسط مشارکت‌کنندگان به عنوان مؤلفه تأثیرگذار بر اقدامات و راهبردها مطرح شد.

گروهی نیز عدم اقناع عمومی از هزینه کرد منابع، جهت اقدامات دیپلماسی فرهنگی در خارج از کشور و نسبت آن با افزایش رفاه اجتماعی در داخل کشور را مطرح نمودند. مسئله‌هایی که در نتیجه آن، نوعی بدبینی و عدم اعتماد میان حاکمیت و مردم ایجاد می‌گردد و مردم پشتیبانی لازم را از اقدامات آن‌ها به عمل نخواهند آورد. برخی نیز تعدد و تشتت بازیگران و نهادها را عامل تأثیرگذار بر راهبردها دانستند که با ایجاد رقابت‌های درون و میان سازمانی، ضعف در تعریف مناسبات و ارتباطات، اصطکاک‌ها و مانع‌تراشی‌ها و موازی کاری‌ها، تصویر و پیامی متشتت از ایران را به مخاطبان و طرف‌های خارجی ارائه کرده و سبب سردرگمی آن‌ها می‌شود. این ناهماهنگی چه در سطح برنامه‌ریزی و چه در سطح مدیریت می‌دانی، باعث اختلال در کار می‌گردد. برخی دیگر از مصاحبه‌شوندگان، بر مسئله شناسی دیپلماسی فرهنگی و عدم ارائه تعریفی صحیح از آن برای مسئولین و عدم اولویت این موضوع برای بعضی افراد، تأکید داشتند:

«ما در دیپلماسی فرهنگی به یک بلوغ سیاسی و عزم و اراده ملی نیاز داریم؛ به گونه‌ای که این موضوع درست تعریف و ارتباط آن با حوزه‌های دیگر مشخص شود و تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران در کلیه سطوح حاکمیت بر آن اتفاق نظر داشته باشند».

عده‌ای دیگر از مشارکت‌کنندگان، مسئله حاکمیت فرهنگی و استیلای سیاست بر فرهنگ را به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار در دیپلماسی فرهنگی عنوان نمودند. آن‌ها چنین مطرح ساختند که وقتی فرهنگ، ابزاری در دست سیاست باشد و دولت محتوای فرهنگ و به دنبال آن دیپلماسی فرهنگی را مشخص نماید، دیپلماسی فرهنگی جایش را به تبلیغات سیاسی خواهد داد. در نتیجه، کوچک‌ترین اتفاق سیاسی داخل کشور در سطح بین‌الملل منعکس گردیده و بر دیپلماسی فرهنگی تأثیر می‌گذارد. در مقابل، هر اقدامی هم که توسط بازیگران در این عرصه با خطا یا بازتاب منفی مواجه گردد، کلیت حاکمیت را مورد هدف و تأثیر قرار می‌دهد. این نگاه ابزاری، با چرخش‌های سیاسی دولت‌ها، امنیتی نگاه کردن به فرهنگ و تغییر و تحولات سیاسی بر مخاطبان و نرخ مشارکت آن‌ها در فعالیت‌ها تأثیرگذار بوده و در بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت‌های فرهنگی؛ مانند تجمعات فرهنگی ایران در خارج از کشور، باعث ایجاد مانع و محدودیت و به وجود آمدن برداشت منفی و سیاسی در نزد طرف‌های مقابل و بازخورد امنیتی و محدودیت‌ساز آنان گردد.



تعدادی نیز ضعف شناخت، دانش و مهارت‌های دیپلماسی فرهنگی را عامل مؤثر بر راهبردها دانستند. آنان مطرح کردند که عدم نگاه تخصصی و علمی به فرهنگ و به طبع آن دیپلماسی فرهنگی به عنوان یک علم، شناخت ناکافی در ابعاد موضوعی دیپلماسی فرهنگی در سطوح مختلف از سیاست‌گذار تا مجری، شناخت محدود از حوزه تئوری دیپلماسی فرهنگی و زوایا و ابعاد آن، جریان‌های حاکم و جاری فرهنگ بین‌الملل، اولویت فرهنگی کشور نسبت به اولویت‌های فرهنگ بین‌الملل، اهمیت اعتبار جهانی فرهنگی در تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری‌ها، ریشه‌های عمیق اثرگذار در کشورها و فرهنگ‌ها، پیامدهای منفی بی‌ثباتی، مقطعی و شتاب‌زده فعالیت‌های فرهنگی، دانش نشانه‌سازی فرهنگی، مرز میان دیپلماسی فرهنگی با دیپلماسی عمومی، پروپاگاندا و فعالیت فرهنگی برون‌مرزی، ظرفیت‌های فرهنگی کشور و ارزش آنها و در آخر، برنامه‌ریزی بر مبنای شناخت محدود، عوامل اثرگذار بر دیپلماسی فرهنگی هستند. به علاوه، ضعف دانش و مهارت در شکل‌دهی اتحادهای فرهنگی، جلب مشارکت و بهره‌گیری از ظرفیت مخاطبان به‌ویژه ایرانیان خارج از کشور و پیچیده انگاشتن دیپلماسی فرهنگی و در نتیجه غافل شدن از بدیهیات این حوزه در میان برنامه‌ریزان و مجریان باعث گردیده تا دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در تدوین یا اجرا با اختلال همراه گردد.

بعضی از مصاحبه‌شوندگان نیز ضعف رایزنان و فعالان فرهنگی خارج از کشور را عاملی بر اجرای راهبردهای دیپلماسی فرهنگی مطرح کردند. آنان معتقد بودند که گاهی در انتخاب و اعزام کارگزاران بحث توانمندی، تحصیلی، تخصصی، فنی و تجربه فرهنگی لازم رعایت نشده است؛ بنابراین، عدم تعریف صلاحیت شغلی لازم جهت انتخاب و اعزام رایزنان در غیاب یک سیستم تربیتی که نیروی انسانی متخصص، ماهر، زبان‌دان و دارای تجربه را در زمینه دیپلماسی فرهنگی و در سطح شناخت فرهنگ و تمدن ایران تربیت نماید، باعث تأثیر منفی بر راهبردها شده است. همچنین باید افزود که در بسیاری از کشورها، رایزن فرهنگی مستقل وجود ندارد. موضوع دیگر در این زمینه، مدت کوتاه مأموریت کارگزاران و رایزنان فرهنگی است که به خاطر رفع تکلیف از وظایف خود، به جای در نظر گرفتن اثربخشی فعالیت‌ها به آمار سازی و گزارش سازی می‌پردازند و همچنین فعالیت‌ها با تغییر رایزنان و کارگزاران، بی‌نتیجه می‌مانند و پیگیری نمی‌شوند. برخی دیگر از مشارکت‌کنندگان، ضعف در گسترش و بهره‌گیری راهبردی از ظرفیت‌ها، زیرساخت‌ها و ابزار مرسوم دیپلماسی فرهنگی را عنوان کردند. ایشان به انجمن‌های دوستی

و تشکل‌های مردمی، کیفیت و کمیت کتب ترجمه‌شده از زبان فارسی، رسانه‌ها، فناوری ارتباطی و وب سایت‌ها به ویژه پشتیبانی زبان کشورهای هدف، محتوا و متون آموزشی، تبلیغی و ترویجی، صنعت سینما، سرمایه‌گذاری در توسعه پایدار صنایع فرهنگی، ذائقه و دیپلماسی غذای ایرانی و صنعت گردشگری اشاره نمودند و تأثیر منفی این موارد بر دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران را خاطر نشان ساختند.

عده‌ای دیگر، ضعف قانونی و حقوقی را به عنوان عامل مؤثر بر دیپلماسی فرهنگی مطرح کردند. آنها مطرح کردند که از یک‌سو، خلأهای قانونی مرتبط با ساماندهی دیپلماسی فرهنگی در سطح ملی وجود دارد که الزامات ساماندهی، نظارت، پاسخگویی و... را شامل می‌شود؛ و از سوی دیگر، توافق‌نامه‌های فرهنگی به عنوان چارچوب مورد تفاهم همکاری و اقدامات دیپلماسی فرهنگی با برخی کشورها وجود ندارد و این موضوع با عدم تدوین برنامه‌های اجرایی متناظر یا کلیشه‌ای، حداقلی و به دور از واقعیت‌های می‌دانی و ظرفیتی نیز ضعف رایزنی‌های فرهنگی برای اجرای این تفاهم‌نامه‌ها و برنامه‌هایی که مرتبط با دستگاه‌های متولی مختلف و متعدد است را تشدید می‌کند.

عامل دیگری که اثرگذاری آن بر دیپلماسی فرهنگی مطرح گردید، ضعف‌های ساختاری و سازمانی است. ساختار عریض و طویل دیپلماسی فرهنگی که ناشی از فعالیت بازیگران متعدد در جریان‌های متفاوت است؛ با تحمیل هزینه بالا و بازده کم، چابکی و تحول‌آفرینی را محدود می‌سازد. تغییرات ساختاری ناگهانی و بدون مطالعه، انسجام سازمانی را ناپایدار و متلاطم می‌سازد. ضعف در رصد، ارزیابی و پایش دقیق و سیستماتیک عملکرد ناشی از ماهیت ساختار، اثربخشی دیپلماسی فرهنگی را می‌کاهد.

مدیریت، برنامه‌ریزی و اجرا نیز از موارد پر تکراری است که به شیوه‌های مختلف توسط مصاحبه‌شوندگان طرح گردید. شیوه مدیریت دیپلماسی فرهنگی، دچار ضعف‌هایی است که بر تدوین و اجرای راهبردها تأثیر می‌گذارد. مشخص نبودن سیاست‌گذار، هادی، مجری، ناظر و فرایند آن در دیپلماسی فرهنگی که با اهداف متعدد، عدم اولویت‌بندی آن‌ها، هدف‌گذاری جغرافیایی نامتوازن با منافع و سیاست‌های کلان، عدم انسجام برنامه‌های وجود برنامه‌های متفاوت، عدم مطالعات پایه در برنامه‌ریزی‌ها، شخص محوری و سلیقه محوری در برنامه‌ریزی و اجرا، عدم هم‌جهتی و هم‌پایانی اقدامات و سیاست‌ها، کثرت مراکز فرمان در سطوح مختلف ساختاری با ادبیات متفاوت و گاه متضاد همراه است.

گروهی دیگر، ضعف در مدیریت دانش و اطلاعات را طرح کردند. آمار به عنوان ابزار



محدود و یا به عموم مردم و مخاطبان مختلف کمتر پرداخته شده است. این امر، خود تابعی از محدودیت‌های انسانی و مالی است.



شکل ۷- کاستی‌ها و نقاط ضعف مداخله‌گر در راهبردهای دیپلماسی فرهنگی ج.ا.ایران

### بحث و نتیجه‌گیری

در این مطالعه عوامل مداخله‌گر که در درون و محیط بیرونی دیپلماسی فرهنگی وجود دارد؛ به عنوان شرایطی که راهبردهای دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهند، مورد بررسی قرار گرفتند. این عوامل شامل تهدیدهای موجود در محیط (تصویر کدر کشور در ذهنیت مخاطبان، فعالیت منفی رسانه‌ها، جریان‌ها و گروه‌های مخرب، کم‌رنگ شدن ظرفیت‌های گذشته ایران، محیط سیاسی سیال بین‌المللی)؛ فرصت‌های موجود در محیط (رسانه‌ها، مراکز فرهنگی و مذهبی و رویدادهای مرتبط همسو، ظرفیت سازمان‌های بین‌المللی فرهنگی، مخاطبان علاقه‌مند به ایران و انقلاب اسلامی)؛ عوامل تعدیل‌کننده «متغیرها» شامل (سطح اشتراکات و تفاوت‌های فرهنگی، تاریخی و ساختاری، پارادوکس و تفاوت محتوایی، تحولات فنی و تکنولوژی اطلاعات، ترکیب و تغییرات دموگرافیک، سطح و کیفیت روابط فرهنگی، سیاسی و

سیاست‌گذاری در تبیین وضع موجود و مسیر یابی وضع مطلوب، عاملی کلیدی است؛ اما این شفافیت و دقت در جمع‌آوری و مدیریت اطلاعات وجود ندارد. ضعف اشتراک‌گذاری اطلاعات میان بازیگران هم باعث بروز فعالیت‌های تکراری و موازی گردیده و بهره‌وری را کاهش می‌دهد.

تعدادی دیگر از مصاحبه‌شوندگان، ضعف اعتبارات فرهنگی در حوزه دیپلماسی فرهنگی را مطرح کردند. هزینه‌های بالای اقدام‌های برون‌مرزی در کنار هزینه‌های جاری زیاد و مقایسه این اعتبارات با مبالغی که توسط رقبای بین‌المللی در این حوزه هزینه می‌شود، به توضیح این مؤلفه پرداختند:

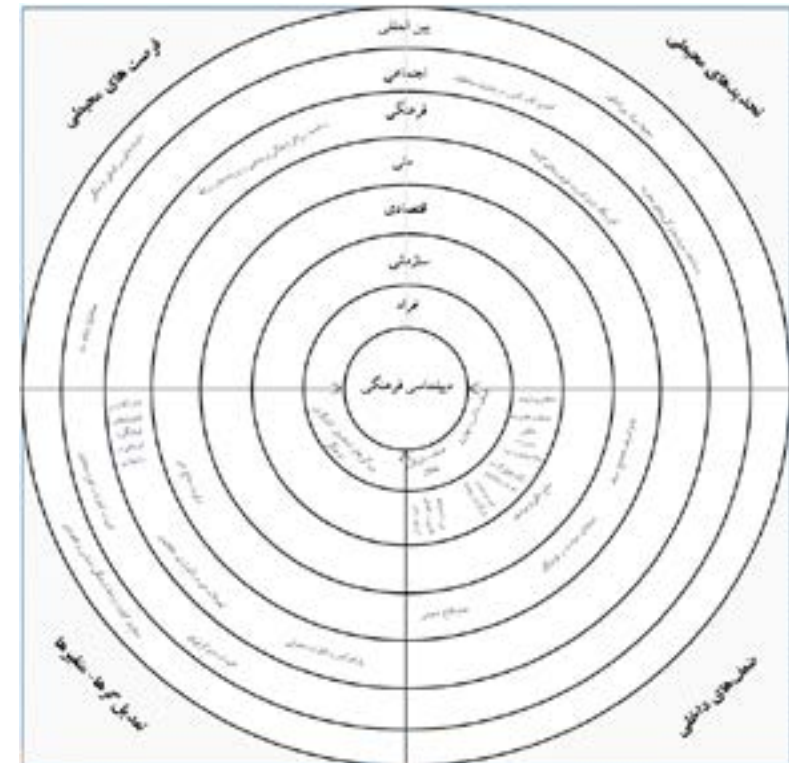
«بخش فرهنگ، کمترین سهم را از اعتبارات کشور در مقایسه با سایر حوزه‌ها دارا است و از این میان، بخش ناچیزی به دیپلماسی فرهنگی اختصاص می‌یابد. این اعتبارات نیز ریالی و بر اساس هزینه فعالیت‌های داخلی سنجیده می‌شوند و این در حالی است که در خارج از کشور باید هزینه کردها به دلار محاسبه شوند. همین اعتبار اندک نیز در زمان کسر بودجه، اولین بخشی است که محدود یا حذف می‌شود. شاید بالغ بر ۹۰ درصد هزینه‌ها صرف امور جاری و دستمزد می‌شود و دیگر مبلغی برای فعالیت باقی نمی‌ماند».

به علاوه، آنها به موانعی که در مسیر انتقال و هزینه کرد منابع مالی در خارج از کشور به ویژه در زمان محدودیت‌های سیاسی و تحریم‌ها وجود دارد، اشاره نمودند:

«برای هزینه فعالیت‌ها نمی‌توانیم حساب بانکی باز کنیم و همین اعتبار اندک را باید در محل دفتر نگه داریم. موقع پرداخت در کیف و جیب خود حمل کنیم و به افراد پرداخت نماییم. همین یک مسئله است که هم در طرف مقابل حساسیت ایجاد می‌کند و هم وقتی می‌خواهیم با یک دانشگاه یا موسسه و نهاد کار کنیم، دیگر امکان پرداخت نقدی وجود ندارد.»

تقلیل‌گرایی در تعریف مخاطبان، مؤلفه دیگری بود که توسط مصاحبه‌شوندگان مطرح شد. دیپلماسی فرهنگی، ابزاری برای گفتگو و مفاهمه با همگان حتی دشمنان است؛ در حالی که عمق نفوذ دیپلماسی فرهنگی به خاطر قومی، مذهبی و حداقلی تعریف شدن آن و در نتیجه عدم نفوذ در بخش‌هایی از دنیا، جامع و کامل نیست. به دلیل محدودیت‌ها یا سهولت بیشتر کار، نوع مخاطبان به مسلمانان، شیعیان و دوستداران انقلاب اسلامی

اقتصادی، کمیت، کیفیت و تنوع مخاطبان، درجه اولویت منافع ملی، ویژگی‌های شخصیتهای کنشگران فرهنگی فعال؛ کاستی‌ها و ضعف‌های داخلی (عدم اقتناع عمومی، تعدد و تشتت بازیگران و نهادها، عدم تعریف صحیح مسئله، استیلای سیاست بر فرهنگ، ضعف دانش و مهارت، ضعف رایزنان و فعالان، ضعف زیرساخت‌های ابزاری و فنی، ضعف زیرساخت‌های قانونی و حقوقی، شکل ساختار و سازمان دیپلماسی فرهنگی، ضعف مدیریت، برنامه‌ریزی و اجرا، ضعف مدیریت دانش، ضعف منابع مالی، نگاه تقلیل‌گرا در تعریف مخاطبان) است.



شکل ۸: نمودار عوامل مداخله‌گر در راهبردهای دیپلماسی فرهنگی ج.ا.ایران

یافته‌های این پژوهش با نتایج تحقیق عمرانی (۱۴۰۱) و ذوالفقاری و غلامعلی (۱۴۰۱) مبنی بر مدیریت مطلوب ابزارها و ظرفیت‌های مختلف دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی، جهت ارائه چهره واقعی و مطلوب حکومت و ملت ایران به جهان؛ نتایج پژوهش پورعلی، دهشیری، قائدی و خداوردی (۱۴۰۱) و قربانی گلشن‌آباد (۱۴۰۰) و اونالمیز و باسران (۲۰۱۹) مبنی بر تمرکز بر مذهب و توجه کمتر به سایر شاخص‌های دیپلماسی

فرهنگی؛ نتایج پژوهش کولایی و باقری (۱۴۰۱) تاکید به امنیتی شدن فعالیت‌های فرهنگی؛ نتایج پژوهش حق‌پرست (۱۴۰۱) تاکید بر سنت‌های تاریخی، تمدنی و هنری و فرصت‌های موجود در این حوزه؛ نتایج پژوهش خالدی، عامری و حسین زاده (۱۳۹۹) که به چالش‌های ارتباط با کشورهای عربی پرداخته و قنبرلو (۱۴۰۰) که فقدان استراتژی منسجم، تعدد نهادهای سیاست‌گذار، غفلت از بخش خصوصی، ضعف کارگزاران دولتی و غلبه نگاه ایدئولوژیک را از مهم‌ترین چالش‌های دیپلماسی فرهنگی کشور ذکر می‌کند، همخوانی دارد.

همچنین نتایج به دست آمده با یافته‌های خالدی اژدری، فرهنگی، صالحی امیری و سلطانی‌فر (۱۳۹۷) و منیری، صالحی امیری و چاوش باشی (۱۳۹۷) که دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران را محافظ کارانه دانسته و نیازمند تقویت اشتراکات دینی، فرهنگی و تاریخی، گسترش مناسبات و همکاری فرهنگی، اقتصادی و علمی، تربیت نیروی انسانی متخصص، بازنگری در قوانین می‌دانند، همخوانی دارد. همچنین در حوزه ارتباط با کشورهای غیر همسایه با نتایج پژوهش‌های عراقچی و جنتی محب (۱۳۹۶) و درخشه و اسماعیلی (۱۳۹۶) تطابق دارد. صادقی و مشهدی (۱۳۹۸) نیز دریافتند که استفاده از دیپلماسی فرهنگی فعال و پویا و همگام با سرعت و کیفیت دنیای دیجیتال امروز می‌تواند نقش مهمی در تعمیق روابط ایران و ارمنستان در دیگر سطوح ایفا کند ابوالحسن شیرازی (۱۳۹۶) و اوکال (۲۰۱۸) و کوریلوف، نیکولین و گونچارووا (۲۰۱۷) نیز که رشد بهره‌گیری از ابزارهایی چون زبان، فرهنگ، جهانگردی و دیاسپورا را مایه قدرت نرم در راهبرد سیاست خارجی ایران می‌داند، همخوانی دارد.

بر اساس یافته‌های این پژوهش، دیپلماسی فرهنگی در خلأ شکل نمی‌گیرد و عوامل محیطی گوناگونی خواسته یا ناخواسته بر عملکرد آن تأثیر می‌گذارد. لذا لازم است این عناصر به خوبی شناسایی و تدابیر لازم جهت مواجهه با آن‌ها اندیشیده شود. محیط دیپلماسی فرهنگی را می‌توان در ابعاد محیط بین‌المللی، اجتماعی، فرهنگی، ملی، اقتصادی، سازمانی، فردی دسته‌بندی کرد. در هر یک از محیط‌ها عوامل متعددی وجود دارد که بر راهبردها اثر می‌گذارد. برخی از این موارد برای راهبردها جنبه تهدید (مانع) دارند. برخی فرصت‌هایی هستند که در محیط وجود دارد که امکان بهره‌گیری از آن وجود دارد. برخی دیگر از این عوامل تعدیل‌گر (متغیر) هستند و در یک طیف بر راهبردها تأثیر مثبت یا منفی می‌گذارند و راهبردها بایست بر اساس این ویژگی‌ها خود را تنظیم کنند.

گروه دیگر از موارد در محیط داخل کشور و داخل سازمان وجود دارد، ضعف‌هایی که فردی یا سیستمی بوده و بر مراحل مختلف تدوین تا اجرای راهبردها تأثیر منفی دارند. در عین حال که عوامل مداخله‌گر جزء جدایی‌ناپذیر از حوزه دیپلماسی فرهنگی است؛ اما شناخت دقیق آن و آمادگی مواجهه با شرایط مختلفی که ایجاد می‌کند نیز لازمه یک ساختار پویا در محیطی پیچیده است تا بتواند زمینه موفقیت و پویایی را در دیپلماسی فرهنگی کشور فراهم آورد.

#### منابع

۱. ابوالحسن شیرازی، حبیب‌الله (۱۳۹۶). دیپلماسی فرهنگی و نقش انجمن‌های دوستی در روابط بین‌الملل، مطالعات روابط بین‌الملل، ۳۸، ۳۸-۹.
۲. آژدری، لیلان، فرهنگی، علی‌اکبر، صالحی امیری، سید رضا، و سلطانی فر، محمد. (۱۳۹۷). آسیب‌شناسی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و ارائه راهبرد. راهبرد اجتماعی فرهنگی، ۷(۳)، ۱۵۹-۱۲۳. DOR: 20.1001.1.22517081.1397.7.3.5.8.
۳. بصیری، محمدعلی، و خوانساری فرد، فهیمه (۱۳۹۵). تبیین جایگاه دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قفقاز جنوبی، تخصصی علوم سیاسی، ۱۲(۳۵)، ۱۰۴-۷۹. JR\_PSQK-12-35\_004.
۴. پورعلی، پریسا، خداوردی، حسن، دهشیری، محمدرضا، و قانیدی، محمدرضا. (۱۴۰۱). مطالعه تطبیقی دیپلماسی فرهنگی ایران و ترکیه در عراق (۲۰۰۳ تا ۲۰۲۰). مطالعات روابط بین‌الملل، ۵۷، ۵۶-۲۷. PRB-2108-2288 (R2).
۵. چوپانی، نجف‌آبادی حمید (۱۴۰۱). دیپلماسی فرهنگی و مقابله با پروژه ایران هراسی در منطقه خاورمیانه؛ فرصت‌ها و چالش‌ها. سیاست خارجی، ۳۶(۲): ۴۵-۲۷.
۶. حق‌پرست هادی (۱۴۰۱). مدل مطلوب سیاست‌های فرهنگی ایران در چین با آینده‌نگری نظام سیاسی جمهوری خلق چین. پژوهش ملل، ۸۵، ۹۳-۷۵.
۷. خالدی برهنه، بهنام، عامری گلستانی، حسین زاده، حامد، و شانه چی غلامحسین. (۱۳۹۹). بررسی چالش‌های حوزه دیپلماسی فرهنگی ایران با کشورهای عربی منطقه خاورمیانه. مطالعات خاورمیانه (۴)، ۲۷. DOR: 20.1001.1.15601986.1399.27.4.3.1.
۸. کاوه، پیشقدم، و محمدکاظم، میرزا هدی (۱۳۹۹). دیپلماسی فرهنگی و جایگاه آن در سیاست خارجی کشورها. دانشنامه علوم سیاسی، ۱(۱): ۸۴-۹.
۹. درخشه، جلال، و اسماعیلی کلشیمی، علیرضا (۱۳۹۶). دیپلماسی فرهنگی و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در ایتالیا؛ فرصت‌ها، تحدیدها و راهبردها، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۷(۲)، ۵۳-۲۷. DOI: 10.21859/priw-070202.
۱۰. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، خرمشاد، محمداقبر، و رستگاری، محمدحسین. (۱۳۹۴). مؤلفه‌های کلیدی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. رهیافت انقلاب اسلامی، ۹(۳۲)، ۳-۲۴.
۱۱. ذوالفقاری، مهدی، و غلامعلی، علی. (۱۴۰۱). مؤلفه‌ها و ظرفیت‌های زبان فارسی در دیپلماسی فرهنگی ایران. مطالعات ایرانی (۴۱)، ۲۱. DOI: 10.22103/jis.2022.16803.2103.
۱۲. عراقچی، سید عباس، و محب، جنتی محب فائزه. (۱۳۹۶). عنوان تأثیر دیپلماسی فرهنگی بر روابط سیاسی و اقتصادی کشورها، مطالعه موردی: روابط ایران و ژاپن در دوران تحریم. پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۲۶، ۱۵-۴۹.

۱۳. رستگاری، محمد حسین (۱۳۹۵). دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران؛ چالش‌ها و چینی‌ها. دفتر مطالعات و برنامه ریزی راهبردی معاونت برنامه ریزی و توسعه منابع وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۰.
۱۴. عمرانی ابوزر. (۱۴۰۱). نقش دیپلماسی فرهنگی با تأکید بر گردشگری در افزایش منزلت و پرستیژ سیاسی جمهوری اسلامی ایران. مطالعات دولت پژوهی در جمهوری اسلامی ایران، ۸(۳): ۴۳-۱۱. DOI: 20.1001.1.27831914.1401.8.3.1.8.
۱۵. قربانی گلشن‌آباد، محمد. (۱۴۰۰). دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران؛ مطالعه موردی: عربستان سعودی مطالعات قدرت نرم (۴)، ۱۱، ۲۷۱-۳۰۳. DOI:20.1001.1.23225580.1400.11.4.14.8.
۱۶. قنبرلو، عبدالله. (۱۴۰۰). دیپلماسی فرهنگی و جایگاه بین‌المللی ایران. مطالعات راهبردی، ۲۴(۹۳)، ۱۵۷-۱۸۸. DOI: 20.1001.1.17350727.1400.24.93.6.2.
۱۷. کولایی، الهه، و باقری، یوسف (۱۴۰۱). چالش‌های دیپلماسی فرهنگی ایران و ترکیه در آسیای مرکزی. مطالعات اوراسیای مرکزی، ۱(۲)، ۲۸۹-۳۱. DOI:10.22059/jcep.2020.305304.449939.
۱۸. منیری، مهدی، صالحی امیری، سیدرضا، و چاوش باشی، فرزانه (۱۳۹۷). ارائه استراتژی مناسب دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر مقایسه تطبیقی ایران و ترکیه. مطالعات فرهنگ - ارتباطات 19.41.5.5. DOI: 20.1001.1.20088760.1397.19.41.5.5.
19. Creswell, w. John, (2007), "Qualitative Inquiry and research design; choosing among five approaches", (Second Edition). Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
20. Joseph S. Nye, (2008). Public Diplomacy and Soft Power. The Annals of the American Academy. Volume 616, Issue 1. https://doi.org/10.1177/0002716207311699
21. Kurylev, K. P. Nikulin, M. A & Goncharova, A. A. (2017). "Soft Power" OF Cultural Diplomacy of the Islamic Republic Of Iran. Bulletin of the Moscow State Regional University. History and Political Science. DOI: 10.18384/2310-676X-2017-2-46-55
22. MUIR, Robyn. Colombo, Elena. & Ahmed, Ibtisam. (2020). The Politics of Culture: An Interdisciplinary Interrogation of Popular Culture. London: Cambridge Scholars Publishing.
23. Racine, p, William (2009), 'A Qualitative study of motivations and lived Experiences: New venture creation of environmental entrepreneurs in Ohio. Racine, William P. Capella University ProQuest Dissertations & Theses.
24. Samil Ocal.(2018). Culture and Language as a Soft Power Tool in Iranian Foreign Policy. Political sciences, (2), 46-55.
25. Ociecka, B., & Arendarska, J. (2021). Cultural diplomacy as a network and networking in international relations: The case of cultural diplomacy in Russia. SAGE Open, 11(4), 21582440211054119.
26. Tabesh, M., Rashidpoor, A., Salehi Amiri, S. R., & Ebrahimzadeh Dastjerdi, R. (2023). Presenting cultural diplomacy pattern of the Islamic Republic of Iran based on-grounded theory. Foreign Relations, 15(2), 158-186. DOI: 10.22034/FR.2023.387746.1357
27. Yang, Yifan (2019) Telling The EUs Story by Others: the Jean Monnet Programme and European Union Public Diplomacy U.S.A Rowman & Littlefi.

#### چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی موضوع کالایی شدن آموزش و پیامدهای آن است. روش انجام این پژوهش نظریه داده بنیاد و جامعه هدف را دانش آموزان، معلمان، مدیران و مسئولین مدارس متوسطه دوم شهر مشهد تشکیل می دهند. انتخاب مشارکت کنندگان نیز با استفاده از نمونه گیری هدفمند و اشباع نظری داده ها پس از ۳۲ مصاحبه انجام شد. پایایی و اعتبار داده ها نیز با نظر متخصصان و مشارکت کنندگان تأیید گردید. یافته های پژوهش نشان داد که کالایی شدن آموزش در سه سطح کالایی شدن یادگیری، کالایی شدن دانش آموز و کالایی شدن معلم اتفاق می افتد. شرایط و پیامدهای کالایی شدن نیز شامل شرایط علی (سازمانی و خانوادگی)، شرایط مداخله گر (شبکه روابط اجتماعی و خانوادگی، فراوانی مدارس غیردولتی و وجود نظام موازی آموزشی)، شرایط زمینه ای (خصوصی سازی آموزش و سیاست های دولتی)، تعاملات راهبردی (مقاومت و پذیرش) و پیامدها (اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، آموزشی و روانی) است.

■ واژگان کلیدی

آموزش، کالایی شدن آموزش، کالایی شدن یادگیری، کالایی شدن دانش آموز، پیامدهای کالایی شدن.

## برساخت معنایی

### پدیده کالایی شدن آموزش

(مورد مطالعه: مدارس متوسطه دوم شهر مشهد)

#### حسین میرزایی

استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)  
(hmirzaei@um.ac.ir)

#### عبدالخالق پیرزهی کهن کریم

دانشجوی دکتری جامعه شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران  
(kh.pirzahi@mail.um.ac.ir)

## ۱- مقدمه و بیان مسئله

اصطلاح کالایی شدن از مفهوم مارکسیستی «طلسم انگاری کالایی» گرفته شده است که به گفته مارکس به معنای اشکال اقتصادی سرمایه است که روابط اجتماعی زیربنایی را پنهان کرده است (سیدمن، ۱۳۹۲؛ ریتزر، ۱۳۸۵). از نظر پولانی، کالا چیزی تعریف می‌شود که برای فروش در بازار تولید شده است و کالایی شدن به تبدیل ایده‌ها، خدمات و سایر مفاهیم به کالا اشاره دارد (پولانی، ۱۳۹۱: ۲۴ - ۲۳)، مفهوم کالایی شدن آموزش هم در این راستاست.

تاریخچه نظام آموزش و پرورش رسمی جهان نشان می‌دهد اندیشمندانی زیادی چون دیدرو، ژان برنارد باز دو، کندرسه تلاش کردند تا آموزش همگانی را جهت بر خورداری همه اقشار جامعه ترویج کنند. از نظر دیدرو آموزش باید اجباری و همگانی باشد و محرومیت طبقات ضعیف جامعه از آموزش تجاوز به حقوق انسانی آنان است. کندرسه با طرح پیشنهادی تحت عنوان «نظام کلی آموزش» به مجلس در سال ۱۷۹۲ اعتقاد داشت که آموزش از اصول مسلم عدالت آموزشی است و بر اساس چنین اعتقادی پیشنهاد کرد که سازمان آموزشی از نوسانات سیاسی و مذهبی برکنار باشد و با در نظر گرفتن اصول آزادی عقیده و فکر، برای عموم مردم در همه سطوح مجانی باشد (کوئن، ۱۳۹۹؛ گلشن فومنی، ۱۴۰۰). در کشور ایران نیز، مطابق با اصل سی‌ام قانون اساسی دولت موظف است آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خود کفائی کشور به‌طور رایگان گسترش دهد (منصور، ۱۴۰۰). تا قبل از سال ۱۳۶۷ الگوی قالب مدارس ایرانی از نوع دولتی و مدیریت آنها با دولت بود. با هدف تقویت مشارکت مردم در مدیریت مدارس، قانون تأسیس مدارس غیرانتفاعی در سال ۱۳۶۷ به تصویب رسید (اکبری، ۱۳۹۶). همان‌طور که از عنوان این مدارس پیداست هدف از تشکیل آنها انتفاع و سود نبود اما در عمل این اتفاق رخ نداد و این مدارس شکل بنگاه اقتصادی به خود گرفتند. در مجموع سه دسته مدارس دولتی (عادی دولتی و نمونه دولتی)، نیمه‌دولتی (مدارس مردمی، مدارس شاهد و استعدادهای درخشان و ...) و غیرانتفاعی را در کشور شاهد هستیم. طی سال‌های اخیر روند خصوصی‌سازی آموزش تشدید شده و این امر خود منجر به طبقاتی شدن امر آموزش در ایران گردیده است، چنانکه این موضوع در کلان‌شهرهای همچون تهران و مشهد بسیار نمایان است. بر اساس آمار موجود و به نقل از رئیس اداره مدارس و مراکز غیردولتی آموزش و پرورش

خراسان رضوی از کل ۱۷۰ هزار دانش‌آموز مدارس غیردولتی خراسان رضوی، ۱۰۰ هزار نفر در مشهد مشغول به تحصیل‌اند و نواحی برخوردار ۳، ۴ و ۶ مشهد بالاترین تراکم دانش‌آموز مدارس غیردولتی را دارا هستند و تلاش‌ها نیز در راستای افزایش ظرفیت مدارس غیردولتی است<sup>۱</sup>. سال ۱۴۰۰ در سطح کل کشور به گفته مسئول ریاست سازمان مدارس غیردولتی تنها ۱۴ درصد مدارس کشور غیرانتفاعی بوده است و حدود یک میلیون و ۴۸ هزار و ۸۷۹ دانش‌آموز در مدارس غیردولتی مشغول به آموزش می‌باشند (تارنمای مدرسه یار<sup>۲</sup>). هر چند تعداد مدارس غیردولتی و نیمه‌دولتی درصد کمتری از مدارس کشور را شامل می‌شوند اما امکانات و کیفیت خدمات آموزشی در این مدارس نسبت به دیگر مدارس کاملاً مشهود است. چنانکه درصد زیادی از مدال‌آوران المپیادی و جشنواره‌های ملی و بین‌المللی، رتبه‌های برتر کنکور و غیره از همین مدارس فارغ‌التحصیل می‌شوند. به طور مثال بر اساس گزارش‌های منتشر شده در کنکور سراسری سال ۱۴۰۲، از میان ۴۰ نفر برتر، تنها سه نفر از مدارس دولتی و بقیه از مدارس خاص و غیرانتفاعی بودند. این آمار در سال‌های گذشته نیز به همین صورت بوده است<sup>۳</sup>. موضوع عدالت آموزشی، تشدید شکاف طبقاتی در جامعه، رقابتی و کالایی شدن آموزش و هدر رفت بسیاری از استعدادهای کشور می‌تواند تنها بخشی از پیامدهای کالایی شدن آموزش باشد. مسئله‌ای که مورد توجه اندیشمندان مختلف بوده است.

همین امر انگیزه انجام این تحقیق در سطح شهر مشهد بوده است و تلاش شده به این سؤالات اساسی پاسخ داده شود: وضعیت کالایی شدن آموزش در مشهد به چه نحوی است؟ چه بستر و زمینه‌های باعث این وضعیت شده است؟ عوامل دخیل بر کالایی شدن آموزش در سطح مدارس مشهد کدام‌اند؟ کالایی شدن آموزش چه عواقب و پیامدهایی را به دنبال داشته و خواهد داشت؟ و چه راهکارهایی جهت کاهش اثرات منفی کالایی شدن آموزش قابل ارائه است؟

## ۲- پیشینه پژوهش

مرور مطالعات پیشین نشان داد کالایی شدن آموزش با گسترش منطق بازار سرمایه‌داری و اولویت پیدا کردن اقتصاد و سود نسبت به سایر جنبه‌های زندگی اجتماعی

۱. خبرگزاری مهر به نقل از رئیس اداره مدارس و مراکز غیردولتی آموزش و پرورش خراسان رضوی  
2. <https://madyar.org/Article/136>  
3. <https://farhikhtegandaily.com/page/241083/>

ki,2017; Meadows, 2019; Page, 2017; Saunders & Blanco Ramírez, 2017; Soto & Pérez-Milans, 2018; Yang, 2006) و تعداد کمی از آنها در قالب روش کیفی و مصاحبه بوده (فرخزاد، ۱۳۹۹؛ بهرامی، ۱۳۹۴؛ علی اکبری، ۱۳۹۴ و Farrokhzad, 2017; Goldoni, 2021; Guo, Shin, & Shen, 2020; Pankova, 2017) است. نکته مهم آنکه بیشتر پژوهش‌های صورت گرفته اعم از داخلی و خارجی فاقد مدل تحلیلی بوده و در اغلب آنها ابعاد مختلف کالایی شدن آموزش به روشنی مشخص نشده است. وجه تمایز پژوهش حاضر با سایر پژوهش‌های قبلی در ارائه مدل تحلیلی و روشن کردن ابعاد مختلف کالایی شدن، عوامل و پیامدها و بسترهای این پدیده است. از سوی به جای تأکید بر دیدگاه یک گروه مثلاً مدیران مدارس و یا فقط کارشناسان (عبدالله زاده، ۱۴۰۰؛ فرخزاد، ۱۳۹۹؛ علی اکبری، ۱۳۹۶) دیدگاه سه دسته از افراد شامل دانش‌آموزان، معلمان و مدیران و کادر مدرسه مدنظر قرار گرفت.

### ۳- چارچوب مفهومی

کالایی شدن زمانی است که اشیاء، از جمله کالاها، خدمات، دانش یا حتی موجودات، برای نمایش و معامله در بازار عرضه شوند. رویکرد بازاری به آموزش، منجر به تلقی دانش به عنوان یک کالا می‌شود، مبادله این کالا با مقایسه هزینه‌های مرتبط با کسب مدرک و سود مالی که این مدارک در آینده به همراه دارند سنجیده می‌شود (Shukry, 2017) غلبه رویکرد بازاری در حوزه آموزش باعث می‌گردد به جای تأکید بر پرورش شهروندان آگاه، خلاق و مسئولیت‌پذیر، خدمات آموزشی فارغ از نیاز جامعه و استعداد افراد صرفاً بر اساس نتایج مادی حاصل عرضه شوند. از جمله نتایج این فرایند تضعیف جایگاه رشته‌های فکری و اساسی مانند ادبیات و تاریخ است (Karpov, 2013).

در منطق نئولیبرالیسم تعیین‌کننده اصلی ارزش «واقعی» هر خدمت و کالایی صرفاً رقابت بازاری است. حاکم شدن این منطق باعث می‌گردد مرز بین بازار و جامعه از بین برود و بیشتر جنبه‌های زندگی انسان تبدیل به «کالا» یا خدمات قابل مبادله در بازار گردد. به نظر می‌رسد این نوع عقلانیت نئولیبرالی، کالایی سازی افسارگسیخته‌ای را در همه حوزه‌های زندگی ما باعث می‌شود. یکی از بارزترین مصادیق کالایی شدن، پدیده‌ای است که ادوارد لازر، اقتصاددان، آن را امپریالیسم اقتصادی نامیده است. امپریالیسم اقتصادی زمانی است که تفکر اقتصادی به همه حوزه‌ها از جمله حوزه آموزش تسری می‌یابد و

بیش از پیش اهمیت پیدا کرده است. این موضوع با گفتمان سرمایه‌داری و نئولیبرالیسم قابل تحلیل است (بهرامی، ۱۳۹۴؛ علی اکبری، ۱۳۹۴ و رضانی، ۱۳۹۸؛ Alhaija, 2021; Goldoni, 2021; Newman & Jahdi, 2009; Guo, Shin, & Shen, 2020; Pankova, 2017; Saunders & Ramírez, 2017; Soto & Pérez-Milans, 2018). حاکم شدن منطق لیبرالیسم و نئولیبرالیسم در حوزه آموزشی بحث کالایی شدن آموزش را تقویت کرده چنانکه دانش‌آموزان و دانشجویان به عنوان مشتری و معلمان و مدرسان به عنوان ارائه‌دهندگان خدمات در نظر گرفته می‌شوند (Saunders & Ramírez, 2017). این موضوع هژمونی منفعت اقتصادی در گفتمان‌های آموزش را نشان می‌دهد، که در نتیجه آن، فرهنگ و نظام آموزشی، تابع چشمداشت‌های مادی‌گرایی و محاسبه سود قرار می‌گیرد (Kasiyan, 2019).

لذا پژوهش‌های انجام شده در این خصوص را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم نمود. دسته اول که حجم بیشتری از پژوهش‌ها را به خود اختصاص می‌دهد بر پیامدهای منفی کالایی شدن آموزش همچون؛ نابرابری اجتماعی و اقتصادی، استثمار اجتماعی، اهمیت دادن به درآمد به جای توجه به کیفیت آموزش و فرصت‌های نابرابر آموزشی برای طبقات مختلف اشاره دارند و بسیاری برای برون‌رفت از این وضعیت جایگزینی پارادایم آموزشی عدالت محور و اجتماعی را مورد تأکید قرار داده‌اند (فرخزاد، ۱۳۹۹؛ علی اکبری، ۱۳۹۴؛ عبدالله زاده، ۱۴۰۰؛ Alhaija, 2021; Goldoni, 2021; Karpov, 2013; Meadows, ; Soto & Pérez-Milans, 2018; Schwartzman, 2013; 2019).

از مهم‌ترین نتایج منفی مورد تأکید در این تحقیقات می‌توان به هرز نیروی انسانی توانمند و با استعداد جامعه و در اختیار قرار گرفتن آموزش با کیفیت، توسط ثروتمندان و محروم شدن قشرهای فقیر جامعه از آن اشاره کرد (عبدالله زاده، ۱۴۰۰، Karpov, 2013; Kasiyan, 2019; Page, 2017; Yang, 2006). در دسته دوم که حجم کمتری از این نوع تحقیقات را شامل می‌شود بر پیامدهای مثبت کالایی شدن آموزش همچون کسب ارزش اضافی، بالا رفتن کیفیت آموزش و کارایی تحصیلی تأکید می‌شود (Alhaija, 2021; Guo, Shin, & Shen, 2020; Pankova, 2017).

از حیث روش‌شناسی اکثر پژوهش‌های موجود از نوع توصیفی-اسنادی (Alhaija, 2021; Karpov, 2013; Kasiyan, 2019; Viimaranta, Protassova, & Mustajo-

آنها را مستعمره می‌کند. حوزه‌ای که قبلاً تحت تأثیر سایر متغیرها مانند فرهنگ، مذهب، خانواده، سیاست، قانون و... بوده است. در این شرایط صرفاً منفعت اقتصادی و کارایی مادی مورد تأکید است (Parry. & Appadurai, 1988 ; Oliver. & Robison, 2017).

در حال حاضر روند کالایی شدن در سرتاسر جهان توسعه یافته و بسیاری از کالاهای عمومی، روابط اجتماعی، منابع انسانی و... به کالاهای خصوصی و قابل معامله در بازار تبدیل شده‌اند و پیامدهای این کالایی شدن به‌ویژه برای جوامع حاشیه‌نشین و محروم، ویرانگر بوده است (Castree, 2003). کالایی شدن خدمت یا کالا دارای سه مشخصه اصلی است؛ ۱- خصوصی‌سازی، ۲- غالب شدن ارزش مبادله‌ای بر ارزش مصرفی و ۳- برونی‌سازی کار و غیرانسانی‌سازی.

خصوصی‌سازی عبارت است از اعطای عنوان قانونی به نهادی که مالکیت را به یک فرد یا یک گروه، مانند یک شرکت اعطا می‌کند. فرآیند خصوصی‌سازی تغییرات شدیدی در روابط اجتماعی، دسترسی، استفاده و حقوق دفع مرتبط با نهاد ایجاد می‌کند (Schwartzman, 2013؛ سیدمن، ۱۳۹۲؛ ریتزر، ۱۳۸۵). شواهد مختلف در جامعه ایران مؤید آن است که در فرایند آموزشی چنین موضوعی رخ داده است چنانکه علیرغم انتقادات و نگرانی‌های موجود سیاست‌گذاری‌ها در جهت خصوصی‌سازی نظام آموزشی است. دومین ویژگی مقدم دانستن ارزش مبادله‌ای بر ارزش مصرفی در تولید و عرضه کالاها و خدمات است. نظریات کارل مارکس در تمایز بین «ارزش مصرفی» و «ارزش مبادله‌ای» در این خصوص بسیار روشنگر است. ارزش مصرفی، فایده مستقیمی است که فرد از مصرف کالا دریافت می‌کند و به نیازها و خواسته‌های واقعی مصرف‌کنندگان ارتباط دارد (Schwartzman, 2013؛ سیدمن، ۱۳۹۲؛ ریتزر، ۱۳۸۵). در مقابل، ارزش مبادله‌ای ارزش عینی شده است که هنگام معامله یک کالا یا خدمت در بازار، با استفاده از پول و بر حسب قیمت‌ها ارزش گذاری می‌شود و چندان به نیازهای واقعی افراد انسانی ارتباطی ندارد. این ویژگی در نظام تعلیم و تربیت ایران نیز رخ داده است و تراکم و استقبال دانش‌آموزان و خانواده‌ها در توجه به رشته‌های پول‌ساز دانشگاهی و عدم استقبال از رشته‌های علوم انسانی طی سال‌های اخیر را می‌توان از نشانه‌های همین امر دانست.

سومین عنصر کالایی‌سازی، بیرونی‌سازی است و این امر باعث می‌گردد که آن کالا یا خدمت به یک شی خارجی تبدیل شود و افراد آن را از خود مستقل و بیگانه احساس کنند (سیدمن، ۱۳۹۲؛ ریتزر، ۱۳۸۵). مواردی چون تستی‌سازی نظام آموزشی بدون توجه

به میزان فراگیری دانش آموز و کاربردی بودن آن، واگذاری بسیاری از امور آموزشی از سوی متولیان اصلی آموزش و خانواده‌ها به مراکز خصوصی و کنکوری که حتی از مقطع ابتدایی آغاز می‌شود همگی نشانه‌هایی از همین ویژگی برونی‌سازی و غیرانسانی ساختن فرایند آموزش است.

در مورد کالایی شدن آموزش دیدگاه‌های مختلفی مطرح شده است. برخی از متخصصان معتقدند که کالایی شدن آموزش یک فرآیند طبیعی است که در نتیجه توسعه نظام سرمایه‌داری ایجاد شده است. این متخصصان بر این باورند که آموزش، مانند سایر کالاها و خدمات، یک منبع محدود است که باید به طور کارآمد تخصیص داده شود. برخی دیگر از متخصصان معتقدند که کالایی شدن آموزش یک فرآیند مضر است که می‌تواند منجر به کاهش کیفیت آموزش شود. این متخصصان بر این باورند که آموزش باید یک حق عمومی باشد که به همه افراد، صرف‌نظر از وضعیت مالی آنها، ارائه شود.

مفهوم مصرف‌گرایانه آموزش به عنوان یک کالا را می‌توان به عنوان چارچوب تحلیلی در پیوند با مفهوم سرمایه بوردیو به کاربرد که به دنبال آن بوردیو، هدف نظام آموزشی و مدرسه‌ای را در جامعه سرمایه‌داری تولید و نگهداری نخبگان و تثبیت جایگاه موقعیت آنان می‌داند. از نظر او طبقات با سرمایه‌های مختلف ذائقه‌های متفاوتی را به نمایش می‌گذارند و نمود آن در آموزش دیده می‌شود (Bourdieu, 1990).

از نظر ژان بودریار، هنگامی که هدف (خرید آموزش یا خرید هر کالایی) نمادین می‌شود، نشانه‌ای از بیگانگی از شیء که آن را نشان می‌دهد وجود دارد؛ بنابراین، دنیای یک شخص نه از رویدادها یا اشیاء واقعی، بلکه از شبیه‌سازها تشکیل شده است و مرزهای بین واقعیت مادی و نمادین محو می‌شود (سیدمن، ۱۳۹۲؛ ریتزر، ۱۳۸۵). مطابق با دیدگاه باومن، تأکید در محیط آموزشی کالایی شده بر روی «عمل متظاهرانه» است، مشابه مفهوم مصرف متظاهرانه وبلن، یعنی صرف مشهود پول برای انتقال پیام‌هایی درباره وضعیت اجتماعی (Page, 2017). نیکسن و فری مصرف متظاهرانه را نمایش عمومی دارایی‌ها، زندگی و رفتار مرفهانه و تظاهر آشکار به این رفتار برای برانگیختن رشک دیگران تعریف کرده‌اند (دیلینی، ۱۳۹۱: ۲۹۸).

نظریه‌های عمل‌گرا که اساساً پرورده اقتصاددانان نوکلاسیک و بعضی از مکتب‌های جامعه‌شناسی مانند مکتب ریموند بوئن<sup>۱</sup> هستند، بیشتر به متغیرهای مربوط به آینده، طرح‌های اجتماعی و تحصیلی و نیز قدرت تصمیم‌گیری عقلانی افراد تأکید می‌ورزند (شرکاوی، ۱۳۷۹). در این دیدگاه‌ها اعتقاد بر این است که ارتقای مدرک تحصیلی برای طبقات پایین‌تر هزینه‌های بیشتری نسبت به طبقات بالاتر به دنبال خواهد داشت. ریموند بوئن در باب مناسبات میان خاستگاه خانوادگی، سطح تحصیلات و پایگاه اجتماعی «یک ساختار برتری اجتماعی» و «یک ساختار شایسته‌سالار» را مشخص می‌سازد که ترکیب آن بخش بزرگی از تحرک میان نسلی را توضیح می‌دهد (همان، ۱۳۷۹: ۱۴۳).

در نهایت می‌توان گفت جوامع سرمایه‌داری، سیاست‌ها و گفتمان نئولیبرالی به طور فزاینده‌ای برای کالایی کردن آموزش عمل می‌کنند و کالاهای عمومی همچون آموزش بازاری می‌شوند. این فرآیند کل سیستم آموزشی، از جمله مفهوم‌سازی دانش، شیوه آموزش، دریافت‌کنندگان و ارائه‌دهندگان آموزش را تغییر می‌دهد. رویکرد بازار محور به آموزش، آموزش را به عنوان یک کالا، دانش‌آموزان و والدین را به عنوان مصرف‌کننده، معلمان را به عنوان فروشنده و مدرسه را به عنوان بازار در نظر می‌گیرد؛ بنابراین کالایی شدن پدیده‌ای چندبعدی است که به طور چشمگیری شرایط آموزش را تغییر می‌دهد. زمانی مدارس به عنوان کالاهای عمومی در نظر گرفته می‌شدند که باید به طور یکسان در دسترس همه شهروندان باشد، اما با گذشت زمان به بازاریایی تبدیل شدند که در آن والدین و دانش‌آموزان برای دسترسی به دانش با بالاترین کیفیت رقابت می‌کنند؛ و این عامل زمینه‌ساز دسترسی نابرابر دانش‌آموزان طبقات مختلف شده است. حال اینکه این روند در تقابل با اهداف اصلی آموزش است که در آن اهداف مختلفی نظیر رشد شخصیتی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و اقتصادی دانش‌آموز و نهایت کل جامعه دنبال می‌شود.

#### ۴- روش پژوهش

در پژوهش حاضر برای رسیدن به اهداف عمده مورد نظر از نظریه‌ی داده بنیاد استفاده شد. در این رهیافت تحلیل‌ها از پدیده مورد مطالعه مبتنی بر بافت، بسستر و وضعیت آن است (محمدپور، ۱۴۰۰). در این رویکرد اطلاعات از میدان تحقیق به طور نظام‌مند گردآوری و تجزیه و تحلیل می‌شود تا از بطن آن نظریه‌ای مبتنی بر استقرار برای پدیده

مورد مطالعه پدید آید (استراس و کوربین، ۱۴۰۰؛ فلیک، ۱۳۸۸؛ کرسول، ۱۳۹۶). برای گردآوری داده‌های مورد نیاز نیز از مصاحبه نیمه ساختاریافته (به عنوان تکنیک غالب)، مشاهده و بررسی اسناد و مدارک استفاده شد.

جامعه‌ی هدف این مطالعه دانش‌آموزان و کادر آموزشی و اجرایی مدارس شهر مشهد در سال ۱۴۰۱ بود. در تعیین حجم نمونه «اشباع نظری» مبنای عمل بود. اشباع نظری پس از انجام مصاحبه با ۳۱ نفر حاصل شد. از مباحث مهم در تحقیقات کیفی موضوع ثبات و دقت اندازه‌گیری که به میزان یکنواختی اندازه‌گیری‌ها و به میزان نزدیکی اندازه‌گیری‌ها به مقدار واقعی اشاره دارند به دلیل ماهیت کیفی داده‌ها، استفاده از روش‌های آماری سنتی برای سنجش ثبات و دقت اندازه‌گیری امکان‌پذیر نیست. محققان کیفی برای حل این مشکل از روش‌های دیگری همچون استفاده از چندین کدگذار، روش کدگذاری مجدد و مراجعه به متخصصان استفاده می‌کنند. در تحقیق حاضر نیز برای تأمین این هدف از رویکردی نظام‌مند استفاده شد. به این معنا که کار تحلیل با کدگذاری باز آغاز شد، در مرحله بعد داده‌ها بر اساس طبقات و مقوله‌های عمده طبقه‌بندی شد و سپس کدگذاری محوری صورت گرفت. در این مرحله یک مقوله و یا پدیده محوری انتخاب شد. سپس شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، استراتژی‌ها و پیامدهای حاصل از این استراتژی‌ها مشخص گردید. لازم به توضیح است که در روند کدگذاری از روش کدگذاری مجدد استفاده شد و سپس داده‌ها و کدهای تعیین‌شده توسط متخصصان جامعه‌شناسی مورد بررسی و تأیید قرار گرفت.

#### ۵- یافته‌های پژوهش

آن‌گونه که در بخش روش‌شناسی اشاره شد در این پژوهش برای کشف الگوهای عام داده‌ها، تفسیر داده‌ها به صورت بسیار دقیق و جزء‌به‌جزء با استفاده از رویکردی نظام‌مند انجام شد که در ادامه به تفصیل آمده است. مشخصات مشارکت‌کنندگان در این پژوهش نیز به اختصار در جدول شماره ۱ آمده است.



۵-۱- مقوله محوری: کالایی شدن آموزش

کالایی شدن امری چندبعدی است که حوزه آموزش را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. با توجه به مجموع مقوله‌های حاصل از دیدگاه مشارکت‌کنندگان در تحقیق، کالایی شدن آموزش را در سه بعد اصلی کالایی شدن یادگیری (دانش)، کالایی شدن تدریس (معلمان) و کالایی شدن دانش‌آموزان می‌توان قرار داد. در ادامه به مقولات عمده کدبندی‌شده کالایی شدن آموزش (جدول شماره ۲) و توضیح هر یک از این مفاهیم و مقوله‌ها پرداخته می‌شود.

جدول ۲: مقولات عمده کدبندی‌شده کالایی شدن آموزش

مقولات	مقولات محوری	مقولات گزینشی	نوع مقوله
ترجیح رشته‌های علوم تجربی و ریاضی، صرف بودجه بیشتر برای آموزش از سوی خانواده‌های مرفه، در نظر نگرفتن استعداد و علاقه‌مندی دانش‌آموز، تشدید رقابت و نمره گرایی، تمرکز بر رشته‌ها و دانشگاه‌های خاص، تمرکز بر دروس تخصصی و عمومی کنکوری، بی‌توجهی نسبت به دروس غیر کنکوری، کم‌توجهی به آموزش مهارت‌های زندگی و اصول شهروندی، تستی و کنکور محور بودن، هزینه کردن خانواده‌های ضعیف، شأن پایین رشته‌های انسانی، تمرکز بر مهارت‌های تست‌زنی، مدرک‌گرایی.	کالایی شدن یادگیری (دانش)		مقوله محوری
تأثیر شهرت معلمان مدرسه در انتخاب مدرسه، عمل متظاهرانه و نمایشی برخی معلمان برای کسب شهرت، آزادی عمل مدیر و شورای مدرسه در انتخاب معلمان غیردولتی و عکس آن در مدارس عادی، استفاده تبلیغاتی مؤسسات خصوصی از معلمان مدارس تیزهوشان، ارزان‌تر بودن نیروهای آزاد در مدارس غیردولتی	کالایی شدن تدریس (معلم)	کالایی شدن آموزش	مقوله محوری
میزان قبولی در کنکور و امتحانات نهایی، استفاده تبلیغاتی از رتبه‌های تک‌رقمی و المپیادها، استفاده تبلیغاتی از دانش‌آموزان از دوران ابتدایی، متوسطه اول و دوم، نقش پررنگ دانش‌آموزان مرفه در مدارس دولتی خاص و غیردولتی، اقدام مؤسسات در دستیابی به شماره تماس دانش‌آموزان، ارتباط دائمی مدرسه با رتبه‌های برتر کنکور و دعوت در برنامه‌های مختلف، کنار گذاشتن رتبه‌های ضعیف	کالایی شدن دانش‌آموز		مقوله محوری

جدول شماره ۱: مشخصات کلی پاسخگویان

کد	جنسیت	سمت	رشته تحصیلی	نوع مدرسه	منطقه شهری	کد	جنسیت	سمت	رشته تحصیلی	نوع مدرسه	منطقه شهری
۱	مرد	معاون	مدیریت آموزشی	تیزهوشان	برخوردار	۱۷	مرد	دانش‌آموز	تجربی	غیردولتی	نیمه برخوردار
۲	مرد	دانش‌آموز	ریاضی	تیزهوشان	برخوردار	۱۸	مرد	مشاور مدرسه	علوم تربیتی	غیردولتی	برخوردار
۳	مرد	دانش‌آموز	ریاضی	تیزهوشان	برخوردار	۱۹	مرد	دانش‌آموز	انسانی	تیزهوشان	برخوردار
۴	مرد	دانش‌آموز	ریاضی	تیزهوشان	برخوردار	۲۰	مرد	دانش‌آموز	انسانی	تیزهوشان	برخوردار
۵	مرد	دانش‌آموز	ریاضی	تیزهوشان	برخوردار	۲۱	مرد	دانش‌آموز	ریاضی	غیردولتی	برخوردار
۶	مرد	معاون	اقتصاد	غیردولتی	برخوردار	۲۲	مرد	دانش‌آموز	انسانی	غیردولتی	نیمه برخوردار
۷	مرد	دانش‌آموز	تجربی	غیردولتی	برخوردار	۲۳	زن	دبیر	جامعه‌شناسی	دولتی	نیمه برخوردار
۸	مرد	دانش‌آموز	ریاضی	غیردولتی	برخوردار	۲۴	مرد	دبیر و مشاور	مشاوره	غیردولتی	برخوردار
۹	مرد	دانش‌آموز	تجربی	نمونه دولتی	برخوردار	۲۵	مرد	مدیر	ریاضی	تیزهوشان	برخوردار
۱۰	مرد	دانش‌آموز	تجربی	نمونه دولتی	برخوردار	۲۶	مرد	دانش‌آموز	انسانی	غیردولتی	نیمه برخوردار
۱۱	مرد	دبیر	فیزیک	غیردولتی	برخوردار	۲۷	مرد	دانش‌آموز	انسانی	غیردولتی	نیمه برخوردار
۱۲	زن	دبیر	زیست	دولتی	کم برخوردار	۲۸	مرد	دانش‌آموز	تجربی	غیردولتی	نیمه برخوردار
۱۳	زن	دانش‌آموز	تجربی	دولتی	کم برخوردار	۲۹	مرد	مدیر	فیزیک	غیردولتی	برخوردار
۱۴	زن	دانش‌آموز	انسانی	دولتی	کم برخوردار	۳۰	مرد	دبیر	جامعه‌شناسی	غیردولتی	برخوردار
۱۵	مرد	دانش‌آموز	تجربی	نمونه دولتی	نیمه برخوردار	۳۱	مرد	مدیر	جغرافیا	دولتی	کم برخوردار
۱۶	مرد	دبیر	زیست	غیردولتی	نیمه برخوردار	۳۲	مرد	معاون	مدیریت	دولتی	کم برخوردار

**۵-۱-۱- کالایی شدن یادگیری**

امروزه کسب آموزش و مهارت از ملزومات ارتقاء پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد محسوب می‌شود که این می‌تواند هم عامل و هم معلول کالایی شدن آموزش باشد. در نتیجه این نوع نگرش، سایر اهداف یادگیری، مانند رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان کم‌رنگ می‌شود و اقتصادگرایی هدف سیستم آموزش را تعریف می‌کند. مطابق با این توصیف، می‌توان گفت که رشته‌ها و درس‌هایی که درآمدزا باشند در بین دانش‌آموزان و خانواده‌های آنها جهت دستیابی به درآمد و موقعیت اجتماعی بالا مهم تلقی می‌شود به طوری که حاضرند هزینه‌های زیادی را صرف کنند و بقیه جنبه‌ها نادیده گرفته می‌شود. چنانکه یکی از دانش‌آموزان رشته تجربی در این باره می‌گوید:

«همه میگفتن رشته تجربی چون بازار شغلی بهتری داره. شما پزشک بشید درآمد بیشتری دارید. صد درصد تأمین میشید. پزشکی برید دانشگاه خیلی میگن سختی نداره تا آخرش اوکی میشید، پزشک عمومی رو حداقل میارید».

**۵-۱-۲- کالایی شدن تدریس**

امروزه برای بسیاری از والدین و فرزندان «انتخاب مدرسه» از موضوعات اساسی است. در فضای ایجاد شده آنها مصرف‌کنندگانی هستند که باید بتوانند بهترین گزینه‌های تحصیلی موجود را خریداری کنند. در نتیجه آموزش و تدریس معلمان به کالایی کاهش می‌یابد که خانواده‌ها در بازار رقابتی خریداری می‌کنند. دبیر زیست می‌گوید:

«مدرسه را بر اساس نوع معلم‌هایی که اونجا تدریس دارند انتخاب میکنن. این که تا چه حد اینها فرض کنیم که معروفیت دارن توی سطح مدارس شهر. اینا فکر می‌کنم ملاک انتخاب مدرس باشد تا حدی».

همچنین معلمان مدارس برنامه درسی و مواد آموزشی خود را به صورت‌های مختلف به دانش‌آموزان و معلمان دیگر می‌فروشند. عمل متظاهرانه برخی معلمان در برگزاری سمینارها، شرکت در جشنواره‌ها، استفاده از شبکه‌های مجازی و استفاده از دیگر معلمان صاحب نام، نمونه‌ای از کارهایی است که معلمان برای مطرح شدن به کار می‌گیرند. یکی از دانش‌آموزان مشارکت‌کننده در این باره می‌گوید:

«اصلاً از دبیران برند استفاده نمی‌کنم. دیدم خیلیاشون با حاشیه ایجاد کردن با تبلیغات زرد با چیزهایی که اصلاً درست نیست کار میکنن. کلاس‌هاشون به درد نمیخوره، تبلیغات بیشتر به دردشون خورده».

**۵-۱-۳- کالایی شدن دانش‌آموزان**

در این فرایند دانش‌آموز به عنوان یک کالای ارزشمند در بازار رقابتی مدارس در نظر گرفته می‌شود؛ بنابراین، هر چه مدرسه در جذب دانش‌آموزانی از خانواده‌های مرفه‌تر موفق باشد، از نظر مالی از وضعیت مالی بهتری برخوردار است. معاون مدرسه غیرانتفاعی می‌گوید:

«خوب مدرسه ما همونطور که گفتم شناخته شده است اما با این تفاسیر حرف اول رو تبلیغات میزنه مخصوصاً در بازار رقابتی الان در بین مدارس غیرانتفاعی، بله ما تبلیغات رو داریم به صورت مستمر این کارو انجام می‌دیم ... که بالاخره مدرسه ما به گوش همگان خورده باشه، تو دیده همه باشه اگه تبلیغات نکنیم ممکن افت ثبت نام داشته باشیم».

بر اساس کدهای استخراج‌شده آن‌گونه که در جدول شماره ۳ آمده است شرایط ایجاد کالایی شدن آموزش در چهار دسته شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر و تعاملی دسته‌بندی شده که در ادامه به شرح آنها پرداخته شده است.

جدول شماره ۳: مقولات عمده کدبندی شده شرایط کالایی شدن آموزش

مقوله	مقولات محوری	مقولات گزینشی	نوع مقوله
انواع مدارس دولتی عادی، نمونه دولتی، تیزهوشان، غیردولتی و..	درجه بندی کردن مدارس	عوامل سازمانی	شرایط مداخله گر
هدایت فرزندان به سمت رشته های آینده دار، ثبت نام آنها در مدارس خوب با معلمان خوب، اقدامات متعهدانه	فرزند پروری شایسته	عوامل خانوادگی	شرایط تعاملی
بعد خانوار، میزان درآمد، سطح سواد	توان اقتصادی و طبقه خانواده		
سهیم شدن خانواده ها در تأمین مالی مدارس	درآمدزایی مدارس	خصوصی سازی آموزش و سیاست های پنهان دولتی	شرایط زمینه ای
تبلیغ مؤسسات، داشتن شماره تماس دانش آموزان، قرارداد داشتن با برخی مدارس، در اختیار گذاشتن کتاب های رایگان به معلمان بابت تبلیغ، استفاده از کتب کمک درسی	وجود مؤسسات آموزشی غیررسمی، تألیف کتاب های کمک آموزشی	نظام موازی آموزشی	شرایط مداخله گر
شبکه روابط اجتماعی و خانوادگی	شبکه روابط اجتماعی		

۱۴۸

مقوله	مقولات محوری	مقولات گزینشی	نوع مقوله
توزیع مدارس خاص و غیردولتی در مناطق برخوردار	فراوانی مدارس	دسترسی پذیری	شرایط مداخله گر
دیدگاه نسبت به معلمان، محیط آموزشی و یادگیری	مقاومت	مقولات تعاملی	شرایط تعاملی
استقبال خانواده از مدارس غیردولتی و خاص، فرایند رقابت	پذیرش		

۱۴۹

۵-۲- شرایط علی (سبب ساز)

شرایط علی معمولاً آن دسته وقایع اند که بر پدیده ها اثر می گذارند (استراوس و کریبن، ۱۴۰۰: ۱۵۳). با توجه به کدهای حاصله، عوامل سازمانی و خانوادگی بر کالایی شدن آموزش تأثیر دارند.

۵-۲-۱- عوامل سازمانی

این عوامل در دو مقوله محوری درجه بندی کردن مدارس و اختیارات متفاوت مدارس قرار گرفت. در بحث کالایی شدن آموزش، مدارس بازاریایی تلقی می شوند که برای جذب مشتری یعنی دانش آموزان و خانواده های آنان اقدام می کنند. از این رو تنوع مدارس به همراه تنوع امکانات و درجه بندی کردن آنها به نحوی در این راستاست. معاون و مدیر مدرسه اظهار می دارند؛ «ما حدود ۲۳ نوع مدرسه داریم» و معاون مدرسه تیزهوشان در این باره می گوید:

«امکانات زیادی از قبیل امکانات آموزشی کامپیوتر و سیستم آموزشی و وجود آزمایشگاه های خیلی کامل و عالی، وجود استودیو حرفه ای و ... وسایل و امکانات و نیروی انسانی و تجهیزات بسیار عالی در حد بسیار استاندارد اینها در اختیار

دانش آموز و کسانی که در این فضا هستند، قرار داده زمین رشد بچه‌ها بسیار مهیا است».

نکته دیگر در مورد مدارس قدرت تصمیم‌گیری متفاوت مدارس مختلف است. چنانکه مدیر و معاون مدرسه دولتی اظهار می‌دارد:

«همکارای مدارس غیردولتی توسط خود مدارس و با همکاری اداره انتخاب می‌شوند و هر همکاری که طرفدار نداشته باشد می‌فرستن مدارس دولتی یعنی ما در انتخاب معلم حقی نداریم».

#### ۵-۲-۲- عوامل خانوادگی

در حوزه عوامل خانوادگی سه مقوله محوری شامل بیمه کردن زندگی آینده فرزندان، عمل و مصرف متظاهرانه آموزش و توان اقتصادی و طبقه خانواده با توجه به اظهارات مصاحبه‌شوندگان استخراج گردید. بیمه کردن زندگی آینده فرزندان به این امر اشاره دارد که خانواده‌ها می‌خواهند از طریق ثبت‌نام فرزند خود در بهترین مدارس آینده شغلی و حرفه‌ای بالایی را تضمین نمایند و در واقع، در بازار کالایی شده آموزش بهترین کالا را برای فرزندان خریداری نمایند. دانش‌آموزی در مورد نقش خانواده در انتخاب رشته‌اش می‌گوید:

«خب اول از همه خانواده بودند که ۶۰ درصد خانواده و ۴۰ درصد خودم تحقیقات انجام دادم، با مقایسه‌ای که از مشاغل و افراد مختلف انجام دادم، خب به نتیجه رسیدم رشته تجربی بهتره ولی روحیات خیلی تأثیر داره».

از طرف دیگر، مصرف متظاهرانه که جنبه‌های مختلف زندگی را در بر گرفته است به آموزش نیز تسری پیدا کرده است چنانکه بسیاری از خانواده‌ها فرزندان خود را در مدارس غیردولتی و خاص به خاطر تمایز خود از دیگران انجام می‌دهند. مشاور موسسه خصوصی در این باره می‌گوید:

«به نظر من بهتره والدین به جای اینکه بچه هاشون رو حالا گاه‌ها به خاطر کلاس در مدارس غیرانتفاعی ثبت نام کنند با ۱۰ تا ۱۵ میلیون. بهتره در مدارس دولتی ثبت نام کنند. بعد، خدماتی همچون آموزش و آزمون‌ها رو از ما و یا هر موسسه‌ای دیگه ای مثل ما دریافت کنند».

#### ۵-۳- شرایط مداخله‌گر

شرایط مداخله‌گر مواردی هستند که شرایط علی را تخفیف یا به نحوی تغییر می‌دهند (استراوس و کربین، ۱۴۰۰: ۱۵۳). در این خصوص مضامین شبکه روابط اجتماعی و خانوادگی، فراوانی و در دسترس بودن مدارس، نظام موازی آموزشی و تفاوت جو آموزشی و امکانات مدارس استخراج گردید. یکی از مصاحبه‌شوندگان در مورد مدارس غیرانتفاعی می‌گوید:

«سطح دبیرا خیلی خوبه، خیلی خوب درس میدن. اکثر دبیرامون تا مطمئن نشن دانش‌آموز کامل متوجه شده نمیرن سراغ مطلب بعدی. به همین منوال میتونه یک برتری هایی نسبت به مدارس دیگه داشته باشه به خاطر سطح دبیران».

#### ۵-۴- شرایط زمینه‌ای

مجموعه شرایطی هستند که در یک زمان و مکان خاص جمع می‌آیند تا مجموعه اوضاع و احوال یا مسائلی را به وجود آورند (استراوس و کربین، ۱۴۰۰: ۱۵۴). خصوصی‌سازی آموزش و سیاست‌هایی که در این زمینه با هدف کاستن از بخش هزینه‌های عمومی صورت می‌گیرد مجموع شرایط زمینه‌ای تلقی می‌گردند که باعث تسریع در فرایند کالایی شدن آموزش در جامعه می‌شوند. یکی از دبیران در این باره می‌گوید:

«نکته‌ای رو بگم و اون اینکه جامعه به سمتی پیش می‌ره که برخی از مدارس مثل غیردولتی‌ها خودشون درآمد داشته باشند و نیاز کمتری به بودجه عمومی داشته باشند. شما به همین بحثی که در مورد شهریه مدارس غیردولتی الان در شبکه‌ها و صداوسیما هست هم اگه دقت کرده باشین به راحتی متوجه می‌شین».

#### ۵-۵- تعامل‌های راهبردی

تعامل‌های راهبردی اصطلاحی است که ما برای اشاره به تاکتیک‌های راهبردی و طرز عمل‌های عادی یا روتین و چگونگی مدیریت موقعیت‌ها توسط افراد در مواجهه با مسائل به کار می‌بریم (استراوس و کربین، ۱۴۰۰: ۱۵۵). عمل راهبردی در مورد کالایی شدن آموزش در این پدیده به دو شکل مقاومت و پذیرش ظاهر شد. چنانکه معاون مدرسه در این باره می‌گوید:

«خیلی از خانواده‌ها با وجود بچه‌های مستعد در نتیجه تبلیغات مسموم معتقدند مدارس تیزهوشان یک فضای پر استرسه، همش پالس‌های منفی ایجاد می‌کنند تیزهوشان در ساش خیلی سخته بچه اذیت میشه دیگه نمیتونه بچگی بکنه نمیتونه بازی کنه در صورتی که اصلاً اینجوری نیست».

دانش آموز دیگری از مدرسه غیردولتی در این باره می‌گوید:

«سه سال تو این مدرسه که بودم، سال دهم رفتم یه مدرسه دیگه. اونجا مدرسه دولتی بود. از معلم‌ها ناراضی بودم. برای همین تصمیم گرفتم دوباره برگردم همین مدرسه».

#### ۵-۶- پیامدها

پیامدها نتایج هستند که در اثر انجام یا عدم انجام عمل حاصل می‌شود (استراوس و کریبن، ۱۴۰۰: ۱۵۶). بر اساس کدهای به دست آمده پیامدهای کالایی شدن آموزش در چهار دسته اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، آموزشی و فردی- روانی (جدول شماره ۴) قرار گرفت.

#### ۵-۶-۱- پیامدهای اقتصادی

این پیامدها در قالب رفتارهای تلافی جویانه، رواج ارزش‌های تجاری و مصرف‌گرایی، تغییر از عملکرد آموزشی به هویت شرکتی (بنگاهی) و اشتغال محور بودن ظاهر می‌شود. در این رابطه مشاور مدرسه می‌گوید:

«موضوع روحیه عدم پرسشگری و توجه به مسائل روتین جامعه در خانواده‌ها دیده میشه. همه جا صحبت از قیمت و بازاره و می‌گن با شغل عادی نمیتونیم زندگیمون رو راه ببریم، حتماً باید دنبال رانت و دلال‌بازی باشیم یا دنبال شغل‌های فلان باشیم، پرستیژ اجتماعی اینجوریه».

مصاحبه‌شونده دیگری در این باره اظهار می‌دارد که «مدارس غیرانتفاعی مثل بنگاه املاک» هستند.

#### ۵-۶-۲- پیامدهای فرهنگی و اجتماعی

پیامدهای فرهنگی و اجتماعی کالایی شدن آموزش مواردی از قبیل کم‌رنگ شدن ارزش‌ها و باورها، فردگرایی، تقویت روحیه رقابت‌گرایی و کاهش روحیه همیاری و همدلی، بازتولید نابرابری‌های اجتماعی، جامعه‌پذیری ناقص، گرایش به مهاجرت به خارج

و کاهش مسئولیت‌های اجتماعی شهروندی را به دنبال دارد. هدف فرایند جامعه‌پذیری رشد همه‌جانبه فرد در زمینه‌های مختلف است وقتی تمرکز صرفاً بر روی بعد اقتصادی باشد فرایند جامعه‌پذیری ناقص خواهد بود. دانش‌آموزی در این باره می‌گوید:

«ما اومدیم رشته تجربی، مدرسه خوبی هم اومدیم و می‌خوایم رتبه خوبی هم قبول بشیم. به نظر من درسی مثل تاریخ اهمیتی نداره. من خودم درسی مثل تاریخ رو دوست ندارم. به نظرم چیز الکیه و ...».

در نتیجه کالایی شدن آموزش گرایش به مهاجرت به خارج افزایش پیدا کرده به خصوص زمانی که به آنچه می‌خواهند دست پیدا نکنند. گاه تحقیر در خارج را به ماندن با شرایط سخت در کشور ترجیح می‌دهند. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این باره می‌گوید:

«همه بچه‌هایی که می‌خوان مهاجرت کنند تن میدن به یه بند. این بند هست که تو یا زندگی خوبی می‌کنی یا بی‌خیال خانواده و کشورت میشی، می‌ری یک کشوری که به زبونی حرف می‌زنی که زبون تو نیست. تن به تحقیر میدی».

#### ۵-۶-۳- پیامدهای آموزشی

این پیامدها می‌تواند مثبت و یا منفی باشد. آن گونه که در بخش‌های قبلی مقاله گفته شد برخی بر این باورند که سیاست خصوصی‌سازی نظام آموزشی می‌تواند به تقویت حوزه آموزش و استفاده بهینه‌تر از منابع منجر گردد. یکی از دبیران در این باره می‌گوید:

«به‌رحال همه دانش‌آموزان از توانایی مشابهی برخوردار نیستن این سیستم باعث میشه بهتر بر روی برخی از استعدادها سرمایه‌گذاری کرد و اینجوری کل جامعه منتفع میشه».

اما واقعیت این است که با افزایش شهریه‌ها و فشارهای اقتصادی موجود بسیاری از خانواده‌ها توانایی لازم برای ثبت نام فرزندان خود در مدارس غیرانتفاعی را ندارند و این خود یکی از زمینه‌های تداوم و تشدید چرخه فقر و محرومیت در جامعه است.

#### ۵-۶-۴- پیامدهای فردی و روانی

مدارس غیرانتفاعی برای بقای خود ناچار به اتخاذ استراتژی‌های گوناگون از جمله تبلیغات و یا انواع برنامه‌های فشرده درسی و غیردرسی و ایجاد رقابت در بین دانش‌آموزان و حتی خانواده‌ها هستند. این امر خود می‌تواند پیامدهای روانی و روحی زیادی را نه

تنها بر دانش آموز بلکه بر خانواده‌ها وارد نماید. از سوی تفکیک دانش آموزان و رتبه‌بندی کردن مدارس و کلاس‌ها پیامدهای ناگوار فردی و روانی به همراه دارد. یکی از دبیران که تجربه تدریس در مدارس دولتی و غیرانتفاعی را دارد می‌گوید:

«به نظر دانش‌آموزان مدارس دولتی نوعی احساس خودکم‌بینی در قیاس با دانش‌آموزان مدارس غیرانتفاعی دارند و نتایج کنکور هم معمولاً این را دامن می‌زند ... و برخی دانش‌آموزان غیرانتفاعی نوعی احساس خودبرتربینی نسبت به دانش‌آموزان مدارس دولتی دارند».

جدول ۴: مقولات عمده کدبندی‌شده پیامدهای کالایی شدن آموزش

مقوله	مقولات محوری	مقولات گزینشی	نوع مقوله
پیامدها	اقتصادی	رفتارهای تلافی‌جویانه از جامعه	رانت، دلال‌بازی در آینده، شغل‌های کاذب
		رواج ارزش‌های تجاری و مصرف‌گرایی	خرید کالاهای متمایزکننده/خرید کالای ویژه
		تغییر از عملکرد آموزشی به هویت بنگاه‌ای	بنگاه بودن مدارس مانند بنگاه املاک
		اشتغال محور بودن	نگاه صرف شغلی به آموزش، پولدار شدن
	فرهنگی - اجتماعی	کم‌رنگ شدن ارزش‌ها و باورها	ابزاری شدن آموزش ارزش‌ها
		فردگرایی	رقابت شدید با همکلاسی‌ها، کمک نکردن در دروس
		تقویت روحیه رقابت‌گرایی و غلبه منفعت‌طلبی	کاهش نوع دوستی/غلبه منفعت‌طلبی
		بازتولید نابرابری‌های اجتماعی و طبقاتی	محرومیت نسبی قشرهای ضعیف، تصدی شغل‌های مهم توسط طبقه پولدار، به حاشیه رانده شدن قشرهای متوسط و ضعیف
		جامعه‌پذیری ناقص/تک‌بعدی شدن	برجسته بودن عامل اقتصادی/ندیده گرفتن سایر جنبه‌های تربیتی
		گرایش به مهاجرت به خارج	برنامه‌ریزی دانش‌آموزان برای مهاجرت/افزایش گرایش به مهاجرت

مقوله	مقولات محوری	مقولات گزینشی	نوع مقوله
پیامدها	کاهش مسئولیت‌های اجتماعی شهروندی	مشارکت پایین در برنامه‌های فرهنگی مدرسه	فرهنگی - اجتماعی
	امکان تدریس مناسب‌تر/ فراهم شدن فرصت آموزشی بیشتر/ادر دسترس بودن و استانداردهای	تقویت استعدادهای ذهنی، تعداد کم و ارتباط بهتر معلم با دانش‌آموزان در مدارس غیردولتی	آموزشی
	طبقاتی شدن آموزش	مدارس غیردولتی و خاص متعلق با خانواده‌های برخوردار و مدارس عادی متعلق به کم برخوردار	
	نابرابری آموزشی	دسترسی نابرابر قشرهای مختلف جامعه به مدرسه، جداسازی استعدادها، وجود مدارس با عناوین مختلف	فردی و روانی
	خودبزرگ‌بینی	خود را برتر دانستن دانش‌آموزان مدارس خاص در تقابل با دانش‌آموزان مدارس عادی	
	استرس‌زا بودن آموزش	سرخوردگی در صورت عدم موفقیت	
	احساس محرومیت و خشم	تجربه احساس تعلق افتخار یا تنفر نسبت به نوع مدرسه	

در انتهای این بخش مقولات اصلی پژوهش مطابق با رویکرد نظام‌گرای اشتراوس و کربین در قالب شش خوشه مفهومی صورت‌بندی شد و ارتباط و اتصال آنها مطابق با شکل زیر ارائه گردید.

فرزند و غیر برخوردار به دلیل ناتوانی مالی راهبرد مقاومت را در پیش می‌گیرند، اما ممکن است فشار ساختاری از جمله فراوانی مدارس غیردولتی نسبت به مدارس دولتی و تفاوت محسوس آنها از نظر کیفیت و یا فشار اطرافیان و مسائلی از این قبیل مجدداً آنها را به سمت مدارس غیردولتی هدایت کند و ناچار به پذیرش می‌شوند. در نهایت کالایی شدن آموزش پیامدهای گوناگونی را می‌تواند به همراه داشته باشد که در صورت عدم سیاست‌گذاری مناسب می‌تواند ابعاد منفی اقتصادی، فرهنگی-اجتماعی، آموزشی فردی و روانی زیادی را به دنبال داشته باشد.

### بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش، بررسی فرآیند کالایی شدن آموزش بود. این پدیده در حوزه‌های نظری و عملی، دارای حامیان و منتقدان خود است. حامیان بر پیامدهای مثبتی همچون بهبود کیفیت تدریس و افزایش فرصت‌های آموزشی تأکید دارند، در حالی که منتقدان نگران پیامدهای منفی آن از جمله بی‌عدالتی‌های آموزشی و اجتماعی هستند و به مسائل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، فردی و روانی که از این روند ناشی می‌شود، توجه می‌کنند (فرخ‌زاد، ۱۳۹۹؛ علی اکبری، ۱۳۹۴؛ عبدالله زاده، ۱۴۰۰؛ Alhajja, 2021; Goldoni, 2021; Karpov, 2013; Meadows, 2019; Schwartzman, 2013; Soto & Pérez-Milans, 2018).

یافته‌های این پژوهش نشان داد که فرآیند کالایی شدن آموزش، پدیده‌ای پیچیده و چندلایه است و تحت تأثیر عوامل و شرایط گوناگونی قرار دارد. شرایط علی همچون وضعیت سازمانی و خانوادگی، شرایط مداخله‌گر نظیر شبکه‌های روابط اجتماعی و خانوادگی، فراوانی مدارس غیردولتی و نظام آموزشی موازی، و شرایط زمینه‌ای از جمله روند خصوصی‌سازی آموزش و سیاست‌های پنهان دولتی، همگی به تقویت این روند کمک می‌کنند.

نتایج پژوهش تأیید می‌کند که با افزایش روند خصوصی‌سازی و حمایت‌های دولتی از این سیاست، کالایی شدن آموزش شدت می‌گیرد. چنان‌که الحیجا (۲۰۲۱) اشاره کرده است، این روند ممکن است منجر به انحراف سیستم آموزشی از اهداف انسانی و اجتماعی خود شود.



شکل ۱: مدل مفهومی کالایی شدن آموزش

در توضیح مدل فوق می‌توان گفت که پدیده محوری مدل، کالایی شدن آموزش با سه بعد کالایی شدن دانش آموز، کالایی شدن تدریس با محوریت معلم و کالایی شدن یادگیری است. با توجه به داده‌های حاصل از پژوهش، شرایط زمینه‌ای دخیل در کالایی شدن آموزش را می‌توان رشد مادی‌گرایی در جامعه، رشد خصوصی شدن آموزش و سیاست‌های پنهان دولتی نامید. شرایط علی تأثیرگذار بر کالایی شدن آموزش، سازمانی و خانوادگی ذکر شدند، شرایط مداخله‌گر شامل شبکه روابط اجتماعی و خانوادگی، فراوانی و در دسترس بودن مدارس غیردولتی نسبت به سایر مدارس و وجود نظام آموزشی موازی است، راهبردهای کنشگران در قبال کالایی شدن آموزش به صورت مقاومت و پذیرش است. برخی از خانواده‌ها اعم از برخوردار به دلیل اعتقاد به تحت فشار قرار ندادن

افزایش درجه‌بندی مدارس نیز باعث می‌شود که انتخاب مدارس توسط اقشار مختلف جامعه دچار تفاوت‌های بیشتری شود. تنوع در نوع و شکل مدارس، به مصرف‌گرایی آموزشی و تمایز طبقاتی بیشتر منجر می‌شود و به خانواده‌های مرفه این امکان را می‌دهد که از طریق انتخاب مدارس، خود را از طبقات محروم جامعه متمایز کنند. به این ترتیب، با افزایش درجه‌بندی و تنوع مدارس، آموزش بیشتر در معرض کالایی شدن قرار می‌گیرد. همچنین، تقویت این باور در میان طبقات مختلف جامعه که انتخاب مدارس با کیفیت‌تر می‌تواند «آینده فرزندان را بیمه کند»، خانواده‌ها را ناخواسته به سمت پذیرش کالایی شدن آموزش سوق می‌دهد.

فشارهای ساختاری و روابط خانوادگی نیز در این فرآیند نقش مهمی ایفا می‌کنند. عواملی همچون فراوانی مدارس غیردولتی و تفاوت‌های کیفی محسوس بین آنها و مدارس دولتی، افراد را به سمت مدارس غیردولتی سوق می‌دهند. در این میان، امکانات متفاوت و جو آموزشی مدارس غیردولتی نیز زمینه را برای تقویت کالایی شدن آموزش فراهم می‌کند. مدارس غیرانتفاعی، به واسطه برخورداری از امکانات بهتر و دبیران مجرب، توان بیشتری در جذب دانش‌آموزان دارند، در حالی که مدارس دولتی با چالش‌های متعددی مواجه هستند. در مواجهه با فرآیند کالایی شدن آموزش، خانواده‌ها دو راهبرد متفاوت یعنی مقاومت و پذیرش را در پیش می‌گیرند. برخی از خانواده‌ها، به‌ویژه خانواده‌های برخوردار به دلیل اعتقاد به عدم فشار بر فرزند، و خانواده‌های کم‌درآمد به دلیل ناتوانی مالی، راهبرد مقاومت را انتخاب می‌کنند. با این حال، به نظر می‌رسد که این مقاومت در طولانی‌مدت پایدار نیست و در نهایت به پذیرش منتهی می‌شود، زیرا فشارهای ساختاری، نظیر فراوانی مدارس غیردولتی و تفاوت‌های کیفی آنها نسبت به مدارس دولتی، به همراه فشارهای اجتماعی، خانواده‌ها را مجدداً به سمت این مدارس سوق می‌دهد.

برای کاهش آثار منفی کالایی شدن آموزش، می‌توان اقدامات زیر را پیشنهاد داد:

- اختصاص بخشی از درآمدهای مدارس برخوردار به مدارس دولتی و مناطق محروم.
- تجهیز و تسهیل دسترسی به مدارس دولتی.
- فراهم آوردن امکان انتخاب واقعی بین مدارس دولتی و غیردولتی برای خانواده‌ها.
- حمایت ویژه از دانش‌آموزان مستعد خانواده‌های کم‌درآمد توسط نهادهای دولتی و غیردولتی، به گونه‌ای که تنها عامل تفاوت بین دانش‌آموزان، توانایی‌ها و استعدادها باشد، نه وضعیت مالی.

- برقراری و حفظ عدالت آموزشی برای تمامی اقشار جامعه.

این راهکارها می‌توانند به بهبود وضعیت فعلی و کاهش پیامدهای منفی کالایی شدن آموزش کمک کنند.

#### منابع

۱. استراس، آ. کوربین (۱۴۰۰). اصول روش تحقیق کیفی نظریه‌مبنایی رویه‌ها و شیوه‌ها. مترجم: بیوک محمدی. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲. اکبری، علی (۱۳۹۶). کالایی شدن آموزش (با تأکید بر مقطع ابتدایی)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه خوارزمی.
۳. بهرامی، گیتی (۱۳۹۴). کالایی شدن آموزش، پایان‌نامه کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی و رفاه اجتماعی، دانشگاه تهران.
۴. پایگاه اینترنتی مدرسه یار (۱۴۰۰) به آدرس: <https://madyar.org/Article/136>.
۵. پایگاه اینترنتی خبرگزاری مهر (۱۴۰۱) به آدرس: [mehrnews.com/xYp2d](http://mehrnews.com/xYp2d).
۶. پولانی، کارل (۱۳۹۱). دگرگونی بزرگ: خاستگاه‌های سیاسی و اقتصادی روزگار ما، ترجمه محمد مالجو، تهران: پردیس دانش.
۷. دیلینی، تیم (۱۳۹۱). نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی، ترجمه بهرنگ صدیق و وحید طلوعی، تهران: نشرنی.
۸. رضایی، گل افروز (۱۳۹۸). تحلیل نفوذ سرمایه‌داری آکادمیک در نظام آموزش عالی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه کردستان.
۹. ریتزر، جرج (۱۳۸۵). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علمی.
۱۰. سیدمن، استیون (۱۳۹۲). کشاکش آرا در نظریه جامعه‌شناسی، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشرنی.
۱۱. شرکاوی، محمد (۱۳۷۹). درآمدی بر جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، ترجمه محمدجعفر پوینده، تهران: انتشارات نقش جهان.
۱۲. عبدالله زاده، نسیم (۱۴۰۰). کالایی شدن آموزش و بازتولید نابرابری در ایران: بر ساخت تجارب مدیران مدارس متوسطه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه کردستان.
۱۳. علی اکبری (۱۳۹۶). کالایی شدن آموزش (با تأکید بر مقطع ابتدایی)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه رازی کرمانشاه.
۱۴. فرخزاد، اوین (۱۳۹۹). رابطه بین پایگاه اجتماعی-اقتصادی دانش‌آموزان و دسترسی به فرصت‌های آموزشی برابر با تأکید بر کالایی شدن آموزش، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی و رفاه اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۵. فلیک، اووه (۱۳۸۸). درآمدی بر تحقیق کیفی. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشرنی.
۱۶. کرس ول، جان دبلیو (۱۳۹۶). طرح پژوهش: رویکردهای کمی، کیفی و ترکیبی، ترجمه علیرضا کیامنش و مریم دانای طوس، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی واحد دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۷. کوئن، بروس (۱۳۹۹). مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه غلام عباس توسلی، رضا فاضل، تهران: انتشارات سمت.
۱۸. گلشن فومنی، محمد رسول (۱۴۰۰). جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، تهران: نشر دوران.
۱۹. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشرنی.



## چکیده

این پژوهش با هدف ارائه مدل توانمندسازی کاربران شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر ادراک کاربران از مفهوم امنیت فرهنگی با روش نظریه داده بنیاد و رویکرد استراوس و کوربین انجام شده است. به منظور گردآوری داده‌ها بعد از مصاحبه با ۳۹ نفر از متخصصان علوم ارتباطات، مدیریت رسانه، مدیریت فرهنگی، روانشناسی، حقوق، جامعه‌شناسی و فناوری اطلاعات که با استفاده از روش نمونه‌گیری نظری انتخاب شدند، داده‌های پژوهش به اشباع نظری رسید. سپس یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی پیاده و طبقه‌بندی شد. بر اساس یافته‌ها پدیده اصلی پژوهش توانمندسازی کاربران بود که شامل شرایط علی: رفتار ارتباطی کاربران، ویژگی‌های پیام‌رسان، ویژگی‌های فردی و شخصیتی و امنیت فرهنگی در ساختار مجازی؛ شرایط زمینه‌ای: اطلاعات فرهنگی، پابندی فرهنگی، تقویت نمادهای فرهنگی و زیرساخت‌های فرهنگی کاربران از دیدگاه مشارکت‌کنندگان؛ شرایط مداخله‌گر: به‌کارگیری زبان بومی، تبعات نهمی کردن کاربران، تهدیدات فرهنگی و آسیب‌های فرهنگی می‌شدند و استراتژی‌های ارتقا فرهنگ روشنفکری، اقتناع اندیشه‌های نوظهور، آگاه‌سازی جنگ نرم و آموزش خودمحور و در نهایت پیامدهای اثربخشی توانمندسازی کاربر، اثرگذاری تولید محتوا، آینده‌پژوهی تکنولوژی و تجملات فرهنگی را به همراه داشته است.

## ■ واژگان کلیدی

توانمندسازی کاربران، شبکه‌های اجتماعی، امنیت فرهنگی، رفتار ارتباطی، آموزش خودمحور

## طراحی مدل توانمندسازی

### کاربران شبکه‌های اجتماعی

### در حوزه امنیت فرهنگی

#### علی میربیک سبزواری

دانشجوی دکتری تخصصی مدیریت رسانه‌ای، گروه مدیریت، دانشکده حکمرانی

اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران

#### فائزه تقی‌پور

دانشیار گروه علوم ارتباطات و مدیریت کسب‌وکار، دانشکده علوم انسانی و حقوق،

دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)

f.taghipour@khuif.ac.ir

#### عباس زمانی

استادیار گروه مدیریت، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

۲۰. محمد پور، احمد (۱۴۰۰). ضد روش؛ زمینه‌های فلسفی و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی، تهران: انتشارات لوگوس.

۲۱. منصور، جهانگیر (۱۴۰۰). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر دوران.

22. Alhajja, Y.F. (2021). Higher Education In The Shadow Of Neoliberalism. *Turkish Journal of Computer and Mathematics Education (TURCOMAT)*, 12(7), 157–165. DOI:10.17762/TURCOMAT.V12I7.2556
23. Bourdieu, Pierre & Passeron, Jean-Claude (1990), *Reproduction in Education, Society and Culture*, London: Sage Publications Ltd.
24. Castree, N. (2003). Commodified what nature? *Progress in Human Geography*, 27, 273 - 297. DOI:10.1191/0309132503ph428oa
25. Goldoni, F. (2021). Study abroad, human capital development, language commodification, and social inequalities. *Applied Linguistics Review*, 14, 1283 - 1304. DOI:10.1515/appliv-2020-0063
26. Guo, S., Shin, H., & Shen, Q. (2020). The Commodification of Chinese in Thailand's Linguistic Market: A Case Study of How Language Education Promotes Social Sustainability. *Sustainability*, 12, 7344. DOI:10.3390/su12187344
27. Karpov, A.O. (2013). The Commodification of Education. *Russian Social Science Review*, 54, 22 - 37. DOI:10.1080/10611428.2013.11065521
28. Kasiyan | (2019) Art, art education, creative industry: Critique of commodification and fetishism of art aesthetics in Indonesia, *Cogent Arts & Humanities*, 6:1, 1586065. DOI:10.1080/23311983.2019.1586065
29. Meadows, J.J. (2019). Resisting Commodification in Honors Education. *The Journal of the National Collegiate Honors Council*, 20, 57-62.
30. Newman, S. & Jahdi, K.S. (2009). Marketisation of education: marketing, rhetoric and reality. *Journal of Further and Higher Education*, 33, 1 – 11. DOI:10.1080/03098770802638226.
31. Oliver, J.R. & Robison, L.J. (2017). Rationalizing Inconsistent Definitions of Commodification: A Social Exchange Perspective. *Modern Economy*, 08, 1314-1327. DOI:10.4236/ME.2017.811088.
32. Page, D (2017) Conspicuous practice: self-surveillance and commodification in education. *International Studies in Sociology of Education*, 27 (4). pp. 375-390. DOI:10.1080/09620214.2017.1351309.
33. Pankova, N. (2017). Commodification of knowledge in system of higher education. *The European Proceedings of Social & Behavioural Sciences*. DOI:10.15405/EPSSBS.2017.07.02.94.
34. Parry, J.P. & Appadurai, A. (1988). *The Social Life of Things: Commodities in Cultural Perspective*. DOI:10.2307/2802852
35. Saunders, D.B. & Blanco Ramirez, G. (2017). Against 'teaching excellence': ideology, commodification, and enabling the neoliberalization of postsecondary education. *Teaching in Higher Education*, 22, 396 - 407. DOI:10.1080/13562517.2017.1301913.
36. Schwartzman, Roy. (2013). Consequences of Commodifying Education. *Academic Exchange Quarterly*, 17, 3, pp. 1-7.
37. Shukry, M. (2017). Commodification of Education in United Kingdom. *Journal of Law and Society Management*, 4(1), pp.38-47.
38. Soto, C. & Pérez-Milans, M. (2018). Language, neoliberalism, and the commodification of pedagogy. *Language and Intercultural Communication*, 18, 490 - 506. DOI:10.1080/14708477.2018.1501844
39. Viimaranta, H. Protassova, E. & Mustajoki, A. (2017). Aspects of commodification of Russian in Finland. *Russian Journal of Linguistics*, 21, 620-634. DOI:10.22363/2312-9182-2017-21-3-620-634.
40. Yang, R. (2006). The commodification of education and its effects on developing countries: a focus on China. DOI:10.20446/JEP-2414-3197-22-4-52

## ۱- بیان مسئله

حضور در فضای مجازی به ویژه شبکه‌های اجتماعی تحولات گسترده‌ای را در تمامی عرصه‌های عادت‌های اجتماعی، سبک زندگی، ابعاد تربیتی و فرهنگی جامعه ایجاد و آنها را با چالش و تغییرات اساسی مواجه کرده است. در این میان تغییر کانون قدرت از قدرت «سخت» و نظامی به قدرت «نرم» مبتنی بر فرهنگ و مسائلی همچون «جهانی شدن» (صالح‌نیا، ۱۳۹۵: ۴۶) و تراکم زمانی و مکانی، نفوذ رسانه‌ها، تنوع و تکثر فرهنگی و مسائلی از این دست مفهوم امنیت را از رویکردهای سنتی به جدید تغییر داده است.

ادوارد و چونگ در بررسی امنیت فرهنگی مفاهیم سه‌گانه مشروعیت، انسجام، یکپارچگی و توان سیاسی را مطرح می‌کنند (Debrix، 2016). بر اساس نظرات اندیشمندان مکتب کپنهاگ از زمان باری بوزان امنیت فرهنگی شامل تلاش برای حفظ و بقای الگوهای سنتی، زبان، فرهنگ، پیوستگی، هویت و آداب و رسوم دینی یا ملی با اجازه دادن به تغییرات قابل قبول است که قابلیت و توانایی حکومت‌ها در حفظ و دفاع از ارزش‌ها، ایده‌ها و هویت را افزایش می‌دهد (پور نقدی، ۱۳۹۷: ۱۰۵). به تعبیری امنیت فرهنگی شامل آزادی عقیده، وجدان، زبان، بیان، شیوه زندگی، قومیت، جنسیت، شراکت اجتماعی و مشارکت فرهنگی و سیاسی است (Latham, 2014: 211) و باید به هر دو بعد تهدیدات داخلی و خارجی اهمیت داد (شفیعی‌نیا، ۱۳۹۵: ۴۷). اما به طور کلی در بحث امنیت فرهنگی می‌توان به چهار رویکرد واقع‌گرایان مبنی بر (افزایش ظرفیت‌ها برای رسیدن به وضعیت امن) (آهنی، ۱۳۸۸: ۸۶۸)؛ رویکرد سازه‌انگاران مبنی بر (ارتقا امنیت فرهنگی نه بر اساس موازنه قوا بلکه در اعتماد و همکاری)؛ رویکرد فرا ساختارگرایان مبنی بر (مفهوم دیگری نه ملاکی برای فهم تفاوت‌ها، اختلاف‌ها و گفتمان‌های تهدیدزا بلکه منطق نابرابری و تنظیم سیاست‌های امنیتی) (غلامی، ۱۳۸۳: ۲۱) و رویکرد مکتب کپنهاگ مبنی بر (مفهوم امنیتی کردن یا امنیت منفی و مفهوم امنیت ایجابی یا امنیت مثبت) اشاره کرد (فینی زاده بیدگلی و خادم، ۱۳۹۵: ۱۲۳).

از سوی دیگر، شبکه‌های اجتماعی با توجه به جدایی‌ناپذیر شدن از زندگی روزمره انسان و اقبال فزاینده و به تبع آن ضریب نفوذ بالایی که در زندگی انسان‌ها به واسطه جاذبه‌ها و ویژگی‌های منحصر به فردش داشته است. شکلی از جامعه که از آن به عنوان «جامعه مجازی» یاد می‌شود را به وجود آورده است (جلالی لوانسانی و نجفی، ۱۳۸۸: ۵). جهان مجازی جهانی فاقد جغرافیا، صنعتی، رهاشده از استبداد زمان و مکان فیزیکی،

فضایی سراسر نمادین، در دسترس برای همگان و دارای ظرفیت ساخت واقعیت در فضای خود است. فضایی که طی آن با «مجازی شدن» همه چیز علاوه بر اینکه امکان رؤیت واقعیت‌ها به صورت غیرحقیقی در محیطی مجازی فراهم آمده امکان تبدیل روندهای جدید کار و زندگی مجازی نیز در آن به وجود آمده است (عاملی، ۱۳۸۸: ۱۷). از این رو می‌توان گفت که شکل‌گیری «جوامع مجازی» در کنار «جوامع حقیقی» ضرورت طرح مسئله امنیت و به ویژه امنیت فرهنگی را به شکلی پیچیده‌تر در این گونه جوامع به وجود آورده است (پورسعید، ۱۴۰۲: ۲۵).

در اینجا باید متذکر شد که در عصر ارتباطات، رسانه‌های جمعی، فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی نقش بسیار مهمی در ارائه و اجرای برنامه‌های سیاسی - امنیتی و بسترسازی افکار عمومی و تأمین امنیت عمومی ایفا می‌کنند (آشنا و اسمعیلی، ۱۳۸۸، ۷۵) و با توجه به توسعه کمی و کیفی که یافته‌اند در عمل می‌توانند هم فرصت و هم تهدیدی برای دوام و قوام امنیت جوامع باشند (فاطمی‌نیا، ۱۳۹۶: ۲۱).

مقام معظم رهبری (۱۳۸۵) ضمن اشاره به اهمیت نقش رسانه‌ها در زندگی امروزی به این امر اشاره داشتند که رسانه‌ها و یا در سال‌های پیش رو فضای مجازی در دنیا، فکر، فرهنگ، رفتار و در حقیقت هویت فرهنگی را به انسان‌ها القا می‌کنند و در حوزه فرهنگ نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. به بیان دیگر رسانه‌ها می‌توانند در بهبود وضعیت زندگی انسان‌ها، گسترش صلح و امنیت جهانی و یا ارتقای اخلاق و معنویت در میان انسان‌ها مؤثر باشند و شبکه‌های اجتماعی، ریخت‌شناسی اجتماعی جوامع جدید را تشکیل می‌دهند. در جامعه شبکه‌ای جهانی، همه شئون انسانی نظیر ارزش‌ها، هویت، الگوی تقسیم‌کار، مفهوم زمان و مکان و همچنین قدرت به شبکه‌ها وابسته شده‌اند (Seong, 2009: 33). امنیت از نیازها و انگیزه‌های اساسی انسان است. به طوری که با زوال آن آرامش خاطر انسان از بین می‌رود و تشویش، اضطراب و ناآرامی جای آن را می‌گیرد (پور نقدی، ۱۳۹۷: ۶۴) مهم‌تر از امنیت، احساس امنیت است. اعتماد به نفس و احساس امنیت و آرامش خاطر، بنیان و نقطه آغاز تبادل اجتماعی و بسترساز تعامل در شبکه‌های اجتماعی است (Heath, 2015: 361).

با توجه به ضرورت احساس امنیت در فضای مجازی، مفهوم توانمندی و توانمندسازی کاربران از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ چرا که به واسطه آن می‌توان کاربران را تا حدود زیادی از تهدیدهای پیش روی مصون داشت. در این شرایط توانمندسازی به عنوان

فرآیندی تعریف می‌شود که در آن افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها بر مسائل و مشکلاتی که با آن مواجه هستند، (بیات، ۱۳۸۸: ۷۷). کنترل پیدا می‌کنند که با مفهوم خودکارآمدی رابطه بسیار نزدیکی داشته و حتی می‌توان این دو واژه را با یک مفهوم تعبیر کرد (محدث و دیگران، ۱۴۰۱: ۱).

با توجه به اینکه کاربران شبکه‌های اجتماعی رو به افزایش است و بخش عمده‌ای از اثرات شبکه‌های اجتماعی در حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی، ناشی از عملکرد و نحوه استفاده مناسب از این شبکه‌ها است، این پژوهش به دنبال ارائه مدلی مبتنی بر توانمندسازی کاربران به منظور ارتقای ادراک آن‌ها در حوزه امنیت فرهنگی است. در جامعه ایران با آمدن هر رسانه یا وسیله ارتباطی جدید، تغییرات اساسی در حوزه نحوه استفاده از آن وسیله ایجاد می‌شود. به طوری که این تغییر منجر به نیاز کاربر یا مخاطب به هماهنگی مجدد می‌شود تا بتواند به منظور استفاده صحیح از آن رسانه خود را هماهنگ کند بر این اساس در پژوهش حاضر در نظر داریم با استفاده از روش کیفی و رویکرد اکتشافی به طراحی و ارائه مدل توانمندسازی کاربران شبکه‌های اجتماعی در حوزه امنیت فرهنگی بپردازیم.

## ۲- پیشینه پژوهش

در این پژوهش متغیرهای مورد بررسی در حوزه توانمندسازی و امنیت فرهنگی در فضای مجازی مورد توجه است. به عنوان نمونه، رحمانی ساعدی و شفیعی (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «مفهوم و مؤلفه‌های امنیت فرهنگی در گفتمان ایرانی اسلامی» به این نتیجه رسیدند که مفهوم امنیت فرهنگی در گفتمان ایرانی اسلامی دارای «رویکردی ترکیبی (حفظ محور و بسط محور)»، «فراملی»، «به عنوان زیربنای امنیت» و «دارای نگاه توأمان به ارزش‌های ملی و اسلامی» است، همچنین «هویت اسلامی - ایرانی»، «ارزش‌ها اسلامی، ملی و انقلابی»، «مؤلفه سیاسی امنیت فرهنگی»، «مؤلفه اجتماعی امنیت فرهنگی»، «مؤلفه اقتصادی امنیت فرهنگی» و «استقلال فرهنگی» به عنوان مؤلفه‌های اصلی است. همچنین، زرگر و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی به «بررسی تأثیر محتوای غیراخلاقی شبکه‌های اجتماعی مجازی بر امنیت اجتماعی (مورد مطالعه: شبکه اینستاگرام)» پرداختند. نتایج حاکی است که بین محتوای غیراخلاقی و امنیت اجتماعی رابطه معنادار وجود دارد. عبدالرحمانی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی نقش

شبکه‌های اجتماعی مجازی در امنیت اخلاقی (مورد مطالعه اینستاگرام)» به این نتیجه رسید که پنج عامل آزادی بیان افراد، ناشناخته ماندن هویت اصلی کاربران، سهولت دسترسی به فناوری، تفکرات سنتی خانواده‌ها (شکاف نسلی) و عدم کفایت برخورد قانونی با کاربران مختلف در گرایش به استفاده از اینستاگرام و امنیت اخلاقی مؤثر بوده است. سالم و همکاران (۱۳۹۷) در ارائه مدل کیفی و توصیفی از امنیت فرهنگی کشور در شبکه‌های اجتماعی مجازی با تأکید بر رسانه‌های اجتماعی هفت بعد تقویت اعتماد و اعتبار رسانه‌ای، وفاداری مخاطب به رسانه خبری، امپریالیسم رسانه‌ای، تقویت اخلاق حرفه‌ای رسانه‌ای، امنیت فرهنگی، تقویت آموزه‌های دینی و رسانه‌های اجتماعی را مطرح کردند. سیمبر و رضایور (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «امنیت فرهنگی از منظر آیت الله خامنه‌ای» پرداختن به نکاتی از جمله تعلیم و تربیت، استقلال فرهنگی، استفاده از هنر، توجه سبک زندگی اسلامی و عوامل تهدیدکننده، وابستگی فرهنگی، خودباختگی، بحران هویت، تهاجم فرهنگی و سلطه فرهنگی را ضروری دانسته‌اند.

همچنین در تحقیقات خارجی گنگوانی<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان «استفاده از رسانه‌های اجتماعی و توانمندسازی زنان در عربستان سعودی» به مطالعه نقش رسانه‌های اجتماعی در رشد و توانمندسازی زنان پرداخته و اهمیت رابطه بین رسانه و توانمندسازی زنان عربستان و راههای مختلفی که رسانه‌های اجتماعی منجر به توانمندسازی زنان می‌شود را مورد بحث قرار دادند. نتایج نشان داد که با استفاده از کانال‌های رسانه‌های اجتماعی، هر زنی که با تبعیض و تضعیف روبه‌رو شود می‌تواند نگرانی خود را در مورد مسائل مختلف به جهانیان اعلام کند. با این حال، مشارکت زنان سعودی در شبکه‌های اجتماعی کم بوده است.

در مطالعه‌ای با عنوان «رفاه ذهنی و خستگی آنلاین و توانمندسازی کاربران رسانه‌های اجتماعی: دیدگاه ناهمگونی شبکه» کوار و دیگران (۲۰۲۱) یک چارچوب تحقیقاتی مبتنی بر مدل ظرفیت محدود برای بررسی رابطه بین پیامدهای قسمت تاریک رسانه‌های اجتماعی برای کاربران (او. اس. دبلیو. بی)<sup>۲</sup> و خستگی رسانه‌های اجتماعی ایجاد کرده و علاوه بر این، ارتباط بین جنبه‌های خاص مربوط به ناهمگونی شبکه و خستگی رسانه‌های اجتماعی را برای کاربران رسانه‌های اجتماعی در ایالات متحده آمریکا (ایالات متحده آمریکا)

1. Gangwani  
2. OSWB

بررسی کردند. نتایج نشان داد که بخش تاریک رسانه‌های اجتماعی برای کاربران با مقایسه اجتماعی همبستگی و خستگی رابطه منفی دارد، در حالیکه نگرانی‌های مربوط به حریم خصوصی و افشای خود با خستگی رابطه مثبت دارد.

آلمانی و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهش خود با عنوان «شناسایی مناسب‌ترین تصمیمات حریم خصوصی در شبکه‌های اجتماعی آنلاین» با بیان اینکه که شبکه‌های اجتماعی آنلاین در مکانیزم‌هایی مانند حلقه‌های اجتماعی و انتخاب فردی برای تعیین مخاطبان، اطلاعات به اشتراک گذاشته شده را در اختیار کاربران قرار می‌دهند، فرایند تصمیم‌گیری در مورد حریم خصوصی برای کاربران را یک کار سخت عنوان کردند؛ زیرا آنها باید هزینه و فایده را در یک محیط پیچیده ارزیابی کنند. به اختصار می‌توان گفت پژوهش‌های مرتبط با موضوع حوزه امنیت فرهنگی، توانمندسازی کاربران و فضای مجازی معمولاً به صورت مجزا است و کمتر به این مفاهیم به صورت مشترک پرداخته شده است؛ اما با تحلیل این تحقیقات می‌توان به این جمع‌بندی رسید که بخش عمده‌ای از ادراک کاربر از امنیت فرهنگی، متأثر از نحوه استفاده او از فضای مجازی است و در صورت توانمندسازی کاربر، دقیقاً او از محتوایی استفاده می‌کند که با زمینه‌های فرهنگی او مرتبط است.

### ۳- چارچوب مفهومی

دیدگاه‌های مختلفی در حوزه امنیت فرهنگی ارائه شده است. برخی امنیت فرهنگی را به مفهوم مصون ماندن اندیشه‌ها، باورها، اعتقادات، آداب و رسوم، سنت‌ها و به طور کلی هر آنچه در مجموعه پیچیده فرهنگ قرار دارد، می‌دانند (شفیعی و مولایی، ۱۳۹۹: ۷۳). در این معنا امنیت فرهنگی تابعی از عملکرد صحیح اجزاء و عناصر داخلی و توانایی و تمایل برای مواجهه به سپهر فرهنگی بیرونی است. در این معنا عنصر کلیدی امنیت، انسجام است. انسجام، تابع چند شاخص اساسی است؛ نخست ارتباط مردم با یکدیگر، دوم ارتباط مردم و نهادها (دولتی و خصوصی) و سوم ارتباط نهادها با یکدیگر است. بنابراین انسجام نه تنها به کارکرد صحیح نهادها و ساختارهای اجتماعی<sup>۱</sup> برمی‌گردد به ارتباط میان عناصر مذکور نیز وابستگی دارد (زارع، ۱۳۹۹: ۲۵).

برخی دیگر امنیت فرهنگی را به عنوان یک اصل هدایت و تضمین احترام به مردم که فراتر از آگاهی فرهنگی است تعبیر می‌کنند که به موجب آن سازمان‌ها و افراد نیاز به یک تغییر مثبت به دور از نگرش‌ها و ارزش‌ها در تغییر و حرکت به سمت تغییر رفتار و شیوه‌های سازمانی و فردی را احساس می‌کنند (McCoy, 1992: 93) در واقع در این معنا، امنیت فرهنگی ارائه خدمات مداوم بر اساس فکر فراگیر و مبتنی بر تفاوت‌های فرهنگی است (Westerman, 1997: 41). در این دیدگاه امنیت فرهنگی به شکل حرفه‌ای متفاوت از ایمنی (اطمینان) فرهنگی است. در امنیت فرهنگی یک تعهد قوی در میان است به گونه‌ای که مردم را و او می‌دارد فراتر از آگاهی فرهنگی حرکت کنند. امنیت فرهنگی سبب ایجاد مهارت‌های فرهنگی فراتر از آگاهی فرهنگی ساده می‌شود به گونه‌ای که به تغییرات رفتاری، نگرشی و ساختاری منجر می‌گردد (Farrelly & lumby, 2009: 16).

کافین<sup>۱</sup> (۲۰۰۷) امنیت فرهنگی را در رأس یک هرم قرار داده به گونه‌ای که ایمنی فرهنگی و آگاهی فرهنگی در میانه و قاعده آن قرار دارد. بدین معنا که امنیت فرهنگی در واقع نوعی آگاهی نظری از ارائه خدمات فرهنگی به اندازه کافی است. در امنیت فرهنگی بحث بر سر این است که ترکیب ارزش‌های فرهنگی را باید در طراحی، ارائه و ارزیابی خدمات در نظر گرفت. این امر نه یک استراتژی اختیاری و نه تنها مسئولیت افراد، بلکه شامل کل جامعه و سطوح دستگاهی جامعه نیز هست. توسعه نظام سلامت نیروی کار، اصلاح نیروی کار، خرید از خدمات بهداشتی و درمانی، نظارت و مسئولیت‌پذیری و مشارکت عمومی در زمره امنیت فرهنگی به شمار می‌رود. در این معنا امنیت فرهنگی مستقیماً فهم و عمل سیاست‌ها و روش ایجاد فرآیندهای است که به طور خودکار مردم اصیل برای اولین بار به دنبال آن می‌روند (Coffin, 2007: 23).

ظرفیت فرهنگی، خود ارزیابی آگاهانه از پویایی، فرهنگ تعامل، نهادینه کردن دانش فرهنگی و ارائه خدمات به طوری است که نشان‌دهنده درک درستی از تنوع بین و در درون فرهنگ باشد (مرکز پژوهشی پزشکی و سلامت ملی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹). بر اساس نظر انجمن امنیت فرهنگی سانتا مونیکا<sup>۳</sup> (۲۰۱۳) امنیت فرهنگی را می‌توان در بنیان‌هایی چون اقتصاد سیاسی، هنر، قدرت میراث فرهنگی در دیپلماسی در سه حوزه تحلیل، تحقیق و خلاقیت

1. coffin  
2. National Health and Medical Research Council  
3. Santa Monica, California, USA

1. Social structures

مطرح کرد. نمت<sup>۱</sup> (۲۰۰۸) در ارائه مدل چرخه امنیت فرهنگی استدلال می‌کند، ترکیب قدرت سیاسی، تأثیر حوزه دانش و پژوهش و تغییر استراتژیک و واکنش به سیاست‌های پیشگیرانه، آگاهی فرهنگی، سرویس‌های اطلاعاتی، اقتصاد سیاسی کالاهای فرهنگی چرخه امنیت فرهنگی را نشان می‌دهد.

#### ۴- روش پژوهش

در این پژوهش با توجه به ابعاد مختلف مورد مطالعه و پیشینه مطالعاتی ضعیف در این موضوع، تلاش شد با استفاده از روش نظریه زمینه‌ای یا نظریه داده بنیاد و طرح نظام‌مند و روش سیستماتیک استراوس و کوربین برای انجام این پژوهش استفاده شود (Strauss & Corbin, 1998:26). زیرا که نظریه داده بنیاد روشی نظام‌مند و کیفی برای خلق نظریه‌ای است که در سطحی گسترده به تبیین فرآیند، کنش یا کنش متقابل موضوعی با هویت شخصی می‌پردازد (Creswell, 2000:127). جامعه آماری پژوهش حاضر شامل متخصصان و صاحب‌نظران حوزه فرهنگ، رسانه و ارتباطات است که با روش نمونه‌گیری نظری انتخاب شدند و در نهایت بعد از انجام ۳۹ مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته داده‌های پژوهش به اشباع نظری رسید. به منظور تجزیه و تحلیل یافته‌ها پس از پیاده کردن متن مصاحبه‌ها کدگذاری در سه مرحله باز، محوری و گزینشی انجام شد (Strauss & Corbin, 1998:34). در مرحله اول نمونه‌های پژوهش به صورت نظری انتخاب شد که معیار انتخاب افراد مشارکت‌کننده داشتن سوابق علمی و تحقیقاتی یا تجربه در حوزه‌های فرهنگ، رسانه، جامعه‌شناسی، ارتباطات یا تجربه و تخصص در حوزه فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی بود. همچنین در انتهای مصاحبه از پاسخگو درخواست می‌شد که اگر فردی متخصص یا مرتبط با این مسئله را می‌شناسد، معرفی نماید. با توجه به اینکه، چالش اصلی پژوهش به تأثیر نحوه استفاده صحیح یا نادرست افراد از فضای مجازی و ادراک آنان از امنیت فرهنگی در محیط اطرافشان اشاره داشت. انجام هر مصاحبه حضوری بنا به میزان اطلاعات و مشارکت پاسخگویان بین ۴۵ تا ۱۲۰ دقیقه طول کشید. بعد از انجام ۳۱ مصاحبه یافته‌ها نشان می‌داد که اطلاعات به دست آمده به اشباع رسیده است، ولی به دلیل اطمینان از نتایج مصاحبه‌ها و همچنین توجه به تنوع مشارکت‌کنندگان انجام مصاحبه‌ها تا ۳۹ مورد ادامه یافت. همچنین جهت

اطمینان از اعتبار و روایی یافته‌ها پس از اطمینان از اشباع نظری مصاحبه‌ها با تکرار مجدداً چند مصاحبه، نتایج حاصل و کدگذاری‌های نهایی به رؤیت افراد مصاحبه‌شونده و همچنین پنج‌تن از صاحب‌نظران خارج از اعضای مورد مصاحبه رسید تا نکات اصلاحی خود را مطرح نمایند و همچنین برخی از مصاحبه‌ها پس از پیاده‌سازی به رؤیت فرد مورد مصاحبه رسید تا با نظراتشان مطابقت داده شود. اطلاعات مربوط به رشته تحصیلی مشارکت‌کنندگان در پژوهش در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول ۱- مشخصات مشارکت‌کنندگان در پژوهش

ردیف	رشته	تحصیلات	سن	جنسیت	شغل
۱	مدیریت فرهنگی	دکتری	۴۶	مرد	هیئت‌علمی دانشگاه
۲	مدیریت فرهنگی	دکتری	۵۵	مرد	هیئت‌علمی دانشگاه
۳	مدیریت فرهنگی	دکتری	۳۸	زن	هیئت‌علمی پژوهشگاه
۴	مدیریت فرهنگی	دکتری	۵۲	مرد	هیئت‌علمی دانشگاه
۵	روانشناسی	دکتری	۶۲	زن	هیئت‌علمی پژوهشگاه
۶	روانشناسی	دکتری	۴۸	مرد	هیئت‌علمی دانشگاه
۷	روانشناسی	دکتری	۳۹	زن	هیئت‌علمی دانشگاه
۸	برنامه‌ریزی فرهنگی	دکتری	۵۱	زن	کارشناس صداوسیما
۹	سیاست‌گذاری فرهنگی	دکتری	۳۹	مرد	هیئت‌علمی دانشگاه
۱۰	سیاست‌گذاری فرهنگی	دکتری	۴۳	مرد	هیئت‌علمی دانشگاه
۱۱	سیاست‌گذاری فرهنگی	دکتری	۳۶	زن	هیئت‌علمی پژوهشگاه
۱۲	آینده‌پژوهی	دکتری	۴۷	مرد	هیئت‌علمی پژوهشگاه

ردیف	رشته	تحصیلات	سن	جنسیت	شغل
۱۳	مدیریت منابع انسانی	دانشجوی دکتری	۳۲	زن	پلیس پیشگیری
۱۴	پژوهشگری اجتماعی	کارشناسی ارشد	۳۴	زن	کارشناس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی
۱۵	مدیریت فناوری	کارشناسی ارشد	۴۱	مرد	کارشناس مرکز ملی فضای مجازی
۱۶	حقوق	دکتری	۶۳	زن	هیئت علمی دانشگاه
۱۷	حقوق	دکتری	۶۵	زن	هیئت علمی دانشگاه
۱۸	کامپیوتر نرم افزار	کارشناسی ارشد	۳۳	مرد	پلیس فتا
۱۹	مدیریت فرهنگی	دکتری	۴۹	زن	هیئت علمی دانشگاه
۲۰	مدیریت رسانه	دکتری	۴۳	مرد	هیئت علمی دانشگاه
۲۱	مدیریت رسانه	دکتری	۴۷	مرد	هیئت علمی دانشگاه
۲۲	مدیریت رسانه	دانشجوی دکتری	۳۴	مرد	کارشناس مرکز ملی فضای مجازی
۲۳	مدیریت رسانه	دانشجوی دکتری	۳۵	زن	کارشناس معاونت فضای مجازی صداوسیما
۲۴	مدیریت رسانه	دانشجوی دکتری	۴۸	مرد	کارشناس صداوسیما
۲۵	کامپیوتر-هوش مصنوعی	کارشناسی ارشد	۳۷	مرد	پلیس فتا
۲۶	روانشناسی تربیتی	دکتری	۵۷	زن	هیئت علمی دانشگاه
۲۷	امنیت اجتماعی	کارشناسی ارشد	۴۴	مرد	کارشناس اورژانس اجتماعی

ردیف	رشته	تحصیلات	سن	جنسیت	شغل
۲۸	مدیریت رفتار سازمانی	دانشجوی دکتری	۳۲	مرد	پلیس فتا
۲۹	علوم ارتباطات	دکتری	۵۵	زن	هیئت علمی دانشگاه
۳۰	علوم ارتباطات	دکتری	۵۲	زن	هیئت علمی دانشگاه
۳۱	علوم ارتباطات	دکتری	۶۱	مرد	هیئت علمی دانشگاه
۳۲	علوم ارتباطات	دکتری	۴۹	زن	هیئت علمی دانشگاه
۳۳	علوم ارتباطات	دکتری	۵۹	مرد	هیئت علمی دانشگاه
۳۴	تجزیه و تحلیل سیستم‌های اطلاعاتی	کارشناسی ارشد	۳۶	مرد	پلیس فتا
۳۵	جامعه‌شناسی	دانشجوی دکتری	۳۷	زن	کارشناس اورژانس اجتماعی
۳۶	جامعه‌شناسی	دکتری	۴۰	زن	هیئت علمی جهاد دانشگاهی
۳۷	جامعه‌شناسی	دکتری	۵۱	مرد	هیئت علمی جهاد دانشگاهی
۳۸	مدیریت فناوری	دکتری	۴۲	مرد	پلیس فتا
۳۹	کامپیوتر نرم افزار	دکتری	۵۷	مرد	هیئت علمی دانشگاه

### ۵- یافته‌های پژوهش

این پژوهش با هدف ارائه مدل به منظور توانمندسازی کاربران شبکه‌های اجتماعی در حوزه امنیت فرهنگی و روش گراند تئوری با رویکرد استراوس و کوربین انجام شد. یافته‌های این پژوهش نشان داد که عوامل علی و زمینه‌ای مرتبط با توانمندسازی کاربران شبکه‌های اجتماعی می‌تواند اثرات گسترده‌ای بر نحوه استفاده کاربران و رویکردهای فرهنگی و اجتماعی مرتبط با آن داشته باشد و در این راستا وضعیت کاربران شبکه‌های اجتماعی از استفاده‌کننده به تولیدکننده تغییر نماید.

## ۵-۱- مقوله محوری: توانمندسازی کاربران

در فضای مجازی شبکه‌های اجتماعی به عنوان نوع جدیدی از وبسایت‌ها متولد شده و کاربران و طرفداران زیادی پیدا کرده‌اند. شبکه‌های اجتماعی یکی از انواع رسانه‌های اجتماعی محسوب می‌شوند و محلی برای شکل‌گیری جماعت‌های مجازی و شبکه‌سازی کاربران اینترنتی هستند و موفق شده‌اند تعداد قابل توجهی از کاربران را جذب کرده و تنوع بالایی در گونه‌شناسی کاربران شبکه‌های اجتماعی بر اساس نحوه استفاده آن‌ها ایجاد شده است؛ اما کاربران از هر نوع و با هر میزان استفاده‌ای که باشند، برای استفاده مطلوب‌تر و مناسب‌تر از شبکه‌های اجتماعی نیاز به توانمندسازی دارند. این توانمندسازی به کاربر کمک می‌کند تا به حفظ و تقویت ادراک خود و سایر کاربران از امنیت فرهنگی کمک کند. یکی از مشارکت‌کنندگان درباره پیامدهای توانمندسازی کاربران می‌گوید:

«توانمندسازی کاربران شبکه‌های اجتماعی به دنبال هدف بزرگ‌تریه. وقتی کاربران آگاه و توانمند شده‌ای داشته باشیم می‌تونیم منتظر شکل‌گیری وفاق فرهنگی و اجتماعی باشیم، که این خودش بزرگ‌ترین پشتیبان برای حکومت در نظر گرفته می‌شه. انسجام و اتحاد عمومی حول مسائل فرهنگی و به تعبیری وفاق فرهنگی به گونه‌ای هست که در صورت بروز هرگونه تعرض و تهدید فرهنگی جامعه نسبت به اون واکنش نشان می‌ده و این از ویژگی امنیت فرهنگی است. وفاق فرهنگی با انسجام فرهنگی یا هم‌رنگی فرهنگی اینا با هم تفاوت دارن. وفاق فرهنگی یعنی سازگاری کردن، همراهی کردن و یکدلی فرهنگی ایجاد کردن که با شکل‌گیری ارتباطات گسترده در شبکه‌های اجتماعی نیز، ممکن میشه».

کارایی و کارآمدی فرهنگ در برابر تهاجمات و تهدیدات از طریق اطلاع‌رسانی در شبکه‌های اجتماعی و قدرت نفوذ بر سایر مقوله‌های فرهنگی که به سهولت بتواند در سایر فرهنگ‌ها تأثیرگذار باشد و از طرفی در برابر تهاجمات و تهدیدات سپر قوی باشد و قدرت اشاعه بر سایر فرهنگ‌ها ایجاد کند، از دیگر پیامدهای توانمندسازی کاربران شبکه‌های اجتماعی است. زیرا توانمندسازی کاربران شبکه‌های اجتماعی باعث تقویت آگاهی نسبت به نقش آن‌ها در جریان سازی‌های مبتنی بر شبکه‌های اجتماعی می‌شود.

## ۵-۲- عوامل علی

در بحث شرایط علی برای توانمندسازی کاربران شبکه‌های اجتماعی، نکات متفاوتی وجود دارد. تثبیت قوانین و مقررات حوزه فرهنگی در شبکه‌های اجتماعی، آموزش فردی و اجتماعی، تقویت مبانی فکری، فرهنگی و اعتقادی، اصلاح روش‌ها و شیوه‌های برخورد با مسائل فکری و فرهنگی، تقویت تعاملات فکری فرهنگی بین گروه‌های مختلف اجتماعی، تشریح اهمیت و مزایای امنیت فرهنگی به شیوه‌های نوین و بهره‌گیری از هنر بیان، مضرات و آسیب‌های بی‌توجهی به امنیت فرهنگی بوده و باعث افزایش و ارتقا کیفی تولیدات و خدمات فرهنگی در تمامی حوزه‌ها است (جدول شماره ۲).

در اینجا، زیرساخت‌های تکنیکی و تاکتیکی مورد توجه است. مشارکت‌کننده با کد ۱۹ در خصوص این بعد و ضرورت توانمندسازی کاربران مبتنی برداشتن اطلاعات لازم برای کاربران در حوزه امنیت سایبری و ارتباط آن با امنیت فرهنگی می‌گوید:

«آشنایی کاربران با شیوه‌های جدید جاسوسی، خرابکاری، منع سرویس از طریق ایجاد ترافیک سنگین مجازی، عدم دسترسی کاربران به سایت‌های مهم کشور، ترویج اخبار جعلی و اختلال در سامانه‌های اقتصادی ضرورت داره. برای همین امنیت سایبری اهمیت داره تا بسیاری از سازمان‌های دولتی، شرکت‌های خصوصی، مراکز علمی و پزشکی و حتی کاربران، حجم وسیعی از اطلاعات مهم را در سیستم‌های خودشون جمع‌آوری، پردازش و ذخیره کنند و توانمند کردن کاربران در زمینه حفظ امکانات با رویکردی سخت‌افزاری اهمیت داره».

و مشارکت‌کننده با کد ۱۶ درباره این موضوع می‌گوید:

«در موضوع حفظ اهمیت فرهنگی از طریق عملکرد کاربر توانمند شده موضوع فیشینگ مورد توجه است که به پیش‌بینی رفتار کاربران می‌پردازد و مهندسی اجتماعی در این حوزه مطرح هست. به‌عنوان مثال حملات فیشینگ که با استفاده از پیش‌بینی رفتار مردم می‌تواند اطلاعات حساس را سرقت کند. بسیاری از این پیش‌بینی‌ها بر اساس تحلیل محتوای تولید شده یا باز فرصت شده توسط کاربران انجام می‌شه و در زمینه زیرساخت‌های تکنیکی و تاکتیکی، ویژگی محرمانه بودن پیام، یکپارچگی، میزان در دسترس بودن و حکمرانی در شبکه‌های اجتماعی مطرح میشه».

با توجه به اینکه در شبکه‌های اجتماعی نوعی لیبرالیسم ارتباطی ایجاد شده که احساس آزادی و خصوصی‌سازی عملکرد را در کاربر تقویت می‌کند و گاهی این احساس کاذب منجر به تولید و بازنشر محتواهایی شده که گاهی ناخواسته باعث تهدید امنیت فرهنگی می‌شود. لیبرالیسم ارتباطی به مواردی از جمله افزایش افسارگسیخته تمایلات آزادی‌خواهانه و دموکراتیک، شبه آفرینی نسبت به اعتقادات و موارد دینی، امکان نقد و مخالفت با عقاید و آراء دیگران و آگاهی از کنوانسیون‌های منع تبعیض است. به همین دلیل توانمندسازی کاربران هم‌زمان در چند حوزه امنیت شامل رویکردهای فرهنگی، سایبری و ملی می‌تواند حالت بین موضوعی داشته باشد. زیرا با بهبود عملکرد کاربر، استفاده از فرصت‌های شبکه‌های اجتماعی جای تهدیدها را می‌گیرد.

جدول ۲- عوامل علی توانمندسازی کاربران شبکه‌های اجتماعی در حوزه امنیت فرهنگی

کدگذاری محوری	کدگذاری گزینشی
آموزش فرهنگی، پیشینه فکری و ایدئولوژیکی کاربر، تمایز گذاری میان کاربران، تمایز رفتار فردی در محیط و شبکه‌های اجتماعی، شناخت اطلاعاتی، شیوه برخورد با مسائل و مشکلات فرهنگی، لیبرالیسم ارتباطی، مبادله اطلاعات	رفتار ارتباطی کاربران
ویژگی‌های مثبت و منفی یک پیام‌رسان	ویژگی‌های پیام‌رسان
احساس آزادی عمل در کاربران، احساس شایستگی و اثرگذاری کاربران، اعتماد به نفس کاذب کاربران، انگیزه و اشتیاق استفاده، شناسایی باورها و رفتارهای فرهنگی کاربران، قدرت گزینشگری و حذف، انسجام فرهنگی، تقارن مفهوم شهروندی و کاربری، توجه به اهمیت و تقویت فرهنگ، جلب اعتماد کاربران	ویژگی‌های فردی و شخصیتی
به‌کارگیری تکنیک‌های به روز ارتباطات، تفاوت پوشش و جنبش اجتماعی	زیرساخت‌های تکنیکی و تاکتیکی
اصلاح مفهوم خودباوری، خودباوری کاربر، خودشکوفایی و خودگشودگی، خودکارآمدی و خودیابی اجتماعی، دریافت اطلاعات صحیح خودباوری	مفهوم خودکاربر
تأثیر تجارب قبلی کاربران، تغییرات درونی کاربران، حفظ فرهنگ در اماکن عمومی، درونی کردن فرایند توانمندسازی، شناسایی نیازهای فرهنگی کاربران، فرایندمداری رویه‌های توانمندسازی، کیفیت تولیدات و خدمات فرهنگی، نارضایتی کاربران از زندگی شهری	وجه تمایز کاربران

### ۵-۳- عوامل زمینه‌ای

بر اساس نظرات متخصصان، می‌توان از عوامل زمینه‌ای مؤثر بر تقویت امنیت فرهنگی به دو دسته عوامل نرم‌افزاری از جمله تقویت آداب و رسوم، اعتقادات، فعالیت‌ها، مراسم‌های فرهنگی، آموزش و عوامل سخت‌افزاری (توسعه اماکن فرهنگی همراه با ایجاد واحداث ساختمان‌های موردنیاز، تأمین تجهیزات، امکانات و منابع انسانی و مالی و...) (جدول شماره ۳) اشاره کرد که بسترساز امنیت فرهنگی است و اگر محیط ارتباطی چه به صورت ملموس و چه به شکل ناملموس توسعه یابد شرایط فرهنگی و عملکرد کاربران در شبکه‌های اجتماعی بهبود می‌یابد.

جدول ۳- عوامل زمینه‌ای توانمندسازی کاربران شبکه‌های اجتماعی در حوزه امنیت فرهنگی

کدگذاری محوری	کدگذاری گزینشی
حفاظت اطلاعات فرهنگی	اطلاعات فرهنگی
پایبندی به خرده‌فرهنگ‌ها، پایبندی به فرهنگ عمومی	پایبندی فرهنگی
تعلق خاطر به نمادهای مشترک فرهنگی	تقویت نمادهای فرهنگی
اعتماد فرهنگی، تنوع فرهنگی، دانش فرهنگی، سواد فرهنگی، شباهت فرهنگی، مقاومت فرهنگی، مقوله سازی فرهنگی، وفای فرهنگی	زیرساخت‌های فرهنگی کاربران
وجود ملی‌گرایی کاربران	ملی‌گرایی
هویت متکثر کاربران	هویت چندبعدی
ارتباطات افقی در شبکه‌های اجتماعی، ارتقا کیفیت ارتباط با کاربران، اولویت‌دهی به منافع جمعی، تعامل‌گرایی در میان کاربران، تعاملات افقی در شبکه‌های اجتماعی، تعاملات فکری و فرهنگی، تعاملات نهادهای فرهنگی، جماعت آنلاین، فرهنگ عضویت در گروه، توسعه هم‌نوایی جمعی در میان کاربران	ارتباطات مجازی
تعامل اقتصاد و امنیت فرهنگی، تعامل امنیت روانی و فرهنگی، تعامل سرمایه و امنیت فرهنگی	اقتصاد فرهنگی شده
آگاه‌سازی از حقوق کاربری، آگاه‌سازی از مسائل اجتماعی، آگاهی از زیرساخت‌های ارتباطی، آگاهی از مسائل شهری و اجتماعی، آگاهی به قوانین جهانی، آگاهی محیط زیستی، آگاهی نسبت به تهدیدات سایبری	آگاهی کاربری - کاربر آگاه



«اول باید تمایل نسبت به داشتن تفکر درباره آینده شبکه‌های اجتماعی در کاربر به وجود بیاد، بعد باید رفتار و نگرش عوض بشه و نهایتاً در یک نگاه خوشبینانه این یکی از پیامدهای ایدئولوژی گرایانه توانمندسازی کاربران میشه.»

#### ۵-۴- شرایط مداخله‌گر

شرایط مداخله‌گر، موارد گسترده و متفاوتی هستند که به عنوان تسهیلگر یا محدودکننده برای تحقق راهبردها عمل می‌کند. شرایط مداخله‌گر در حوزه توانمندسازی کاربران شبکه‌های اجتماعی با رویکرد امنیت فرهنگی شامل به کارگیری زبان بومی، توجه به تبعات نهی کردن کاربران، تهدیدات و آسیب‌های فرهنگی، آسیب‌های فضای مجازی در حوزه رفتارهای دینی، تفاوت فرهنگی، حاشیه‌های اجتماعی، عوامل داخلی، خارجی، درون فردی کاربر، دولتی و فرهنگی شناسایی شد.

جدول ۴- شرایط مداخله‌گر توانمندسازی کاربران شبکه‌های اجتماعی در حوزه امنیت فرهنگی

کدگذاری محوری	کدگذاری گزینشی
عدم استفاده از زبان استعماری	به کارگیری زبان بومی
عدم نهی کردن کاربران	تبعات نهی کردن کاربران
مصون ماندن جامعه از تهدیدات فرهنگی، مصون ماندن فرد از تهدیدات فرهنگی	تهدیدات فرهنگی
تهدید فرهنگ عمومی، تهدیدات فرهنگی	آسیب‌های فرهنگی
اختلافات فرقه‌ای، ترویج خرافه‌گرایی، تضعیف معنا و مفهوم عبادت، سطحی شدن عبادت‌ها، شبه‌آفرینی نسبت به اعتقادات دینی	آسیب‌های فضای مجازی در حوزه رفتارهای دینی
اختلافات فرهنگی، تفاوت‌های فرهنگی کاربران	تفاوت فرهنگی
جذابیت اطلاعات جانبی	حاشیه‌های اجتماعی
ارتباط فرهنگی- اجتماعی، شناسایی محیط فرهنگی، خطرات کاربری، زیرساخت‌های زندگی کاربران، گسترش هم‌زمان انحرافات	عوامل اجتماعی
سیاه‌نمایی فرهنگی	عوامل خارجی

کدگذاری محوری	کدگذاری گزینشی
اثرپذیری از زیرساخت‌های چندوجهی فرهنگ، ترویج فرهنگ حفاظت فرهنگی، تطابق با تحولات فرهنگی، تمایز فرهنگ بومی از جهانی، تمایز فرهنگ بومی از سلطه‌گر، شناسایی محیط فرهنگی، ضرورت کارآمدی فرهنگی، فرهنگ حفظ اموال عمومی، قضاوت‌های فرهنگی، معرفی قومیت‌ها	رفتار فرهنگی کاربر
تضاد زندگی واقعی و مجازی، توسعه زندگی مدنی کاربران، سبک زندگی و فرهنگ ملی	سبک زندگی مجازی
بینش و ایدئولوژی کاربران، تطابق‌پذیری شخصی واقعی و مجازی، توانمندی کاربران یک سرمایه انسانی، ریسک‌پذیری کاربران	عملکرد کاربر
توانایی تطابق با تحولات تکنولوژیکی، ویژگی‌های شبکه‌های داخلی و خارجی، همگرایی تکنولوژیکی	محیط تکنولوژیکی
ارائه تصویر از فرهنگ جامعه، عوامل فرهنگی و اجتماعی و سیاسی	مسائل عمومی و روز

عوامل زمینه‌ای جهت توانمندسازی کاربران شبکه‌های اجتماعی، باورها و جهت‌گیری شخصی را از طریق اطلاع‌رسانی رسانه‌ای به آن‌ها القا می‌کند و طرز تلقی و ادراک افراد در مورد نقش خودشان در تولید و انتقال محتوا در شبکه‌های اجتماعی را به آن‌ها تفهیم می‌کند. به طوری که کاربر باید احساس کند که تولید و انتقال محتوا توسط وی مؤثر و معنی‌دار بوده و تغییر در رفتار کاربری‌اش به شکلی توانسته مؤثر باشد. یکی از رویکردهای استخراج شده از این پژوهش، جهانی‌شدن مفهوم امنیت فرهنگی است. مشارکت‌کننده با کد ۱۱ درباره این موضوع می‌گوید:

«در شبکه‌های اجتماعی افراد جذب مفاهیمی مثل صلح، رفاه برای همه، یا حفاظت از حقوق بشر می‌شن. این مفاهیم برآشون خیلی جذاب هست. پس باید برای هر سیاست‌گذاری درباره شبکه‌های اجتماعی حتماً به رویکردها و علاقه‌مندی‌های فردی، محلی، ملی و بین‌المللی توجه بیشتری بشه.»

با توجه به استفاده دائمی کاربران از شبکه‌های اجتماعی و تغییرات لحظه‌به‌لحظه‌ای که تکنولوژی‌های ارتباطی دارند، نیاز است که به منظور توانمندسازی کاربران نگرشی نسبت به آینده برای آنان ایجاد کرد. مشارکت‌کننده با کد ۱۴ درباره این موضوع می‌گوید:

جدول ۵- راهبردهای توانمندسازی کاربران شبکه‌های اجتماعی در حوزه امنیت فرهنگی

کدگذاری محوری	کدگذاری گزینشی
القای فرهنگ روشنفکری	ارتقا فرهنگ روشنفکری
اقناع در زمینه اندیشه‌های نوظهور	اقناع اندیشه‌های نوظهور
آگاهی نسبت به جنگ نرم	آگاه‌سازی جنگ نرم
پرهیز از مقایسه‌های سطحی، خودآموزی و خود ساماندهی کاربران، علاقه‌مندی فرهنگی، هدف‌گذاری در تولید محتوا	آموزش خودمحور
آگاهی نسبت به آینده تکنولوژی‌های ارتباطی	پژوهشگری در حوزه تکنولوژی
استفاده از ابزارهای مناسب فرهنگی، اطلاع‌رسانی پیرامون اقدامات فرهنگی، به‌روزرسانی اطلاعات و برنامه‌ها، تبیین ارزش‌های فرهنگی، ترسیم آینده، ترویج شبکه‌های اجتماعی تخصص محور، ترویج عناصر هنری، فعالیت‌های فرهنگی، برگزاری مسابقات فرهنگی	بهبودی برنامه‌های فرهنگی
چندوجهی شدن کاربر	توانمندسازی در چند بعد
توسعه نگرش راهبردی	توسعه نگرش
تولید محتوا درباره تخریب آثار، معرفی مناظر پایدار، میراث فرهنگی	حفظ میراث فرهنگی
تبیین حقوق فرهنگی، تولید اطلاعات در زمینه حقوق فرهنگی، شفافیت محتوایی	حقوق فرهنگی
احترام به بزرگان فرهنگی، ایثار و گذشت در جامعه	خودباوری فرهنگی
مهارت تولید محتوا، مهارت فنی، مهارت استفاده صحیح، مهارت استفاده، مهارت خود ابرازی، مهارت رفتاری، مهارت عملکردی، مهارت فنی، مهارت گفتگو، مهارت مشارکت، مهارت نقد، مهارت‌های مجازی کاربران	مهارت چندبعدی
احترام به ارزش‌های محیطی، احترام به حقوق جمعی، احترام به فرهنگ دیگری، احترام به نهادهای سیاسی و فرهنگی	احترام در تعاملات مجازی
اخلاق مداری، مسئولیت‌پذیری اجتماعی	اخلاق کاربری
تعادل اقتصاد و امنیت فرهنگی	اقتصاد فرهنگی شده

کدگذاری محوری	کدگذاری گزینشی
احساس پوچی، اولویت‌های کاربران، تأثیرپذیری از فرهنگ‌های بیگانه، تعادل اعتماد و مخاطره کاربران، تعارض بین ترس و استفاده، دامنه خطرپذیری کاربران، عدم مقایسه موقعیت‌های کاربران، فاصله از ناامنی فرهنگی، مهارت ارائه بازخورد	عوامل درون فردی کاربر
بی‌توجهی به امنیت فرهنگی، پرهیز از هزینه کردن جهت مقابله، عدم اثرگذاری کنترل‌های بیرونی	عوامل دولتی
خطرات کاربری، عدم ایجاد شک و بدبینی	عوامل رفتار فردی
تهدیدات بالقوه و بالفعل فرهنگی	عوامل فرهنگی

۵-۵- راهبردها

راهبردها، کنش‌ها یا برهم‌کنش‌های خاصی هستند که از پدیده محوری حاصل می‌شود. راهبردها و اقدامات، طرح‌ها و کنش‌هایی‌اند که به طراحی مدل کمک می‌کنند. یافته‌های تحقیق پیرامون راهبردها در چند حوزه شامل راهبردهای فردی، ارتباطی اجتماعی، فرهنگی و رسانه‌ای طبقه‌بندی می‌شود. از جمله مهم‌ترین مقوله‌های به دست آمده در این بعد، ارتقای فرهنگ روشنفکری، اقناع اندیشه‌های نوظهور، آگاه‌سازی جنگ نرم، آموزش خودمحور، پژوهشگری در حوزه تکنولوژی، بهسازی برنامه‌های فرهنگی، توسعه نگرش، حفظ میراث فرهنگی، حقوق فرهنگی، خودباوری فرهنگی، احترام در تعاملات مجازی، اقتصاد فرهنگی شده، آموزش محیط محور، برنامه‌ریزی و تنوع‌گرایی در تولید محتوا، تولیدات رسانه مستندات دبداری- شنیداری، حفظ و ترویج عناصر فرهنگی مشترک، سیاست‌گذاری مجازی در سازمان‌های اداری، عملکرد مجازی کاربر، قوانین ارتباطات در شبکه‌های اجتماعی و تقویت همانندسازی مطلوب است.

**جدول ۶- پیامدهای توانمندسازی کاربران شبکه‌های اجتماعی در حوزه امنیت فرهنگی**

کدگذاری محوری	کدگذاری گزینشی
شگفتی دستاوردهای کاربران	اثربخشی توانمندسازی کاربر
مقایسه اثرگذاری تولید محتوا	اثرگذاری تولید محتوا
پیامدهای ایدئولوژی گرایانه توانمندسازی	آینده‌پژوهی تکنولوژی
توسعه تجملات و ظواهر فرهنگی	تجملات فرهنگی
توسعه‌یافتگی اجتماعی	توسعه اجتماعی
توسعه بازاریابی نوین، نقش‌آفرینی اقتصادی	اقتصاد مجازی
افتخار آفرینی‌های ادبی و تاریخی، تقویت انگیزه‌های هنری و ایران‌شناسی، شناسایی و امکان دستیابی به دانش‌های جدید،	آگاهی علمی و ادبی
احساس اثربخشی، احساس آرامش و اطمینان کاربران، اشتراک‌گذاری تجارب فرهنگی، بدرفتاری فرهنگی، درک فرهنگ فردی،	تحول رفتاری
تقویت تعلق ملی و ایمنی فرهنگی	تقویت عاطفه ملی
اثرگذاری فرهنگی، تقویت اثرات مثبت فرهنگی، معرفی مزایای امنیت فرهنگی	تولید ادبیات فرهنگی
ادراک کاربران از مفهوم بین‌المللی امنیت فرهنگی، انعکاس هدفمند مفهوم جهانی امنیت، علاقه‌مندی درباره پیوستن به مفاهیم جهانی	جهانی‌شدن مفهوم امنیت فرهنگی
انشقاق اجتماعی، بی‌ثباتی قوانین رسمی در فضای مجازی، تنبلی فرهنگی، جناح‌بندی طایفه‌گرایی، نگرانی دولت از اعتماد میان کاربران	رویکردهای اجتماعی
تجربه زندگی بدون مرز جغرافیایی، زندگی در فضای دموکراتیک، مسدود شدن فضاهای فردی و اجتماعی	زندگی در فضای مجازی
احیای فرهنگ مطالعه، ارزش‌گذاری اطلاعات، تعلیم و تربیت مجازی، توسعه آگاهی، حفظ ارزش‌های معنوی جامعه، مقایسه هدفمند در محتوا	فرهنگ‌سازی کاربران

کدگذاری محوری	کدگذاری گزینشی
الگودهی به کاربران، آگاهی و آموزش نسبت به نحوه حضور، توانمندسازی چندبعدی، توانمندسازی درونی، توانمندسازی در میان کاربران، حفظ و هدایتگری فرایند توانمندسازی	آموزش محیط محور
تولید پویانمایی، تولید سخنان ادبی و هنری، تولید کلیپ فرهنگی، تولید محتوای تاریخی، تولید محتوای خانواده محور، تولید محتوای مذهب محور، تولید محتوای موضوع محور	برنامه‌ریزی و تنوع‌گرایی در تولید محتوا
پرهیز از تعصب در تولیدات	پرهیز از تعصب‌گرایی
ارائه مستندات واقعی، ارائه الگو از کاربر توانمند شده، ارائه جاذبه‌های هنری، تقویت امنیت در کودکان کاربر، شاخص‌های عملکرد کاربر توانمند شده، معرفی افراد موفق و نخبه	تولیدات رسانه مستندات دیداری- شنیداری
انتقال تولیدات فرهنگی، پرهیز از نژادپرستی، تقویت و غنای میراث فرهنگی، حفظ عناصر فرهنگی، حفظ و ترویج فرهنگ اسلامی، معرفی ادبیات بومی و محلی، نمایش هنرهای اصیل	حفظ و ترویج عناصر فرهنگی مشترک
بهره‌گیری از نخبگان در مدیریت فرهنگ، توانمندسازی سازمانی، توانمندسازی کاربر با نیاز سازمان،	سیاست‌گذاری مجازی در سازمان‌های اداری
اعتمادبه‌نفس در مواجهه با زندگی مجازی، تقویت جستجوگری در کاربران، قدرت استدلال در کاربران، قدرت تطابق با محتوای جدید	عملکرد مجازی کاربر
پرهیز از منع اولیه استفاده، توسعه دسترسی کاربران، خط‌مشی گذاری در حوزه فرهنگی و مجازی، قانون‌گذاری در حوزه فرهنگی و مجازی، کنترل استفاده از اشکال دستوری، نظارت بر شبکه‌های اجتماعی،	قوانین ارتباطات در شبکه‌های اجتماعی
پرهیز از همانندسازی	تقویت همانندسازی مطلوب

**۵-۶- پیامدها**

از جمله نتایج ارتقا امنیت فرهنگی بر اثر توانمندشدن کاربران شبکه‌های اجتماعی می‌توان به ادراک مطلوب کاربران در جامعه مجازی بر اساس تولیدات شبکه‌ای و همچنین گسترش آرامش و اطمینان خاطر افراد در جامعه، ایجاد نشاط و انگیزه حضور فعال در جامعه، امیدواری به آینده، تربیت نسل جدید و تقویت مبانی دینی و فرهنگی (جدول شماره ۶) اشاره کرد.



شکل ۱- الگوی توانمندسازی کاربران شبکه‌های اجتماعی در حوزه امنیت فرهنگی

**جمع‌بندی و نتیجه‌گیری**

امنیت فرهنگی به معنی قابلیت و توانایی حکومت‌ها در حفظ و دفاع از ارزش‌ها، ایده‌ها، هویت و به‌طور کلی فرهنگ خاص جامعه است. به‌نحوی که این شاکله تشکیل‌دهنده ساختار فرهنگی یک کشور، در داخل سیستم دولت و ملت و متمایزکننده ملت یک کشور از کشورهای دیگر است. تأثیری که جهانی شدن بر این بُعد از امنیت ملی گذاشته است مربوط به افزایش نیروهای نفوذکننده متقابل و به ویژه استفاده از رسانه و فضای مجازی است؛ زیرا انقلاب اطلاعاتی و گسترش ارتباطات بین‌المللی موجب تعارض میان فرهنگ ملی و روند یکسان‌سازی و یکپارچه‌سازی فرهنگی در سطح جهان شده است. به‌این ترتیب انقلاب اطلاعاتی و گسترش ارتباطات جهانی به یکی از مهم‌ترین موضوعات مورد مواجهه بشر تبدیل شده است؛ یعنی مخاطب دیروز رسانه، امروز به طور هم‌زمان کاربر شبکه‌های اجتماعی است و با توجه به تولید محتوای گسترده در شبکه‌های اجتماعی به عنوان یک محیط جدید ارتباطی و زیست‌فرهنگی متفاوت، نیاز دارد که خود را آماده کرده تا به‌صورت مسلط از شبکه‌های اجتماعی استفاده کند و شبکه‌های اجتماعی نه تنها تهدیدکننده فرهنگ کاربر نباشند، بلکه نحوه تعاملات کاربر بتواند باعث ارتقا ادراک

بر اساس یافته‌های این پژوهش امنیت فرهنگی در شبکه‌های اجتماعی احساس آزادی از ترس یا احساس ایمنی از تهدید استنباط شده را شامل می‌شود. یعنی کاربر احساس آزادی بیشتری را تجربه می‌کند. تجربه این احساس نیاز به توانمندی و آگاهی لازم نسبت به نقش حساس کاربر در استفاده از شبکه‌های اجتماعی دارد. شاید در گذشته برای پیشگیری از هر آسیبی که مسبب آن وسایل ارتباط جمعی بود، بحث سواد رسانه‌ای مطرح می‌شد؛ اما در شرایط کنونی و با توجه به تحولات دائمی در حوزه شبکه‌های اجتماعی و افزایش استقلال کاربران سواد رسانه که صرفاً جنبه‌های آگاهی بخشی و نقد و تشخیص محتوای رسانه را توصیه می‌کرد، قادر به اصلاح عملکرد کاربر نیست. زیرا در شبکه‌های اجتماعی کاربران نقش تولیدکننده، انتقال‌دهنده، تأییدکننده، تسهیل‌کننده و تعریف‌کننده محتوا را دارند و بخش عمده‌ای از سرنوشت یک موضوع یا کمپین و یا هر تجمع شبکه‌ای و یا همگرایی ایدئولوژیک دیگر در شبکه‌های اجتماعی تحت تأثیر کاربران است. به همین دلیل توانمندسازی کاربران به گونه‌ای که جهت افزایش خودکارآمدی و آگاهی کاربر نسبت به نقش خود و اعمال صحیح رفتار است. از سوی دیگر، اگر امنیت فرهنگی را ادراک فرد از مجموعه باورها، ارزش‌ها و هنجارهای موجود در اجتماع بدانیم و اگر از منظر کاربران به آن نگاه کنیم امنیت فرهنگی در فضای مجازی احساس می‌شود و کاربران به دلیل آزادی عمل و امکان تبادل اطلاعات و تولید و بازنشر محتوای از امنیت فرهنگی ادراک خوبی دارند مگر اینکه محتوایی یا موضوعی تهدیدکننده شرایط فعلی فرهنگ آن‌ها باشد و یا چالشی را در مسائل فرهنگی، ادبی، هنری تاریخی و یا زیست‌محیطی و تخریب میراث فرهنگی احساس کنند. همچنین یکی از مسائل فعلی شبکه‌های اجتماعی گردش پیام‌هایی هدفمند است، که اگرچه استحالته فرهنگی دارد، اما به شدت تخریب سیاسی و اجتماعی در آن مورد توجه است. به همین دلیل از مهم‌ترین اثرات توانمندسازی کاربران می‌توان به افزایش درک کاربران از این فضا اشاره کرد.

از امنیت فرهنگی‌شان شود و کاربر به نقش خود در ارتقا ادراک از امنیت فرهنگی برای خود و دیگران واقف باشد. مباحثی مانند ارتقاء سواد رسانه، سواد فرهنگی یا سواد داده و به‌طور کلی سوادهای متکثر به‌شدت مطرح است. ولی نکته متمایز این پژوهش پرداختن به رویکردهای مربوط به توانمندسازی کاربر است تا با افزایش آگاهی فرهنگی و حساس شدن نسبت به تأثیر و سرنوشت محتوا به لحاظ فرهنگی، باعث ارتقاء عناصر مرتبط با امنیت فرهنگی در کشور باشیم. در ایران به دلیل تفاوت‌های فرهنگی با سایر کشورهای دنیا مسئله فرهنگ به‌صورت ریشه‌ای‌تر مطرح است. به شکلی که در بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) فرهنگ یکی از پایه‌های اساسی قدرت و اقتدار ملی است. از نظر ایشان قدرت یک ملت بر سه عنصر اقتصاد، فرهنگ و علم و دانش استوار است و البته فرهنگ از اقتصاد مهم‌تر است؛ چراکه از دیدگاه ایشان فرهنگ به مثابه هوایی است که یک ملت در آن تنفس می‌کنند و الهام‌بخش مردم در کنش‌ها و اعمال آن است. در یک جمع‌بندی کلی این مقاله به دنبال ارائه مدل به منظور توانمندسازی کاربران شبکه‌های اجتماعی در حوزه امنیت فرهنگی بوده است و به این منظور از روش نظریه‌مبنایی استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که توجه به زمینه‌های مؤثر بر ارتقاء اطلاعات و آگاهی فرهنگی کاربران، تقویت میزان پایبندی و معرفی دقیق‌تر نمادهای فرهنگی با توجه به زیرساخت‌های مرتبط از جمله ملی‌گرایی، هویت چندبعدی و ارتباطات مجازی از مهم‌ترین ابعاد مؤثر در شرایط علی است. به‌کارگیری زبان بومی، تبعات نهی کردن کاربران، شناسایی تهدیدات، آسیب‌ها و تفاوت فرهنگی در بحث شرایط زمینه‌ای موردبررسی است. در بعد فردی تقویت مهارت در ابعاد تولید محتوا، تسلط فنی، استفاده صحیح، خود ابرازی، رفتاری، عملکردی، فنی، گفتگو، مشارکت و نقد به عنوان بخشی از زمینه‌ها با رویکرد فردی مورد توجه است. در بررسی راهبردها می‌توان به آینده‌پژوهی تکنولوژی، اقتصاد مجازی، آگاهی علمی و ادبی، تحول رفتاری، تقویت عاطفه ملی و تولید ادبیات فرهنگی پرداخت که منجر به ارتقاء توانمندسازی کاربر در حوزه استفاده از شبکه‌های اجتماعی با رویکرد امنیت فرهنگی می‌شود.

## منابع

۱. احمدی، حسین، و ملک محمودی، نازیبا (۱۳۹۲). امنیت فرهنگی پشتوانه اقتدار ملی در منطقه مکران (دریای عمان). رشد آموزش جغرافیا، (۱۰۴)، ۱۱-۳. <http://noo.rs/MSevv>.
۲. آیت الله العظمی سید علی امام خامنه‌ای (۱۳۸۵). مجموعه بیانات.
۳. آشنا، حسام‌الدین، و اسماعیلی، محمدصادق (۱۳۸۸). امنیت فرهنگی: مفهوم فراسوی امنیت ملی و امنیت انسانی، تهران: راهبرد فرهنگ، (۵)، ۲-۹۰، ۷۳. <https://www.magiran.com/p766936>.
۴. آهنی، علی (۱۳۸۸). سیاست مدیریتانه‌ای اتحادیه اروپایی و چالش‌های پیش رو. سیاست خارجی، ۲۴ (۴)، ۷۶۱-۸۷۶. <https://elmnet.ir/doc/441645-62821>.
۵. بوزان، باری (۱۳۷۸). مردم، دولت‌ها و هراس. (ترجمه: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۶. بیات، بهرام (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی احساس امنیت (چاپ اول). تهران: امیرکبیر.
۷. پورنقلدی، بهزاد (۱۳۹۷). فرصت‌ها و تهدیدهای امنیت در شبکه‌های اجتماعی مجازی برای دانشجویان. پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی، (۲)۷، ۸۷-۹۸. [doi: 10.22108/ssoss.2018.103434.1062](https://doi.org/10.22108/ssoss.2018.103434.1062).
۸. پورسعید، فرزاد (۱۴۰۱). نسبت مفهومی فرهنگ و امنیت: جستاری در چیستی «امنیت فرهنگی». *مطالعات راهبردی*، (۴)۲۵، ۱۷۷-۲۱۵. [doi: 20.1001.1.17350727.1401.25.98.6.9](https://doi.org/10.1001.1.17350727.1401.25.98.6.9).
۹. جلالی لواسانی، احسان، و نجفی، مهرداد (۱۳۸۵). بررسی ابعاد حاصل از بکارگیری فناوری اطلاعات در ساختار مدیریت شهری. کنفرانس بین‌المللی شهرداری الکترونیکی، (۲)، ۰-۰. <https://civilica.com/doc/64863>.
۱۰. غلامی، رضا (۱۳۸۳). نسخه فرهنگی امنیت ملی. *زمانه*، (۳)۳، <http://noo.rs/BweT>.
۱۱. رحمانی ساعد، هادی، شفیع، جمال (۱۴۰۱). مفهوم و مؤلفه‌های امنیت فرهنگی در گفتمان ایرانی اسلامی. *امنیت ملی*، (۱۲)۴۴، ۳۳۲-۲۹۹. [doi: 20.1001.1.33292538.1401.12.44.10.1](https://doi.org/10.1001.1.33292538.1401.12.44.10.1).
۱۲. شفیع‌نیا، محمد شفیع، و رئیسی دهکردی، اردشیر (۱۳۹۵). نقش دین در امنیت داخلی. *مجله: امنیت ملی*، سال سوم، (۳)۹، ۶۰-۴۳. <http://noo.rs/n70hU>.
۱۳. صالح‌نیا، علی (۱۳۹۵). بررسی نظری مفهوم امنیت ملی و ابعاد مختلف آن. *دهمین کنگره پیشگامان*. پیشرفت، دهمین کنگره پیشگامان پیشرفت، پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی، قابل دسترس در [www.sid.ir/Fa/Seminar/ViewPaper.aspx?ID=61908](http://www.sid.ir/Fa/Seminar/ViewPaper.aspx?ID=61908).
۱۴. عاملی، سعید رضا (۱۳۸۸). زمان مجازی و ساخت شهرهای تاریخی موازی، زمان مجازی، تحول در نهادهای مجازی. تهران: مؤسسه انتشارات بعثت.
۱۵. عبدالرحمانی، رضا، زرگر، علیرضا، و سحری، امید (۱۳۹۹). بررسی تأثیر محتوای غیر اخلاقی شبکه‌های اجتماعی مجازی بر امنیت اجتماعی (مورد مطالعه: شبکه اینستاگرام). *مطالعات امنیت اجتماعی*، (۱۱) ۶۳، ۷۳-۹۶. <https://sid.ir/paper/956181/fa>. SID.
۱۶. فاطمی‌نیا، محمدعلی (۱۳۹۶). جامعه اطلاعاتی و جرائم نوظهور: مطالعه جامعه‌شناختی جرائم سایبری در ایران. پایان‌نامه دکترای تخصصی جامعه‌شناسی. دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
۱۷. فینی زاده بیدگلی، جعفر، خادم دقیق، امیر هوشنگ، و شفیع‌نیا، محمد شفیع (۱۳۹۵). بررسی ویژگی‌های امنیتی شدن یک پدیده (موضوع) در جمهوری اسلامی ایران. پژوهش‌های حفاظتی - امنیتی، (۱۷) ۵، ۱۱۱-۱۳۸. <https://sid.ir/paper/511976/fa>. SID.
۱۸. زارع، سعیده، جهانیان، رمضان، و سلیمی، مهتاب (۱۳۹۹). طراحی الگوی امنیت فرهنگی در توسعه پایدار. *نوآوری‌های مدیریت آموزشی*، (۱)۱۶، ۳۹-۲۲. [doi: 20.1001.1.20081138.1399.16.1.2.1](https://doi.org/10.1001.1.20081138.1399.16.1.2.1).

### چکیده

تاریخ‌نگاری مدرن با وجوه متمایز خاصی نسبت به تاریخ‌نگاری سنتی مشخص می‌شود. تاریخ‌نگاری مدرن علاوه بر روایی بودن و وجه تحلیلی و تبیینی در تلاش است ضمن مطالعه گذشته به فهم جریان‌ها اثرگذار و شکل‌دهنده وضعیت حال و تحولات آینده دست یابد. یکی از این وجوه تحلیلی و تبیینی، فهم رابطه میان کنش‌های فردی و ساختارهای اجتماعی، به عنوان عنصر اساسی تبیین در مطالعات تاریخ اجتماعی است. در میان متفکرین علوم اجتماعی و تاریخی سه رویکرد متمایز به ساختار/کنش شامل: نظریات کنش‌گرا، نظریات ساختارگرا و نظریات ساختارگرایی تکوینی را می‌توان ردیابی نمود؛ اما تاکنون شاهد تلاشی منسجم در ارائه نظریه‌ای بومی و مبتنی بر ریشه‌های تفکر اسلامی در این زمینه نبوده‌ایم. بر این اساس در این مقاله سعی شده رویکرد خاص مطالعات تاریخی اجتماعی علامه طباطبایی (ره) در نسبت با مهم‌ترین رویکردهای علوم اجتماعی تبیین گردد. نتیجه این بررسی نشانگر آن است که رویکرد اجتماعی علامه در میان دیدگاه‌های ساختارگرا و ذهنیت‌گرا، شکل خاصی از ساختارگرایی تکوینی مبتنی بر نگاه تاریخی و نهادی است. پایه‌های اساسی این رویکرد به نظریه اعتباریات از یک‌سو و نظریه اصالت جامعه در دیدگاه علامه از سوی دیگر باز می‌گردد. جمع میان اعتبار و اصالت امورات اجتماعی که از پیچیدگی‌های دیدگاه علامه به حساب می‌آید، مبحثی است که تاکنون کمتر بدان پرداخته شده است. تاریخ واسطه میان شکل‌گیری ساختارها و نهادهای اجتماعی از کنش‌های فردی است. از سوی دیگر پس از تثبیت ساختارهای اجتماعی، شاهد غلبه ساختارها بر کنشگری فردی هستیم. در این میان نهادهای اجتماعی را باید واسطه این رفت‌و برگشت دانست.

■ واژگان کلیدی

علامه طباطبایی (ره)، تاریخ اجتماعی، ساختارگرایی تکوینی، نهادگرایی، نظریه اعتباریات،

اصالت جامعه

## تبیین مبانی روش‌شناسی در نظریه

## اجتماعی-تاریخی علامه طباطبایی (ره):

## چگونگی جمع میان اعتبار و اصالت امورات اجتماعی

### علی قربانی حساری

دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه

تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول) (ali.qorbanihesari@gmail.com)

شهین ابروانی

دانشیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران،

تهران، ایران (siravani@ut.ac.ir)

### مرضیه عالی

استادیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه

تهران، تهران، ایران (aali.hm@gmail.com)

### مهدی سپهری

استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران

(ma.sepohri@isu.ac.ir)

۱۹. سیمبر، رضا، رضایپور، دانیال (۱۳۹۷). امنیت فرهنگی از منظر مقام معظم رهبری، سیاست پژوهی، ۵(۱)، ۳۵۲-۳۱۳. <https://civilica.com/doc/1679968>.

۲۰. زارع، سعیده، جهانیان، رمضان و سلیمی، مهتاب (۱۳۹۹) «اعتبار سنجی الگوی امنیت فرهنگی در توسعه پایدار مبتنی بر دانش». آموزش و توسعه منابع انسانی، (۲۷)، ۶۲-۴۲. doi: 20.1001.1.24233277.1399.7.27.6.5

۲۱. شفیعی، جمال، و مولایی، محمد (۱۳۹۹). نظریه‌پردازی؛ الگوی راهبردی دین در تولید امنیت فرهنگی. امنیت ملی، ۱۰(۳۶)، ۸۶-۴۳. doi: 20.1001.1.33292538.1399.10.36.2.3

۲۲. محدث، سیدعلی عباس، حجازی، ناصر، و مرتضی پور، مسلم. (۱۴۰۱). نقش گروه‌های همیار در توانمندسازی اقتصادی مددجویان بهزیستی. علوم زیست‌محیطی و دانش جغرافیا، ۲(۱)، ۱۸-۱. <https://civilica.com/doc/1871486>

23. Alemany Bordera, J., Del Val Noguera, E., & García-Fornes, A. (2021). "Who should I grant access to my post?": Identifying the most suitable privacy decisions on online social networks. Internet Research, 31, 1290-1317. doi:10.1108/INTR-03-2020-0128.

24. Coffin, J. (2007). Rising to the Challenge in Aboriginal Health by Creating Cultural Security. Aboriginal and Islander Health Worker Journal, 31(3), 22-24. <https://search.informit.org/doi/10.3316/ielapa.955665869609324>.

25. Creswell, J., & Miller, D. (2000). Determining Validity in Qualitative Inquiry. Theory Into Practice THEOREY PRACT, 39, 124-130. <https://doi.org/10.1207/s15430421tip3903>.

26. Debrix, F. (2016). Global powers of horror: Security, politics, and the body in pieces (Interventions). doi:10.4324/9781315725383.

27. Debrix, F. (2016). Tabloid realism and the revival of American security culture. Geopolitics, 8(3), 151-190. <https://doi.org/10.4324/9780203944660>.

28. Gangwani, S., Alruwaili, N., & Safar, S. (2021). Social Media Usage and Female Empowerment in Saudi Arabia. Academy of Strategic Management Journal, 20(4), 1-8.

29. Heath, S. (2015). Security and Insecurity Online: Perspectives from Girls and young woman, eGirls, citizens: Putting Technology, Theory and Policy into Dialogue with Girls' and Young Women's Voices. University of Ottawa, Press. <https://books.openedition.org>.

30. Kaur, P., Islam, N., Luukela-Tandon, A., & Dhir, A. (2021). Social media users' online subjective well-being and fatigue: A network heterogeneity perspective. Technological Forecasting and Social Change, 172, 121039. <https://doi.org/10.1016/j.techfore.2021.121039>.

31. Latham, A. (2014). Constructing national security: Culture and identity in Indian arms control and disarmament practice. Contemporary Security Policy, 19(1), 129-158.

32. Lumby, L., & Farrelly, T. (2009). A best practice approach to cultural competence training. Aboriginal and Islander Health Worker Journal. 33(5), 14-22. Doi: <https://ro.uow.edu.au/artspapers/1253>

33. McCoy, B. (1992). living and working cross-culturally-non-Aboriginal people meeting, broome, WA: JAWA production centre. p:93. <https://doi.org/10.1080/10398560902948647>.

34. Strauss, A., & Corbin, J. (1998). Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory. <https://doi.org/10.4135/9781452230153>.

35. Seong, Y. (2009). predictors of interpersonal trust in virtual distributed teams. report: final report for June 2006 to September 2008. <https://www.researchgate.net/publication> ,

36. /277992835\_Predictors\_of\_Interpersonal\_Trust\_in\_Virtual\_Distributed\_Teams North. Carolina agree cultural & technical state, university department of industrial & system engineering.

37. Westerman, T. (1997). frameworks of working with aboriginal communications. Psychologically speaking. Retrieved from.



## ۱- مقدمه و بیان مسئله

بدون نظریه ساختمندگرا<sup>۱</sup> درباره جامعه و کنش، جایی برای تاریخ وجود ندارد و بدون تاریخ هیچ‌گونه تبیین جامعه‌شناختی اصیلی وجود ندارد (لوید، ۱۳۹۶: ۳۴۰). تاریخ همچون فلسفه یکی از بنیادهای اصلی علوم انسانی است اما به همان نسبت نیز محل بحث و نزاع بوده است. همان‌طور که گیمونت به درستی اشاره می‌کند، تحقیقات روش‌شناسی علوم «اگر ابعاد تاریخی» نداشته باشد عملیاتی نخواهد بود. ما فقط وقتی می‌توانیم مسائل یک حوزه رشته خاص را بفهمیم و برای آن به پاسخ‌هایی برسیم که آن را به صورت کل سیستمی ببینیم و بستر تحولات مستمر و فرآیندهای توسعه آن را بشناسیم. اینجا است که اهداف تعیین شده از سوی دانشمندان آن رشته را درک خواهیم کرد و می‌توانیم بفهمیم آن اهداف توسط ما چگونه بازسازی شده و چگونه می‌توانیم به این اهداف دست‌یابیم یا موانع را برطرف کنیم (Topolsky, 1976: 61).

یکی از مواردی که در روش‌شناسی مطالعات تاریخی باید به دقت مورد توجه قرار گیرد پیش‌فرض‌های نظری رویکرد پایه‌ای است که مطالعه تاریخی و اجتماعی مبتنی بر آن صورت گرفته و جهت‌گیری سایر علوم اجتماعی وابسته به خود را نیز تعیین می‌کند. این تمایز تا حدی است که در اغلب کتاب‌های روش‌شناسی تاریخ با تفکیک میان الگوهای شکل گرفته در کشورها و حوزه‌های فکری-جغرافیایی به بررسی تأثیر رویکردهای اختصاصی مطالعه تاریخ اجتماعی بر تحولات علمی و اجتماعی خاص آن جوامع پرداخته‌اند.<sup>۲</sup> رویکرد تاریخ‌نگاری در آمریکا با فلسفه اجتماعی پراگماتیسمی همان قدر پیوند دارد که در فرانسه مکتب آنال با رویکردهای اجتماعی و فلسفی خاص جامعه خودش. در آلمان چه پیش از جنگ‌های جهانی و چه پس از آن با الهام از فلسفه

نوکانتی جریانات خاصی در تاریخ‌نگاری به وجود آمد؛ در روسیه به ویژه در دوره شوروی سابق مبتنی بر فلسفه اجتماعی مارکسیست-لنینیستی دیدگاه روش‌شناسی ویژه‌ای در تاریخ ظهور یافت که در همه این موارد تأثیر پیش‌فرض‌ها بر نوع مطالعات و تأثیر مطالعات بر تغییر و تحولات اجتماعی قابل بررسی است.

عموم مطالعات تاریخ اجتماعی در ایران نه تنها دارای روشی متناسب با مطالعه بستر خاص فرهنگی جامعه ایران نیستند، بلکه حتی قابل دسته‌بندی در رده مطالعات تحلیلی نیز نمی‌باشند. بسیاری از مطالعات تاریخی در ایران همچنان در حوزه تاریخ روایی کلاسیک محسوب می‌شود و از مسیر علمی که آن را قابل استفاده برای تحلیل‌های ساختاری و به تبع آن علوم کاربردی انسانی نماید فاصله دارد (مولائی، ۱۳۹۰: ۸۸) و در بخش دیگری که پا به عرصه مطالعات تاریخ تحلیلی نهاده‌اند، در انتخاب رویکرد لازم برای نگاه به مسئله، انتخاب منابع، مسیر تحلیل داده‌ها و ارائه نتایج، با انتخاب‌هایی محدود مواجه هستیم که بعضاً نوع پیش‌فرض‌های روشی با منابع انتخاب شده و نحوه تحلیل داده‌ها و نتایج حاصل از پژوهش در تضاد است.

دیدگاه‌های اجتماعی علامه طباطبایی (ره) در حوزه اعتبارات و امورات اجتماعی حائز بسسترهایی مناسب برای پاسخ‌گویی به نیازهای فوق است و ظرفیت‌هایی را در کنار هم تدارک دیده که امکان ارائه رویکردی روشمند برای مطالعات تاریخ اجتماعی و گفتگوی با علوم انسانی جدید را فراهم می‌نماید. برای ایجاد بستر گفتگوی نظریه‌ی تاریخ اجتماعی علامه طباطبایی با ادبیات علمی این حوزه (مطالعات تاریخ اجتماعی) که از اواخر قرن نوزدهم و به ویژه پس از جنگ جهانی اول به لحاظ روشی سامان یافت، باید به بنیان‌های اصلی این رویکردها درباره تاریخ و امورات اجتماعی بپردازیم. ما ذیل دو عنوان اصلی «کنش/ساختار» و «عینیت/ذهنیت» به ارائه دیدگاه‌های علامه طباطبایی در این زمینه پرداخته و به تناسب بحث، با مقایسه این دیدگاه با رویکردهای اصلی مطالعات تاریخ اجتماعی در ادبیات علمی این حوزه، الگوی مطالعاتی مأخوذ از دیدگاه ایشان را تحلیل خواهیم نمود.

۱. کریستوفر لوید اصطلاح «ساختمندگرایی روش‌شناختی» [methodological structurism] را با الهام از آثار رم هاره [Rom Harre] در مقابل دو رویکرد فردگرایی و کل‌گرایی روش‌شناختی به کار می‌برد.

۲. نگاه کنید به:

-Iggers, Georg, (2005), *Historiography in the Twentieth Century from Scientific Objectivity to the Postmodern Challenge*, Wesleyan University Press, Middletown.

-Topolsky, Jerzy, (1976), *methodology of history*, translated by Olgierd Wojtasiewicz, D. reidel publishing company, Hingham.

-Claus, Peter & Marriott, John, (2017), *History: an introduction to theory, Method and practice*, London and new York: Routledge.

-Iggers, Georg & Wang, Edward, (2008), *A Global History of modern histography*, London and New York: Routledge.

## ۲- دیدگاه علامه طباطبایی در زمینه ساختارها و عاملیت انسانی

رویکرد علامه طباطبایی (ره) در زمینه ماهیت امر اجتماعی و تاثیر آن بر کنش انسانی، دارای جوانبی بسیار گسترده است و عموماً محققین رشته‌های مختلف از منظر خاص رشته خود به این رویکرد توجه یافته‌اند. چنین مواجهه‌ای هر چند باعث شرح دیدگاه ایشان در حوزه‌هایی همچون علوم اجتماعی، علوم تربیتی و روانشناسی شده است، اما به نظر فاقد جامع‌نگری لازم برای شرح دیدگاه علامه درباره «انسان» است. برای درک بهتر ابعاد این مسئله که از یک سو به کنش‌گری افراد انسانی و از دیگر سو به نسبت این کنشگری با واقعیت اجتماعی مربوط می‌شود، ضروری است ضمن تشریح این دوگانه و بررسی مشهورترین رویکردهای موجود در علوم اجتماعی و انسانی جدید جایگاه دیدگاه علامه طباطبایی (ره) را در میان این رویکردها مشخص نماییم.

### ۲-۱- دوگانه کنش/ ساختار در رویکردهای اصلی علوم اجتماعی

مطالعات تاریخی در گذشته بیش از هر چیز ثبت وقایع و به ویژه رویدادهای مربوط به حیات و کنش حاکمان و افراد مطرح جامعه بوده است و کمتر حیات جمعی ملت‌ها و اقوام را مورد نظر قرار می‌داد؛ اما در قرن هفدهم و پس از عصر روشنگری و با شکل‌گیری دولت‌های ملی و اهمیت یافتن حاکمیت‌های مردمی و مجالس ملی در اروپا، نگاه‌هایی متفاوت و انتقادی به تاریخ مطرح شد. از این دوره به بعد رفته‌رفته نه صرفاً کنش‌های فردی بلکه تاریخ قوم و ملت و نحوه کنش‌های جمعی نیز مورد توجه قرار گرفت. پس از انقلاب فرانسه و آغاز به کار آرشیو ملی فرانسه در سال ۱۷۹۰ م به مرور اهمیت تاریخ و نهادهای بایگانی مدرن ملی برای وحدت‌بخشی فعالیت مردم ذیل دولت وحدت‌یافته ملی مشخص شد (King, 2012: 15).

تحول مطالعات حوزه تاریخ و اثرات دیدگاه‌های فلسفی به تاریخ بشری، برنامه مطالعات ساختاری تاریخی را ایجاد نمود که بسیاری از سرچشمه‌های اصلی علم جامعه‌شناسی جدید نیز در همین مطالعات نهفته بود. موضوع مطالعات ساختاری، یافتن وجوه ذاتی جوامع مختلف یا نوع انسانی به صورتی است که در طول تاریخ شکل یافته و از این طریق بتوان نحوه رفتار آن جامعه را تحلیل و حتی آینده آن را پیش‌بینی نمود. توپولسکی (۱۹۷۶) چالش اصلی میان دو رویکرد ساختارگرا و کنش‌گرا را که به نوعی چالش میان جامعه‌شناسی نظری و جامعه‌شناسی تاریخی نیز محسوب می‌شد، چالش رویکرد

دینامیک<sup>۱</sup> و رویکرد استاتیک<sup>۲</sup> به تاریخ و جامعه می‌نامد. رویکردهای کنش‌گرا صرفاً به توالی‌های تاریخی توجه دارند (جریان دینامیک) و آنچه در دل تاریخ ساخته می‌شود و دارای عینیت و ذات است (ساختارهای ایستا) برای آنان معنادار نیست؛ بنابراین امکان تبیین علمی، تعمیم‌پذیری و پیش‌بینی یا تجویز که از اصول اساسی علم جدید است از تاریخ زدوده می‌شود. از سوی دیگر رویکردهای صرفاً ساختارگرا نیز دچار ایستایی هستند و صرفاً به خصلت‌های ذاتی جوامع توجه می‌یابند و کنش‌گری افراد و توالی‌های تاریخی که از آن پدید می‌آید نیز برایشان بی‌معنا خواهد بود. برخی از متفکرین در تقابل میان این دو رویکرد به دنبال رویکردهایی تعامل‌گراتر<sup>۳</sup> که بتواند مشکلات هر سویه را حل نماید بودند. نتایج این تلاش‌ها ایجاد رویکرد سومی بود که توپولسکی نام آن را دیدگاه دیالکتیکی یا تکامل‌گرا<sup>۴</sup> به تاریخ می‌نامد؛ دیدگاهی که قائل به شکل‌یابی ساختارهای اجتماعی و تحول آن در دل تاریخ و از طریق کنشگری افراد است. در ادامه، همین ساختارها به صورت دوسویه و دیالکتیکی بر شکل‌گیری کنش افراد نیز اثرگذار است (Topolsky, 1976: 125).

با وجود تمایزات درونی که در اندیشه اندیشمندان ساختارگرا یا اندیشمندان کنش‌گرا وجود دارد در یک دسته‌بندی کلی می‌توان پیش‌فرض‌های اساسی این سه رویکرد را به جامعه و تاریخ، بدین صورت دسته‌بندی کرد:

**رویکردهای کنش‌گرا:** ساختارهای اجتماعی واقعیتی عینی نیستند، بلکه امری بینادهنیتی هستند و کنش‌های فردی و تعاملات است که به آن‌ها شکل می‌دهد. اصل اساسی در تبیین اجتماعی بر اصالت کنش افراد است. فرآیندهای تاریخی اجتماعی را نیز باید در کنش افراد دریافت و توضیح داد و هیچ واقعیت اجتماعی وراء افراد و کنش آنان وجود عینی تاریخی ندارد که قابل تبیین باشد یا برای پیش‌بینی آینده اجتماعی بتوان از آن بهره برد.

**رویکردهای ساختارگرا:** ساختارهای اجتماعی واقعیتی عینی و خارجی هستند و کنش فردی نیز بر اساس قواعد ساختاری شکل می‌گیرد؛ بنابراین آنچه در جامعه اصالت دارد، ساختارهای اجتماعی است نه کنش‌های فردی. تاریخ نیز، بستر تکامل و اثرگذاری

1. dynamic approaches
2. static structural approach
3. interactionism
4. evolutionist approach



این ساختارهاست و برای تبیین تاریخی باید به ساختارهای اجتماعی توجه یافت و در پیش‌بینی وقایع آتی نیز می‌توان از این شناخت ساختاری بهره برد.

**رویکردهای ساختارگرایی تکوینی:** هر رویکردی که تاریخ را صرفاً عرصه اصالت فرد یا اصالت جامعه بداند، با چالش‌های لاینحلی مواجه است. ساختارهای اجتماعی هر چند واقعیتی عینی‌اند، اما ساخته و پرداخته کنش‌های فردی هستند و تحول در این ساختارها نیز از طریق همین کنش‌ها رقم می‌خورد. بورديو معتقد است: «اصلاً نمی‌شود پدیده‌ای معاصر را بدون در نظر گرفتن تاریخ تکوینی و جامعه‌شناسی‌اش مورد مطالعه جامعه‌شناسی قرار داد. آن جامعه‌شناسی که من قبول دارم یک ساختارگرایی تکوینی<sup>۱</sup> یا تولدی ساختاری است. ایده‌ی قائل شدن مرز بین جامعه‌شناسی و تاریخ هیچ معنایی ندارد» (بورديو، ۱۳۹۹: ۲۱). در واقع تفاوت اصلی «ساختارگرایی» با «ساختارگرایی تکوینی» در این نگرش است که ساختارگرایی تکوینی، ساختارهای فرهنگی را امری پیشینی نمی‌بیند، بلکه آن را شکل گرفته در طی تاریخ حیات یک قوم یا ملتی خاص می‌بیند.

با توجه به این دسته‌بندی سه‌گانه و اصول پیش‌فرض آن باید مشخص نمود دیدگاه اختصاصی مطالعه تاریخ اجتماعی از منظر علامه طباطبایی (ره) چیست و در کدام یک از این سه دسته قرار می‌گیرد.

## ۲-۲- کنش/ساختار در دیدگاه علامه طباطبایی (ره)

نگاه علامه به دوگان کنش/ساختار نگاهی نسبتاً پیچیده است. بخش اول دیدگاه علامه به این مسئله را باید از نظریه اعتباریات او بازجست. نظریه اعتباریات را می‌توان علاوه بر مقاله ششم اصول فلسفه، در رساله اعتباریات، رساله انسان در دنیا، رساله الولایه، رساله منامات و النبوات و دیگر آثار ایشان بررسی کرد. این بخش از دیدگاه‌های علامه بیش از هر چیز متمرکز بر مسائلی است که می‌توان آن را در بحث اخیر، حول کنشگری انسان تعریف نمود.

علامه طباطبایی بحث اعتباریات را در میان همه علوم به علم النفس شبیه‌تر می‌داند (طباطبایی، ۱۴۲۸: ۳۴۱) و به عبارتی می‌توان آن را نظریه‌ای انسان‌شناختی دانست چیزی که کمتر مورد توجه بوده است. از آنجا که این نظریه در عین اینکه عقبه‌ای در میان عالمان علم اصول پیش از علامه داشته است می‌توان آن را نظریه‌ای جامع در تبیین

کنش‌های فردی و اجتماعی انسان محسوب کرده و آن را یک نظریه کنش-شناختی برای علوم انسانی دانست (حسینی و موسوی، ۱۳۹۸: ۳).

از سوی دیگر، نظریه ادراکات اعتباری علامه طباطبایی (ره) از نظر برخی، نوعی واکنش به مباحث معرفتی زمان خویش بوده است. شهید مطهری، شارح اصول فلسفه و روش رئالیسم، نظر علامه را حرفی بسیار جدید و آخرین نظری دانسته که امروز غربی‌ها درباره اخلاق ارائه کرده‌اند و آن را با نظرات راسل و از برخی جهات با نظریه تکامل داروین مقایسه کرده و آنها را یکی دانسته است (مطهری، بی‌تا، ج ۱۳، صص ۷۲۷-۷۲۲) برخی آن را ذیل نظریات تکامل‌گرایانه علمی قرار داده‌اند (سروش، ۱۳۵۹: ۲۷۶-۲۵۷) یا در یک مقایسه از جهتی مشابه نظریه کارل مارکس و از جهاتی شبیه نظریات هیوم دانسته‌اند (همان، ۱۳۶۶: ۳۶۵-۳۴۳) و برخی هم در پاسخ به برداشت‌های ناصواب از این نظر به توضیح و تفسیر و دفاع از آن پرداخته‌اند (داوری اردکانی، ۱۳۶۳: ۱۳۳-۱۷۵). به نظر می‌رسد عدم توجه به بعد هستی‌شناسی در عمده این قرائت‌ها از نظریه اعتباریات به چشم می‌خورد و البته برخی متأخرین به این مهم توجه کرده‌اند (سلگی، ۱۳۹۴؛ همان: ۱۳۹۳). بدون توجه هم‌زمان به بعد هستی‌شناختی و انسان‌شناختی<sup>۱</sup> اعتباریات در نظریه علامه طباطبایی، چگونگی جمع بین فردی و اعتباری بودن اجتماع از یک‌سو و حقیقی و جمعی بودن اجتماع از سوی دیگر به ثمر نمی‌رسد.

نیمه دیگر دیدگاه اجتماعی علامه به نظریه «اصالت جامعه» مربوط می‌شود که بیش از هر اثر دیگری در المیزان و به ویژه در تفسیر آیه ۲۰۰ سوره مبارکه آل عمران طرح شده است. از آنجا که علامه نسبت یک به یکی میان ابعاد وجودی فرد و جامعه ترسیم کرده‌اند اثر دیگری که در شکل‌گیری اصالت جمعی می‌توان به آن توجه داشت، رساله المنامات و النبوات است که در شرح شکل‌گیری ملکات انسانی از امورات نسبی و اعتباری تحریر شده و از همین منظر می‌توان شکل‌گیری اصالت جمعی و وجود عینی جامعه را نیز از طریق ملکات اجتماعی توضیح داد. این نیمه دوم را می‌توان مباحثی دانست که علامه دیدگاه خود پیرامون ساختارهای عینی اجتماعی را مطرح نموده‌اند.

اما عنصر اصلی که کنشگری و ساختارهای خاص اجتماعی ذیل آن ایجاد شده و تکامل می‌یابند، نوعیت انسانی به عنوان بنیانی مشترک است. کنش‌های انسانی همه

۱. از جمله مباحث تحلیلی علامه در حوزه اعتباریات که از منظر هستی‌شناختی و انسان‌شناختی مطرح شده است مربوط به رساله الولایه (۱۴۰۲ق) و رساله نبوات و منامات (بی‌تا) می‌شود.

در قالب اعتبارات فردی و اجتماعی مشخصی ایجاد می‌شود که ظرف این اعتبارات برای همه انسان‌ها مشترک است. از سوی دیگر همین کنش‌ها رفته رفته واقعیتی عینی در جامعه ایجاد می‌کند که همان اصالت جامعه یا ملکات خاص هر جامعه انسانی است؛ این ملکات اجتماعی خاص نیز با اینکه ممکن است در میان جوامع مختلف متفاوت باشد؛ اما بر بسترهای ذاتی موجود در نوع انسانی و نیازهای طبیعی او شکل می‌گیرند.

### ۲-۳- ساختارهای نوعی بشری در دیدگاه علامه طباطبایی (ره)

شروع بحث ابعاد وجودی انسان در دیدگاه علامه را از دو منظر فلسفی و منظر قرآنی می‌توان مطرح کرد. علامه رساله‌ی انسان پیش از دنیا را با این دو منظر آغاز می‌کنند: هر موجودی در عالم ماده علتی در عالم مثال دارد و آن علت نیز علتی اعلی در عالم عقل. انسان نیز وجودی عالی در عالم مثال و وجودی اعلی و کلی در عالم عقل دارد. همین بحث فلسفی در بیان تفسیری علامه به تفاوت میان عالم خلق و عالم امر برمی‌گردد: هر موجودی در عالم خلق، حقیقتی اعلی در عالم امر دارد که عالم غیر تدریجی و مطلق است (طباطبایی، ۱۳۸۷: ۲۲-۱۹). این حقیقت در تفسیر المیزان به بیان ساده‌تر نوعیت مطلق انسانی بیان شده است. نوعیت انسانی وجودی مطلق است که خلقت به آن تعلق نمی‌گیرد اما خصلت‌های ذاتی، طبیعی و مشترک افراد و جوامع انسانی به آن مرجع واحد ارجاع دارد؛ بنابراین نوعیت به عنوان یک وجود مجزا از حوزه مطالعات تجربی خارج است؛ اما به عنوان خصلت‌های مشترک فطری و طبیعی در میان بشریت قابل مطالعه تجربی است: آیا همه انسان‌ها و همه انواع جوامع انسانی خصلت‌های ذاتی مشترک با یکدیگر دارند؟ پاسخ به این پرسش به لحاظ عقلانی از نظر علامه مثبت است و از نظر تجربی هم در دیدگاه ایشان این مسئله قابل اثبات است. در این مسئله به صراحت دیدگاه علامه در تقابل با داروینیسم، داروینیسم اجتماعی و تکامل‌گرایی است که نافی خلقت انواع و ذاتیات مشترک بین افراد بشری هستند.

دو قاعده «تنازع در بقا» و «انتخاب طبیعی» باعث منحل شدن کثرت و متلاشی شدن اجتماع است و این دو قاعده، جامعه را به (بیانی که می‌آید) به وحدت می‌کشاند، برای اینکه هر یک از دو طرف نزاع می‌خواهد به وسیله نزاع طرف دیگر را فاسد نموده، آنچه او دارد ضمیمه خودش کند، یعنی وجود او و مزایای وجودی او را ضمیمه وجود خود کند، این مقتضای قاعده اول است. قاعده دوم هم اقتضا دارد که از این دو طرف نزاع آن که

قوی‌تر و شریف‌تر است بماند و آن دیگری فدای او شود. پس نتیجه دو قاعده نامبرده، این می‌شود که از دو طرف نزاع یکی بماند و دیگری از بین برود و این با اجتماع و تعاون و اشتراک در زندگی که مطلوب فطری انسان است و غریزه‌اش او را به سوی آن هدایت می‌کند تا زمین به دست این نوع آباد شود منافات دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ۴۶۳). اما نسبت نوعیت با فرد و جامعه انسانی چگونه است؟ آیا نوعیت فقط مربوط به فرد می‌شود یا جوامع انسانی هم از نظر علامه خصلت‌های ذاتی مشترک دارند؟ در دیدگاه علامه هم فرد و هم جامعه انسانی (البته در تعریفی که در ادامه از شکل‌گیری جامعه واقعی خواهیم داشت) مربوط و متصل به یک نوع مشترک و خصلت‌های ذاتی آن است. «غرض خلقت اولاً و بالذات متعلق به طبیعت انسان فرد شده و ثانیاً و بالتبع متعلق به اجتماع انسانی شده است» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۵۶۶). این طبیعت نوعیه که از طریق توالد و تناسل از فردی به فرد دیگر منتقل می‌شود، به همین صورت در بعد اجتماعی نیز از نسلی به نسل بعدی انتقال می‌یابد و این طبیعت نوعیه است که باقی می‌ماند، هر چند افراد یا نسل‌ها دچار نابودی شوند (همان، ۵۶۷).

### ۲-۴- کنشگری در بستر ساختارهای نوعی بشری

پس از تشریح رابطه میان «فرد» با «نوعیت انسانی»، باید به مسئله شکل‌گیری کنش در فرد پرداخت. محور شکل‌گیری کنش در انسان از دیدگاه علامه به «وجود رو به تمامیت»<sup>۱</sup> او باز می‌گردد؛ اینکه انسان وجودی تمامیت یافته نیست، بلکه از طریق عمل، توسعه وجودی و کسب کمالات لازمه‌ی وجودی خود به سمت این تمامیت در حرکت است. انسان قوای فعاله‌ای دارد که رسیدن به کمال از طریق افعال این قوا حاصل خواهد شد.

خدای تعالی برای انسان سنجی از وجود اختیار کرده که قابل ارتباط با تمامی اشیاء عالم است و می‌تواند از هر چیزی استفاده کند، چه از راه اتصال به آن چیز و چه از راه وسیله قرار دادن برای استفاده از چیز دیگر. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۷۱). انسان برای انجام افعال خود مجهز به دو نوع ادراک است: یکی ادراکات درونی که نیاز به انجام افعال را در او ایجاد می‌کند که اعتباریات خوانده می‌شود و یکی دیگر ادراکاتی حقیقی

۱. این مسئله در آثار مختلف ایشان از جمله رساله انسان در دنیا، تفسیر المیزان ج ۲ و ج ۸ و رساله المنامات و النبوات تشریح شده. طالب‌زاده (۱۳۸۹) در مقاله «نگاهی دیگر به اعتباریات، امکانی دوباره برای علوم انسانی» شرحی هستی‌شناسانه بر این نظریه علامه و مبتنی بر مقاله ششم کتاب اصول فلسفه رئالیسم نوشته است.

که از اشیاء بیرونی دارد تا با تطبیق آن با میل درونی بتواند از آن اشیاء برای انجام افعال مورد نیاز قوای خود استفاده نماید. این دو ادراک در یک نقطه که کنش انسانی وابسته به آن است به هم پیوند می‌خورند و آن «توجه» است. توجه بدین معنا که انسان برای رفع نیاز قوای خود که از درون حس می‌کند، به دنبال پاسخ آن در جهان واقع است و هر شیئی که در پاسخ‌دهی به این نیازها و رفع نقص‌ها مؤثر باشد، بدان «توجه» یافته و به دنبال استفاده از آن یا به تعبیر دیگر «استخدام» آن شی در جهت تکمیل خود خواهد بود. توجه به هر شی که برای پاسخ به نیاز خاصی است، به منزله سلب توجه از سایر اشیاء و در واقع سلب توجه از سایر نیازهای درونی است؛ یعنی انسان در لحظه توجه به یک نیاز و پاسخ بیرونی آن تا حدودی از سایر نیازهای درونی و توجه به سایر اشیاء خالی می‌شود. در این لحظه انسان آماده کنش و استخدام آن شیء خارجی است. از این رو در دیدگاه علامه، تبیین نقطه شروع کنش انسانی به دو اصل مرتبط است، «اصل توجه» و «اصل استخدام» که هر دو از خواسته انسان برای رفع نیازها و تکمیل وجودی‌اش برمی‌خیزد.

«پس این سلسله از علوم و ادراکات است که واسطه و رابطه میان انسان و عمل در ماده می‌شود و از جمله این افکار و ادراکات تصدیقی، تصدیق به این معنا است که: واجب است هر چیزی را که در طریق کمال او مؤثر است استخدام کند و به عبارتی دیگر، این اذعان است که باید به هر طریقی که ممکن است به نفع خود و برای بقای حیاتش از موجودات دیگر استفاده کند» (همان: ۱۷۵).

این استخدام از اشیاء ساده پیرامونی آغاز شده و تا استخدام هموعان ادامه می‌یابد. اصل استخدام در شکل خاص استفاده از هموعان در دیدگاه علامه به اصل اجتماع تبدیل می‌شود؛ زیرا در این حالت خاص، برای استخدام دیگران، خود نیز باید تن به استخدام دهد. پس کنش در انسان به واسطه‌ی میل به کمال و توسعه وجودی رقم می‌خورد و مسیر این توسعه وجودی، استخدام و به کارگیری هر چیزی است که انسان آن را وسیله‌ای برای رسیدن به کمال می‌بیند. در این تحلیل، کمال‌گرایی انسان هر چند یک ساختار نوعی بشری است، اما امکان کنشگری‌های متفاوت را فراهم می‌آورد که نشانگر وجود نوعی اراده و آزادی در رفتار انسان است. تنوع رفتارها به تنوع خوانش از کمال (ادراکات درونی) و مسیرهای توسعه وجودی (ادراکات خارجی) مرتبط می‌شود که با امورات نسبی و اعتباری در آمیخته است.

## ۲-۵- کنشگری در قالب اعتبارات اجتماعی

همان طور که گفتیم حرکت انسان برای انجام افعال و کمال تدریجی وابسته به ادراکات اعتباری است؛ ادراکاتی که معادل واقعی خارجی ندارند؛ اما انسان با توجه به احساسات و دریافت‌های درونی خود که از قوای فعاله‌اش ناشی می‌شود، این علوم را خلق و ایجاد می‌کند تا بتواند اشیاء و هموعان را استخدام کرده و با توسعه وجودی به تمامیت وجود خود نزدیک‌تر شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۶۵).

مباحث اصلی علامه درباره امکان کنشگری آزادانه بشر و شکل‌گیری بخش دینامیک و پویای جامعه‌شناسی و تاریخ مربوط به همین بخش از نظریه اعتباریات می‌شود. اعتباریات اموراتی ذاتی و حقایقی خارجی و عینی نیستند، بلکه مربوط به حیات ذهنی و فکری و احساسی بشر می‌شود که منشأ گوناگونی و نسبیت‌ها نیز به آن برمی‌گردد. علامه عوامل ایجاد کننده اختلاف ادراکات اعتباری در میان جوامع مختلف انسانی را به این صورت دسته‌بندی کرده‌اند:

تفاوت‌های اقلیمی و جغرافیایی: که اثرات عمیقی بر طبع انسان و احتیاجات زیستی او می‌گذارد.

توارث افکار، تلقین و تربیت: که باعث می‌شود یک فکر و نیاز خاص، پیش چشم انسان قرار گیرد و در به کارگیری اعتبارات از سنت فکری خاصی پیروی کند و کمتر بتواند به شکل‌های مقابل آن فکر کند.

توسعه علوم و تجربیات: انسان هر روز با تجربه‌اندوزی و توسعه علوم نسبت به دنیای اطرافش، خودش و رفع نیازهایش آگاهی‌های تازه می‌یابد و از این آگاهی‌ها در اصلاح عمل استفاده می‌کند. خود این مسئله یکی از ریشه‌های تحول اعتبارات در میان جوامع است (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۱۴۴-۱۴۲).

در بحث از اعتباریات باید بر این نکته نیز تأکید داشت که در کنار این بخش نسبی و دارای اختلاف، «البته در این میان اعتباریات دیگری هم هست که هیچ یک از جوامع و طبقات در آن اختلاف ندارند و آن احکامی است که عقل درباره مقاصد عمومی بشر دارد، مانند وجوب تشکیل اجتماع و خوبی عدالت و بدی ظلم و امثال آن» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۶۵). همان‌طور که ملاحظه می‌کنید، ملاک وحدت یا اختلاف و نسبیت در اعتباریات به مقاصد بشری برمی‌گردد: آنجا که اهداف و مقاصد متفاوت باشد، اعتباریات و کنش‌های بشری نیز دارای نسبیت و گوناگونی است، اما آنجا که اهداف و مقاصد ذاتی

و مشترک باشد، هیچ تفاوت و تمایزی در اعتبار و کنش حاصل از آن وجود ندارد. در ادامه بحث اعتباریات باید به تقسیم‌بندی و انواع اعتباریات نیز اشاره‌ای داشته باشیم. اعتباراتی که انسان برای رسیدن به فعل خود خلق می‌کند، در نگاه علامه در دو گونه کلی قابل تقسیم است: اعتباراتی که وابسته به جامعه نیست و فرد به تنهایی هم آنها را برای فعل و کنش خود ایجاد می‌کند (اعتبارات پیش از اجتماع)؛ دسته دوم اعتباراتی که وابسته به وجود جامعه است و انسان صرفاً در تعامل با دیگران آن را ایجاد می‌کند (اعتبارات پس از اجتماع) (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۱۲۵). آنچه محور بحث ما در مطالعات اجتماعی و تاریخی خواهد بود، پیش از هر چیز اعتبارات اجتماعی است. اعتبارات اجتماعی بسیار گسترده و پیچیده هستند؛ اما با ساده‌سازی آنها و برگشت به عقب می‌توان به چند اعتبار اولیه رسید که سایر اعتبارات امروزی و پیچیده برآمده از آن هستند. علامه (۱۳۸۸) در مقاله ششم اصول فلسفه رئالیسم چهار مورد از اعتبارات اجتماعی را به عنوان این بنیان‌های اولیه برشمرده‌اند: اعتبار مالکیت (حقوق)، اعتبار زبان (هرگونه ارتباط و انتقال معانی از طریق علائم تعریف شده)، اعتبار ریاست و مرئوسیت (قدرت و سلسله‌مراتب اجتماعی)، برابری طرفین.

### ۲-۶- رویکرد ساختارگرایی تکوینی علامه طباطبایی

بر اساس آنچه گفته شد نگاه علامه طباطبایی در حوزه هستی‌شناسی اجتماعی و خوانش تاریخ آن را باید نوعی ساختارگرایی تکوینی دانست. از یک سو علامه قائل به نوعیت انسانی و ساختارهای طبیعی آن است که به کنش فردی و جمعی جهت‌دهی می‌کند و از سوی دیگر، در بستر همین ساختارهای نوعی و بر اساس خوانش متفاوت از نیازهای درونی و مصادیق بیرونی پاسخ به این نیازها، کنش‌های انسانی می‌تواند گوناگون و مبتنی بر نوعی اراده باشد؛ اما ما تا بدین جا فقط به ساختارهای نوعی و کنشگری فردی پرداخته‌ایم و هنوز بحثی از ساختارهای اجتماعی نشده است که لفظ «تکوینی» بودن در رویکردهای ساختارگرایی تکوینی به آن اشاره دارد. در واقع باید ساختارهای اجتماعی را حد واسط میان کنشگری افراد و ساختارهای صلب و جهان‌شمول نوعی دانست؛ این ساختارها هر چند وجهی‌تصلب و تعیین‌مسیر کنشگری‌ها را دارند، اما برخلاف ساختارهای نوعی بشری که از پیش داده شده‌اند، این ساختارها به مرور زمان

و بر اثر کنشگری افراد و گروه‌ها ایجاد می‌شوند. در دیدگاه علامه نیز در میانه نوعیت انسانی و کنشگری فردی، ساختارهای اجتماعی وجود دارد که برای توضیح آن باید به مسئله عینیت‌یابی امورات اجتماعی و نقش تاریخ در آن بپردازیم.

### ۳- دیدگاه علامه طباطبایی (ره) در زمینه عینیت یا ذهنیت امور اجتماعی

در امتداد دوگانه ساختار/عاملیت از دوگان دیگری با عنوان عینیت/ذهنیت امور اجتماعی نیز می‌توان بحث نمود. این دوگانه نیز عامل دیگری در تقسیم‌بندی اندیشمندان علوم اجتماعی است که بر اساس آن عده‌ای از متفکرین قائل به واقعیت خارجی امور اجتماعی همچون پدیده‌های طبیعی هستند و عده‌ای دیگر امر اجتماعی را صرفاً ناشی از تشکیل امری بیناذهنی میان افراد می‌دانند. با وجود آنکه این دوگانه را به صورتی متمایز از دوگانه اول مورد بحث و تحلیل قرار می‌دهیم اما در واقع تفکیکی کامل میان آنها برقرار نیست.

یکی از چالش‌های اساسی در تشریح نظریه اجتماعی علامه طباطبایی (ره) نیز مشخص نمودن جایگاه ایشان در میانه طیف اندیشمندان عینیت‌گرایان و ذهنیت‌گرا (یا نام‌گرایان) در امر اجتماعی است. هر چند ایشان در مقاله ششم اصول فلسفه و روش رئالیسم به صراحت از «اعتبار اجتماع» و اعتباری بودن امورات اجتماعی بحث می‌کند، اما در جای جای تفسیر المیزان شاهد مباحثی هستیم که بر عینیت امر اجتماعی اشاره دارد. این مسئله باعث جریاناتی متفاوت در میان شارحین و مفسرین دیدگاه اجتماعی علامه طباطبایی (ره) شده است. ما در ادامه بحث، پس از شرح دقیق‌تر دوگان عینیت/ذهنیت امر اجتماعی، دیدگاه علامه در این زمینه را نیز تشریح خواهیم نمود.

### ۳-۱- دوگانه عینیت/ذهنیت در رویکردهای اصلی علوم اجتماعی

دوگان عینیت/ذهنیت، دوگان محوری دیگر در مباحث علوم اجتماعی است. متفکرین علوم اجتماعی از زمان آگوست کنت تاکنون، دیدگاه‌های مختلفی را در زمینه عینی یا ذهنی بودن پدیده‌های اجتماعی مطرح نموده‌اند. از یک سو کنت، دورکیم و سایر طرفداران جامعه‌شناسی اثباتی، تأکید بر «عینیت پدیده‌های اجتماعی» داشتند. کنت به وجوه نوعیت بشری و عناصر طبیعی قابل بررسی در تمامی جوامع بشری توجه داشته است؛ اما دورکیم به مسائل فرهنگی توجهی عمیق‌تر داشته و در عین توجه به تنوعات

موجود، به ویژه تنوع میان جوامع سنتی و مدرن، به خصلت‌هایی که در فرآیندی تاریخی در جوامع تثبیت شده و وجه عینی می‌یابد نیز توجه داشته است.<sup>۱</sup>

نقد دیدگاه‌های اثبات‌گرا به جامعه نیز بیش از هر چیز رنگ تاریخی داشته است. متفکرین حوزه تاریخ اجتماعی یکی دانستن موضوع و روش علوم اجتماعی با علوم طبیعی را چه در جامعه‌شناسی و چه در ارائه تبیین تاریخی به چالش کشیدند. در طی دهه‌های ۱۸۹۰ تا ۱۹۳۰ جریانی از متفکرین نوکانتی حوزه تاریخ و جامعه‌شناسی همچون دیلتای، کروچه، زیمل، ریکرت و وبر، با فهم وجه سوژکتیو ادراکات انسانی و تمایز میان مسائل فرهنگی و عینیت‌های طبیعی، رویکردی ضد اثبات‌گرا در خوانش تاریخ اجتماعی را مطرح نمودند. به عقیده آنان آنچه جهان انسانی را از جهان پدیده‌های عینی طبیعی تفکیک می‌نماید، «ارزش‌ها، روح و عمل انسانی» است که اثبات‌گرایان به این تمایز توجه ندارند. در رویکرد دیلتای<sup>۲</sup>، تفهیم تاریخی بسیار توسعه‌یافته و پیچیده می‌شود. به عقیده او هر مورخی، برای خود تصویری سوژکتیو از گذشته با نظام ارزش‌های امروزی می‌سازد. دو روش برای به دست آوردن دانشی از فکت‌ها در پیوند با هم وجود دارد: تجربه<sup>۳</sup> (که در مورد خود شخص صادق است)، تفهیم<sup>۴</sup> (که در مورد دیگران صدق می‌کند). تفهیم عملی است که در آن ما بر پایه تجربیات زیسته خودمان، در تجربه شخصی دیگر زیست خواهیم کرد. کروچه<sup>۵</sup> در امتداد این دیدگاه، فکت‌های تاریخی را مربوط به ذهن مورخ و مربوط به زمان حال و نه گذشته می‌داند. نتیجه این دیدگاه کروچه این بود که دست‌یابی به هیچ دانش اُبژکتیوی از گذشته برای ما مقدور نیست (Topolsky, 1976: 129-130).

۲۰۰

تفکرات انتقادی و بر ساخت‌گرا در امتداد همین اندیشه‌ها و با ترکیب آن با رویکردهای مارکسیستی و پدیدارشناسی صورت‌بندی شدند. کارهای برگر<sup>۱</sup> و لاکمن<sup>۲</sup> که ایده‌های شوتس<sup>۳</sup> را بسط دادند نمونه ویژه‌ای از رویکردهای تفهیمی و پدیدارشناسی، به ویژه در نوع نگاه به تاریخ اجتماعی است. مفهوم محوری «نهادی شدن»<sup>۴</sup> که آنان در مقابل «تشکیل عادت»<sup>۵</sup> که فرایندی فردی است مطرح می‌کنند. در واقع به نهادینه شدن امورات فرهنگی در طول تاریخ و تاریخی شدن<sup>۶</sup> و عینیت یافتن نهادها در جوامع توجه دارد. برگر و لاکمن رویکردی را ارائه می‌دهند که به زعم خودشان نه در مقابل عینیت‌گرایی دورکیمی و نه ذهنیت‌گرایی وبری، بلکه جمع‌کننده این هر دو با هم و به واسطه تاریخ‌مندی است (برگر و لوکمان، ۱۳۹۹: ۲۹).

در ادامه این نوشتار ابتدا دیدگاه علامه درباره دوگان عینیت/ذهنیت در قالب دو اصل «ترکیب» و «تاریخ‌مندی ملکات اجتماعی» توضیح و سپس نسبت آن با دیدگاه‌های اساسی مطرح شده در نظریات علوم اجتماعی تحلیل خواهد شد.

### ۳-۲- اصل ترکیب: تکوین واقعیت اجتماعی

دیدگاه جامعه‌شناختی علامه طباطبایی، دیالکتیکی میان امر واقع و امور ذهنی و اعتباری است که از برهم‌کنش فرد و گروه‌های اجتماعی برمی‌خیزد. در بخش قبلی مباحث این توضیح داده شد که علامه از یک سو قائل به ساختارها و وجوه مشترک نوعی بشری است (همچون نظریه‌ی طبیعت بشری کنت) که چارچوب کلی کنش‌ها را تعیین می‌کند و این ساختارها وجه طبیعی و عینی دارد و از سوی دیگر در درون این چارچوب مشترک، کنش‌های فردی و گروهی بر اساس امورات اعتباری رقم می‌خورد که حد واسط بین ذات خالی از کمال و کمالات ممکن برای انسان است که به واسطه به کار انداختن قوای فعاله می‌تواند بدان‌ها دست یابد (طباطبایی، ۱۴۲۸. ق: ۳۴۰). از این رو وظیفه دانشمند علوم اجتماعی نیز یافتن همین رابطه میان امر اعتباری و امر طبیعی و عینی خارجی است.

۱. مطالعات تاریخی دورکیم از جمله مطالعه او در حوزه تحول نظام مشاغل و تقسیم کار اجتماعی و همچنین مطالعه او پیرامون تحولات نظام تربیتی فرانسه به خوبی نشانگر بررسی نحوه تثبیت خصلت‌های فرهنگی و ارزشی در جوامع غربی است. در این زمینه بنگرید به:

دورکیم. امیل (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی تربیتی. ترجمه محمد مشایخی، تهران: سهامی انتشار.

دورکیم. امیل (۱۳۹۶). درباره‌ی تقسیم‌کار اجتماعی. ترجمه باقر پرهام، تهران: سهامی مرکز.

2. Dilthey  
3. experience  
4. Understanding/ Verstehen  
5. Croce

1. Berger  
2. Luckmann  
3. Schütz  
4. Institutionalization  
5. habituation  
6. historicization

۲۰۱

برای جامعه‌شناس و اهل بحث، در مباحثی که ارتباط با جامعه‌شناسی دارد، جای هیچ شکی نیست که وظائف اجتماعی و تکالیف اعتباری‌ای که منشعب از آن وظائف می‌شود، سرانجام باید منتهی به طبیعت شود، چون این خصوصیت توان طبیعی انسان بود که از همان آغاز خلقتش او را به تشکیل «اجتماع نوعی» هدایت کرد (طباطبایی، ۱۳۷۴ ج ۲، ص ۴۱۲).

تا بدین جا بحث علامه درباره عینیت طبیعی و نوعی است، نه عینیت منتسب به جوامع خاص که با یکدیگر متمایز هستند. برای فهم بهتر این تمایز می‌توان به تفاوت میان الگوی عینیت اجتماعی کنت و دورکیم توجه نمود. در حالی که کنت به «عینیت طبیعی، پیشینی و مشترک همه جوامع» توجه دارد، دورکیم به فرآیند عینی شدن و ترکیب یک جامعه خاص توجه می‌یابد که «عینیتی اجتماعی، پسینی و غیرمشترک در میان جوامع» است.

عینیت مدنظر علامه دارای دو سطح متفاوت است؛ یکی سطح طبیعی و مشترک که تا بدین جا توضیح داده شد؛ و سطح دوم عینیت فرهنگی و اجتماعی که خاص هر جامعه و غیرمشترک است. برای ورود به بحث دوم باید از تحلیل واژه‌ی «امت» آغاز کنیم. اصل کلمه (امت) از ماده «ام- یام» گرفته شده که به معنای قصد است و اگر بر جماعت اطلاق شده بر هر جماعتی اطلاق نشده، بلکه بر جماعتی اطلاق می‌شود، که افراد آن دارای یک مقصد و یک هدف باشند و این مقصد واحد، رابطه واحدی میان افراد باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۸۵).

اصل این بحث در تفسیر آیه ۲۰۰ سوره آل عمران مطرح شده که با بیان «برهان ترکیب» به مسئله اصالت جامعه می‌پردازد که بر اساس همین وحدت آرمان اجتماعی، امت یا جامعه‌ای شکل می‌گیرد که واقعیتی خارجی است و آثاری بیش از مجموع افراد خود را دارا است.

این معنا در سراپای عالم صنع به چشم می‌خورد که نخست اجزایی ابتدایی خلق می‌کند که آن اجزا هر یک برای خود آثار و خواص خود را دارد و سپس چند جزء از آن اجزا را با هم ترکیب نموده (با همه تفاوت‌ها و جدایی‌ها که در آنها هست) هماهنگ و هم آغوششان می‌سازد و از آن هم آغوش شده فوایدی نو اضافه بر فوایدی که در تک تک اجزا بود به دست می‌آورد مثلاً وقتی انسانی کامل شد می‌تواند مقداری از ماده خودش را از خود جدا کند و آن را با تربیت انسان تمام‌عیاری مانند خود بسازد، انسانی که مانند

پدرش عمل کند، هر چه از افعال مادی و روحی که از پدرش سر می‌زند از او هم سر بزند. همین مسئله عیناً درباره جامعه انسانی نیز برقرار است و بر اساس همان اصل «وحدت هدف و آرمان»، افراد انسانی در یک گروه اجتماعی می‌توانند با یکدیگر پیوند یافته و از ترکیب آنها کلی ایجاد شود که خواص و فوایدی بیش از مجموع خواص تک‌تک افراد داراست.

به همین جهت قرآن کریم غیر از آنچه برای افراد هست وجودی و عمری و کتابی و حتی شعوری و فهمی و عملی و اطاعتی و معصیتی برای اجتماع قائل است، مثلاً درباره عمر و اجل امته‌ها می‌فرماید: «و لکل أمة أجل فاذا جاء أجلهم لا يستأخرون ساعة و لا يستقدمون». از این رو علامه در تحلیل اجتماعی خود از پیکره واحد اجتماعی بحث نموده و با تشبیه جامعه به یک پیکره جسمانی حائز حیات، اجزاء مختلف آن را نیز به اندام‌ها و سلول‌های بدن تشبیه می‌کند که در عین مجزا بودن اما هدفی واحد را در یک پیکره زنده محقق می‌نمایند:

«تن انسان مجموعه‌ای است مرکب از اعضا و قوایی چند که همه به نوعی دست به دست هم داده و وحدتی حقیقی تشکیل داده‌اند که ما آن را انسانیت می‌نامیم، و این وحدت حقیقی باعث می‌شود که تک تک آن اعضا و آن قوا در تحت استقلال مجموع، استقلال خود را از دست داده و در مجموع مستهلک شوند، چشم و گوش و دست و پا و ... هر یک عمل خود را انجام بدهد و از عملکرد خود لذت ببرد، اما نه بطور استقلال، بلکه لذت بردنش در ضمن لذت بردن انسان باشد... این وضع اجزای یک انسان است که می‌بینم دست به دست هم داده و در اجتماع سیر می‌کنند و همه به یک سو در حرکتند، افراد یک جامعه نیز همین حال را دارند، یعنی اگر تفکرشان تفکر اجتماعی باشد، خیر و شر، فساد و صلاح، تقوا و فجور، نیکی کردن و بدی کردن و ... یک یک آنها در خیر و شر مجتمعتشان تاثیر می‌گذارد» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۶۶-۱۵۲).

برهان ترکیب علامه طباطبایی (ره) در دیدگاه اجتماعی، شباهت تامی به دیدگاه دورکیمی دارد. دورکیم قائل به این مسئله است که «هدف مشترک» است که مجموعه‌ای از افراد مجزا را به یک کل واحد تبدیل می‌کند که در صورت حفظ این هدف مشترک در طی نسل‌ها، این کل واحد، امتداد تاریخی نیز می‌یابد (Durkheim, 2008). نیز در بحث از فرآیند شکل‌گیری «وجدان جمعی» از اصطلاح «ترکیب» بهره می‌برد.

در سلول زنده چیزی جز مولکول‌هایی از مواد خام وجود ندارد. لکن این ملکوت‌های خام در داخل سلول زنده با هم ترکیب شده‌اند و همین با هم ترکیب‌شدگی علت نمودهای تازه‌ای است که مشخص‌کننده‌ی حیات‌اند که حتی نطفه‌اش را هم در هیچ یک از عناصر مجزا از هم نمی‌توان پیدا کرد. علت این است که کل همان حاصل جمع اجزاء خود نیست، کل چیزی دیگر است که خواص آن با خواص اجزای متشکل آن فرق دارد. حیات اجتماعی از همین تلفیق نتیجه می‌شود و بنابراین همین تلفیق تبیین‌کننده‌ی آن است. روان‌های فردی، با جمع شدن، در هم متداخل شدن و در هم آمیختن خود موجب پیدایش وجودی تازه می‌شوند (آرون، ۱۳۹۶: ۴۲۱).

### ۳-۳- اصل تاریخ‌مندی و خلق ملکات اجتماعی: تبدیل امورات ذهنی اجتماعی به

#### امورات عینی

وقتی از «برهان ترکیب» در دیدگاه علامه طباطبایی (ره) بحث می‌نماییم، منظور فرآیندی است که طی آن مجموعه اجزایی پراکنده، به وحدتی واقعی رسیده و کلی را تشکیل می‌دهند که تا پیش از این وجود نداشته است. این فرآیند، فرآیندی زمان‌مند و غیر دفعی است. برای فهم بهتر این زمان‌بندی می‌توان از قواعد امور فردی آغاز کرده و به قواعد ترکیب اجتماعی سیر نمود زیرا علامه نسبت یک به یکی میان فرد و جامعه انسانی و ساختار وجودی آن‌ها قائل است.

جامعه مانند فرد است و امور اجتماعی نظیر امور فردی در همه احوال وجودی مثل هم هستند، مثلاً همان‌طور که یک فرد از انسان حیات و زندگی و مرگ و افعال و آثاری دارد؛ جامعه نیز برای خود حیات و ممات و عمر و اجلی معین و افعال و آثاری دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۶۳۴).

فرد انسانی برای رسیدن به کمال، از طریق رفتارهایی که متکی بر ادراکات اعتباری شکل می‌گیرند، کنش خود را آغاز کرده که در ابتدا حالتی گذرا در نفس دارد. علامه این مرحله از امورات فردی را که غیر زمان‌مند و دفعی هستند را «حال» می‌نامد. پس از تکرار «عمل»، همین حالت در درون انسان به عادت‌ماندگار تبدیل‌شده و صورت علمی واقعی را در نفس شکل می‌دهد که «ملکه» نام دارد (طباطبایی، بی‌تا: ۵۲-۵۱). در درون جامعه نیز امورات تثبیت شده فرهنگی و نهادی به همین صورت شکل می‌گیرند. شروع کنش‌های اجتماعی به صورت اعتباری و گذراست، اما همین امورات پس از تکرار

و تثبیت در دل جامعه، به اموراتی نهادینه و فرهنگی مبدل می‌گردند. تفاوت اصلی میان امورات فردی و اجتماعی در این زمینه، به مفهوم زمان و عمر بازمی‌گردد. عمر اجتماع با عمر فرد تفاوت دارد و یک روز از نظر جامعه‌شناس برابر با یک عمر در نظر سایر افراد است، روز اجتماع همان است که قرآن کریم درباره‌اش فرموده: «و تلک الایام نداولها بین الناس». منظور از این روزگار همان عصر و قرنی است که در هر قرنی مردمی بر مردم دیگر غلبه می‌کنند (همان: ۶۴۷).

بنابراین جوامع با «تاریخی‌سازی» امورات اجتماعی خود، روابط نهادی را شکل می‌دهند که حکم «ملکات اجتماعی» را داشته و علاوه بر اینکه برای تسهیل اجرای امورات جامعه ایجاد شده‌اند، تغییر در آنها نیز بسیار دشوار است. همچنان که از این گفتار برمی‌آید، نگاه علامه طباطبایی در حوزه هستی‌شناسی اجتماعی را بیش از آنکه فردگرا یا جمع‌گرا بدانیم باید نهادگرا دانست. همین رویکرد است که پیوند بیشتری میان مباحث اجتماعی و تاریخی ایجاد می‌کند. رویکرد نهادگرا در عین اینکه قائل به واقعیت‌یابی ساختارهای اجتماعی در شکل نهادی است، نقش رفتار و کنش عاملین در ایجاد و تحول این نهادها و ساختارها را نیز مدنظر دارد. چنین نظریه‌ای را همچنان که پیش‌تر گفته شد در طیف نظریات ساختارگرا و کنش‌گرا، باید در میانه این طیف یعنی رویکردهای ساختارگرایی تکوینی قرار داد.

مزیت یا برتری برداشت ساختارگرایی تکوینی در آن است که تعریف آن از ساختار اجتماعی ساختاری در تعامل با کنش افراد و تاریخ اجتماعی است؛ «ساختاری که با اندیشه و رفتار انسان‌ها رابطه‌ای دیالکتیکی و متحول‌شونده دارد، نه رابطه‌ای صرفاً تعیین‌کننده. مع ذلک در این تعریف، جامعه هنوز از هویتی عینی و واقعی برخوردار است، اگرچه عینیت یا واقعیت آن نسبت به تعریفی که از آن در سیستم کل‌گرا ارائه می‌شود کمتر است» (لوید، ۱۳۹۶: ۳۱۳).

دیدگاه ساختارگرایی تکوینی اجتماعی به ویژه تلاقی جدی با نظریات ساخت‌گرایانه برگر و لاکمن پیدا می‌کند اما تمایز جدی رویکرد اجتماعی علامه با این نظریه به مسئله عینیت برمی‌گردد؛ زیرا عینیت مدنظر برگر و لاکمن، عینیتی است که در دل نظریه‌ای ایدئالیستی شکل گرفته و هیچ‌گاه فارغ از سوژه و ذهنیت بشری نیست.

این شکل‌بندی‌ها با کسب سرشت تاریخی، کیفیت بسیار مهم دیگری نیز کسب می‌کنند، یا به بیان دقیق‌تر کیفیتی را کامل می‌سازند که وقتی «آ» و «ب» به

نمونه‌سازی‌های متقابل اعمال خویش آغاز کردند شکل ابتدایی داشت: این کیفیت همانا عینیت است. این امر بدان معنی است که نهادهایی که اکنون متبلور شده‌اند، چنان تلقی می‌گردند که گویی در ورای وجود افرادی که در آن لحظه «اتفاقاً» آنها را تجسم می‌بخشند وجود دارند. به بیان دیگر نهادهای اینک چنان به تصور می‌آیند که گویی از واقعیتی خاص خود برخوردارند، واقعیتی که با فرد به عنوان امری خارجی و ضروری مواجه می‌شوند (برگر و لوکمان، ۱۳۹۸: ۸۷).

اما در مقابل، علامه به صراحت قائل به نظریه‌ای واقع‌گرا در هستی‌شناسی اجتماعی است و حتی وجه تاریخی نیز صرفاً برای تکوین این واقعیت عینی و تکمیل جوهره‌ی آن است نه اینکه آن را به ذهنیت افراد بشری واگذارد: «این رابطه‌ی حقیقی که بین فرد و جامعه وجود دارد، خواه‌ناخواه به وجود و کینونتی دیگر منجر می‌شود، کینونتی در مجتمع و مطابق قوت و ضعف و وسعت و ضیق که افراد در وجودشان و قوایشان در خواص و آثارشان دارند و در نتیجه غیر از وجود تک‌تک افراد که فرضاً ده میلیون نفرند، یک وجود دیگری پیدا می‌شود بنام مجتمع و غیر از آثار و خواصی که تک‌تک افراد دارند خواص و آثار دیگر و از همه قوی‌تر پیدا می‌شود به نام آثار اجتماع» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۱۵۲).

### ۳-۴- ایجاد تغییرات در روابط نهادی و واقعیات اجتماعی

همچنان که شکل‌گیری «ملکات» در فرد، برای تسهیل و تسریع امورات روزمره او است و رفته رفته به بخشی از وجود او مبدل می‌گردد، در جامعه نیز، روابط نهادی و امورات تثبیت شده اجتماعی، برای تسهیل و تسریع در زندگی اجتماعی شکل می‌گیرد تا جامعه بتواند رشد و تکامل خود را سرعت بخشد و عوامل مخد در این مسیر را دفع نماید. از این رو، این روابط نهادینه و تثبیت شده بر بنیان هدف مشترک جمعی شکل گرفته‌اند و تغییر در آنها بسیار دشوار است تا حدی که علامه، بیش از آنکه قائل به کنشگری فرد برای تغییر جامعه باشد، قائل به غلبه روابط نهادینه جمعی بر کنشگری فرد است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۵۲)؛ امری که در دیدگاه‌های جامعه‌شناختی به دیدگاه دور‌کیمی شباهت دارد. هرگاه فردی بخواهد در مقابل ملکات جمعی ایستادگی نموده و اعتباری جدید را جایگزین روابط اعتباری پذیرفته شده در جامعه نماید، این مسئله به عنوان عاملی مخد رشد طبیعی جامعه نگرسته شده، آحاد جامعه در مقابل او

ایستادگی خواهند کرد؛ اما همچنان که راه تغییر ملکات فردی در بیشتر موارد بسته نیست، ملکات جمعی را نیز، هر چند بسیار دشوار، اما طی فرآیندی تاریخی می‌توان تغییر داد. نقطه شروع ایجاد ملکه، «توجهات جمعی» به امری خاص برآمده از نیازهای اجتماع و «اراده» و «کنش» متناسب با آن بود. پس از اینکه این کنش در جهت توجه جمعی شکل گیرد، به طور متقابل «توجه جمع» به آن امر خاص را تقویت نموده و رفته رفته به یک صورت علمی تثبیت شده در نفس تبدیل می‌شود که به بیان علامه آن را ملکه نامیدیم؛ بنابراین ملکه حاصل تقویت و تشدید توجهات جمع به یک امر خاص است. حال اگر قرار باشد، ملکه جمعی تغییر نماید، باید توجهات جمعی از امورات اولیه سلب و رفته رفته به امر دیگری معطوف شود.

«ساقط شدن اراده، فقط به سبب ضعف علم است که این ضعف ناشی از ضعف توجه نفس است..نفس با برداشتن توجه از یک صورت، به صورت دیگر متوجه می‌شود؛ زیرا نفس از اراده خالی نیست.» (طباطبایی، بی‌تا: ۴۷).

این «سلب توجه» و «جلب توجه» تازه نیز از طریق افراد و گروه‌های درون جامعه و به طور ویژه از طریق مراجع ساخت اجتماعی رقم می‌خورد. «ممکن است امری در زمانی قطعی بوده و ثبوتش بدون شک باشد و همان امر در زمان دیگر بطلانش قطعی و بدون شک باشد. این انتقال از حالتی به حالتی دیگر فقط به سبب وقوع امری اتفاقی است که موجب انصراف [و متوجه شدن] یکی از انسان‌ها به آن می‌گردد. سپس به صورت تدریجی بقیه انسان‌ها به مسیر او وارد می‌شوند...» (همان: ۶۱).

تغییر الگوهای نهادی معمولاً باید از طریق «کنشگری جمعی» صورت گیرد؛ یعنی گروهی از افراد یک جامعه با «هدف و آرمانی» متفاوت با الگو و هدف از پیش تعیین شده، در اعتبارات موجود تحول ایجاد کنند و به مرور بر دایره گروهی و کنشگری خود بیفزایند. این تلاش تنها در صورتی به تغییر نهادی و ساختاری منتهی می‌شود که وجه تاریخی و بین‌نسلی یافته و تغییر در «هدف مشترک» و «ترکیب اجتماعی» را تثبیت کند؛ بنابراین در دیدگاه تاریخی- اجتماعی علامه، بررسی «کنشگری در وجه جمعی و تاریخی» دارای اهمیت است؛ کنشگری که در مقابل کنشگری‌های فردی و کوتاه‌مدت قرار می‌گیرد. به همین دلیل است که در نظر ایشان بررسی تاریخ امت‌ها اهمیتی بیش از بررسی تاریخ اشخاص (همچون پادشاهان و رؤسای جوامع) دارد (همان). این کنشگری‌های جمعی به سه صورت می‌تواند «اهداف و ارزش‌های جمعی» را دچار تغییر نموده و ایده‌هایی دیگر



را جایگزین روابط موجود نهادی و اجتماعی نماید (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۲۵):  
 وراثت: اولین طریق، وراثت از نسل‌های پیشین است. اهداف و ارزش‌های جدید ممکن است از طریق الگوهای روابط نهادی که در گذشته‌ی جامعه موجود بوده است دوباره به کار گرفته شود.

سرایت: گاهی ممکن است جامعه‌ای یک رفتار جدید را از جامعه‌ای دیگر فراگیرد و عادات نسل‌های پیشین خود را کنار بگذارد. این حالت در بیان علامه سرایت نام دارد. هر چند علامه در تفسیر المیزان صرفاً از همین دو الگو برای شکل‌گیری تحولات اجتماعی بحث نموده است، اما برخی مصادیق تحولات اجتماعی که معمولاً با عنوان نوآوری شناخته می‌شوند، نه امری سرایت یافته از جوامع دیگر هستند و نه در سنت پیشینیان جایگاهی داشته‌اند. در تحلیل این دسته از تحولات باید به تحلیل علامه در رساله منامات و نقل‌قول‌هایی که اشاره نمودیم توجه داشته باشیم و گونه‌ی سوم را نیز در کنار دو گونه اول تحولات اجتماعی تعریف نماییم.

بداعت<sup>۱</sup>: مدل سوم که به نوعی در مقابل دو نوع تقلیدی فوق قرار می‌گیرد از طریق نوآوری‌های افراد در جامعه ایجاد می‌شود که کمیاب‌تر و سخت‌تر از دو گونه دیگر است؛ اما گاهی اوقات فردی در جامعه توان توجه به امری مخالف عادات اجتماعی را پیدا می‌کند که اگر او بر این توجه و فعل جدید اصرار ورزد، رفته رفته بر اطرافیان خود اثر گذاشته و این جریان ممکن است ملکه و عادت‌ی جدید را در جامعه ایجاد کند (طباطبایی، بی‌تا: ۶۲).

### ۳-۵- تبیین پدیده‌های اجتماعی از دیدگاه علامه طباطبایی (ره)

وقتی از عینیت/ذهنیت در علوم اجتماعی بحث می‌کنیم، یکی از مهم‌ترین مسائل مرتبط با آن نحوه‌ی تبیین است. همچنان که در ابتدای بحث اشاره نمودیم رویکردهای اثبات‌گرا، بیشتر تمایل به تبیین‌های علی از جنس قوانین طبیعی دارند؛ حال آنکه رویکردهای ایدئالیستی و ذهنیت‌گرا، چنین تبیین‌هایی را خاص علوم تجربی و طبیعی می‌دانند. در دیدگاه آن‌ها، در علوم اجتماعی از شکل‌های دیگری از تبیین همچون «شهود»، «تفهم»، «تفسیر» و «تبارشناسی» باید بهره برد. دلیل این مسئله، عدم وجود روابط علی و معلولی میان پدیده‌های اجتماعی است که نقش تاریخ و تفسیر را پررنگ می‌نماید.

از آنجا که در دوگان عینیت/ذهنیت، رویکرد اجتماعی علامه را رویکردی در رده ساختارگرایی تکوینی دانستیم که قائل به تبدیل امورات ذهنی و اعتباری به امورات نهادینه شده جمعی در فرآیندی تاریخی است، ارائه تبیین تاریخی و اجتماعی نیز در دو الگوی متفاوت قابل بررسی است. از آنجا که شروع کنش‌های اجتماعی، به صورت روابط اعتباری است، علامه، در مورد بررسی این مرحله و این سطح از پدیده‌ها و روابط اجتماعی، تبیین علی- معلولی را ناکارآمد دانسته و سیر قهقرا- یا خوانش تاریخ شکل‌گیری اعتبارات از اکنون به گذشته- را پیشنهاد می‌کند (طباطبایی، ۱۳۸۸).

علامه در این بخش از روش‌شناسی بررسی اعتبارات، به طور خاص توجه به تاریخ اجتماعی و نوعی «تبارشناسی<sup>۱</sup>» خلق و تحول امور اعتباری اشاره دارد. همچنین علامه در ابتدای رساله‌ی اعتبارات، روش دیگری مشابه روش‌های تفهیمی و شهودی<sup>۲</sup> با عنوان «توهم مجرد» را برای بررسی امورات اعتباری مطرح می‌کنند (طباطبایی، ۱۴۲۸: ۳۴۰). منظور از توهم مجرد نوعی آزمایش ذهنی و قرار دادن خود در جای اشخاصی است که ما در موقعیت آنان قرار نداریم. به طور خاص وضعیت‌های ویژه‌ای که ما را در فهم نوع رفتار انسانی به طور عموم یا در آن وضعیت تعیین شده آگاه می‌سازد. این مسئله در مطالعه تاریخی و موقعیت‌های خاص انسان در ساخت امورات اعتباری نیز برقرار است. این روش تا حدودی نزدیک به دیدگاه‌های شهودی و تفهیمی محسوب می‌شود.

اما الگوی دوم تبیینی، مربوط به بررسی عینیات اجتماعی است که خود بر دو گونه امورات طبیعی و نوعی بشری و امورات و ملکات اجتماعی خاص، تقسیم می‌گردد. در مورد این امورات عینی، علامه قائل به روابط علی- معلولی و قوانین علمی است. ایشان در تفسیر المیزان به بحثی چالشی در زمینه قیاس میان قوانین طبیعی و قوانین اجتماعی و جریان علیت در هر یک از این دو حوزه می‌پردازند. هر چند در این تحلیل شباهت‌های بسیاری میان قوانین طبیعی و اجتماعی وجود دارد اما این دو نوع قوانین را به نوعی باید از یکدیگر متمایز دانست. تفاوت اصلی این دو نوع قوانین در «قطعی بودن» یا «حداکثری بودن» تبیین پدیده‌هاست.

1. genealogy  
 2. intuition

۱. لفظ «بداعت» با این مضمون در آثار علامه مورد استفاده قرار نگرفته است. ما مضمون مدنظر علامه را با توجه به عناوین پیشین -سرایت و وراثت- «بداعت» نامیدیم.

علل و اسبابی که امور و حوادث اجتماعی به آن‌ها مستند است تأثیرشان صد در صد نیست، بلکه تأثیرش حدود هشتاد درصد است، در نتیجه ما نیز نتایج هشتاد درصد را می‌جوئیم و وقتی اراده می‌کنیم اسبابی را فراهم می‌کنیم که باز تأثیرش اغلبی و هشتاد درصد است نه دائمی و قطعی و صد درصد، چیزی که هست در همه این موارد احتمال خلاف را که همان بیست درصد است به حساب نمی‌آوریم و اما علت‌های تامه و صددرصدی که معلول‌های آنها از آنها جدا نمی‌شوند تنها در عالم طبیعت یافت می‌شوند و باید از راه علوم حقیقیه که پیرامون حقائق خارجی بحث می‌کنند آنها را کشف نمود (همان: ۶۴۳).

بنابراین تبیین تاریخی-اجتماعی در چارچوب نظری اعتبارات در پی تبیین علل و اسباب اجتماعی است که هر چند منتهی به پدیده‌هایی واقعی می‌شود، اما این امور واقعی رابطه علی طبیعی با هم ندارند، بلکه رابطه علی اجتماعی دارند که حداکثری است، نه قطعی و صددرصدی. همین مسئله است که امکان تحول و تکوین تدریجی را برای پدیده‌های اجتماعی و انسانی فراهم می‌آورد و امکان ارتباط امور واقعی و ذهنیات اعتباری را فراهم می‌کند. در پژوهش پیرامون سرمنشأ رفتارهای نهادی در جامعه در واقع ما در پی بررسی همین امورات اعتباری و تثبیت و نهادینه شدن آنها در جامعه هستیم.

#### جمع‌بندی

به دلیل وجود دو دیدگاه کاملاً متفاوت «اعتباریات» و «اصالت جامعه»، برای رسیدن به دیدگاه جامع علامه، پیچیدگی‌هایی وجود دارد که مربوط به اتصال میان امر اعتباری و امر واقعی و اصیل در ارتباطات اجتماعی است. ما در این زمینه از «واسطگی تاریخ و آرمان اجتماعی» در تفسیر میزان بهره‌بردیم تا این چالش رفع گردد.

به واسطه همین اجتماع میان اعتبار و اصالت، چالش دیگری در زمینه «تبیین اجتماعی و تاریخی» مطرح شد: آیا از «تبیین‌های علی» برای پدیده‌های تاریخی و اجتماعی می‌توان بهره برد یا صرفاً مدل‌های تفهیمی و شهودی، یا «تبارشناسی اعتبارات» است که مورد استفاده قرار می‌گیرد؟ بر اساس همان قاعده قبلی یعنی «واسطگی تاریخ» تا زمانی که با امورات اعتباری در مطالعه تاریخی و اجتماعی مواجه هستیم باید از روش‌های بررسی تبارشناختی (سیرقهقرایی)، یا تفهیمی (توهم‌المجرد) بهره‌گیریم، اما وقتی در طی تاریخ و در گذر چند نسل، آرمانی به اشتراک گذاشته و تثبیت شده باشد و بر اساس آن رفتارها

و اموراتی نهادینه شود، از قوانین و تبیین‌های علی اجتماعی نیز می‌توان بهره برد. بر اساس این مبانی اولیه به طور خلاصه، می‌توان اصول روشی ذیل را بیان کرد:

۱- اصل توجه و اراده: کنش انسانی بر اساس احساس انسان در رفع نیاز قوای درونی خود از یک سو و توجه یافتن به اشیاء بیرونی به عنوان پاسخ نیازهای درونی از سوی دیگر شکل می‌گیرد. بدین معنی نفس هیچ‌گاه خالی از اراده نیست؛ آنچه اراده‌ی انسان را جهت می‌دهد «توجهات» او است.

۲- اصل محوریت استخدام در کنش بشری: توجه انسان که از میل او به رفع نقص یا کمال یافتن نشئت می‌گیرد او را به استخدام یا استفاده از اشیاء عالم می‌کشاند و این حکم کلی را در وجود او فعال می‌سازد که «هر چیزی را که در طریق کمال او مؤثر است استخدام کند».

۳- اصل استخدام اجتماعی: شکل خاص استخدام، به کارگیری هم‌نوعان برای «کمال خود» است. از اینجا شروع کنشگری اجتماعی انسان است. این استخدام بر بنیاد فهمی از «خود» و «دیگری» رقم می‌خورد که حدود آن قابل تغییر است.

۴- اصل اخذ سایر اعتبارات اجتماعی از اعتبار استخدام: علاوه بر اینکه «استخدام»، خود نوعی اعتبار است، سایر اعتبارات اجتماعی نیز برای انجام درست استخدام اجتماعی شکل می‌گیرند و اگر استخدام اجتماعی نبود هیچ یک از اعتبارات بعدی شکل نمی‌گرفتند. این اعتبارات عبارت‌اند از: ایجاد ارتباطات از طریق «سخن»، اختصاص اشیاء و افراد به خود از طریق «مالکیت»، و گسترش وجود فعاله خود از طریق «ریاست»؛ پذیرش برابری حقوق افراد در جامعه با اعتبار «تساوی طرفین» که بر علیه رئیس و له مرئوس ایجاد می‌شود.

۵- اصل وحدت بخشی وجود فعاله از طریق مراجع اجتماعی: با پذیرش ضرورت زندگی اجتماعی از طریق ارتباط با یکدیگر (سخن) از هدف و قصد یکدیگر مطلع شده و از طریق رهبران یا مراجع اجتماعی که استخدام را به صورت گسترده و در یک جهت به کار می‌گیرند، بدنه جامعه به وجود فعال آنها تبدیل گشته و نوعی رابطه سر و بدن شکل می‌گیرد.

۶- اصل ترکیب و تکوین واقعیت اجتماعی: اگر جامعه از طریق ارتباط با یکدیگر و توسعه وحدت فعاله از طریق رهبران به آرمان و هدفی واحد میل نماید، نوعی ترکیب افراد در

دل پیکره واحد جمعی شکل گرفته که به پیوندی حقیقی در جامعه منجر شده و کلی واحد را شکل می‌دهد. این پیوند ممکن است به تناسب وحدت هدف مشترک، یک جمع کوچک خانوادگی تا گستره‌ای عظیم از جوامع بشری را در برگیرد.

۷- اصل تاریخ‌مندی و خلق ملکات اجتماعی: وقتی واقعیت اجتماعی تکوین یابد، مانند فرد انسانی به کنش برای ادامه حیات خود می‌پردازد و این رفتارها به مرور زمان و گذر تاریخ، خصلت‌هایی را در این جامعه خاص شکل می‌دهد که همچون ملکات فردی برای جامعه است. جامعه‌ای بر اساس اعمال خشونت ممکن است با غلبه ملکه خشونت مواجه شود؛ و همچنین جوامعی دیگر با ملکه عقلانیت، شهوت، شجاعت، حکمت و سایر خصلت‌های بشری ممکن است رشد یابند. این ملکات بیش از هر چیز در نوع روابط نهادی جامعه و نوع رفتارشان با سایر جوامع قابل بررسی است.

۸- اصل تغییرپذیری ملکات اجتماعی و روابط نهادی: تغییر الگوهای نهادی معمولاً باید از طریق «کنشگری جمعی» صورت گیرد؛ یعنی گروهی از افراد یک جامعه با «هدف و آرمانی» متفاوت با الگو و هدف از پیش شکل گرفته، در اعتبارات موجود تحول ایجاد کنند و به مرور بر دایره گروهی و کنشگری خود بیفزایند. این تحول در «آرمان مشترک» و «سازوکارهای نهادینه» شده به سه صورت ممکن است رقم خورد: از طریق «وراثت» و الگوهایی که پیش‌تر در همان جامعه موجود بوده است؛ از طریق «سرایت» اندیشه‌ها و الگوهای اعتباری از جوامع دیگر؛ از طریق «نوآوری» (اصل سرایت، وراثت و نوآوری).

### منابع

۱. آرون، ریمون (۱۳۹۶). مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی. ترجمه باقر پرهام، تهران: علمی فرهنگی.
۲. اتکینسون، آراف (۱۳۹۸). فلسفه تاریخ: نگاهی به دیدگاه‌های رایج در فلسفه معاصر تاریخ. در: حسینعلی نودری (ویراستار)، فلسفه تاریخ. روش‌شناسی و تاریخ‌نگاری، (صص ۲۳-۶۵). تهران: طرح نو.
۳. استنفورد، مایکل (۱۳۹۸). مدخلی بر فلسفه تاریخ: گذشته، حال، آینده. در: حسینعلی نودری (ویراستار)، فلسفه تاریخ. روش‌شناسی و تاریخ‌نگاری. (صص ۶۹-۱۰۶). تهران: طرح نو.
۴. برگر، پیتر و لوکمان، توماس (۱۳۹۹). ساخت اجتماعی واقعیت: رساله‌ای در جامعه‌شناسی شناخت. ترجمه فریبرز مجیدی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۵. بوردیو، پیر (۱۳۹۹). درباره دولت؛ کلاسهای کالج فرانسه. ترجمه: سروش قرائتی، تهران: مولی.
۶. حسنی سید، حمیدرضا، و موسوی، هادی (۱۳۹۸). انسان کنش‌شناسی اعتباری: ظرفیت‌شناسی انسان‌شناسی عالمان علم اصول و علامه طباطبایی برای علوم انسانی. قم: ناشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۷. داوری اردکانی، رضا (۱۳۶۳). ملاحظاتی در باب ادراکات اعتباری. دومین یادنامه علامه طباطبایی، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۸. دورکیم، امیل (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی تربیتی. ترجمه محمد مشایخی، تهران: سهامی انتشار.
۹. دورکیم، امیل (۱۳۹۶). درباره‌ی تقسیم‌کار اجتماعی. ترجمه باقر پرهام، تهران: سهامی مرکز.
۱۰. سروش، عبدالکریم (۱۳۵۹). دانش و ارزش. تهران: انتشارات یاران.
۱۱. سروش، عبدالکریم (۱۳۶۶). تفرج صنع. تهران: انتشارات سروش.
۱۲. سلگی، فاطمه (۱۳۹۴). تحلیل هستی‌شناختی نظریه‌ی ادراکات اعتباری علامه طباطبایی (ره). حکمت صدرایی، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، ۴(۱)، ۵۵-۶۸.
۱۳. سلگی، فاطمه (۱۳۹۳). نظریه‌ی معرفه‌ی النفس علامه طباطبایی (ره) و تأثیر آن بر فلسفه اخلاق ایشان. رساله دکتری، دانشگاه قم: دانشکده الهیات و معارف اسلامی.
۱۴. طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۸۷). انسان از آغاز تا انجام. قم: بوستان کتاب.
۱۵. طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۸۸). اصول فلسفه رئالیسم. قم: بوستان کتاب.
۱۶. طباطبائی، سید محمدحسین (۱۴۲۸). ق. مجموعه رسائل العلامة الطباطبائی (ره). قم: مکتبه فدک.
۱۷. طباطبائی، سید محمدحسین (بی‌تا). تصحیح و ترجمه رساله نبوات و منامات. ترجمه امیرحسین سلیمانی و سعید حسن‌زاده، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۱۸. طباطبائی، سید محمدحسین (۱۴۰۲ ه.ق). رساله الولایه (متن عربی). قم: موسسه اهل بیت (علیهم‌السلام).
۱۹. طباطبائی، محمدحسین (۱۳۷۴). تفسیر المیزان. ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۰. لوید، کریستوفر (۱۳۹۸). تبیین تاریخ ساختارهای اقتصادی و اجتماعی: رابطه اقتصاد و تاریخ. در: حسینعلی نودری (ویراستار)، فلسفه تاریخ. روش‌شناسی و تاریخ‌نگاری، (صص ۲۵۳-۳۶۰). تهران: طرح نو.
۲۱. مطهری، مرتضی (بی‌تا). مجموعه آثار. ج ۱۳، تهران: صدرا.
۲۲. یوسفیان، نوید، و موسوی، میر سعید (۱۳۸۹). سازه‌نگاری معرفتی و برساخت‌گرایی اجتماعی. جامعه پژوهی فرهنگی، ۱(۱)، ۱۲۹-۱۴۳.

۲۳. یورگنسن، ماریون و فیلیپس، لوئیز (۱۳۸۹). نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نی.
24. Durkheim, Emile (2008). Course in Social Science- Inaugural Lecture. *Organization & Environment*, 21 (2).
25. Iggers, Georg (2005). *Historiography in the Twentieth Century from Scientific Objectivity to the Postmodern Challenge*. Middletown : Wesleyan University Press.
26. Iggers, Georg., Wang, Edward (2008). *A Global History of modern histography*. London and New York: Routledge.
27. King, Michelle (2012). Working with/in the archives. in Simon Gunn & Lucy Faire. *Research methods for history*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
28. Topolsky, Jerzy (1976). *methodology of history*. translated by Olgierd Wojtasiewicz, Hingham :D. reidel publishing company.